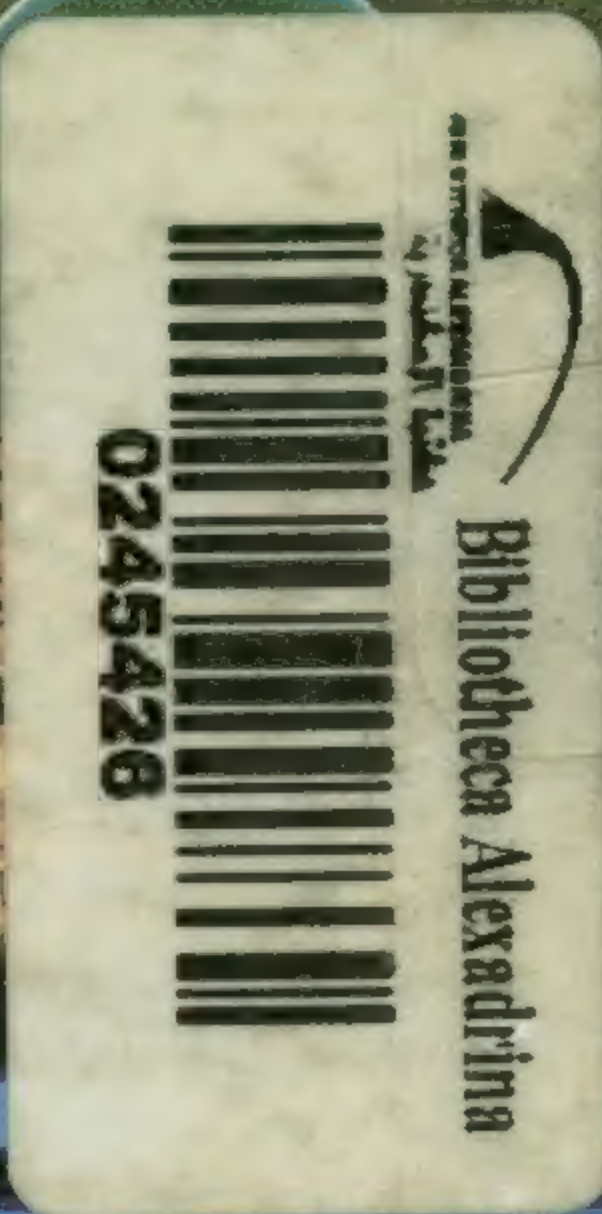
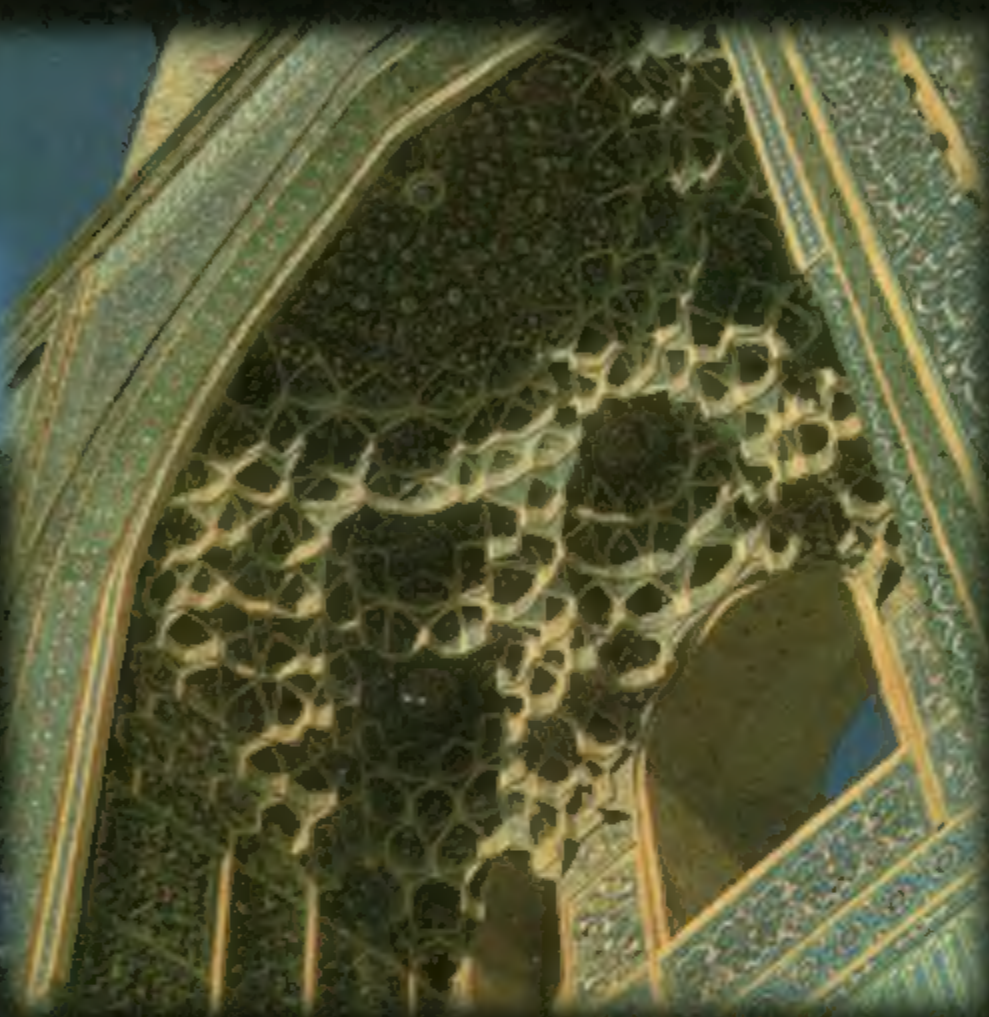




استان

یزد



ایرج افشارستانی

طرح جامع ایرانشناسی و گردشگری



افشار سیستمی، ایرج، ۱۳۱۹ -
شناخت استان یزد / از ایرج افشار سیستمی. - تهران : هیرمند،
۱۳۷۸.

۳۰۲ ص. : مصور (بخش رنگی) - (طرح جامع ایرانشناسی و
گردشگری؛ ۲)

ISBN 964-5521-03-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست نویسی پیش از انتشار).
کتابنامه: ص ۲۸۹ - ۲۹۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. یزد (استان). الف. عنوان.

۹۵۵ / ۹۲

۱۷ الف ۴۳ ز / ۲۰۶۱ DSR

۷۸ - ۱۴۱۸ م

کتابخانه ملی ایران

شناخت استان یزد

مجموعه‌ای از:

تاریخ، جغرافیا، آثار باستانی، جاذبه‌های جهانگردی،
شهرستان‌ها، آداب، رسوم و اقتصاد منطقه یزد

پژوهش و نگارش

ایرج افشار (سیستانی)

انتشارات هیرمند

۱۳۷۸



شناخت استان یزد

پژوهش و نگارش: ایرج افشار (سیستانی)

چاپ اوّل : ۱۳۷۸ هـ. ش.

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

فيلم و زینگ: لیتوگرافی قاسم

حروف نگار و صفحہ آرا: پروین صدقیان

چاپ: چاپخانه حیدری

انتشارات هیرمند: صندوق پستی ۴۵۹-۱۳۱۴۵ تهران تلفن و دورنویس ۶۰۱۶۶۸۶، ۶۴۶۱۰۰۷

عضو هیئت مؤسس شرکت سهامی پخش و توسعه کتاب ایران (پکا)

ISBN 961 - 5521 - 03 - 3 - شابک ۹۶۱ - ۵۵۲۱ - ۰۳ - ۳

تقديم به

مردم آزاده، سخت‌کوش و شريف

استان يزد

جمهوری آذربایجان جمهوری آذربایجان



نقشه ایران

فهرست

پیشگفتار	۲۱
نشانه آواها	۲۳

بخش اول

جغرافیای طبیعی استان یزد	۲۵
فصل اول - جایگاه طبیعی، زمین‌نماشناختی، زمین‌شناختی و خاک ..	۲۹
۱ - نگاهی به جایگاه طبیعی فلات ایران	۲۹
۲ - جایگاه طبیعی استان یزد	۳۲
۳ - زمین‌نما شناختی	۳۳
۴ - زمین‌شناختی	۳۴
۵ - خاک	۳۶
۵ - ۱ - لیتوسل ... با خاک‌های کویری	۳۶
۵ - ۲ - خاک‌های بیابانی	۳۷
۵ - ۳ - خاک‌های بیابانی بافت درشت	۳۹
۵ - ۴ - خاک‌های بیابانی بافت ریز دشت‌ها	۴۰
۵ - ۵ - خاک‌های بیابانی آنتروپوژن	۴۱
۵ - ۶ - خاک‌های بیابانی شور	۴۱

- ۴۳ ۵-۷- خاک‌های باتلاقی شور
- ۴۵ ۵-۸- کویرهای نمک
- ۴۶ ۵-۹- کویرهای شنی و شن روان
- فصل دوم - جایگاه جغرافیایی، ناهمواری‌ها، آب‌ها، آب و هوا، پوشش گیاهی و زندگی جانوری ۴۹
- ۴۹ ۱- جایگاه جغرافیایی، حدود، پهنه
- ۵۱ ۲- ناهمواری‌ها
- ۵۱ ۲-۱- کوه‌ها
- ۵۱ ۲-۱-۱- شیرکوه
- ۵۳ ۲-۱-۲- کوه‌های خَرائق
- ۵۳ ۲-۱-۳- کوه‌های خاوری
- ۵۵ ۲-۲- غارها
- ۵۵ ۲-۳- دشت‌ها
- ۵۵ ۲-۳-۱- دشت یزد- اردکان
- ۵۵ ۲-۳-۲- دشت بافق
- ۵۶ ۲-۴- تپه‌های شنی
- ۵۶ ۲-۵- کفه‌های نمک
- ۵۷ ۲-۶- کویرها
- ۵۹ ۳- آب و هوا
- ۶۲ ۴- آب‌ها
- ۶۲ ۴-۱- آب‌های روی زمین
- ۶۲ ۴-۱-۱- آب سیّده
- ۶۳ ۴-۱-۲- پایین‌در
- ۶۳ ۴-۱-۳- چاه متک
- ۶۳ ۴-۱-۴- خَرائق

۶۵ ۴- ۱- ۵- رحمت آباد
۶۵ ۴- ۱- ۶- سفیدان
۶۵ ۴- ۱- ۷- شور
۶۵ ۴- ۱- ۸- شوراب
۶۷ ۴- ۱- ۹- شوریا فاق
۶۷ ۴- ۱- ۱۰- شور سیریز
۶۷ ۴- ۱- ۱۱- کال هزار چیل
۶۹ ۴- ۲- آب های زیرزمینی
۷۰ ۴- ۳- تنگناها و کمبود آب
۷۱ ۵- پوشش گیاهی
۷۳ ۶- زندگی جانوری

بخش دوم

۸۱ فصل اول - نام و پیشینه تاریخی
۸۳ ۱- نام
۹۰ ۲- پیشینه تاریخی
۹۰ ۲- ۱- پیش از اسلام
۹۳ ۲- ۲- دوره اسلامی
۹۳ ۲- ۳- آل کاکویه
۹۴ ۲- ۴- اتابکان یزد
۹۵ ۲- ۵- مغولان
۹۶ ۲- ۶- آل مظفر
۹۸ ۲- ۷- تیموریان
۱۰۰ ۲- ۸- صفوی
۱۰۲ ۲- ۹- افشاریان و قاجاریان

- فصل دوم - آثار تاریخی ۱۰۷
- ۱ - سنگ نگاره های کوه ارنان ۱۰۸
- ۲ - کهندژ / نارین قلعه ۱۰۹
- ۳ - مجموعه شهدای فهرج ۱۱۳
- ۴ - مسجد جامع فهرج ۱۱۵
- ۵ - ایستگاه های کاروانی میبد ۱۱۹
- ۵ - ۱ - ایستگاه پیرچراغ و کچلگ (کوچیل) ۱۱۹
- ۵ - ۲ - مجموعه کاروانی رباط ۱۲۱
- ۶ - مسجد جامع کبیر یزد ۱۲۱
- ۷ - باغ دولت آباد ۱۲۵
- ۸ - آثار تاریخی زرتشتیان ۱۲۷
- ۸ - ۱ - آتشکده زرتشتیان ۱۲۷
- ۸ - ۲ - پیرسبز ۱۲۹
- ۸ - ۳ - پیری خجی خدر ۱۲۹
- ۸ - ۴ - پیری چل چرو ۱۳۱
- ۸ - ۵ - پیری شوورهرم ۱۳۱
- ۸ - ۶ - پیری کوشک ۱۳۱
- ۸ - ۷ - پیری مهریزد ۱۳۱
- ۸ - ۸ - پیری هریشت ۱۳۳
- ۸ - ۹ - پیری شوزدی فوضل ۱۳۳
- ۸ - ۱۰ - نرستونه ۱۳۳
- ۸ - ۱۱ - سستی پیر ۱۳۴
- ۸ - ۱۲ - نورکی ۱۳۴
- ۹ - خانه رسولیان ۱۳۵
- ۱۰ - کاروانسرای زین الدین ۱۳۷

۱۱ - خانقاه‌ها	۱۳۹
۱۱ - ۱ - خانقاه بُندرآباد	۱۳۹
۱۱ - ۲ - خانقاه پیداخوید	۱۴۰
۱۲ - حسینیه	۱۴۰
۱۳ - بادگیر	۱۴۱

بخش سوم

تقسیمات کشوری، شهرستان‌ها و شهرها	۱۴۷
فصل اول - شهرستان ابرکوه	۱۵۱
۱ - نگاهی به شهرستان ابرکوه	۱۵۱
۲ - شهر ابرکوه	۱۵۲
۲ - ۱ - جایگاه جغرافیایی	۱۵۴
۲ - ۲ - نام و پیشینه تاریخی	۱۵۶
۳ - آثار تاریخی	۱۵۹
۴ - ویژگی‌های انسانی	۱۶۱
۵ - توانایی‌های اقتصادی	۱۶۳
فصل دوم - شهرستان اردکان	۱۶۵
۱ - نگاهی به شهرستان اردکان	۱۶۵
۲ - شهر اردکان	۱۶۹
۲ - ۱ - جایگاه جغرافیایی	۱۶۹
۲ - ۲ - نام و پیشینه تاریخی	۱۷۱
۲ - ۳ - آثار تاریخی	۱۷۳
۲ - ۴ - ویژگی‌های انسانی	۱۷۵
۲ - ۵ - توانایی‌های اقتصادی	۱۷۶
فصل سوم - شهرستان بافق	۱۷۷

۱ - نگاهی به شهرستان بافق	۱۷۷
۲ - شهر بافق	۱۷۹
۲ - ۱ - جایگاه جغرافیایی	۱۷۹
۲ - ۲ - نام و پیشینه تاریخی	۱۸۰
۲ - ۳ - آثار تاریخی	۱۸۳
۲ - ۴ - ویژگی های انسانی	۱۸۳
۲ - ۵ - توانایی های اقتصادی	۱۸۴
۳ - آهن شهر	۱۸۵
۴ - شهر بهاباد	۱۸۵
فصل چهارم - شهرستان تفت	۱۸۹
۱ - نگاهی به شهرستان تفت	۱۸۹
۲ - شهر تفت	۱۹۱
۲ - ۱ - جایگاه جغرافیایی	۱۹۱
۲ - ۲ - نام و پیشینه تاریخی	۱۹۳
۲ - ۳ - آثار تاریخی	۱۹۶
۲ - ۴ - ویژگی های انسانی	۱۹۷
۲ - ۵ - توانایی های اقتصادی	۱۹۸
فصل پنجم - شهرستان مهریز	۱۹۹
۱ - نگاهی به شهرستان مهریز	۱۹۹
۲ - شهر مهریز	۲۰۱
۲ - ۱ - جایگاه جغرافیایی	۲۰۱
۲ - ۲ - نام و پیشینه تاریخی	۲۰۳
۲ - ۳ - آثار تاریخی	۲۰۴
۲ - ۴ - ویژگی های انسانی	۲۰۷
۲ - ۵ - توانایی های اقتصادی	۲۰۷

۲۰۹	۳- شهر مروست
۲۱۰	۴- شهر هرات
۲۱۳	فصل ششم- شهرستان میبد
۲۱۳	۱- نگاهی به شهرستان میبد
۲۱۵	۲- شهر میبد
۲۱۵	۲- ۱- جایگاه جغرافیایی
۲۱۶	۲- ۲- نام و پیشینه تاریخی
۲۲۰	۲- ۳- آثار تاریخی
۲۲۱	۲- ۴- ویژگی‌های انسانی
۲۲۲	۲- ۵- توانایی‌های اقتصادی
۲۲۷	فصل هفتم- شهرستان یزد
۲۲۷	۱- نگاهی به شهرستان یزد
۲۲۹	۲- شهر یزد
۲۳۰	۲- ۱- جایگاه جغرافیایی
۲۳۱	۲- ۲- نام و پیشینه تاریخی
۲۳۵	۲- ۳- آثار تاریخی
۲۳۶	۲- ۴- ویژگی‌های انسانی
۲۳۸	۲- ۵- توانایی‌های اقتصادی
۲۴۱	۳- شهر اشک‌زر
۲۴۳	۴- شهر زارچ

بخش چهارم

۲۴۵	ویژگی‌های اجتماعی
۲۴۷	فصل اول- نژاد، زبان، دین، جمعیت و ویژگی‌های اجتماعی
۲۴۷	۱- نژاد

۲۴۸	۲- زبان
۲۴۹	۳- دین
۲۵۱	۴- جمعیت
۲۵۱	۵- ویژگی‌های جمعیتی
۲۵۱	۵- ۱- آموزش و پرورش
۲۵۳	۵- ۲- نهضت سوادآموزی
۲۵۴	۵- ۳- آموزش عالی
۲۵۴	۵- ۳- ۱- دانشگاه یزد
۲۵۴	۵- ۳- ۲- دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی
۲۵۵	۵- ۳- ۳- دانشگاه آزاد اسلامی یزد
۲۵۵	۵- ۳- ۴- دانشگاه آزاد اسلامی میبد
۲۵۵	۵- ۳- ۵- سایر مؤسسات آموزش عالی
۲۵۷	فصل دوم- آداب و رسوم مردم مسلمان یزد
۲۵۷	۱- اخلاق و عاداتها
۲۵۸	۲- عیدها و جشن‌ها
۲۵۸	۲- ۱- عید نوروز
۲۵۹	۲- ۲- سیزده بدر
۲۶۰	۲- ۳- عیدهای مذهبی
۲۶۰	۳- باورها
۲۶۱	۴- ضرب‌المثل
۲۶۳	۵- بازی محلی
۲۶۳	۶- داستان
۲۶۵	۷- متل
۲۶۷	۸- ترانه‌های محلی
۲۶۸	۹- ازدواج

۲۷۱	۱۰ - نقش زن
۲۷۱	۱۱ - مرگ و عزا
۲۷۲	۱۲ - سوگواری
۲۷۴	۱۳ - درمان‌های سنتی
۲۷۴	۱۳ - ۱ - اسهال
۲۷۴	۱۳ - ۲ - وبا
۲۷۴	۱۳ - ۳ - تب
۲۷۴	۱۳ - ۴ - تقویت بدن
۲۷۵	۱۳ - ۵ - چشم درد
۲۷۵	۱۳ - ۶ - خارش پوست
۲۷۵	۱۳ - ۷ - درد مفاصل
۲۷۵	۱۳ - ۸ - سردرد
۲۷۵	۱۳ - ۹ - شوره سر
۲۷۶	۱۳ - ۱۰ - کرم معده
۲۷۶	۱۴ - خوراک
۲۷۷	۱۵ - پوشاک
۲۷۹	فصل سوم - آداب و رسوم زرتشتیان
۲۷۹	۱ - اخلاق و عادت‌ها
۲۸۱	۲ - عیدها و جشن‌ها
۲۸۱	۲ - ۱ - عید نوروز
۲۸۳	۲ - ۲ - جشن زایش زرتشت
۲۸۴	۲ - ۳ - جشن مهرگان
۲۸۴	۲ - ۴ - جشن سده
۲۸۵	۳ - باورها
۲۸۶	۴ - ضرب‌المثل

۲۸۷	۵- ترانه محلی
۲۸۸	۶- زن زرتشتی
۲۸۹	۷- خوراک
۲۹۱	۸- پوشاک
۲۹۱	۸- ۱- پوشاک زنان
۲۹۳	۸- ۲- پوشاک مردان
۲۹۳	۹- صنایع دستی

بخش پنجم

۲۹۵	اقتصاد
۲۹۷	فصل اول - کشاورزی، دامداری، صنایع
۲۹۷	۱- کشاورزی
۲۹۷	۱- ۱- کشاورزی دیروز
۲۹۸	۱- ۲- کشاورزی امروز
۳۰۰	۲- کرم ابریشم
۳۰۱	۳- دامپروری
۳۰۳	۴- هنرهای دستی
۳۰۳	۴- ۱- فرش بافی
۳۰۴	۴- ۲- بافندگی دستی
۳۰۵	۴- ۳- دستمال ابریشمی
۳۰۶	۴- ۴- ترمه بافی
۳۰۶	۴- ۵- زیلو بافی
۳۰۹	۴- ۶- زری
۳۰۹	۴- ۷- مخمل
۳۰۹	۴- ۸- شمد

۳۱۰	۴- ۹- چادرشب
۳۱۰	۴- ۱۰- روتختی
۳۱۰	۴- ۱۱- خورجین
۳۱۱	۴- ۱۲- سجاده
۳۱۱	۴- ۱۳- پتو
۳۱۱	۴- ۱۴- احرامی
۳۱۱	۴- ۱۵- قناویز
۳۱۱	۴- ۱۶- دندانی
۳۱۲	۴- ۱۷- شال بافی
۳۱۲	۴- ۱۸- سفره
۳۱۲	۴- ۱۹- روفرشی
۳۱۳	۴- ۲۰- گیوه بافی
۳۱۳	۴- ۲۱- سرامیک
۳۱۵	۴- ۲۲- سفال
۳۱۵	۴- ۲۳- کاشی
۳۱۶	۲- ۲۴- سریشم سازی
۳۱۶	۴- ۲۵- حصیر بافی
۳۱۶	۴- ۲۶- سایر هنرهای دستی
۳۱۹	فصل دوم- صنایع و معادن، بازرگانی، راه‌ها و حمل و نقل و ارتباطات
۳۱۹	۱- صنایع
۳۱۹	۱- ۱- صنایع ماشینی
۳۲۱	۱- ۲- صنعت جهانگردی
۳۲۱	۱- ۲- ۱- جاذبه‌های فرهنگی
۳۲۲	۱- ۲- ۲- جاذبه‌های طبیعی
۳۲۵	۲- معادن

۳۳۱	۳ - بازرگانی
۳۳۱	۳ - ۱ - بازرگانی دیروز
۳۳۴	۳ - ۲ - بازرگانی امروز
۳۳۶	۴ - راه‌ها و حمل و نقل
۳۳۶	۴ - ۱ - راه‌های دیروز
۳۳۶	۴ - ۱ - ۱ - راه ری - اصفهان - یزد
۳۳۷	۴ - ۱ - ۲ - راه یزد - سیستان
۳۳۷	۴ - ۱ - ۳ - راه یزد - خراسان
۳۳۷	۴ - ۲ - راه‌های امروز
۳۳۷	۴ - ۲ - ۱ - راه‌های اصلی و فرعی، روستایی
۳۳۸	۴ - ۲ - ۲ - راه آهن
۳۳۹	۴ - ۲ - ۳ - راه‌های هوایی
۳۴۰	۵ - مخابرات
۳۴۰	۶ - پست

بخش ششم

۳۴۳	فهرست‌ها
۳۴۵	نمایه
۳۴۵	۱ - کسان
۳۵۳	۲ - مکان‌ها
۳۵۷	فهرست منابع
۳۶۶	فهرست آثار نگارنده
۳۶۸	آثار زیر چاپ

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

استان یزد با پهنه‌ای حدود ۷۳۵۵۹/۲ کیلومتر مربع، در کناره کویر نمک، در مرکز ایران قرار دارد.

در فلات مرکزی ایران، دشت رسوبی یزد، یکی از حوزه‌های مهم جغرافیایی است، که از دامنه شیرکوه در جنوب آغاز می‌شود و با شیب ملایمی تا کویر سیاه‌کوه در شمال ادامه می‌یابد.

استان یزد گذشته از جایگاه ویژه طبیعی، جغرافیایی و دارابودن منابع زیرزمینی، از لحاظ تاریخی و فرهنگی نیز از کهن‌ترین مناطق ایران به شمار می‌رود و از گذشته‌های دور دارای فرهنگی درخشان بوده است.

از آن جا که شناخت علمی و همه جانبه یک سرزمین، بایسته برقراری پیوند اجتماعی، انجام کارهای گوناگون عمرانی و سرانجام زندگی در آن است، اثر حاضر تلاشی در ارائه این شناخت است. کتاب شناخت استان یزد، حاصل سال‌ها بررسی و دیدنی‌های عینی نگارنده است و امید که حق سخن را در مورد ویژگی‌های طبیعی، جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مردم

آزاده و شریف این منطقه تاریخی ادا کند و سرآغازی برای بررسی‌ها و پژوهش‌های ژرف‌نگر بعدی در این استان باشد.

انتظار نگارنده از خوانندگان گرامی و علاقه‌مند آن است، که در صورت دیدن هرگونه لغزش، برای رفع آن در چاپ‌های بعدی، با نگارنده به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۴۶۶۵/۱۷۷ مکاتبه فرمائید.

از اندیشمندان گرانقدر جناب آقای هوشنگ علمداری، که برخی از منابع استان یزد را در اختیارم گذاشتند، سپاسگزارم.

از جناب آقای حمید باقرزاده، مدیر محترم و ایران‌دوست انتشارات هیرمند و کارکنان سخت‌کوش آن نهاد فرهنگی به خاطر چاپ و نشر این کتاب، سپاسگزارم.

از تلاش‌های مدیر و کارکنان سخت‌کوش حروف‌نگاری، لیستوگرافی، چاپ و صحافی متشکرم.

ایرج افشار سیستانی

تهران شهریور ۱۳۷۷ ه. ش.

نشانه آواها

برای نگارش درست نام‌های ویژه و واژگان محلی، از نشانه‌های آوایی (فونتیک)، کمک گرفته‌ایم، که برابر فارسی هر یک، به شرح زیر است:

h	ح، ه	a	آ
x	خ	á	آوع
d	د	e	إ
r	ر	i	ای
z	ذ، ز، ض، ظ	o	أ
ž	ژ	u	او
š	ش	ū	اوو
q	غ، ق	ō	أو
f	ف	'	همزه وع وسط
k	ک	b	ب
l	ل	p	پ
m	م	t	ت، ط
n	ن	s	ت، س، ص
v	و	j	ج
y	ای-ی	č	چ

بخش اول

جغرافیای طبیعی

فصل اول

جایگاه طبیعی، زمین‌نماشناختی، زمین‌شناختی و خاک

۱- نگاهی به جایگاه طبیعی فلات ایران

فلات ایران به گونه‌ی کلوخه‌ای درهم‌ریخته می‌باشد و دارای چین‌خوردگی‌ها، درّه‌ها، گردنه‌ها و گودال‌های بسیار است، که می‌توان این عوارض و دگرگونی‌ها را، نتیجه‌ی فشار توده‌های بزرگ تشکیلات زمین‌شناختی شمال و جنوب و مقاومت خاور و باختر فلات دانست. این حرکت‌ها و فعالیت‌ها با توجه به جوان بودن تشکیلات و تکامل فلات ایران، امروزه نیز با شدت ادامه دارد، که سرزمین ایران را به گونه‌ی یکی از ناامن‌ترین مناطق کره‌ی زمین درآورده است. بنابراین فلات ایران از لحاظ تکتونیکی، جوان، فعال و سرانجام روی خط کمربندی زلزله‌ی جهان قرار گرفته و امروز به گونه‌ی یکی از زلزله‌خیزترین نقاط جهان سرشناس است.

رشته کوه‌های البرز از شمال و زاگرس از جنوب، بستگی فلات مرکزی ایران را از دریای آزاد بریده و آن را به گونه لگن بزرگ و بسته‌ای درآورده‌اند و مخوفترین کویرهای جهان، در درون این لگن بسته قرار گرفته و استان یزد، بخش مرکزی لگن را در برمی‌گیرد.

فلات مرکزی ایران، که استان یزد، بخشی از آن است، از لحاظ زمین‌شناختی، یک ژئوسینکلینال^۱ است، این گودال پهناور به وسیله رسوب‌های جوان پر شده‌اند و در اثر فشارهای جانبی، چین‌خوردگی‌های بسیار در آن صورت گرفته است، که نتیجه آن، ایجاد رشته کوه‌های درهم‌ریخته زنجیری و سرانجام تشکیل چاله‌ها و کویرهای پهناوری، چون دشت لوت و کویر نمک است.

لگن بزرگ و بسته یاد شده، به لگن‌های کوچکتری بخش گردیده‌اند، این لگن‌های کوچک، دوباره به وسیله کوه‌ها به گونه لگن‌های کوچکتر و یا برکه‌هایی درمی‌آیند، که در درونگاه لگن‌ها یا چاله‌های بزرگ و کوچک بیشتر شورزارهای باتلاقی، شن‌زارها و ریگ‌زارها دیده می‌شوند.

وجود این گونه باتلاق‌های نمک یا کویرهای نمک بزرگ و کوچک، در درون برکه‌ها در سرتاسر استان یزد و همین‌طور استان کرمان و به سوی خراسان (از راه طبس) بسیار دیده می‌شود.

فرم گرفتن اصلی فلات ایران، به دوران سوم زمین‌شناختی، به ویژه میوسن، نسبت داده می‌شود و با کم شدن وابستگی دریای میوسن با

۱. حوضه رسوب‌گذاری، در کف دریا‌های دوران‌های گذشته زمین‌شناختی است، که در کف آن، رسوب‌هایی متراکم شده و امروزه به خاطر حرکت‌های چین‌خوردگی زمین، به گونه رشته کوه‌های سراسری، چون آلپ، البرز و هیمالیا، درآمده است.

دریای آزاد، اندک اندک با پیشروی خشکی به درون دریای میوسن، برکه‌ها تشکیل و تفکیک شدند.

همین‌طور با بریدن بستگی این دریا به خارج، لگن بزرگ و بسته‌ای زیر عنوان فلات مرکزی ایران به وجود آمده است. با خشک شدن کامل دریای میوسن، در ۱۲ تا ۱۸ میلیون سال پیش، رسوب‌های جوان، فلات ایران را به طور پراکنده در برگرفتند، به طوری که امروز آثار و بازمانده این رسوب‌ها، در هر جای فلات ایران، از جمله استان یزد، دیده می‌شوند، آلودگی آب رودها، اراضی و آب‌های زیرزمینی زیر رخنه خود را، به املاح گچ و نمک‌های محلول سبب می‌شوند.

در تمامی این رسوب‌ها، سنگ‌های گچ و نمک به گونه پودر نرم و کلوخه تا عدسی و لایه‌های مشخص انباشته شده‌اند. البته با وجود این که دگرگونی‌های اصلی زمین‌شناختی ایران تا اواخر دوران سوم بوده، می‌توان فرسایش کوه‌ها و پرشدن لگن‌ها، به وجود آمدن دشت‌های کرانه‌ای، پیدایی دشت‌های کویری با توده‌های بزرگ شن، ریگ، ... را به دوران چهارم زمین‌شناختی نسبت داد، که هنوز هم ادامه دارد.

برآمدن کویرها به گونه امروزی را بایستی در اواخر دوره یخبندان دوران چهارم، یعنی از ده تا پانزده هزار سال اخیر جست و جو کرد و به ویژه فرهنگ چند هزار ساله سرزمین کهن ایران، از جمله استان یزد نیز در نابودی پوشش گیاهی و شرایط آب و هوایی خشک، کمک و تأثیر ژرفی داشته است^۱.

۱. قبادیان، عطاءالله. فلات مرکزی ایران، سیمای طبیعی استان یزد، در ارتباط با مسایل

۲- جایگاه طبیعی استان یزد

استان یزد در بخش مرکزی فلات ایران قرار گرفته است، که می‌تواند در برگیرنده نامناسب‌ترین عوامل طبیعی چیره بر فلات مرکزی ایران نیز باشد.

کوه‌های این استان جزء رشته کوه‌های مرکزی ایران به شمار می‌روند. دشت‌های کویری آن، همانندی زیادی با دشت کویر و کویرلوت دارند. بلندترین ناحیه استان، در بخش جنوب باختری آن، به گونه رشته کوه‌های شیرکوه (۴۰۷۵ متر) قرار گرفته و پست‌ترین ناحیه، شمال تا شمال خاوری را در بر می‌گیرد، که همراه با باتلاق‌های نمک است.

دشت پهناور یزد - اردکان، که به کویر سیاه‌کوه یا کویر نمک اردکان پایان می‌پذیرد، انتهای آن تا کفه مستقل بهادران ادامه دارد. کفه بافق با کویر نمک درانجیر به گونه برکه کویری پهناوری است، که در شمال باختری تا کویرهای ساغند و زرین پیش می‌رود و سرانجام کویرهای خاور استان یزد را بایستی نام برد، که می‌توانند دنباله دشت کویر فلات مرکزی ایران شمرده شوند. کویرهای نوار باختری استان، که تنها به گونه کویرهای نمک شمال کفه ابرکوه - کفه طاقستان تا کرانه خاوری باتلاق گاوخونی را شامل می‌شوند. دنباله کویرهای نمک نوار باختری، در بخش جنوب، جنوب خاوری کفه هرات و مروست قرار دارد.

دشت‌های بلند استان یزد، که بیشتر اثر نظر پوشش گیاهی و دیگر عوامل طبیعی، شرایط مناسب‌تری دارند، در درونگاه نواحی کوهستانی و

بلندی‌ها قرار گرفته‌اند، که در باختر استان، از قلعه خرگوشی ندوشن تا نیر - کاریز و ... را در برمی‌گیرند.

۳- زمین‌نماشناختی^۱

چنان‌که گفته شد، مخوف‌ترین کویرهای جهان، در درون لگن بزرگ و بسته مرکز فلات ایران قرار گرفته‌اند، که استان یزد، بخش مرکزی این لگن بسته را در بر گرفته است. کویرهای بزرگ لوت و دشت کویر تا دریاچه نمک قم و کویر نمک هرات و مروست تا کویر نمک ابرکوه و باتلاق گاوخونی استان یزد را فرا گرفته‌اند. این استان، که خشک‌ترین استان کشور است، سخت‌ترین شرایط کویری بر آن حکم فرماست. بایستی گفت رشته کوه‌های شیرکوه با ریزش برف و باران، توانسته‌اند تا اندازه‌ای از شدت تأثیر کویرهای درون و پیرامون این استان، جلوگیری کنند.

بنابراین استان یزد از مجموعه کوه‌های لخت و درهم ریخته با برکه‌های بسیار بزرگ و کوچک، تشکیل می‌شود. برکه‌ها پوشیده از شن‌زارها، ریگزارها و شورزارها می‌باشند، که بیشتر بدون پوشش گیاهی بوده و دارای سخت‌ترین شرایط کویری نیز هستند.

مواد ژئولوژی تشکیل دهنده این کوه‌ها و برکه‌ها، کمتر از یک سده تا پیش از پانصد میلیون سال دیرینگی دارند. کلفتی مواد تخریبی یا آبرفتی، که این برکه‌ها یا گودال‌ها را پر کرده‌اند، به بیش از ۵۰۰ متر

می‌رسند، که محل اصلی منابع آب‌های زیرزمینی استان یزد می‌باشند. بزرگترین و غنی‌ترین این سفرها، برکه شیرکوه - سیاه‌کوه است.^۱

۴ - زمین‌شناختی

استان یزد دارای کهن‌ترین تشکیلات زمین‌شناختی^۲ تا جوانترین آن، یعنی هولوسن (آلویم) است. تشکیلات پری‌کامبرین از سنگ‌های دگرگونی به فرم‌های گوناگون و سنگ‌های آذرین تشکیل می‌شوند، که لایه‌های گچ نیز در آنها دیده می‌شوند.

فورن، دانشمند زمین‌شناس، طبقات مرمر و گنیس در شمال خاوری یزد را مربوط به دوره‌های پرکامبرین دانسته است.^۳

تشکیلات پرمین، دونین و کربونیفر در اندازه محدودتری بیشتر به‌گونه سنگ‌های آهکی و سنگ‌های شنی قرمز رنگ کنگلومرا تا سنگ‌های دولومیتی و سرانجام مارل و شیل کرتاسه و ژوراسیک که بخش بزرگ از تشکیلات زمین‌شناختی استان یزد را تشکیل می‌دهند، سنگ‌های اصلی به‌وجود آورنده آنها، سنگ‌های آهکی مارلی، سنگ‌های آهکی و شیل، سنگ‌های آهکی شنی و سنگ‌های آهکی متراکم و سنگ‌های آذرین (گرانیت) سنگ‌های کوارتزیتی، مارل قرمز و سبز و سرانجام کنگلومرا را شامل می‌شوند.

۱. قبادیان، همان کتاب، ص ۲۴ - ۲۸

۲. پرکامبرین.

۳. پتروف، م. پ. مشخصات جغرافیای طبیعی ایران، ترجمه حسین گل‌گلاب، ص ۱۵

تشکیلات تریاسیک محدود بوده و بیشتر شامل سنگ‌های آهکی تیره متراکم، شیل و دولومیت می‌شود.

تشکیلات پالئوژن^۱ از سنگ‌های رسوبی و سنگ‌های آذرین^۲ تشکیل می‌شوند. در بعضی موارد همراه با گنبد‌های نمک و لایه‌های گچ نیز می‌باشند. وجود گنبد‌های نمک، سبب آلودگی آب‌های زیرزمینی، رسوب‌های سطحی و قشر شبه خاکی زیر رخنه خود، شده و سبب شوری آنها می‌شوند، که بر شدت و گسترش دامنه کویری می‌افزایند.

رسوب‌های تشکیلات نئوژن^۳ شامل سنگ‌های شنی - مارلی، شنی مایل به قرمز کنگلومراشنی و سرانجام همراه با لایه‌های گچ بیشتر همراه با لایه‌های نمک و عدسی‌های نمک و گچ هستند. به طوری که هر جا رسوب‌های نئوژن قرار بگیرند، بیشتر با شوری منابع آب و خاک ناحیه زیر رخنه خود و با بودن لایه‌های گچ، همراه خواهد بود. در صورتی که تشکیلات نئوژن در سطح زمین قرار داشته باشند، اراضی نازاینده‌ای را به وجود می‌آورند. بنابراین وجود لایه‌های نئوژن، می‌تواند تشدید کننده اثرهای منفی عوامل ویران کننده کویری بر روی ناحیه زیر نفوذ باشد. سرانجام تشکیلات مربوط به کوارتز (دیلوویم و آلوویم) نخست همه برکه‌ها را در بر می‌گیرند.

رسوب‌های آبی و بادی، پیدایی کویرها، تراس‌های نو و کهنه مخروط افکنه‌ها و تشکیلات گراولی را شامل می‌شوند. عمر همه

۱. اتوسن، اولیگوسن، یالئوسن.

۲. بازی.

۳. پلی اوسن و میوسن.

تشکیلات زمین‌شناختی استان یزد، که در بالا اشاره شدند، به پیش از ۵۷۰ میلیون سال تا دوران حاضر است.

این تشکیلات، انبارهای بزرگ مواد معدنی را در دل خود جای داده‌اند، که بزرگترین آن، معدن چغارت با ذخیره بسیار زیاد است، معادن سرب، روی، خاک‌های رس، سنگ‌های مرمر، گچ و نمک، سنگ تالک و سنگ‌های ساختمانی، ... در این استان به فراوانی وجود دارد^۱.

۵- خاک

مهمترین گونه‌های خاک (شبه خاک) استان یزد، عبارت‌اند از:

۵-۱- لیتوسل، لیتوسل همراه سنگ و صخره، لیتوسل با خاک‌های بیابانی این‌ها گونه‌های اصلی پوشش خاکی نواحی کوهستانی و نیمه کوهستانی استان را شامل می‌شوند. پوشش شبه خاکی این نقاط به گونه قشر نرمی است، که اسکلت اصلی آنها از سنگ‌های سخت یا خرد شده و یا به گونه صخره تشکیل می‌شوند. قشر نرم خاکی در حالت عادی روی صخره‌ها و سنگ‌های ریز و درشت قرار گرفته، که کلفتی آن، اندک (چند سانتیمتر) و در گودال‌ها و لابه لای صخره‌ها می‌تواند ژرفای بیشتری را در برگیرد.

بیشتر دانه‌بندی این تشکیلات، درشت و همراه با سنگ‌ریزه تا پاره‌سنگ‌های بزرگ است. قشر نرم در حالتی که روی سنگ‌های آوار قرار

داشته باشند، کلفتی پروفیل آن زیاد و به ویژه پوشش گیاهی هر چند نادر و ناپیچ، می‌تواند به آسانی در ژرفای آن ریشه دوانیده و زندگی کنند. آب به دلیل سبکی و سنگی بودن قشر خاکی نمی‌تواند در آن، انبار شود. بلکه به آسانی در آن رخنه و به ژرفا رهنمون می‌شود و بیشتر از به هدر رفتن آب به گونه جریان‌های سطحی و سیلاب جلوگیری می‌شود. البته در دوره خشک، این تشکیلات شبه خاکی رطوبت خود را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی پوشش گیاهی کمیاب نیز عمر کوتاه‌تری خواهند داشت. این قشر نرم، با اندک شیبی از طریق عوامل فرسایشی بادی و آبی از کوه‌ها به دشت‌ها حمل و سرانجام دشت‌ها را پر می‌سازند و صخره‌های لخت را در کوهستان برجای می‌گذارند.

لیتوسل، که آمیخته‌ای از مواد نرم و سنگ‌ریزه و سنگ‌پاره است، در صورت بالا رفتن اندازه سنگ و صخره^۱ و با پایان یافتن منطقه به صخره‌های لخت زیر عنوان صخره‌ای یا سنگی بیان می‌شود. این مراحل می‌تواند یا از فرسایش لیتوسل به دست آید، یا از ویران شدن صخره‌ها و تبدیل تدریجی آن به لیتوسل، به وجود آید. لیتوسل همراه با خاک‌های کویری، بیشتر پای‌کوه‌ها و گودال‌های کوهستانی و دامنه‌های شیب‌دار تا نزدیک دشت‌ها را می‌تواند در برگیرد.

۵-۲- خاک‌های بیابانی

این خاک‌ها از مجموعه‌ای از رسوب‌های ریز و درشت و سرانجام تشکیلات همانند خاک با کامل شدن اندک، به وجود آمده‌اند. رنگ این

۱. لیتوسل سنگی و صخره‌ای.

خاک‌ها، خاکستری مایل به قرمز، خاکستری قهوه‌ای - قهوه‌ای روشن، خاکستری مایل به زرد و قهوه‌ای است و به طور کلی زمینه رنگ‌ها به قرمز گرایش دارد.

پوشش گیاهی در این خاک‌ها ناچیز و درصد پایینی را در برمی‌گیرند، یا بیشتر بدون پوشش گیاهی هستند، که در این صورت، سطح زمین را ریگ و شن پوشانیده است.

با توجه به پوشش سطحی زمین، زمین‌های شن‌زار، ریگ، ریگ‌زار، سنگ‌زار و خاک‌زار را می‌توان بیان نمود. در گودال‌ها و گودترین بخش برکه‌ها را، مواد رسی با شکاف و ترک بسیار پر کرده‌اند و سرانجام این گروه از تشکیلات خاکی می‌توانند به شورزارها پایان یابند. در بیشتر موارد هم لایه‌های گچ، نمک و آهک، در ژرفای گوناگون پروفیل، تا سطح این خاک‌ها دیده می‌شوند.

بیشتر این خاک‌ها همچنین می‌توانند شنی و سبک و بدون ساخت مشخصی باشند. گاهی پهنه بزرگی از خاک‌ها را رسوب‌های نئوژن در برمی‌گیرد، که بدون هرگونه پوشش گیاهی است. همان طور که اشاره شد، دانه‌بندی این خاک‌ها گاه می‌تواند آن قدر درشت، یکنواخت و بدون چسبندگی باشد، که با از بین بردن پوشش گیاهی بسیار ناتوان منطقه، به جولانگاه عوامل فرسایشی و شن روان تبدیل شود و یا در حالت‌های استثنایی به دلیل سنگینی و ریزی ذرات در کفه‌ها، می‌تواند دشتی با پوشش فشرده بتونی از رس را به وجود آورد، که می‌توان آن را آسفالت بیابانی نیز نامید.

اندازه مواد آلی این خاک‌ها، کمتر از یک درصد، اندازه آهک، حتی

تا سطح پروفیل خاک بالاست، و لایه‌ها و کریستال‌های گچ می‌تواند حتی از ژرفای بیست سانتیمتری هم آشکار شود.

عملیات ویران ساختن و فرسایش، در این خاک‌ها شدید است. با توجه به نارس بودن آنها از لحاظ تشکیل، کامل شدن و فقر پوشش گیاهی، در این صورت این خاک‌ها هرگونه مقاومتی در برابر عوامل ویران‌کننده هستند. از این رو حالت برابری بین شرایط محیط و کامل شدن آن، پایدار نیست، به طوری که با بروز کوچکترین اختلال در توان و اثر فاکتورهای غالب، فرسایش می‌تواند با شدت در سطح گسترده‌ای آشکار شود. بنابراین در بین این گروه از خاک‌ها، زمین‌ها در حال فرسایش بسیارند، که در بیشتر نقاط استان یزد دیده می‌شوند.

۵-۳- خاک‌های بیابانی بافت درشت در دشت‌های بلند

کامل شدن این خاک‌ها، به ویژه در نواحی باختری استان، اندکی بهتر است. در بخش ژرف پروفیل، لایه فشرده صفحه‌ای سست و شکننده دیده می‌شود. از ژرفای ۲۵ - ۳۰ سانتیمتری می‌تواند لایه‌های گچ و گاهی نمک آشکار شود، که برآمدن نمک، بیشتر به گودال‌ها بستگی دارد. بهترین گونه‌های خاک استان یزد، در این گروه قرار دارند. سطح زمین می‌تواند حاصل بهترین پوشش گیاهی استان باشد. ایجاد ساخت مناسب خاک ناتوان، خاصیت رخنه‌پذیری خاک، بسیار خوب، و خطر فرسایش بادی، بسیار شدید است.

۵-۴- خاک‌های بیابانی بافت ریزدشت‌ها

همان‌طور که اشاره شد، خاک‌های بیابانی می‌توانند در درون برکه‌ها با بالا رفتن درجه سنگینی مواد رسوبی و از دست دادن توان رخنه‌پذیری و دارا شدن توان ذخیره زیاد آب، سرانجام ویژگان و مشخصات جدیدی به خود بگیرند، تا جایی که ساختمان کلی پروفیل آنها هم خود را از خاک‌های بیابانی نقاط بلند جدا سازد. به همین دلیل این گونه از تشکیلات شبه خاکی، که ویژه بخش مرکزی درون برکه‌ها هستند، مانند دشت یزد - اردکان و دیگر برکه‌ها، که گاه همراه با رسوب‌های نئوژن هستند، در گروه‌های جداگانه‌ای قرار داده شده‌اند. خطر شوری در آنها زیاد است و به دلیل نداشتن ساخت پایدار، با ریزش باران به شدت لجنی می‌شوند. پایداری این خاک‌ها در برابر فرسایش بادی بالاست و به دلیل نداشتن توان زهکشی مناسب با ریزش باران‌های تند، آب در سطح زمین جمع می‌شود و با شیب اندکی به گونه گِل و لای به حرکت درمی‌آیند.

استعداد این خاک‌ها در جهت ایجاد برکه‌های کوچک نمک و شورزار، شدید است. با نزدیک شدن به باتلاق‌ها یا بیابان‌های نمک، در درون پروفیل این خاک‌ها، لایه‌های نمک دیده می‌شود، که بیشتر به گونه کلوخه یا صفحات کلفت و محکم و یکپارچه نمک همراه با ریگ، سنگ‌ریزه و گل می‌توانند پهنه بزرگی را در بگیرند، که زیر عنوان «شعه» در محل مصطلح هستند، شعه می‌تواند در ژرفای گوناگون زمین قرار گیرد. پیش از قرار دادن زمین‌ها به زیرکشت، کشاورزان شعه را از دل خاک بیرون می‌آورند.

تشخیص لایه‌ها از هم، تنها از طریق رنگ یا فشردگی و فرم ساخت لایه‌ها و ترکیب‌های میکانیکی آشکار عملی است. درصد مواد آلی در حالت طبیعی کمتر از یک درصد، اما در گودال‌ها می‌تواند به بیش از یک درصد و بیشتر برسد، که البته جنبهٔ عمومی ندارند. لایه‌های گچ، به ویژه در مواردی که به گونهٔ رسوب‌های نثرژن آشکار می‌شوند می‌توانند تا سطح زمین را نیز در برگیرند. در هر حال این خاک‌ها محل‌های اصلی فعالیت کشاورزان استان یزد را تشکیل می‌دهند.

۵-۵- خاک‌های بیابانی آنتروپوژن

به خاک‌های کویری گفته می‌شود، که سده‌ها مورد بهره‌برداری و تاخت و تاز انسان است. ویران شدن و زندگی در این خاک‌ها برابر هم پیش می‌روند. بهترین نمونهٔ آن، در دشت یزد - اردکان دیده می‌شود، که اصلی‌ترین ناحیهٔ فعال و در حال بهره‌برداری استان را تشکیل می‌دهند. نابودی پوشش گیاهی، اراضی پهناور فرسایشی و توده‌های بزرگ شن‌روان را برجای نهاده است. با این حال سازندگی انسان نیز در زنده کردن زمین‌های کویری و ایجاد پوشش گیاهی نیز پیش می‌رود.

۵-۶- خاک‌های بیابانی شور

در هر نقطه‌ای که زمین‌های زیر کشت زراعی دارای بافت اندکی سنگین، به طوری که قادر به نگاهداری آب در خود باشند، شوری با شدت و ضعف پس از مدت کوتاه، در آنها آشکار می‌شود. سفتی املاح محلول این استان، در شیرین‌ترین خاک، بالاتر از اندازهٔ معمول قرار دارد،



کویر استان یزد

یعنی شوری، یکی از عوامل بازدارنده بهره‌برداری زراعی از زمین‌هاست، که در پیوند مستقیم با بافت خاک قرار دارد. بیشتر زمین‌های درون کفه‌ها تا نقاط دوردست باتلاق نمک، کم و بیش شور هستند. این اراضی در عین حال جزو حاصلخیزترین و بااستعدادترین زمین‌ها برای کشت به شمار می‌روند.^۱

این گونه خاک‌ها دارای زهکشی ضعیف بوده و مقداری نمک دارند. این خاک‌ها رسوب‌های آبرفته‌ای هستند، که توسط رودها و نهرها از نواحی دیگر آورده شده‌اند. از این زمین‌ها بیشتر برای کشت گندم و جو بهره‌برداری می‌شود. هنگامی که آب مناسب برای آبیاری وجود داشته باشد، در آنها پنبه و چغندر قند نیز کشت می‌شود و فرآورده خوبی به دست می‌آید، مانند دشت یزد - اردکان، کفه بهادران - دشت بهاباد، و...^۲

۵-۲- خاک‌های باتلاقی شور

باتلاق‌ها یا کویرهای نمک می‌توانند اراضی پیرامون را زیر رخنه خود قرار داده و آنها را شور نمایند. غلظت املاح محلول این گونه زمین‌ها بیش از یک درصد است، سطح آب زیرزمینی خیلی شور می‌تواند نزدیک به سطح زمین قرار داشته باشد. در بیشتر موارد پوسته سفید نمک سطح این خاک‌ها را که سنگین می‌باشند می‌پوشاند. سرانجام خاک‌های باتلاقی شور را می‌تواند پوشش گیاهی از گیاهان نمک‌دوست تا پوششی به گونه

۱. قبادیان، همان کتاب، ص ۹۸ - ۱۰۳

۲. فاموری، جلال و دیوان، م. ل. خاک‌های ایران، ص ۱۴۹



نبه‌های ریگ روان

نیزار، مانند کفه ابرکوه در برگیرد.

این خاک‌ها علاوه بر کناره کویرهای نمک می‌توانند به طور محلی در گودال‌ها که محل جمع شدن اندک اندک مواد ریز فرسایشی و آب‌های اضافی باشد، به وجود آیند.^۱

رنگ خاک‌های باتلاقی شور، که در استان یزد پهنه زیادی را در برمی‌گیرند، با توجه به میزان رطوبت قشر آن، از قهوه‌ای خاکستری تا خاکستری تیره تغییر می‌نماید. شوری و قلیایی و نیز خاصیت چمنی بودن یا چمنی شدن مهمترین مراحل کامل شدن و وجود لکه‌های رنگی، برجسته‌ترین مشخصات آنهاست.^۲

۵-۸- کویرهای نمک

کویرهای نمک یا باتلاق‌های نمک، بیشتر به گونه باتلاق نمک و در برگیرنده نقاط برکه‌های بزرگ و کوچک استان یزد می‌باشند، که آب‌های پیرامون به سوی آنها کشیده شده و تبخیر می‌شوند. در زمستان پراز آب، اما در تابستان یا خشک و یا سطح آب کاهش یافته و قشر کلفتی از نمک، سطح زمین را می‌پوشاند. سطح آب زیرزمینی شور، در پیرامون باتلاق در ژرفای چند سانتیمتر تا چند متری قرار دارد. این گونه نقاط، که محل جمع شدن نمک برکه‌هاست، به کویر مصطلح است.

این کویرها، در حالت مرطوب و دارا بودن آب، به گونه لجن‌زاری خطرناک هستند، که سطح آنها را در هنگام کم‌آبی، قشر نازکی از نمک و

۱. قبادیان، همان کتاب، ص ۱۰۵

۲. فاموری، همان کتاب، ص ۱۵۸ - ۱۵۹

گاهی پوششی از گرد و خاک پوشانیده، که در زیر گِل، لجن ژرف قرار دارد.

استان یزد دارای کویرهای نمک بسیار است، که می‌توانند تا شعاع پهناوری از زمین‌های پیرامون خود را، آلوده سازند. این باتلاق‌ها، در پیرامون خود، بیشتر حامل پوشش گیاهی فراوان از گیاهان نمک‌دوست، مانند شورگزو و گونه‌های سالسولا هستند و همین‌طور می‌توانند محل استخراج نمک نیز باشند.

۵-۹- کویرهای شنی و شن روان

تشکیل و حرکت شن روان در استان یزد، مانند بیشتر نقاط کشور با شدت رایج است، که دلیل اصلی آن، ویران کردن خاک‌های نارس کویری و بسیار حساس این منطقه است. این ویران شدن، از راه بهره‌برداری بی‌رویه انسان از زمین و در نخستین مرحله با از بین بردن پوشش گیاهی به دست می‌آید.

محل اصلی شن و خاک‌های روان و خاک‌های در حال فرسایش استان، در دشت یزد - اردکان قرار گرفته است، که محل اصلی گرد آمدن جمعیت و بهره‌برداری از سده‌ها پیش تاکنون است. در بعضی موارد دیده شده، که سطح شن روان در حال تثبیت را، پوسته نازکی از مواد رسی به عنوان نگاهدارنده پوشانیده است. این لایه نازک مواد رسی، عامل بازدارنده از حرکت شن یا در حقیقت آغاز کننده تثبیت شن روان است. این پوسته می‌تواند به طور متناوب به گونه لایه، رویهم قرار گیرد، که نشان‌دهنده پیشرفت مراحل گوناگون از تثبیت طبیعی شن روان است.

به این ترتیب با متوقف شدن حرکت شن روان به پوشش گیاهی فرصت داده می‌شود تا فعالیت خود را برای تثبیت نهایی شن روان آغاز کند^۱.

فصل دوم

جایگاه جغرافیایی، ناهمواری‌ها، آب‌ها، آب و هوا، پوشش گیاهی و زندگی جانوری

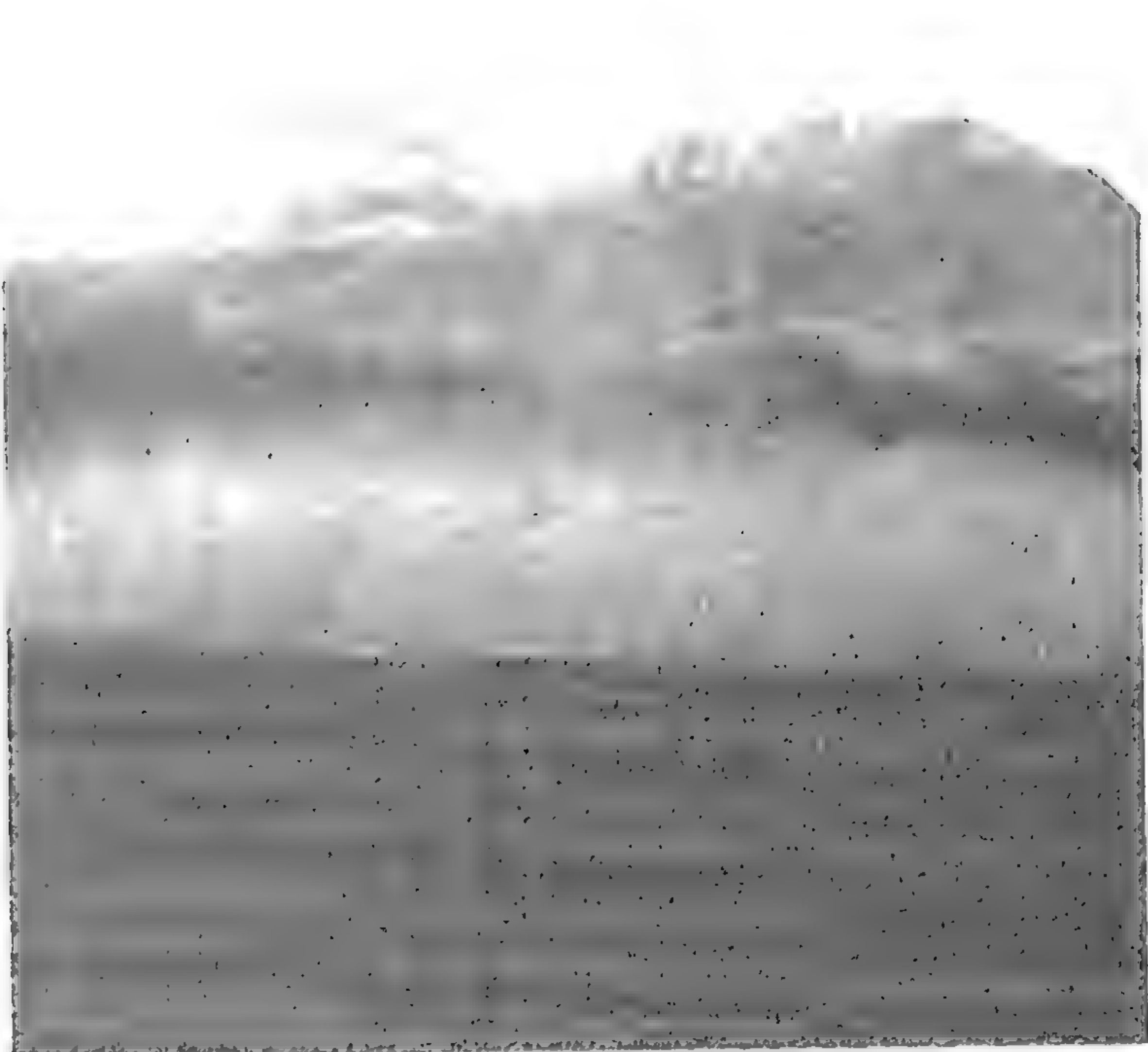
۱ - جایگاه جغرافیایی، حدود، پهنه

استان یزد، با پهنه‌ای حدود $۷۳۵۵۹/۲$ کیلومتر مربع^۱، در کناره کویر نمک، در مرکز ایران، در ۳۱ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۵۶ دقیقه پهنای شمالی و ۵۲ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۵۷ درجه و ۳۰ دقیقه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ، قرار دارد^۲.

این استان از شمال و باختر به استان اصفهان، از شمال خاوری به استان خراسان، از خاور به استان‌های خراسان و کرمان، از جنوب

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵، استان یزد، ص ۲

۲. مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور ۱۳۶۹، ص ۶



شیرکوه

باختری، به استان فارس و از جنوب خاوری به استان کرمان محدود است. بلندی مرکز استان از سطح دریا ۱۲۱۵ متر و فاصله هوایی آن تا تهران، ۵۰۸ کیلومتر است.^۱

۲- ناهمواری‌ها

ناهمواری‌های استان یزد را کوه‌ها، دشت‌ها، تپه‌های شنی و نواحی زیر رخنه‌شن‌های روان، کویرها و کفه‌های نمک تشکیل می‌دهند.

۲-۱- کوه‌ها

۲-۱-۱- شیرکوه

کوهستان شیرکوه، مجموعه کوه‌هایی است در استان یزد، که پهنه‌ای حدود ۳ هزار کیلومتر را در بر گرفته است.

این کوهستان، از ۵۵ کیلومتری باختر شهر یزد شروع شده و رو به سوی جنوب خاوری تا ۷۳ کیلومتری جنوب خاوری شهر یزد، گسترش یافته است و در باختر یزد به پهنای حدود ۱۰ کیلومتر، و در جنوب آن، به پهنای حدود ۴۰ کیلومتر می‌رسد و درازای آن از خاور به باختر ۷۵ کیلومتر است.

کوهستان شیرکوه به ترتیب از باختر به خاور، از کوه‌های گرده، سل، بنستان، تلخستان، هنگران، دزگین، قوچان، پرخین، گلوبوک،

۱. جعفری، عباس. شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، ص ۲۷

بندازان، سوران، کله کفتر و گل سرخ، میل سیاه، لای معدن، علایی، سفید، سرخ، همانه، بن کر، تهر، گارو، مسجد، زوربند، بن چاه، گلو بادام، ده بالا، لاخوسه، آدوروش، خیبر، لانجیر، سنگتراش، سیاه، پوزه دمه، گذار، زوار، مزوار، پوزه نیش کش، سنگاب خونی، تنگ حوضکی، تنگ چنار، امیری، گذارباغ، تل شکارگاه، کالمند، گذارسی خوری، و کوه ترش تشکیل یافته است.

بلندی آن در بلندترین نقطه در ۴۳ کیلومتری جنوب باختری یزد به ۴۰۵۵ متر می‌رسد. ستیغ‌های بلند این کوهستان، عبارت‌اند از: برفخانه، ترزجان ۴ هزار متر، منشاد ۳ هزار و نهصد متر، آسمان‌نما، گاو و گوساله، بیدم، مهریز و بنادک.

این کوهستان، که بیشتر در زمستان، از برف و یخ پوشیده می‌شود و آب بخش بزرگی از استان یزد را تأمین می‌کند. از مهمترین رودهایی، که از این کوهستان سرچشمه می‌گیرند، رود پایین‌در، از دامنه‌های خاوری را می‌توان نام برد.

شهرستان یزد، در دامنه‌های شمالی و خاوری و شهرستان تفت در بخش‌های درونی و دامنه‌های جنوبی این کوهستان قرار دارند. روستاهای بسیاری در دامنه‌های خاوری آن قرار دارند. علاوه بر آن، شهرها و کشتزارهای بسیاری درون درّه‌ها و دامنه‌های این کوهستان پهناور قرار گرفته‌اند.

راه اتومبیل‌رو یزد، تفت، دهشیر، ابرکوه و تفت به ترزجان و راه‌های روستایی بسیاری، کوهستان شیرکوه را بریده و شهرها و روستاهای آن را به هم می‌پیوندد.

مناسب‌ترین راه برای رسیدن به ستیغ شیرکوه، از طریق پیمون راه اتومبیل رو تفت به ده بالا، مزرعهٔ آمحسن به سوی شمال است. همچنین پیمون درّهٔ جنوب باختری روستای قرق و یا پیمودن راه اتومبیل رو تفت به نورآباد و پیمودن راه روستایی نورآباد به آبادی‌های دشتوک و یالاید و بالا رفتن به ستیغ است. گذر از درّهٔ دشتوک و بالا رفتن به ستیغ، این برتری را دارد، که سر راه، چشمه‌هایی برای نوشیدن و استراحت وجود دارد.^۱

۲- ۱- ۲- کوه‌های خرائق

این کوه‌ها، در ناحیهٔ مرکزی استان یزد، در شمال شهر یزد قرار دارند. بلندترین نقطهٔ آن، کوه خونزا/ هنزا، به بلندی ۳۱۵۸ متر^۲ است. ستیغ‌های سرشناس آن، کوه اشتری، کوه خونزا، کوه بندر، بزکوه، کوه چک چک و ماهانه است.^۳

۲- ۱- ۳- کوه‌های خاوری

این کوه‌ها، در نواحی خور و بیابانک، جندق و رباط پشت بادام قرار دارند. بلندی آنها از کوه‌های دیگر کمتر بوده و در ستیغ بن لخت به ۳ هزار و دو متر می‌رسد.

بن لخت، کوهستانی به پهنهٔ حدود ۱۲۵۰ کیلومتر مربع است، و از کوه‌های کوشک، زارکوه، خودیان، دوهله، سیاه‌کوه، بنستان، بنیز، اورس،

۱. جعفری، عباس. گیتاشناسی ایران، جلد اوّل، کوه‌ها و کوهنامهٔ ایران، ص ۳۷۰-۳۷۱

۲. مهندس عباس جعفری، بلندی کوه خونزا را ۲۷۵۰ متر تخمین زده است. (همان کتاب، ص ۲۴۱)

۳. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم، ص ۱۳۳۹

قلعه، ریز جزوئی، ده‌بدن، کمر آسیا، کمرگیتی و باب‌خام تشکیل شده است.

این کوهستان از سوی شمال باختری به سوی جنوب خاوری گسترده شده و روستاهای بسیاری را در پناه خود، جای داده است. بلندترین ستیغ این کوهستان، کوه ده‌بدن است، که در ۱۱ کیلومتری شمال باختری کوه بنان قرار دارد.

بخش بزرگ روستاهای دهستان بهاباد شهرستان بافق، در بخش‌های شمالی این کوهستان، و بخش بیشتر روستاهای دهستان کوه بنان، در بخش جنوبی آن قرار دارند.

رودهای چندی، که همه خشک رودی بیش نیستند، از این کوهستان سرچشمه می‌گیرند، که مهمترین آنها رودخانه‌های ده سیّده‌ها و شور است.

راه اتومبیل‌رو بهاباد به بافق، این کوهستان را از سوی شمال محدود می‌سازد و راه اتومبیل‌رو بافق، کوه‌بنان به راور، کوهستان بن‌لخت را از کوهستان درارسو، جدا می‌سازد، و راه روستایی ده جمال به شیتور، این کوهستان را قطع می‌کند.

کوهستان‌های بن‌لخت و درارسو را می‌توان جزو کوهستان پلوار شمرد و آن‌ها را همانند دیواره‌ای طبیعی، که کویر لوت را از بخش‌های مرکزی ایران جدا می‌سازد، به شمار آورد^۱

۱. جعفری، همان کتاب، ص ۱۱۸

۲-۲- غارها

غارهای استان یزد، عبارت‌اند از:

غار چک و علا، در ابرکوه، غار ابرکوه، غار هامانه در هامانه خراتق، غار فراشاه و باد معصوم در اسلامیه، غار نباتی در ندوشن، غار اشکفت در عقدا، غار چهار طاقی در یزد، غار ایوب در دهج.

۲-۳- دشت‌ها

دشت‌های استان یزد، در بین کوه‌های شیرکوه، خراتق و خاوری قرار دارند:

۲-۳-۱- دشت یزد- اردکان

دشت پهناوری است، که شهرهای مهریز، یزد، اشک زر، میبد و اردکان، در آن قرار دارند. این دشت از جهت باختر و جنوب باختری به کوهستان شیرکوه و از جهت خاور به کوه‌های خراتق پایان می‌یابد. در شمال این دشت، باطلاق نمک اردکان - نایین (چاله عقدا) قرار دارد و جنوب آن، به کفه بهادران می‌پیوندد.

۲-۳-۲- دشت بافق

دشت بافق بین رشته کوه مرکزی خراتق و کوه‌های خاوری قرار گرفته و بلندی آن از سطح دریا حدود ۹۹۵ متر است. این دشت، کویری بوده و بیابان‌های آن، لخت و بدون پوشش گیاهی است.

۲-۴- تپه‌های شنی

با توجه به جایگاه آب و هوای استان یزد، روزهای توفانی، در این منطقه زیاد است و شمار این روزها در دشت یزد - اردکان به ۴۰ تا ۶۰ روز در سال می‌رسد. شدت این توفان‌ها به اندازه‌ای است، که گاه شهر را برای زمان کوتاهی، در تاریکی فرو می‌برد.

با این گونه توفان‌ها، توده‌های بزرگ شن و ریگ همراه است و در نواحی پیرامون یزد، اشک زر، بافق، ساغند و خاور اردکان، تپه‌های شن و ریگ ایجاد شده‌اند. پهنه این تپه‌های جنبنده، در استان یزد به حدود ۳۰ هزار هکتار می‌رسد.^۱

۲-۵- کفه‌های نمک

در مواردی که کفه یا باتلاق انباشته از نمک، ولی بدون شرایط باتلاقی باشد، در این صورت می‌توان آن را کفه نمک بیان داشت. در کفه نمک حداقل در تابستان‌ها مشکلی از طریق لجن و آب نمک انباشته زیر پوشش صفحات ضخیم و زرهی نمک، ایجاد نمی‌شود و می‌توان با پای پیاده به راحتی از آن گذر کرد.

در نقاطی از دشت‌های استان یزد، که نسبت به نواحی پیرامون گود هستند، آب‌های سطحی به سوی آنها جریان می‌یابند و در اثر تابش شدید خورشید، آب این گودال‌ها تبخیر شده و نمک برجای می‌ماند و تبدیل به کفه‌های نمک می‌شود.

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها، همان کتاب، ص ۱۳۳۹

کفه نمک درانجیر، کفه نمک عقدا، کفه نمک ساغند، کفه نمک طاقستان و کفه نمک ابرقو، مهمترین کفه‌های نمک استان یزد می‌باشند.

۲-۶- کویرها

واژه کویر، در ایران به طور عام به نقاط خشک و بی‌آب و علف اطلاق می‌شود و در منابع علمی بین‌المللی هم هنگامی که گفتار از کویرهای ایران، از جمله استان یزد است، از همین واژه کویر، استفاده می‌شود. کویرنشین استان یزد، کویر را بیابان‌های ویران، خوفناک و غیرزیست می‌داند، که در این بین بدترین شکل کویر را به پهنه‌های پوشیده از نمک و نازاینده نسبت می‌دهد^۱.

کویرهای استان یزد، عبارت‌اند از: سیاه‌کوه، درانجیر، ابرکوه، زرین، مروست، دشت کویر ساغند، بهادران، الله‌آباد، توت، طاقستان، شهیدیه.

کویر ساغند با حدود ۸ هزار و ۸۲۵ هکتار پهنه، در شمال خاوری استان یزد، با برخورداری از پدیده‌های گوناگون کویری، یکی از نادرترین مناطق کویری جهان به شمار می‌رود. علاوه بر آن، با برخورداری از گیرایی ویژه خود، از لحاظ گردشگری نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. از سال‌ها پیش در گوشه و کنار استان یزد، که از چهارسو در حلقه محاصره کویر قرار دارد، تلاش برای تثبیت شن‌های روان و جلوگیری از پیشرفت بیابان آغاز شده است.

تلاش کویرنشینان سخت‌کوش این دیار، ناحیه شوره‌زار سیاه‌کورا

۱. قبادیان، عطاءالله. سیمای طبیعی فلات ایران، ص ۳۹۹ و ۴۱۹

اکنون به مرتعی سرسبز و خرّم تبدیل کرده است.

بیابان زدایی و زنده کردن کویر در استان یزد، از حدود ۳۰ سال پیش، از ناحیه «رستاق» و نزدیک شهرستان یزد آغاز شد و اندک اندک در گستره کویر دشت یزد - اردکان رسید.

برای سرعت بخشیدن در مهار شن‌های روان، امکان‌های مالچ‌پاشی نیز برای جلوگیری از پیشرفت کویر مورد استفاده قرار گرفت. این در حالی است، که ایجاد جنگلی از گز در سطح بیش از ۴ هزار هکتار و ۲ هزار و پانصد هکتار کاشت درخت تاغ (بوته اتریپلکس)، اسفناج وحشی و پسته، بر پهنه کویری پوشیده از نمک، در ناحیه چاه افضل اردکان، هر بیننده‌ای را به شگفتی وامی‌دارد.

هانس جین، نماینده کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در آسیا و اقیانوسیه، در بازدید از این نواحی، ایجاد چنین سیستم بادشکن را طی هفت سال، غیرقابل تصور دانسته است.

بلندی درختان جنگل‌های گز، در ناحیه چاه افضل به همراه کشت بوته‌های اسفناج وحشی، در بستری از پوشش نمک، این نوید را می‌دهد، که می‌توان نواحی بیابانی را به زیستگاه‌های امن تبدیل کرد. با تلاش بیشتر، نواحی کویری نظیر چاه افضل اردکان را، که حدود یک میلیون هکتار است، می‌توان به مرکز تولید علوفه برای پرورش دام تبدیل کرد.

برپایه گزارش روابط عمومی فرمانداری شهرستان اردکان، از سال ۱۳۶۱ تا دی‌ماه ۱۳۷۳ ه. ش، بیش از ۶ هزار هکتار کویر این ناحیه به جنگل و مرتع سرسبز تبدیل شده است، که گسترش آن، تا ۷۰ هزار هکتار امکان‌پذیر است.

با ایجاد قرارگاه تثبیت شن و بیابان زدایی، در استان یزد، در سال ۱۳۷۱ ه. ش، تاکنون عملیات نهالکاری بیش از ۲۰ هزار هکتار از پهنه بیابانی و کویری استان یزد انجام شده است. این قرارگاه در نواحی محمدآباد یزد، چاه افضل اردکان، بافق و ابرکوه، در زمینه زنده کردن کویر و بیابان زدایی با امکان‌های جهاد سازندگی و نیروی بسیج فعالیت دارد. به گزارش ایستگاه پژوهشی یزد، وابسته به مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران، از کل پهنه استان یزد، ۱۴/۳ درصد کویر، ۶/۳ درصد اراضی پست و شوره‌زار، ۳ درصد تپه‌های شنی و شن‌زارها و بقیه را کوه‌ها، تپه‌ها، فلات‌ها و چراگاه‌ها تشکیل می‌دهند^۱.

۳- آب و هوا

بارش اندک همراه با تبخیر شدید، دور بودن از دریا، نزدیکی با کویر خشک و پهناور نمک، رطوبت نسبی کم همراه با گرمای بسیار، از عواملی هستند، که استان یزد را به گونه خشک‌ترین استان ایران درآورده است. گذشته از آن، در این منطقه نوسان شدید درجه حرارت وجود دارد، به طوری که اختلاف درجه حرارت بین شب و روز و فصل‌های گوناگون زیاد است. بیشترین گرما ۴۶ درجه سانتیگراد و کمترین آن، ۲۰ درجه زیر صفر دیده شده است و در بعضی از سال‌ها، گرمای زودرس، درختان را به شکوفه می‌نشاند و سرمای ناگهانی به دنبال آن، خسارت زیادی، به کشاورزان وارد می‌آورد.



کاروانسرا و دو آب انبار که از سد کنار مشروب می شده‌اند

تنها عامل کاهش دهندهٔ دما، کوهستان شیرکوه است، که تا شعاع پهناوری، نواحی پیرامون خود را زیر تأثیر قرار می‌دهد.

بیشترین بارندگی به طور میانگین ۲۰۰ میلیمتر، در بلندی‌های شیرکوه و کمترین بارندگی ۶۰ میلیمتر در نقاط کم‌ارتفاع و پست استان است. به طور کلی بارش باران و گاه برف در بلندی‌های شمالی (کوه‌های خراتق) کمتر از بلندی‌های جنوبی (کوهستان شیرکوه) است. زمان بارش، بهار و زمستان است. در زمستان در کوهستان شیرکوه بیشتر بارش به گونهٔ برف است.

در بیابان‌های استان یزد، باد عامل اصلی تغییر شکل و ایجاد ناهمواری بوده و عامل‌های فرسایش باد و آب، هریک جداگانه یا به گونهٔ مشترک، شکل‌های ویژه‌ای را به وجود آورده‌اند. جهت بادهای در این استان، شمال باختری - جنوب خاوری است. زمان وزش بادهای از اواخر اسفند تا اوایل خردادماه است، که در این مدت، فرسایش بادی سبب به وجود آمدن توده‌های بزرگ شن جنبنده می‌شود.

گهگاه توفان‌گرد و خاک، نواحی پهناوری را در سیاهی می‌پوشاند، که تنفس را سخت می‌سازد و سبب فعالیت نکردن مردم برای چند ساعت می‌شود. این توفان‌ها گاه کشتزارها را خراب و کاریزها را بسته و راه‌ها را می‌بندند.

عامل اصلی گسترش کویر و حرکت تپه‌های شنی و ایجاد توفان‌های سیاه، کمبود پوشش گیاهی در منطقه است. در اثر عملکرد فرسایشی باد و برخورد دانه‌های شن، سطح پهناوری از لایهٔ بالایی خاک را همراه خود، به نواحی دوردست انتقال می‌دهند. در بعضی نواحی،

ضخامت خاک جا به جا شده تا یک متر هم می‌رسد. در کمتر سالی است، که بخش‌های بزرگی از زمین‌های کشاورزی، خانه‌های روستایی، کاریزها و راه‌ها، در زیر ماسه روان مدفون نشود^۱.

۴- آب‌ها

۴-۱- آب‌های روی زمین

به دلیل جایگاه ویژه جغرافیایی استان یزد و نزدیکی با کویر و داشتن آب و هوای کویری و بارش اندک و منابع آب محدود، دشواری‌هایی پدید آمده، که عمده‌ترین آنها عدم گسترش کشاورزی استان است. نبود آب مناسب، بازتاب منفی بسیاری بر دیگر مسایل استان نهاده، که سبب فقر پوشش گیاهی، محدود بودن سطح زیرکشت و کاهش بازده است.

کمی بارندگی و بی‌نظمی در ریزش آن، موجب شده است، که جز رودهای هرات و مروست، رودخانه دائمی دیگری در این منطقه جریان نداشته باشد. تنها جویبارهای فصلی پیرامون شیرکوه، جریان‌های موقتی هستند، که در سطح استان دیده می‌شوند. رودهای استان یزد، عبارت‌اند از:

۴-۱-۱- آب‌سپده

این رود از دامنه کوه‌های کوشک و نارگون، در ۳۹ کیلومتری شمال

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها، همان کتاب، ص ۱۳۴۰

خاوری بافق سرچشمه می‌گیرد. درازای آن، ۵۰ کیلومتر می‌باشد و فصلی است.

۴-۱-۲- پایین‌در

رود فصلی پایین‌در به درازای ۷۰ کیلومتر از دامنه شیرکوه طی ریزابه‌هایی سرچشمه گرفته و پس از آبیاری روستاهایی چون قوروق، شیخ علی‌شاه، باغستان، آشنایی، باقی‌آباد، تزر جان، بناتک، منشاد، درّه و ثانی‌آباد از شمال بغداد آباد گذشته و رو به سوی شمال خاوری به سوی روستای فهرج روان شده، سپس در ریگزار جنوب خاوری یزد ناپدید می‌شود.

۴-۱-۳- چاه متک

رود فصلی چاه متک^۱، از دامنه شمالی کوه ماهانه، در ۵۲ کیلومتری شمال خاوری اردکان و ۶ کیلومتری خاور روستای چاه متک سرچشمه می‌گیرد. در مسیر خود، از کنار آب‌انبارهای شهریار و اسماعیل گذشته و در ۷ کیلومتری خاور اردکان به مسیل رودخانه رحمت‌آباد وارد می‌شود.

۴-۱-۴- خَرائق

رود فصلی خَرائق، به درازای ۴۰ کیلومتر، از بلندی‌های پیرامون خرائق، در ۶۰ کیلومتری خاور جنوبی اردکان سرچشمه می‌گیرد و رو به سوی شمال خاوری، از آبادی‌های خرائق و دوکالی می‌گذرد. سپس به سوی جنوب خاوری رفته و به نام رود دوکالی، از گذار هزارچیل



کندن کاریز توسط مقنی یزدی

می‌گذرد و در ۲۸ کیلومتری جنوب خاوری خراتق، به کویر درانجیر وارد می‌شود.

۴-۱-۵- رحمت‌آباد

رود فصلی رحمت‌آباد، به درازای ۱۱۵ کیلومتر، از دامنه جنوبی کوه‌های نیوک^۱، بند مناره، سگسر، حدود ۶۰ کیلومتری جنوب خاوری اردکان سرچشمه می‌گیرد.

۴-۱-۶- سفیدان

رود فصلی سفیدان، به درازای ۴۰ کیلومتر، از دامنه کوه‌های پیرعلی و بند میرazon، در ۶۹ کیلومتری شمال خاوری بافق سرچشمه می‌گیرد. در مسیر خود، از کنار حوض حسنعلی اسماعیل و حوض ملا می‌گذرد و در ۸۹ کیلومتری شمال خاوری بافق به کویر ساغند وارد می‌شود.

۴-۱-۷- شور

رود فصلی شور، به درازای ۸۵ کیلومتر، از بلندی‌های ۴۵ کیلومتری شمال خاوری بافق سرچشمه می‌گیرد.

۴-۱-۸- شوراب

رود فصلی شوراب، به درازای ۲۸ کیلومتر، از کناره خاوری کویر درانجیر، در ۴۳ کیلومتری شمال باختری بافق سرچشمه می‌گیرد.



کول‌های سفالی برای پوشش پیشکارکاریز

۴-۱-۹- شوربافق

رود فصلی شوربافق، به درازای ۱۵۰ کیلومتر، از دهستان نوق، حدود ۶۰ کیلومتری شمال باختری رفسنجان سرچشمه گرفته، پس از آمیختن با ریزابه‌های بسیار، به دهستان حومه شهرستان بافق وارد می‌شود و در سر راه از کنار روستاهای ده خواجه، عباس آباد، حسن آباد و همت آباد می‌گذرد و در باختر شهر بافق، به کویر درانجیر وارد شده و با رودخانه شورسیریز آمیخته و در بخش شمالی کویر درانجیر ناپدید می‌شود.

۴-۱-۱۰- شورسیریز

رود فصلی شورسیریز، به درازای ۱۴۰ کیلومتر، از دامنه کوه سرخ، در ۳۵ کیلومتری جنوب باختری زرند سرچشمه گرفته، ضمن گذر از دهستان سیریز، روستاهای چاقل محلی، سنگ، گلستان، رحمت آباد، بوستان، درباغ و سیریز را سیراب کرده و با ریزابه‌های زیادی، از جمله رود شور کوهبنان، که از بلندی‌های پیرامون سرازیر شده‌اند، آمیخته و به دهستان حومه شهرستان بافق وارد می‌شود و در جنوب باختری بافق به رود شور بافق می‌ریزد.

۴-۱-۱۱- کال هزارچیل

این رود به درازای ۲۰ کیلومتر، از ۹ کیلومتری جنوب خاوری خراتق سرچشمه می‌گیرد.^۱

۱. جعفری، همان کتاب، ص ۸۴، ۱۳۶، ۱۷۵، ۲۰۵، ۲۴۰، ۲۷۳، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹



آب انبار کهنه در کنار کویر

۴-۲- آب‌های زیرزمینی

آب‌های زیرزمینی استان یزد بیشتر از طریق کاریزها، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف و در بعضی نواحی از چشمه‌ها تأمین می‌شود. کمبود شبکه آب‌های روان، از دیرباز مردم یزد را به کاوش منابع آب واداشته و سبب کردن کاریز و چاه بسیار در این سرزمین شده است، چنان که مقنی‌های سخت‌کوش یزدی از نظر کردن کاریز، از شهرت ویژه‌ای برخوردار هستند.

در گذشته بیشتر آب آشامیدنی استان، از طریق چاه‌هایی به ژرفای ۲۰ تا ۵۰ متر تأمین می‌شده است، که با چرخ چاه و به کمک نیروی حیوانات یا انسان به دست می‌آمد. از آب کاریزهایی، که از پیرامون به شهرهای استان می‌رسیده نیز استفاده می‌شده است. در زمستان، که کشاورزان به آب کمتری برای آبیاری زمین‌های خود نیاز داشتند، مردم شهرها آب کاریزها را در آب انبارها ذخیره می‌کردند تا در تابستان از آن استفاده کنند. این آب انبارها، در گذشته سبب جذب جمعیت به شهرها بودند و نقش ویژه‌ای در گسترش شهرها داشته‌اند.

بزرگترین سفره آب زیرزمینی استان، سفره آبی دشت یزد - اردکان است، که آب مورد استفاده کشاورزی و صنعتی را تأمین می‌کند. بهره‌برداری در این ناحیه از طریق چاه‌ها و کاریزها صورت می‌گیرد. ژرفای این سفره زیاد است و تاکنون ۲۵۰ متر آن از طریق حفاری درست شده و احتمال دارد تا ژرفای ۴۰۰ متری در محور اصلی دشت، ادامه داشته باشد.

اُفت سطح آب زیرزمینی این منطقه هر ساله شدیدتر می شود و به طور میانگین، در نواحی بهره برداری، در سال به ۵۰ سانتیمتر می رسد. دلیل آن کندن چاه های ژرف است. متأسفانه کاریزها یکی پس از دیگری توان آبدهی خود را از دست داده و خشک و فراموش می شوند. آب چاه های ژرف نیز در اثر بهره برداری زیاد، سنگین شده و در نتیجه از نظر مصرف صنعتی و شهری مشکلات بسیاری را همراه دارد، که انتقال آب از منابع باختر کشور به فلات مرکزی و استان یزد را امری بایسته و به دنبال خواهد داشت.^۱

استان یزد در سال ۱۳۷۵ ه. ش، دارای ۱۵۵۵ چاه ژرف با تخلیه سالانه ۵۴۲/۸ میلیون مترمکعب، ۱۸۹۰ چاه نیمه ژرف با تخلیه سالانه ۳۴۱/۷ میلیون مترمکعب، ۲۶۴۲ کاریز با تخلیه سالانه ۲۴۳/۰۵ میلیون مترمکعب و ۴۴۰ چشمه با تخلیه سالانه ۳۰/۶ میلیون مترمکعب بوده است.^۲

۳-۴- تنگناها و کمبود آب

در حال حاضر کل آبی که از طریق زاینده رود به یزد منتقل می شود، حدود ۲/۵ مترمکعب در ثانیه است، که تأثیر چندانی در برطرف کردن مشکل کمبود آب استان ندارد.

از آب برداشتی از سفره های زیرزمینی استان، ۹۱ درصد صرف کشاورزی، ۷ درصد صرف آشامیدن و بهداشت و ۲ درصد صرف امور

۱. دبیران گروه های آموزشی جغرافیای استان ها، همان کتاب، ص ۱۳۴۱

۲. سازمان برنامه و بودجه یزد، همان کتاب، ص ۳۴

صنفی می‌شود و اگر این مقدار برداشت آب در هر ثانیه در نظر گرفته شود، دبی آن، برابر است با $2/5$ برابر دبی زاینده‌رود و در سطح استان یزد در هر ثانیه $2/5$ برابر آب رودخانه زاینده‌رود، از زمین برداشت می‌شود. در حال حاضر حدود ۴۰ درصد از شبکه‌ها و مخزن‌های آب آشامیدنی در روستاها، نیاز مبرم به بازسازی دارد و ۲۳ درصد از جمعیت روستایی استان، بدون آب آشامیدنی هستند. به هر حال استان یزد با بحران افزایش جمعیت روبه‌رو است و این افزایش، موجب بالا رفتن مصرف آب شده است. به طوری که هم‌اکنون در سطح استان با کمبود و محدودیت منابع آبی روبه‌رو هستند.^۱

۵- پوشش گیاهی

استان یزد به دلیل بارش اندک، نوسان درجه حرارت، تبخیر بسیار، پایین بودن سطح آب‌های زیرزمینی و نامساعد بودن خاک، با کمبود پوشش گیاهی روبه‌رو است. به علاوه استفاده بی‌مورد مردم از این پوشش ناچیز، موجب نابودی پوشش گیاهی منطقه می‌شود. بوته‌کنی، تهیه ذغال چوب و چرای بسیار و عدم رعایت اصول درست کشاورزی، از عواملی است که سبب کاهش پوشش گیاهی استان می‌شود. در آثار تاریخی از جنگل‌های بزرگ گز، قیچ، تاغ و مراتع سرسبز پهناور دامنه شیرکوه یاد شده است، که جز چند ناحیه محدود، همه آنها از بین رفته‌اند.



یوزپلنگ

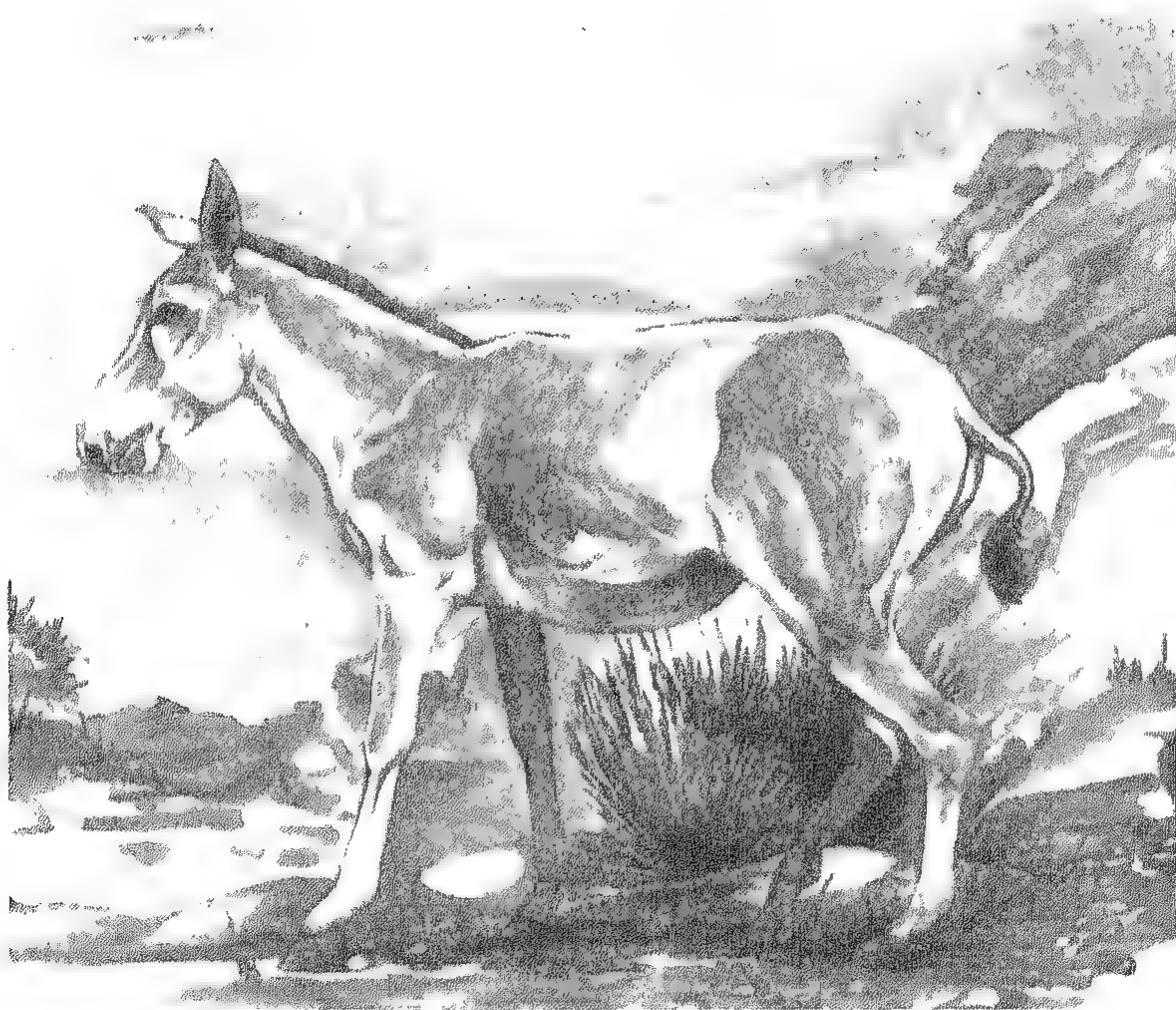
گیاهان این سرزمین با شرایط خشک و کویری سازگاری پیدا کرده‌اند و می‌توانند بدون باران، مدت درازی دوام بیاورند. گیاهان یکساله نیز در این بیابان‌ها وجود دارند، که با خشکی و گرمای تابستان‌های دراز سازش یافته‌اند. بذر گیاهان یکساله می‌تواند سال‌ها به حالت خواب به سر برده و با بارش باران، شروع به رشد کنند، از این‌رو در سال‌هایی که در کویر، باران بسیار می‌بارد، سراسر بیابان پوشیده از گل‌های وحشی می‌شود. تاکنون گونه‌های گیاهی تاغ، قیچ، گز، درمینه، ریپس، چرخان، اشنان، اسکنبیل، سبد، گون، خارشتر، پدین، بادام کوهی، اسپند،... در منطقه شناخته شده است، که پوشش گیاهی عمده استان یزد به شمار می‌رود.

چنان که گفته شد، در سال‌های اخیر، طرح‌هایی برای کاهش توفان‌های کویری و تثبیت شن‌های روان انجام شده، که می‌توان از جنگل‌های دست‌کاشت گز و تاغ، که به پهنه بیش از ۱۵ هزار هکتار به وجود آمده، نام برد. گیاهان نامبرده شده، از پایدارترین گونه‌های کویری است، که می‌تواند در برابر کم‌آبی و توفان‌های شدید و وزش شن‌های روان پایداری نمایند.

استان یزد در حال حاضر استعداد رویش گیاهی مطلوبی را ندارد و بایستی به منظور نگاهداری و زنده نگاهداشتن پوشش گیاهی موجود، از نابودی آنها جلوگیری به عمل آورند.

۶- زندگی جانوری

زندگی جانوری به آب و پوشش گیاهی بستگی دارد. با توجه به آب



گورخر ناحیه کویری استان یزد

و هوای بیابانی و نیمه‌بیابان استان یزد، در بخش‌هایی از آن، که شرایط کویری حاکم است، بارندگی اندک و تابستان‌های گرم و خشک و زمین سنگلاخ است.

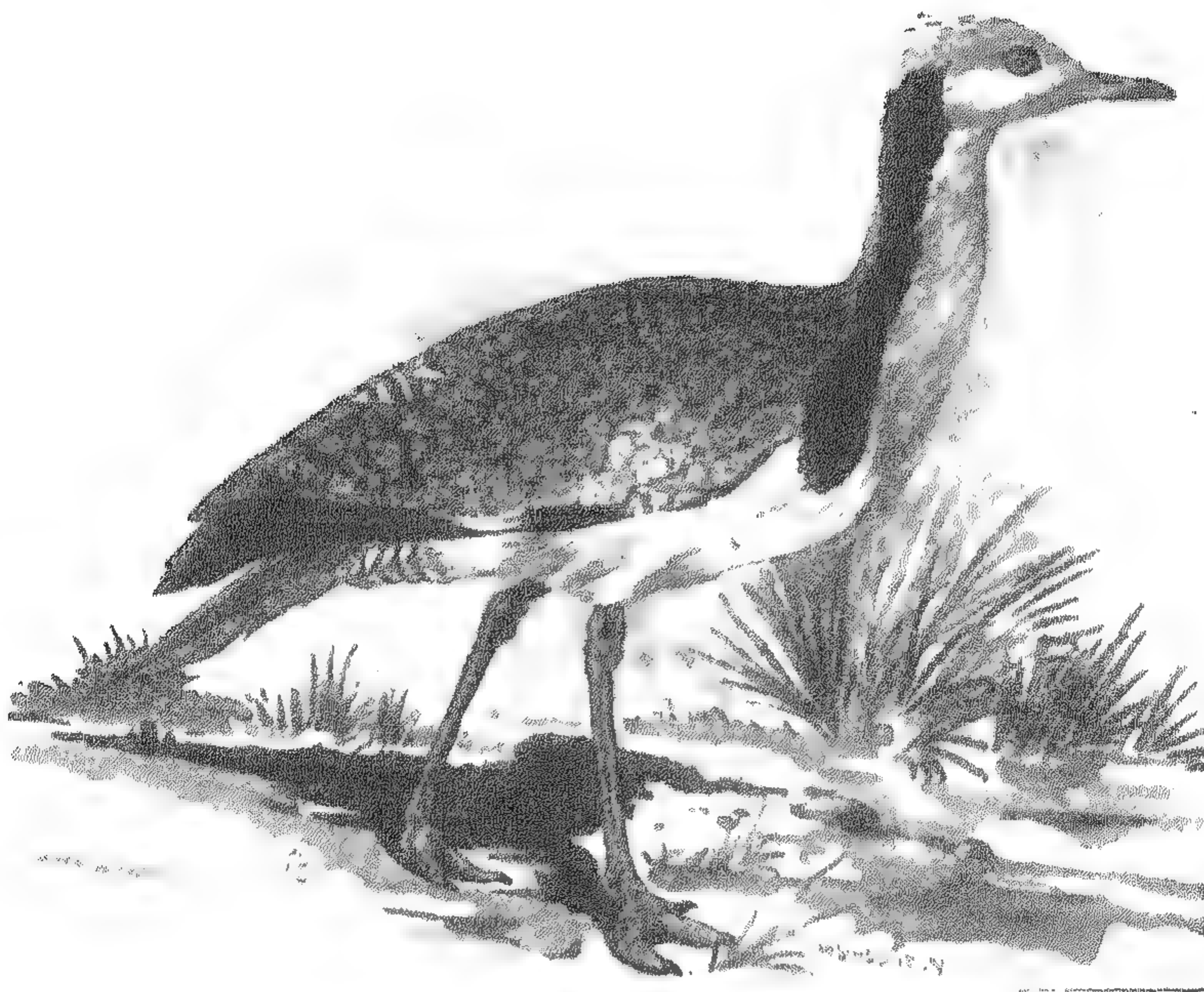
در این نواحی پوشش گیاهی اندک و پراکنده است و نگهداری آب بدن، راز زنده ماندن جانوران است و تنها پستانداران کوچکی در این بیابان‌ها زندگی می‌کنند، که با شرایط سخت آن، به خوبی سازش پیدا کرده‌اند. این پستانداران کوچک، آب مورد نیاز خود را از راه آب‌های موجود در گیاهان تأمین می‌کنند.

آب اندکی، که از این طریق به دست می‌آید، با کم کردن از فعالیت خود، در ساعت‌های گرم روز، پناه بردن به نقاط مرطوب و خنک در زیرزمین، در بدن این پستانداران نگهداری شده و سعی در ذخیره آن دارند.^۱

۶-۱- پستانداران

از مهمترین پستانداران، موش دوپا، خارپشت ایرانی، خفاش نعل اسبی بزرگ، هامستر خاکستری، جرد ایرانی، تشی، خرگوش، ... است. پستانداران بزرگ این منطقه نیز به طور جالبی با شرایط کویری سازش پیدا کرده‌اند، اما اندازه تولید مثل آنها با در نظر گرفتن اندازه باران و خشکسالی‌ها، کم و زیاد می‌شود. از این رو تعادلی بین شمار آنها و گیاهان موجود در منطقه به وجود می‌آید.

مهمترین این پستانداران، عبارت‌اند از: گرگ، شغال، روباه



هوبره

معمولی، روباه شنی، کفتار، گربه وحشی، کاراکال، یوزپلنگ، گراز، آهو، جبیر، پازن، گورخر^۱.

از مهمترین این جانوران در استان یزد «جبیر» است. حیوان کوچکی است از گونه آهو، که از آهو باریکتر و کوچکتر است و برعکس آهو، نر و ماده هر دو شاخ دارند و شاخ‌های آنها از روبه‌رو به نظر مستقیم می‌آید، در صورتی که شاخ آهوی نر، از روبه‌رو خمیدگی ویژه‌ای دارد.

گورخر نیز یکی از جانوران زیبایی است، که در منطقه کویری استان یزد دیده می‌شود. از نظر شکل ظاهری، گورخر حد فاصل بین اسب و الاغ است، پهلویش سفیدرنگ و یک نوار سیاه در پشت دارد، که از یال‌ها شروع و به دم پایان می‌یابد.

در تپه ماهورها و نواحی کوهستانی، که هوا نه مانند کویر به شدت گرم و نه مانند کوهستان‌ها به سختی سرد است، آهو، روباه معمولی و یوزپلنگ زندگی می‌کنند. در روی بدن یوزپلنگ، لکه‌های کوچک سیاه‌رنگی دیده می‌شود و نوار سیاه‌رنگ و مشخصی نیز از گوشه چشم به گوشه دهان می‌پیوندد، که به آسانی می‌توان آن را از پلنگ تشخیص داد^۲.

۶-۲- پرندگان

مهمترین گونه‌های پرندگان استان یزد، عبارت‌اند از: کشیم کوچک

۱. ضیایی، هوشنگ، راهنمای صحرایی پستانداران ایران، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۵، ص ۲۸ - ۶۲

۲. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها، همان کتاب، ص ۱۳۴۴

و بزرگ، بوتیمار کوچک، اگرت بزرگ، حواصل خاکستری، کله سبز، آنقوت، خوتکا، قرقی، کورکور، سارگپه پابلند، عقاب دوبرادر، کرکس، دال سیاه، عقاب مارخور، دلیجه، سنقر سفید، کبک، تیهو، هوبره، بلدرچین، چنگر، آبچلیک پاسرخ، کاکایی سرسیاه، کبوتر جنگلی، قمری خانگی، کبوترچاهی، هدهد، پرستو، چکاوک، سار، سسک، گنجشک معمولی...^۱

۶-۳- مارها

مارهای غیرسمی استان یزد، مارشتری *spalerosophis cliffordi* و مارسمی آن، مار شاخدار *pseudocerastes persicus* است.^۲

۶-۴- نواحی حفاظت شده

ناحیه کالمند و بهادران، با پهنه‌ای حدود ۲۵۵ هزار هکتار، در ۵۰ کیلومتری شهر یزد و در همسایگی شهرستان مهریز قرار دارد. این ناحیه در سال ۱۳۵۴ ه. ش، به دلیل تخم‌گذاری پرندۀ باارزش و کمیاب «هوبره» و امکان زیست و زادآوری آن در یزد، مورد توجه قرار گرفت و با ممنوع شدن شکار جانوران وحشی در آن، از سال ۱۳۷۰ ه. ش، به عنوان ناحیه حفاظت شده اعلام شد.

این ناحیه به منزله زیستگاه و پناهگاه‌های امن و کم‌نظیر برای

۱. سازمان حفاظت محیط زیست. پرندگان ایران، تهران، تیر ۱۳۶۲، ص ۳۶۲ - ۳۸۵

۲. لطیفی، محمود. مارهای ایران، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، پاییز ۱۳۶۴،

آهوان در کویر ایران است، که غنای زیستگاه‌ها و ویژگی‌ها و نام آن، که برگرفته از کوه و آبادانی در دل کویر است، برای ساکنان کناره‌کویر غریب و ناآشنا مانده است.

در حال حاضر این ناحیه امکان زیست هزاران آهو را در خود فراهم کرده است و بی‌گمان، ناحیه حفاظت شده کالمند و بهادران را بایستی یکی از زیستگاه‌های مهم و کم‌نظیر آهو در ایران نامید و با قوانین و مقرراتی که اکنون از نظر حفاظت محیط زیست در آن اعمال می‌شود، می‌توان عطر خوش زندگی را در میان بوته‌زارها و شکفتن گل‌ها در شوره‌زار بیابان، خرامیدن آهوان، پرواز پرندگان و تماشای هیکل باشکوه قوچ و کل وحشی حس کرد.

ویژگی‌های بسیار ناحیه کالمند و بهادران به لحاظ جغرافیایی و طبیعی، امکان زیست و زادآوری جانوران وحشی و پرندگان، از گونه‌های گوناگون، که در بالا نام برده شدند را فراهم کرده است.^۱

۱. حسینی، حسام‌الدین. کالمند و بهادران، زیستگاه امن آهوان در کویر یزد، روزنامه همشهری، سال ۶، شماره ۱۶۰۹، ۱۷ مرداد ۱۳۷۷، ص ۸

بخش دوم

نام، پیشینه و آثار تاریخی

فصل اوّل

نام و پیشینه تاریخی

۱- نام

شهر یزد، از روزگاران کهن تاکنون ایستاتیس، ایستیخای، ایزاطیخه، کِثه، کثنوا، کثنویه، کثویه، کثروا، کته، کتروا، کهنو، زندان ذوالقرنین، بندخانه سرهنگان داراب و اکابر عجم، یسدی، دارالعباد، دارالعباده، شهر بادگیرها، نگین کویر، ... خوانده شده است.

یزد، از دوران‌های پیشین تاکنون تنها نام یک شهر نبوده است، بلکه به منطقه‌ای از فهرج تا نایین اطلاق می‌شده است، که چندین شهر و روستاهای بسیار را در بر می‌گرفته است.

شادروان عبدالحسین آیتی برپایه روایتی گفته‌اند، که گویا شهر باستانی یزد را «ایستاتیس» می‌نامیده‌اند و محل آن، در دامنه بلندی‌های مهریز بوده است. در دوران هخامنشی و شاید پیش از آن، ایستاتیس نامیده می‌شده است و شاید ایستاتیس همان است، که در جغرافیای

بطلمیوس، به نام «ایستیخای» در بیابان «کارمانیا» (کرمان) از آن، یاد شده است.^۱

ابراهیم ولنتاین ویلیامز جکسن، در کتاب ایران در گذشته و حال خود، درباره نام یزد، نگاشته است:

«یزد، شهری بسیار قدیمی است، زیرا ظاهراً نام آن، به صورت ایستیخای در جغرافیای یونانی بطلمیوس در زمره شهرهای بیابان کارمانیا، ذکر شده است.»^۲

ایستاتیس را در آثار جغرافیایی پیشین به گونه «ایزاطیخه» به معنی یزد هم آورده‌اند. اعتمادالسلطنه آن را نام پیشین یزد آورده، ولی می‌گوید ظاهراً یزد خواست هم این نام را داشته است.^۳

می‌گویند اسکندر مقدونی، در سر راه خود به ری، در یزد زندانی ساخت، که آن را کِثَه می‌گفتند و بعدها در دوران ساسانیان به فرمان یزدگرد اول (۳۹۹ - ۴۲۱ م.) در این محل شهری بنا شد، که آن را «یزدان گرد» نام نهادند.^۴

لسترنج، بر این باور بود، که نام پیشین این شهر «کِثَه» بوده و چون نام یزد به شهر نهاده شد، نام کِثَه را بر ولایت یزد اطلاق کردند، که به آن حومه یا جومه یزد گفتند.^۵

۱. پویا، سید عبدالعظیم. زندان سکندر از نگاهی دیگر، مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسایل ایران شناسی، ص ۷۳

۲. جکسن ابراهیم ولنتاین ویلیامز. سفرنامه جکسن، ص ۳۹۸

۳. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، ص ۸۰

۴. بیات، عزیزالله. کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، ص ۴۳۴

۵. لسترنج، گی. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۰۶

در آثار جغرافیایی پس از اسلام، بارها از کته همراه با نام یزد، یاد شده است، به گونه‌ای که بعضی از پژوهشگران، کته را مرادف با نام یزد پنداشته و یا آن را نام پیشین‌تر یزد دانسته‌اند.

ناشناختگی واژه کته و روشن نبودن بستگی ریشه‌ای این واژه به زبان‌های ایرانی یا غیرایرانی، تاکنون نزد پژوهشگران سخن‌ها و گمان‌های گوناگونی را برانگیخته است.

تا سده ۴ ه. ق، سندی، که از کته نام برده باشد، در دست نیست، در حالی که یک سده پیش از آن، در اسناد نوشته شده سده ۳ ه. ق، از یزد یاد شده است.^۱ ابن خردادبه، در کتاب المسالک و الممالک (۲۵۰ ه. ق) و احمد بن اسحاق یعقوبی، در کتاب البلدان (۲۷۸ ه. ق) خود بدون نگاشتن کته، تنها از «یزد» نام برده‌اند.^۲

گویا نخستین بار استخری در سده ۴ ه. ق، از واژگان کته و یزد با هم یاد کرده است. در سده‌های بعد تا سده ۸ ه. ق، کته تنها در آثار جغرافیایی آمده و در آثار تاریخی همه جا از یزد نام برده‌اند. در سده ۹ ه. ق، پژوهشگران تاریخ محلی یزد، از جمله جعفری در تاریخ یزد و کاتب در تاریخ جدید یزد، نام کته را با روایت‌های «زندان سکندر» درآمیخته‌اند و کته را نخستین بنای یزد پنداشته‌اند، که به فرمان اسکندر مقدونی ساخته شده و آن را زندان «ذوالقرنین» خوانده‌اند.

جکسن، پژوهشگر در زمینه آیین زرتشتی، می‌گوید: می‌توانیم واژه کته (در ایران پیشین «کته») را با جزء نخست نام لاتینی «کتروا» که در

۱. پویا، همان منبع، ۷۴

۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق. البلدان، ص ۵۰

فهرست نام‌های جغرافیایی نقشه پاتینجر، آمده است، مقایسه کنیم.
عبدالحسین آیتی برای یافتن گونه‌ای بستگی بین واژه کته و کثنویه،
که اکنون نام کوهی در یزد است، توجه و کوشش کرده است.

وقف نامه‌های ربع رشیدی و جامع الخیرات، پیشین‌ترین
نوشته‌هایی است، که از دژ «کثنویه» در یزد نام برده‌اند: یکی آبادی کثنویه
در پیرامون شهر یزد و دیگری کاریز کثنویه در میبد. البته میبدیان این واژه
را «کثنوا» بیان می‌کنند. آقای سید عبدالعظیم پویا بر این گمان است، که
کثنوا گونه اصلی‌تر و درست‌تر این واژه است، ولی نویسندگان سده
۸۵۰ ق به روش عربی نگاران، این نام را دگرگون ساخته و در نوشتن
«کثنویه» نگاشته‌اند. مردم یزد نیز همانند میبدی‌ها، در گویش خود، واژه
کتابی کثنویه را بیان نمی‌کنند و آبادی کثنویه را «کهنو» می‌خوانند، که با
موازین دانش واژگان ایرانی، سازگار است.

واژه کثنوا را به لحاظ همانندی لفظی و نام محل، می‌توان با نام
«کثروا» نیز سنجید، که مقدسی آن را از شهرهای ناحیه شهداد (خیص)
در کرمان شمرده است.

اگر واژه کثنوا به عنوان اصلی‌ترین گونه‌های کته، کته، کثنویه و کهنو
پنداشته شود، می‌توان این واژه را با «کاتوئیکیا» ی لاتینی سنجید.
کاتوئیکیا، کلنی‌های نظامی یا شهرهای مهاجرنشین یونانی بوده، که پس از
چیره شدن ارتش مقدونی و سلوکی، در سرزمین‌های گشوده شده یا
اراضی شاهی می‌ساختند^۱.

روایتی است که اسکندر مقدونی کته را بنیاد نهاده است. برپایه

منابع تاریخی منطقه یزد حتی در مسیر لشکرکشی‌های مقدونیان نبوده است، اما اسکندر هنگامی که از ری به پارت می‌رفت، ایالت‌های پارس و ماد را گشوده بود، وی در شهر دامغان / صد دروازه / هکاتومپیلس، والی ماد را نیز برگماشت.

بنابراین خاک یزد را که از جرگه پارس و ماد بیرون نبود، از لحاظ سیاسی بایستی در ردیف سرزمین‌های گشوده شده اسکندر مقدونی دانست.

گزارش جعفری، نویسنده تاریخ یزد، درباره کشورگشایی اسکندر، پژوهش در ماد، و اسیر شدن شورشگران و سیاست شهرسازی‌های او، با گزارش‌های تاریخی معتبر، در اصول، برابری دارد، جعفری کثه را به اسکندر نسبت داده است. احمد کاتب، نویسنده کتاب تاریخ جدید یزد نیز با بیان گفتار همانندی، بنای کثه را به اسکندر مقدونی نسبت داده است.

اینان هر چند در عنوان کلی، موضوع «زندان ذوالقرنین» را بیان کرده و آن را «بندخانه سرهنگان داراب و اکابر عجم» دانسته‌اند، اما در جزئیات، بیشتر به توضیح شهرسازی‌های اسکندر و ایجاد کاریز، دژ و اسکان مردم پرداخته‌اند. کاتب، حتی به گماشتن حکیم یونانی برای ساختن کثه، اشاره نموده است، که توجهی است به طراحی شهرهای نوبنیاد و سلوکیان با نقشه «هیپووام» ملطی^۱.

در نخستین گزارش‌های تاریخ و جغرافیانگاران اسلامی، چون

۱. هیپووام، نام معمار و مهندسی از شهروندان ملطیه (میلت) است، که نقشه‌های شطرنجی او در طراحی شهرهای سلوکیان مورد بهره‌برداری بوده است.

استخری و ابن حوقل، کثه، شهری در حومه یزد، یاد شده است. به نظر می‌رسد، که اسناد سده ۸ ه. ق، از کثویه‌ای در پیرامون شهر یزد نام می‌برند، که در آثار جغرافیانگاران ایران و عرب از آن به نام «کثه در حومه یزد» یاد شده است. یعنی اصل شهر به عنوان دژ و بارو، و کثه به عنوان حومه، است. شاید در سده‌های نخستین اسلامی، این کثه به عنوان حومه (ربض)، اهمیت شهر پیشین را زیر تأثیر خود قرار داده باشد.

کثویه، که در گویش امروز مردم یزد «کهنو» نامیده می‌شود، کوی و باغستانی است، در شمال باختری و پیوسته به شهر یزد. مسافت کثویه تا باروی کهن یزد، حدود ۳ کیلومتر است. مسیر راه باستانی ری - کرمان، درگذر از ناحیه یزد، کنار این محل و شمال خاوری یزد می‌گذشته و تا فهرج ادامه یافته و از آن جا به کرمان می‌رفته است.

امروز مردم کثویه بر این باورند که کاریز کهن کثویه را زنی به نام «کثه» ایجاد کرده است. این باور خود یک گواه اسطوره‌ای مبنی بر دیرینگی این آبادی و وابستگی آن به مادینگان، یادآور الهه آناهیتا است. آوارهایی که از بناهای کهن این آبادی به جای مانده، هنوز در چندین نقطه از بیابان کثویه انباشته است. این آوارها، که در دوره‌های گوناگون به منظور هم‌کف ساختن زمین با آب کاریز برای کشاورزی جابه جا شده‌اند، آکنده از خرده سفال‌ها، ابزار و آثار وابسته به حوزه‌های آبادانی این محل است.

نام ستیغ‌ها و تپه‌های بلندی که از این ویرانه‌ها فراهم آمده، قابل بررسی و دارای نشانه‌هایی از کهنسالی است: تل «سوا»، تل «نرگرون/

نرگسان»، تل «اژدهاری / اژدهانی» و تل «باغ بازار»... مجموعه این اسناد و سرگذشت‌ها «کثنویه» را به منزله محل جغرافیایی یکی از کلنی‌های نظامی مهاجرنشین مقدونیان و سلوکیان، در کنار یزد باستان، مطرح می‌سازد، که ثابت کردن آن، در گرو پژوهش‌های باستان‌شناسی خواهد ماند.^۱

در دوران ساسانیان، کوره استخر، بزرگترین کوره فارس بود و ناحیه یزد، بزرگترین ناحیه استخر به شمار می‌رفت و شهرهای مهم آن، کَته، میبد، نایین و فهرج بود. چنان‌که گفته شد، در آغاز «یزد» نام ناحیه‌ای از استخر بود و شهر یزد کنونی «کَته» نام داشت، اما پس از آن، که شهر مزبور، یزد نامیده شد، ناحیه بالا را کَته خواندند.^۲

نامگذاری یزد را وابسته به واژه «یزش» به معنی ستایش و نیایش، در زبان پارسی میانه دانسته‌اند. یزد از یزدان نیز گرفته شده و معنی واژگانی آن، پاک، مقدس، فرخنده و درخور آفرین است و به معنی ذات خداوند هم آمده است. یزد، یعنی آفریننده خوبی‌ها، پاکی‌ها و شهر خداست.

پس از برآمدن اسلام و گرایش مردم یزد به دین اسلام، عنوان دارالعباد یا دارالعباده به این شهر داده شد.

مارکوپولو، که در ۱۲۷۲ م، از این شهر دیدن کرده است، در سفرنامه خود، از آن به گونه «شهر خوب و اعیانی یسدی» نام برده است. اودوریک پورد نونیانی، راهب ایتالیایی، که پنجاه سال پس از

۱. پویا، همان منبع، ص ۷۹ - ۸۰

۲. سلطان‌زاده، حسین. نایین، شهرهای ایران، جلد دوم، ص ۲۳۳

مارکوپولو به آن جا آمده، از شهر یزد به گونه «گِث» یا «گِست» یا «یست» نام برده و جوزافا باربارو ونیزی، در ۱۴۷۴ م، نام آن را «ایز» یا «یکس» نگاشته است.^۱

این شهر در دوره فرمانروایی آل مظفر، از نظر فرهنگی و ایجاد مراکز تعلیم و تربیت به اوج شکوفایی رسید و در هیچ جای ایران به اندازه یزد، دارالتعلیم به وجود نیامد، به گونه‌ای که یزد به «دارالعلم» سرشناس شد.

شهر یزد به شهر بادگیرها و نگین کویر نیز سرشناس است، زیرا با پیشینه‌ای ریشه‌دار و دیرینگی چندین هزار ساله، همچون نگینی باارزش بر تارک فلات مرکزی ایران می‌درخشد.

۲- پیشینه تاریخی

۲-۱- پیش از اسلام

استان یزد از سرزمین‌های کهن و تاریخی ایران زمین است و در برخی آثار تاریخی و جغرافیایی، بنای نخستین شماری از شهرهای آن، مانند: میبد را به سلیمان پیامبر، یزد را به ضحاک و اسکندر مقدونی و ابرکوه را به ابراهیم پیامبر نسبت داده‌اند، که بیانگر دیرینگی پیشینه تاریخی و فرهنگی سرزمین و مردم رشید و نجیب آن است.

مجموعه آثار باستانی پراکنده موجود در استان یزد نیز به سهم خود، بازمانده شایان توجهی از تاریخ و فرهنگ کهن را در این منطقه

۱. جکسن، همان کتاب، ص ۳۹۸

می‌شناساند، مانند: دست افزارهای سنگی به دست آمده در درّه‌های شیرکوه، نگاره‌های روی تخته سنگ کوه ارنان و تکه سفال‌های نقش‌دار به دست آمده در نارین قلعه میبد، که باستان‌شناسان آن را از دوره فرهنگ ایلامی دانسته‌اند، و نیز غارهای استان و مسکن‌های باستانی و آثار معماری و شهرسازی باستانی و یادمان‌های آیین‌های کهن ایرانی، که در گوشه و کنار این سرزمین پراکنده‌اند.^۱

کشاورزی و مدنیت یزد، در چهارکانون بزرگ مهریز و فهرج، یزد، رستاق و میبد و اردکان، پاگرفته است. این منطقه، که در مسیر شاهراه‌های باستانی ری - کرمان و پارس - خراسان قرار گرفته بود، اهل پژوهش جزء سرزمین‌های دوردست ماد شمرده‌اند^۲، سرزمینی که در میانه هزاره نخست پیش از میلاد، در سرنوشت سیاسی اتحادیه‌های قبایل ماد هم‌بهره گردید.

در این زمان یزد در یک چهارراه منطقه‌ای قرار داشته و نقش مرزبانی ایالت‌ها و نگاهبانی راه‌های بسیاری را که به چهارسوی ایران می‌رفته، ایفا می‌کرده است.

منطقه یزد بی‌گمان، در دوران هخامنشی دارای راه‌های بزرگ و معتبر و راهداری و مراکز پستی و چاپاری بوده است، زیرا علاوه بر راه‌های شناخته شده باستانی، از روی مدارک پیشین، راه‌های فراموش شده را نیز باز یافته‌اند، که در روزگار باستان به مرکز اقتصادی و فرهنگی ایران باستان می‌پیوسته‌اند.^۳

۱. میرحسینی، محمد حسن. تاریخ یزد، یزد نگین کویر، ص ۵۵

۲. پیرنیا (مشیرالدوله) حسن. ایران باستان، ص ۲۵۳۲

۳. گابریل، آلفونس. تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ص ۳۴

استاد واسیلی بارتولد، ضمن شرح جایگاه تاریخی، فرهنگی و اقتصادی یزد، از آن به عنوان یک سرزمین بااهمیت و دارای جایگاه بازرگانی گذری، یاد کرده است:

«یزد به حاصلخیزی اطرافش معروف و همیشه یکی از مهمترین نقاط تجارت ترانزیتی بود... یزد تا به امروز اهمیت تجارتی خود را محفوظ داشته است»^۱

یادمان‌های کهن دینی یزد، آگاهی از آیین‌های باستانی ایرانی را به دست می‌دهند، که سده‌ها پیش از گسترش آیین «نوزرتشتی» ساسانی، مردم منطقه بدان پای‌بند بوده‌اند، از آن جمله می‌توان از مهرپرستی و نیایش آناهیتا نام برد. همچنین از برخی نمادهای باستانی، به ویژه نیایشگاه‌های کهن الهه «آناهیتا»ی پارس نو، پیرسبز، پیر نارکی، ... که از روزگاران کهن در این سرزمین پایدار بوده‌اند، می‌توان نام برد.

منطقه یزد، در دوران ساسانی، به ویژه در روزگار قباد، انوشیروان و یزدگرد اول، ... از جایگاه اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای برخوردار بوده و به عمران و آبادی آن، توجه بسیار شده است^۲. همچنین سگه‌های به دست آمده از دوره پوران‌دخت ساسانی است، که در شهر پیشین میبد، ضرب شده است^۳.

۱. بارتولد، واسیلی. تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۱۸۵

۲. بیات، همان کتاب، ص ۴۳۵ - ۴۳۶

۳. پویا، سید عبدالعظیم. سیمای باستانی میبد، ص ۱۸

۲-۲- دوره اسلامی

سرزمین یزد به دلیل جایگاه ویژه و استراتژیک خود، و قرار گرفتن در کنار شاهراه اصلی خاوری - باختری ایران باستان، در نخستین سده اسلامی، به دست مسلمانان افتاد و قبایل عرب به سوی ایران سرازیر شدند و گروهی از قبیله‌های بنی تمیم و بنی عامر، در کوی عرب‌های یزد، استقرار یافتند.

در سده ۴ ه. ق، که دیلمیان بر بخش‌های باختر و جنوب ایران و عراق چیره شدند، جمعی از علویان هم به یزد آمدند و در کوی حسینیان سکونت گزیدند. سرشناس‌ترین آنها امام‌زاده سید جعفر (ع) است، که از سیدهای عریضی بود و در سال ۴۲۴ ه. ق، در این شهر درگذشت و گورش زیارتگاه مردم است.

۲-۳- آل کاکویه

علاءالدوله ابوجعفر، بنیان‌گذار این خاندان، در ۳۹۸ ه. ق، از سوی سیده خاتون، دختر عمه خود (مادر مجدالدوله دیلمی) به حکومت مستقل اصفهان و پیرامون آن، برگماشته شد. پس از مرگ ابوجعفر، برادران شمس‌الملوک ظهیرالدین ابومنصور فرامرز بر سر حکومت با او درگیری داشتند، اما طغرل سلجوقی، در سال ۴۴۳ ه. ق، او را به حکومت مستقل یزد و ابرکو منصوب کرد.^۱

حکمرانی ابومنصور فرامرز در روزگار فرمانروایی طغرل، آلب

۱. میرحسینی، همان منبع، ص ۵۷ - ۵۸ و یزدنامه، ص ۲۶۷

ارسلان و ملک‌شاه سلجوقی بود و نزد آنان احترام ویژه‌ای داشت. پس از وی، فرزندش مؤیدالدوله ابومنصور علی بن فرامرز، به حکومت یزد رسید، و ارسلان خاتون، دختر جغری بیگ داود سلجوقی را به زنی گرفت. امیرعلی در سال ۵۳۶ ه. ق، که با سلطان سنجر همراه بود، در جنگ قراخطای کشته شد. سپس علاءالدوله کاليجار و پسرش امیر فرامرز به حکومت یزد رسیدند. اینان در نزد سلجوقیان، دارای احترام و اعتبار بودند. چون امیر فرامرز پسر نداشت، حکومت یزد به دو دخترش واگذار شد و رکن‌الدین سام بن وردان روز، به اتابکی آنان گماشته شد. بدین ترتیب حکومت یزد، از آل کاکویه به اتابکان یزد انتقال یافت.

۲-۴- اتابکان یزد

رکن‌الدین سام، نخستین امیر این خاندان پس از اندک زمانی، در سال ۵۸۴ ه. ق، از کار اتابکی دختران امیر فرامرز کنار رفت و برادرش عزالدین، به اتابکی رسید.

اتابکان یزد با ایجاد پیوندهای زناشویی، روابط دوستانه‌ای با سلجوقیان برقرار کردند و مورد احترام و مشورت آنان بودند.

پس از عزالدین (درگذشته ۶۱۵ ه. ق)، وردانروز، اسفهسالار ابومنصور (قطب‌الدین) (درگذشته ۶۳۷ ه. ق)، قطب‌الدین محمود، رکن‌الدین علاءالدوله (درگذشته ۶۶۲ ه. ق)، طغان شاه، علاءالدوله (درگذشته ۶۷۳ ه. ق)، رکن‌الدین یوسف شاه، حاجی شاه بن یوسف شاه به اتابکی رسیدند و بر یزد و پیرامون حکومت کردند. آخرین اتابکی خاندان اتابکان یزد، حاجی شاه بن یوسف بود، که حکومت وی در

۷۱۸ ه. ق، به دست امیر مبارزالدین محمد بن مظفر از میان رفت.^۱ اتابکان در آبادی و عمران یزد کوشش‌های بسیاری کردند و بناهای زیادی از خود به یادگار گذاشتند. رکن‌الدین سام در نزدیکی دروازه مهریز مدرسه‌ای به نام اتابک ساخت. وردانروز، در بازار دلان مدرسه وردانروز را بنا کرد. محمود شاه در گسترش شهر کوشید و کوی‌های بیرون شهر را درون حصار آورد و میدانی بزرگ ایجاد کرد. مادرش مریم ترکان نیز روستای مریم‌آباد را ساخت.^۲

۲-۵- مغولان

در روزگار حکومت سلطان اسفہسالار ابومنصور (قطب‌الدین)، چنگیز مغول به ایران حمله کرد، اتابک چیرگی مغولان را پذیرفت و جانشینانش به عنوان دست نشانده‌گان مغول، در حکومت یزد پایدار شدند و با کفایت و زیرکی، یزد را از سپاه مغول مصون داشتند.

در این دوره به دلیل امنیت و آرامش نسبی در یزد، بازرگانی و پیشرفت شهرها و آبادی‌ها و مبادله کالاهای گوناگون، رونق یافت و کالاهای یزدی تا آن سوی آب‌های جنوبی ایران، به ویژه هندوستان راه یافت.

راهداری و نگاهداری راه‌ها، در دوران مغول و ایلخانان مورد توجه قرار گرفت و نگاهداری راه‌ها را به بزرگان و امرا واگذار می‌کردند. در اوایل سده ۸ ه. ق، امنیت راه‌هایی که از منطقه یزد می‌گذشتند به دست

۱. کتبی، محمود. تاریخ آل مظفر، ص ۹

۲. میرحسینی، همان منبع، ص ۵۹

آمد و راه‌ها نیز گسترش یافت. توسعه و امنیت راه‌های کشور نقش بسزایی در رونق بازرگانی یزد و همچنین شکوفایی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایالت یزد داشت.

ناحیه یزد در کنار بیابان، برای کاروان‌ها امنیت نداشت و از هر سو مورد دستبرد راهزنان قرار داشت. از این رو ایلخانان مغول، راه‌های یزد را به شرف‌الدین مظفر، پدر امیر مبارزالدین محمد، واگذار نمودند. وی به سرکوب سرکشان پرداخت و امنیت راه‌ها را برقرار ساخت، به طوری که کیسه‌های زر و سیم در راه می‌نهاد و کسی شهادت دستبرد نداشت. محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای، نویسنده کتاب مجمع الأنساب، می‌نویسد:

«چون مظفر یزدی مردی کافی مردانه بود، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (وزیر غازان خان) باسقاقی (شحنگی) آن مملکت به وی مفوض داشت و راه یزد و کرمان و ابرقو و اصفهان را چنان مضبوط داشت، که در بیابان میل بینخو (۱) که خونخوار بیابانی است عمداً صره‌های زر می‌نهاد و یک هفته دو هفته افتاده بود هیچ بنی‌آدم را یارا نبود که نیک در آن نگرستی.»^۱

۲-۶- آل مظفر

اهمیت راهداری، امنیت و گسترش راه‌ها در گذشته به اندازه‌ای بود، که خاندان مظفر از راهداری یزد و مید به پادشاهی رسیدند.

۱. شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد. مجمع الأنساب، ص ۲۱۴

امیر مظفر، بزرگ این خاندان، از نوادگان غیاث الدین خراسانی بود، که در دربار ایلخانان مغول وارد خدمت شد و به حکومت رسید. پس از مرگ او، پسرش امیر مبارزالدین محمد در اوایل حکومت ابوسعید بهادرخان (۷۱۶ - ۷۳۶ ه. ق) ایلخان مغول به حکومت رسید و راهداری یزد انتخاب شد.^۱ در سال ۷۱۸ ه. ق، حاجی شاه بن یوسف، اتابک یزد را، در نبردی شکست داد و به حکومت اتابکان یزد پایان داد و از سوی ابوسعید بهادرخان، به حکومت یزد نیز رسید.

مبارزالدین محمد، پس از درگذشت ابوسعید بهادرخان، دم از استقلال زد و بر کرمان، شیراز و قلمرو حکومت ملوک شبانکاره، در جنوب ایران چیره شد و در سال ۷۲۳ ه. ق، حکومت آل مظفر را تشکیل داد.^۲

یزد، در روزگار حکومت امیر مبارزالدین، از نظر سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت و اعتبار شد. این جایگاه، نه تنها به خاطر تلاش مظفریان در یزد پدید آمد، بلکه شرایطی که در دوره مغول بر کشور حاکم شد، شهرهای دورافتاده و به دور از هیاهوی سیاسی، چون یزد را مورد توجه نامداران قرار داد. طی یک سده حکمرانی مغول بر ایران، ناحیه یزد بیش از دو برابر گسترش یافت و با مدیریت و تدبیر امیر مبارزالدین محمد، به مرکز فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی تبدیل یافت.

امیر مبارزالدین محمد به سال ۷۶۵ ه. ق، درگذشت و قلمرو او بین پسرانش بخش شد، به طوری که سلطان احمد، در کرمان، شاه محمود، در

۱. مقتدر، غلامحسین. فهرستی از تاریخ ایران، ص ۶۰ - ۶۱

۲. افشار سیستانی، ایرج. خوزستان و تمدن دیرینه آن، جلد اول، ص ۲۳۵

اصفهان، شاه یحیی، در یزد و شاه شجاع، در فارس و بخشی از خوزستان به حکومت پرداختند.

شاه یحیی با هیچ‌یک از امیران مظفری سرسازگاری نداشت و جاه‌طلبی وی مردم یزد را به زحمت می‌انداخت، ولی سوای این خوی ناپسند، نسبت به آبادانی سرزمین یزد، تلاش بسیار کرد.

پس از درگذشت شاه شجاع مظفری، بین بازماندگان و برادرانش اختلاف افتاد، سرانجام تیمورلنگ به فارس و یزد لشکر کشید و در سال ۷۹۵ ه. ق، به حکومت آل مظفر پایان داد.^۱

در حکومت ۷۷ ساله آل مظفر (۷۱۸-۷۹۵ ه. ق) منطقه یزد به اوج شکوفایی و بزرگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رسید. در مدرسه‌ها، مسجدها، دارالسیاده‌ها و خانقاها، علوم گوناگون رایج زمان، درس داده می‌شد. ویژگی دیگر دوره مظفریان رونق صوفی‌گری در یزد است. ایجاد خانقاها ویژه مرشدان و مریدان صوفیان نبود، بلکه شاهان و شاهزادگان مظفری و بزرگان هم بدان علاقه‌مند بودند. صوفیان یزد، از احترام ویژه خاندان مظفری برخوردار بودند.

۲-۲- تیموریان

تیمورلنگ، در سال ۷۹۵ ه. ق، حکومت یزد را به یکی از نزدیکان خود سپرد. پس از بازگشت تیمور به ماوراءالنهر، گروهی از همدلی مردم نسبت به آل مظفر بهره برده و به رهبری آبدار، یزد را از دست حاکم تیموری بیرون آوردند. سپس سلطان محمد، پسر ابوسعید طوسی، یزد را

۱. بنی احمد، احمد. راهنمای تاریخ شاهنشاهی ایران، ص ۱۲۵

به دست آورد و استقلال آن را اعلام نمود.

حاکمان تیموری نایین، اصفهان و اردستان برای برگرداندن نظم و امنیت، به یزد لشکرکشی کردند، اما کاری از پیش نبردند. از این رو پیرمحمد، پسر عمر شیخ و نوه تیمور لنگ، حکمران فارس، با سپاهی رهسپار یزد شد و حاکم سیستان نیز به دستور تیمور، وی را همراهی کرد و یزد را محاصره و سرانجام شهر را گشودند.

تیمور لنگ، که به اهمیت یزد و هنرهای، که ویژه یزدی‌هاست، پی برده بود، برای نگاهداری این جایگاه یزد، دستور داد نسبت به مردم این سامان نرمی نشان دهند و مالیات دو ساله را نگیرند و باروی شهر را بنا کنند و دارالحکومه سرشناس به «دژ مبارکه نارین قلعه» را به طور شایسته‌ای بسازند.

پس از مرگ تیمور، ایالت یزد مدتی پهنه درگیری نوادگان تیمور، پیرمحمد و اسکندر بود. زمانی که شاهرخ، پسر تیمور بر دیگران پیروز شد، حکومت یزد را به امیر جلال‌الدین، پسر چقماق شامی سپرد. وی با مردم یزد به خوبی رفتار کرد و برای عمران و آبادی این سرزمین کوشش نمود و بناهای بسیاری از خود برجای نهاد، که برخی از آنها هنوز برجای مانده‌اند و از آثار تاریخی و دیدنی استان یزد به شمار می‌روند.

پس از درگذشت امیر جلال‌الدین، بیوه و فرزندانش دنباله کار را گرفتند و از خاندان خود، نام نیک به یادگار گذاشتند. بازماندگان تیمور، در همه جا دلگرم‌کننده هنرمندان، معماران و اندیشمندان بودند و یزد هم در این زمان به شکوفایی اقتصادی، هنری و فرهنگی رسیده بود.

کاشی‌کاری‌های مسجد جامع و میدان امیر چقماق و مسجد امیر

چقماق، مصلاى عتيق، ... از آثار این زمان است. مدرسه‌ها و کتابخانه‌های بسیاری، چون مدرسه و کتابخانه قطبيه سربلوک، مدرسه دارالصفاء، مدرسه و کتابخانه يوسف چهره، مدرسه و کتابخانه اصيلى سردهوک و کتابخانه باوردیه ایجاد شدند، که نویسندگان، پژوهشگران و تاریخ نگارانی، چون شرف‌الدین علی یزدی، در آنها پرورش یافتند.

با برآمدن ترکمانان قرا قویونلو و آق قویونلو، یزد از دست تیموریان بیرون رفت و امیران ترکمان، یکی پس از دیگری بر ایالت یزد حکومت کردند و در روزگار آنها یزد رو به پستی گرایید. کشمکش امیران ترکمان و هزینه سنگین لشکرکشی‌های آنان، برای مردم این دیار گرانبار بود. سختی‌های طبیعی هم افزوده شد، چنان‌که چندین سال، در اثر خشکسالی، در یزد قحطی و گرانی پدید آمده بود، سپس در سال ۸۶۰. ق، سیل ویرانگری روی داد و خرابی‌های بسیاری از بناها و خانه‌های مردم و ویرانی ۱۶ کوی بیرون شهر شد.^۱

۲-۸- صفوی

هم‌زمان با روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی، طایفه‌های گوناگونی در ایران حکومت می‌کردند و یزد در دست مرادی‌یک بایندری بود.

شاه اسماعیل، در سال ۹۰۵ ه. ق، در ۱۳ سالگی با هفت تن از صوفیان و مریدان پدرش شیخ حیدر، از لاهیجان گیلان به اردبیل رفت^۲ و

۱. میرحسینی، همان منبع، ص ۷۲-۷۴

۲. فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول، جلد اول، ص ح

حکومت صفوی را بنیان نهاد. در ۹۰۷ ه. ق، تاجگذاری کرد و به جای شیخ، عنوان شاه گرفت و شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرد.^۱

شاه اسماعیل با جنگ‌های گوناگون توانست در سال ۹۱۳ ه. ق، بر سراسر ایران چیره شود و با برانداختن حکومت ملوک الطوائفی، در ایران حکومت یکپارچه‌ای به وجود آورد.^۲

شاه اسماعیل، یزد را گشود، ولی با کشتارهای بی‌مورد، از جمله کشتن دانشمند بزرگ این سرزمین، قاضی میرحسین میبدی به دلیل داشتن مذهب سُنی، خسارت معنوی بزرگی به یزد وارد ساخت. پس از این رویداد، مردم یزد شورش کردند و عامل شاه اسماعیل را کشتند. این درگیری منجر به یورش محمد کره، حاکم ابرکوه به یزد شد. وی با کمک خویشاوندان لُر خود، یزد را گشود. شاه اسماعیل برای سرکوب او به یزد آمد و پس از مدتی محاصره، وی را دستگیر و در اصفهان سوزاند.

نعمت‌الله باقی، پسر میرزا عبدالباقی، صوفی سرشناس، که در جنگ چالداران کشته شد، در زمان شاه تهماسب، دختر شاه اسماعیل را به زنی گرفت و حاکم یزد شد. وی دیوان خانه عباسیه را ساخت و مسجد شاه تهماسب، در نزدیکی میدان بعثت کنونی یادگار اوست.

پس از وی، پسرش میر میران، ممدوح وحشی بافقی، حاکم یزد شد، که غیاث‌آباد تفت، از جمله یادگارهای اوست. مدرسه شفیع از حاکمان یزد این دوره است. از خلیل‌الله سوم به خاطر توجه به تنگدستان، به نیکی یاد شده است. از دیگر حاکمان یزد روزگار صفویان، شاه

۱. مزای، میشل. پیدایش دولت صفوی، ص ۲۷

۲. افشار سیستانی، ایرج. کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، جلد اول، ص ۳۸۲

ابوالوالی است، که مسجد شاه ولی تفت را ساخته است. بازرگانی ایران، از جمله سرزمین یزد، در دوران صفوی رونق و اهمیت بسیار یافت، به ویژه ابریشم و پارچه‌های ایران، در بازارهای اروپایی به خوبی شناسانده شد و بازرگانان اروپایی و آسیایی به ایران روی آوردند. از یک سو بازرگانان اروپایی و از سوی دیگر بازرگانان هندی، چینی و دیگر کشورهای آسیا، از طریق راه‌های زمینی بین دهلی - یزد و اصفهان، در رفت و آمد بودند و یزد به دلیل داشتن ابریشم و پارچه‌های نفیس و جایگاهی، که در مسیر راه زمینی داشت، رونق و اهمیت یافت. در هنگام حمله افغان‌ها به ایران، مردم رشید و آزاده سرزمین یزد، به رهبری میرزا عنایت سلطان، دلاوری‌های بسیاری از خود نشان دادند. محمود افغان، در گشودن یزد ناکام ماند و سرانجام یزد را رها کرد و اصفهان را گشود. اشرف افغان، جانشین محمود، پس از چهار سال نبرد توانست یزد را بگشاید.

۲-۹- افشاریان و قاجاریان

با روی کار آمدن نادرشاه افشار و بیرون راندن افغان‌ها از ایران، محمد تقی خان، خواهرزاده عنایت سلطان به حکومت یزد منصوب شد. وی و فرزندانش، تا آخر دوره قاجار، در نقش حاکم یا مستوفی یزد خدمت کردند. این خاندان خدمت‌های ارزنده‌ای به این سرزمین کردند و آثار تاریخی و بناهای دیدنی بسیاری در یزد به یادگار گذاشتند. باغ دولت آباد، باغ ناصریه، مدرسه خان، میدان خان، بازار خان، بازار قیصریه

و ... آثار آنان است.^۱

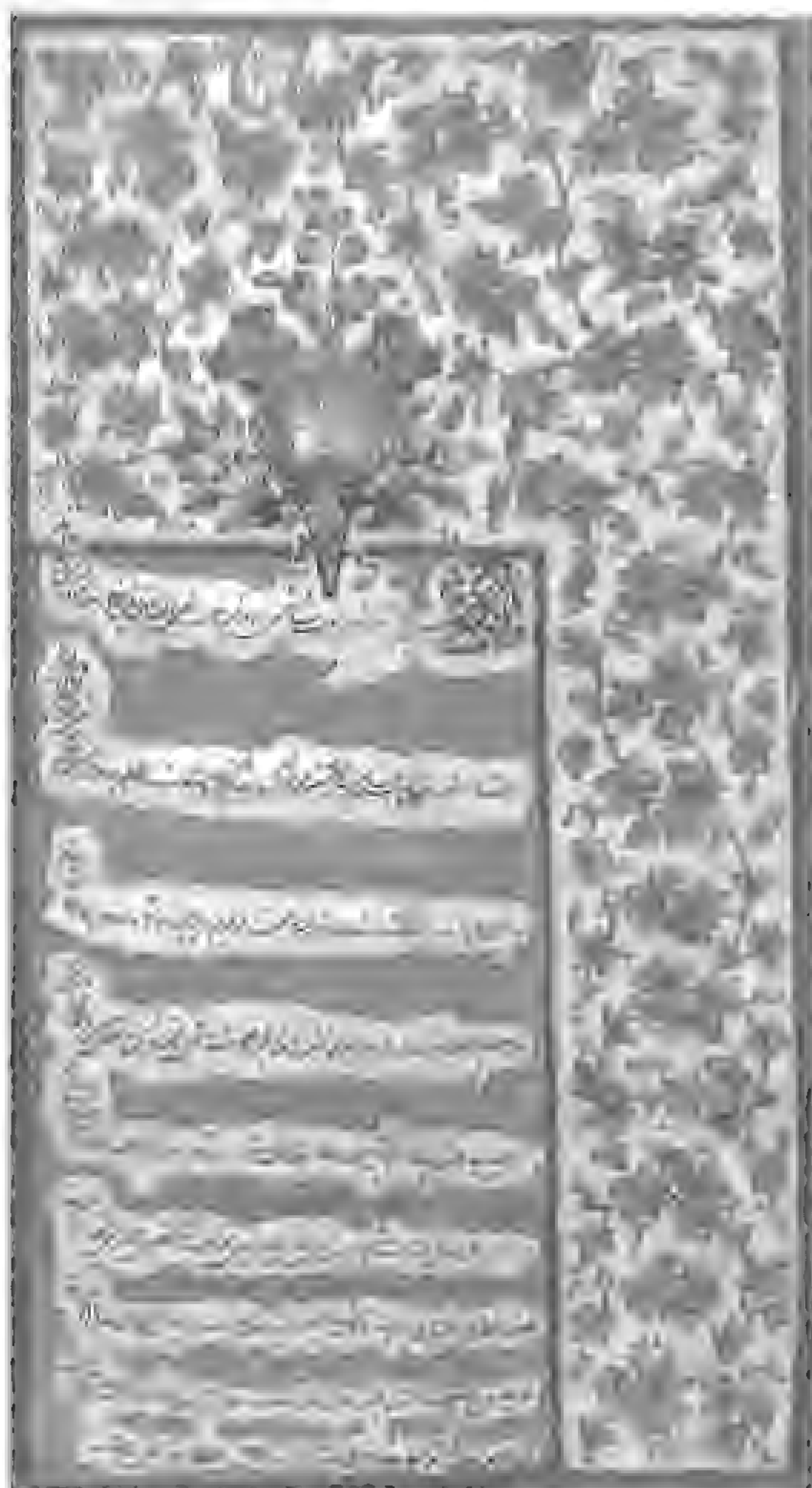
از مهمترین رویدادهای روزگار قاجاریه نهضت مشروطیت بود. مردم ایران پس از سده‌ها استبداد شاهان، برای گرفتن حق خود، برخاستند و مردم نجیب استان یزد هم به سهم خود، در این نهضت ملی شرکت داشتند. سرانجام مظفرالدین شاه قاجار، در ۱۴ جمادالثانی سال ۱۳۲۴ ه. ق، فرمان مشروطیت ایران را صادر کرد. وی در ۲۰ ذی‌قعدة همان سال درگذشت.^۲

ملا عبدالکریم حائری نخستین نماینده مردم یزد، در مجلس شورای ملی شد. تغییر سیستم حکومتی و جایگزینی نظام مشروطه، سبب تغییر حاکم یزد شد و معظم السلطنة کاشانی، در اوایل سال ۱۳۲۵ ه. ق، به حکومت یزد رسید.

پس از درگذشت مظفرالدین شاه، پسرش محمد علی میرزا به پادشاهی رسید و به نمایندگان مجلس شورای ملی و مردم ایران، از جمله استان یزد، قول داد، که نگهبان و پشتیبان قانون اساسی و مشروطیت باشد، ولی پس از امضاء متمم قانون اساسی، در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه. ق، برخلاف گفته خود، برضد مجلس و مشروطیت ایران گام برداشت و با مشروطه‌خواهان به مخالفت برخاست و مجلس را به توپ بست و آزادگان و آزادی‌خواهان را کشت، اما قیام ملی و کوشش سرداران ملی در سراسر ایران، از جمله آذربایجان، کرمانشاه، یزد، تهران، گیلان، ... سبب شد

۱. میرحسینی، همان کتاب، ص ۷۶ - ۷۷

۲. افشار سیستانی، همان کتاب، ص ۴۲۱



فرمان نادرشاه افشار مبنی بر انتصاب میرزا حسین

به حکومت یزد، ۱۱۵۵ هـ.ق.

(سازمان اسناد ملی ایران)

تهران به دست آزادی خواهان بیافتد.^۱

در ۱۳۲۸ ه. ق، شمار زیادی از مردم علیه مالیات تعیین شده، در مکان‌های مذهبی گرد آمدند و سالار مؤید، حاکم وقت برکنار و ضیغم‌الدوله مستبد، حاکم یزد شد.

هنگامی که امنیت مرکز برقرار شد، استان یزد هم سامان گرفت. در جنگ جهانی اول، آلمان‌ها در همه جای ایران، از جمله یزد رخنه کردند و حزب دموکرات هم طرفدار آلمان بود. انگلیسی‌های ساکن یزد، که احساس خطر کرده بودند، از مرتضی قلی‌خان، که از سوی خان‌های بختیاری، نماینده مجلس شورای ملی شده بود، خواستند در یزد بماند و امنیت آنان را تأمین کند. دشمنی مردم یزد با انگلیسی‌ها به جایی رسید، که به رهبری دموکرات‌ها، بانک شاهی شعبه یزد را چپاول کردند.

با شکست آلمان در جنگ جهانی و توان یافتن انگلستان در ایران، جایگاه سیاسی ایران دگرگون شد و انگلیسی‌ها زمینه برافتادن قاجاریان را فراهم آوردند و رضاشاه پهلوی را روی کار آوردند.^۲

۱. هرن، پاول. تاریخ مختصر ایران، ص ۱۳۴

۲. میرحسینی، همان منبع، ص ۷۹ - ۸۰

فصل دوم

آثار تاریخی

استان یزد در بردارنده مجموعه بسیار ارزنده‌ای از بازمانده تاریخی و فرهنگی ایران زمین در سده‌های گوناگون است. فرهنگی که سده‌ها پیش از میلاد، و پیش از اسلام شکل گرفته و در بستر گسترده زمان همواره جریان یافته و بالندگی داشته است. با برآمدن اسلام، با این مکتب الهی پیوند برقرار نموده و از این پس در زندگی مادی و معنوی مردم، این ارزش‌ها پایدار شده است. عناصر مادی، معنوی و فرهنگی موجود در استان یزد، مجموعه‌ای کامل را برای بررسی تاریخ فراهم نموده است. یک مجموعه کامل برای این که ببینند یک جامعه در مسیر تکوینی خود، در طی چندین هزار سال، چگونه زیسته و چه آثار و مانده‌هایی از خود به جای گذاشته و چه خدمت‌هایی به دانش، فرهنگ و هنر اسلامی، ملی و جهانی نموده و بالاتر از همه این که چگونه در دل یکی از وحشتناک‌ترین مناطق کویری جهان، فرهنگی این چنین دیرپا شکل گرفته و پویایی یافته است.

صدها دژ، کاخ، سنگ نگاره، مسجد، آب‌انبار، بازار، ساباط، زیارتگاه، کاروانسرا، آرامگاه، خانه‌ها با بادگیرها، ده‌ها مکان مقدس تاریخی زرتشتی، ... در گوشه و کنار این استان وجود دارد، که در زیر به مهمترین آنها، اشاره می‌شود.

۱- سنگ‌نگاره‌های کوه ارنان

کوه ارنان، در ۷۱ کیلومتری جنوب باختری شهر یزد، در جنوب روستای ارنان قرار دارد.

با بررسی و پژوهش پیرامون مجموعه‌ای از نقش‌های کنده شده بر روی سنگ کوه ارنان، مربوط به زندگی انسان دوره حجر در استان یزد، دیرینگی تاریخی و فرهنگی این استان به بیش از ده هزار سال پیش از میلاد مسیح، رسیده است.

سنگ نگاره‌های پیدا شده همانندی زیادی به سنگتراشی‌های انسان اواخر دوره دیرینه سنگی در استان همدان و منطقه قفقاز دارد.

این نگاره‌ها در سه بخش روی تخته سنگ بزرگی کنده شده‌اند. هر یک از این بخش‌ها، تابلوگونه‌ای است در اندازه یک متر در یک متر و نیم، که نقش‌هایی از جانوران وحشی و انسان‌هایی به گونه ایستاده یا سوار بر یک مرکب را نشان می‌دهد.

در یکی از صحنه‌ها، انسانی مورد یورش یک حیوان درنده، که شاید پلنگ بوده قرار گرفته و انسان دیگری با سرنیزه‌ای که درازای آن، حدود دو برابر خودش است، به جانور حمله ور شده و نیزه‌ای در دهانش

جای داده است.

در زیر همین تصویرها، انسانی نیزه به دست به دنبال یک حیوان است و نیز انسانی، که حیوانی را شکار کرده و با خود حمل می‌کند، دیده می‌شود.

۲- کهندژ / نارین قلعه

کهندژ یا نارین قلعه، در شهر باستانی میبد بر فراز تپه‌ای بلند بنا شده و بر تمامی شهر میبد و پیرامون آن، دید دارد.

کهندژ یا قهندژ، نام دژهای کهنی است، که در آغاز پیدایش شهرها بنا شده‌اند. این دژها، در پیش از اسلام و بیشتر در دوران ماد، هخامنشی و اشکانی ساخته شده و بناهایی تک و پرتراکم بودند، که بر فراز تپه‌های طبیعی یا مصنوعی می‌ساختند.

کهندژها، در یونان باستان «اکروپولیس» یا «اکروپول» نامیده می‌شدند و دارای همین ویژگی‌ها بود.

نارین قلعه میبد، یک کهندژ است و از بناهای باستانی خشتی بازمانده در ایران است، علی‌رغم گزندهای روزگار، هنوز پابرجاست و می‌توان آن را نمادی از هویت تاریخی و فرهنگی استان یزد دانست.

پیشینه دراز نارین قلعه تا آن جاست، که هویتی اسطوره‌ای یافته است؛ به گونه‌ای که منابع تاریخی سده ۸ و ۹ ه. ق، نیز آن را با روایت‌های افسانه‌ای درآمیخته‌اند. این دژ، که مردم میبد آن را «نارنج قلعه» می‌خوانند، در گذشته به «دژ دالان» سرشناس بوده و پیشینیان، آن را یکی



کهندژ / نارین قلعه، میبد

عکس از کتاب سیمای باستانی شهر میبد

از مراکز آغازین آبادی نشین، در استان یزد دانسته‌اند.

محمد شبانکاره‌ای آن را «دژ سفید» می‌داند که در شاهنامه از آن یاد شده است. احمد کاتب، در سده ۹ ه. ق، قلعه را به سلیمان پیامبر نسبت داده و گفته است، که گنجینه دفاین سلیمان به آن جا برده شده است.

نارین قلعه به گونه مجتمعی متراکم است، که دیوارهای بلند تودرتو، آن را فرا گرفته‌اند. این بنا، در پنج اشکوب شکل گرفته است. تمامی نارین قلعه را روی تپه‌ای رُسی برافراشته‌اند. این تپه به دلیل جایگاه ویژه‌ای که دارد، شاید پیش از بنای قلعه نیز به عنوان مسکن یا نیایشگاه، مورد استفاده باشندگان این ناحیه قرار می‌گرفته است.

تمامی بنا را از خشت و گل ساخته‌اند و دیوارها به گونه «چینه» و برخی خشت و گلی و بعضی خشت و گل و چینه همراه است. همه فضاها، محوطه‌ها، دیوارها، برج‌ها و دربندهای آن، مجهز به تیرکش‌ها، روزن‌ها و جان‌پناه است، که نشان دهنده اهمیت نظامی قلعه در گذشته بوده است.

بخش اصلی و کهن قلعه، در بخش بالایی مجموعه قرار دارد. بنا نشان می‌دهد، که بارها تعمیر شده است. به نظر می‌رسد، که بخش‌های پایین‌تر را در دوره‌های جدیدتر ساخته‌اند. در حیاط مرکزی دژ، آثار ساخت و سازهای آجری و ساروج نیز دیده شده است.

دیوار اصلی دژ را، روی یک پلان گرد پی افکنده‌اند، که گرداگرد آن را خندقی پهن فرا می‌گرفته است و بخش بزرگی از آن برجای است.

درگاه اصلی دژ در بلندی دو متری زمین، در دیوار بیرونی تعبیه شده بوده است. در و دالان اصلی دژ دارای برج نگهبانی و تأسیسات



مجموعه شهبازی هرج
عکس از کتاب نزد نگین الوار

دفاعی ویژه‌ای بوده است.

نارین قلعه بنا بر گواه‌های موجود و روایت‌ها، دارای نظام پیچیده رفت و آمد زیرزمینی بوده است. دهانه شماری از این راهروها هنوز در جای جای دژ پیداست. مردم می‌بد هنوز این روایت را باز می‌گویند، که از این دژ یک راهرو زیرزمینی تا محل آسیاب سنگ سیاه، در باختر آبادی بیده، در ۳ کیلومتری باختر شهر می‌بد، وجود داشته است.^۱

۳- مجموعه شهدای فهرج

فهرج به بلندی ۱۲۷۰ متر از سطح دریا، در ۲۴ کیلومتری شمال خاوری شهر مهریز و ۱۲ کیلومتری خاور راه یزد-کرمان، در ۳۱ درجه و ۴۵ دقیقه و ۵۴ درجه و ۳۴ دقیقه پهنای جغرافیایی قرار دارد. در ۲ کیلومتری فهرج و پیوسته به آن، ویرانه‌های مجموعه شهدای فهرج قرار دارد، که سرسختانه بر ایستایی خود، پایداری می‌ورزند. درباره دیرینگی و تاریخ این مجموعه، داوری‌های زیادی شده است. همگان بر این گمان‌اند که:

«یزدجرد به راه یزد به خراسان رفت و مالک بن عمرو از عقب یزدجرد به خراسان رفت و در چهارده طبعی، مالک دُثب و مالک بن عمرو وفات کردند. لشکر اسلام، چون بازگشتند از خراسان، در بیابان اشتران راه غلط کردند و بسیار از ایشان در

۱. روزنامه کیهان، شماره ۱۴۰۵۳، ۲۹ آبان ۱۳۶۹ و پویا، سید عبدالمعظم. سیمای

باستانی شهر می‌بد، ص ۲۳ - ۳۱

آن بیابان از تشنگی هلاک شدند و به زحمت بسیار به قصبه فهرج رسیدند و فهرجیان برایشان شییخون زدند و صاحب رایت امیرالمؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب، ابی عبدالله بن احمد بن ابوالیسرین عبدالله بن تمیمی را و حویطب بن هانی و عمر بن عاص را شهید کردند و قبور ایشان در فهرج مشهور است.»

این روایت نیز به گونه‌ای همانند، در بیشتر آثار تاریخی تکرار شده است. در هر حال بنابر اسطوره یا درست بودن، شهدای فهرج از دیرگاه زیارتگاه مردم بوده است و در تاریخ ملوک یزد، بارها از آن سخن رفته است.^۱

شادروان عنایت الله امیرلو به منظور تعیین حریم و تشخیص جایگاه تاریخی این مجموعه، کندوکاوی انجام داده‌اند، که نخستین فصل بررسی آن در اسفند ۱۳۷۲ ه. ش، آغاز و نیمه تمام مانده است، درباره تاریخ گذاری بنا، می‌نویسد:

«تاریخ گذاری دقیق بنا با توجه به مدت کوتاه بررسی تا اندازه‌ای مشکل می‌نماید. ولی با کمک از عناصر معماری و توجه به ارتفاع و کشیدگی بنا، مقایسه با دیگر بناهای منطقه و با نظر به روایات تاریخی ذکر شده و بررسی کاشی‌های معرق به دست آمده در رنگ‌های سفید، آبی و لاجوردی با قید احتیاط، تاریخی حدود ۷۵۰ ه. ق، پیشنهاد می‌گردد. آیا این بنا

۱. امیرلو، عنایت الله. مجموعه شهدای فهرج، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۷-۱۲ اسفند ۱۳۷۴، جلد دوم، ص ۲۵۵-۲۵۶

نمی‌تواند مدرسه‌ای باشد که به دستور امیر مبارزالدین محمد،

در سال ۷۴۷ ه. ق، در مجموعه شهدا ساخته شده است.^۱

در ژرفای ۱۹۵ سانتیمتری از کف، جسدی وجود داشته، که رو به قبله و در جهت خاوری - باختری، در میان تابوت چوبی با چفت و بست آهنی قرار گرفته بوده است. در کنار جسد، دو ظرف سفالی بدون لعاب قرار داشته است. نمونه‌هایی از تدفین در تابوت به همراه مواد فرهنگی ناشی از زندگی در برج‌های آرامگاهی شهر ری به دست آمده است. تاریخ ارائه شده دوره سلجوقی تا ایلخانی را در برمی‌گیرد. ولی با توجه به مدارک به دست آمده، تاریخ تدفین، جدیدتر از ساخت معماری است و از این نظر، که تاریخ جدیدی برای خاک سپاری در تابوت ارائه می‌دهد نیز دارای اهمیت بسیار است. دیگر مواد فرهنگی به دست آمده در مجموعه شهدای فهرج، رهنمودی به دیرینگی بیشتر مجموعه دارد و بی‌گمان از سده ۳ و ۴ ه. ق، فهرج سرپا بوده و زندگی در آن تداوم داشته است.^۲

۴ - مسجد جامع فهرج

مسجد جامع فهرج، در مرکز آبادی، در جنوب باختری میدان حسینی قرار دارد. نقشه مسجد از گونه مسجدهای عربی است. بنایی شامل تاوگان‌هایی گرد بر گرد صحن مسجد، سه دهانه شبستان، چهار دهانه ایوان و چهار صفه. فضای مسقفی، که شامل پنج راهرو است و در

۱. همان منبع، ص ۲۶۴ - ۲۶۵

۲. همان منبع، ص ۲۶۶



مجموعه پیر چراغ، میبد
عکس از کتاب سیمای باستانی شهر میبد

سه تاي آنها كه به سوي صحن مسجد گشوده مي شود، رو به قبله قرار گرفته است. راهرو مياني كه محراب در آن قرار گرفته، پهن تر از راهروهاي ديگر است. اين مسجد براساس نقشه عربي بنا شده و از مسجد تاري خانه دامغان و مسجد جامع نايين جدا است. ويژگي هاي مسجد جامع فهرج در آن بخش از مسجد جامع اصفهان نيز كه در دوره ديلميان بنا شده، ديده مي شود.

مسجد را با خشت هاي $5 \times 32 \times 32$ سانتيمتر ساخته اند. اندازه اين خشت ها با اندازه معمول خشت هاي ساسانيان برابر است. در طي دو سده نخستين اسلامي، استفاده از آجرهاي ساسانيان ادامه يافته كه نمونه هاي آن را در مسجد تاري خانه دامغان و جاهاي ديگر مي توان ديد. ساختمان مسجد جامع فهرج را يك بار گچ اندود کرده اند و بخش هايي از آن را با گچ بري آراسته اند و بر آن، رنگ سرخ زده اند.^۱

ويژگي هاي ديگر ساساني مسجد جامع فهرج، كنگره هاي تزئيني بر انتهاي شمالي راهرو غربي و نيز درگاه هاي حجره هاست. اگر به سه درگاه مسجد توجه شود، روشن مي شود قوس هايي كه نسبت به لغز درها پيش نشسته است، شكل ويژه اي را به وجود آورده كه نمونه بارز معماری دوره ساساني است. از سوي ديگر، بايستي در نظر داشت، كه در طي دو سده پس از پيروزي اسلام، قوس ها و تاق هايي از اين گونه هنوز معمول بود و مي توان آنها را در تاري خانه دامغان و كاخ و مسجد اوخيدر ديد. وجود همين قوس ها و تاق ها (قوس هاي ناري و تاق هاي گهواره اي) در اين

۱. شكوهي، مهرداد. مسجد جامع فهرج، مجله باستان شناسي و تاريخ، سال سوم،

شماره اول، پاييز و زمستان ۱۳۶۷، ص ۱۸ - ۱۹



چهارباغ، مشهد

مسجد، نشانه روشنی است از این که تاریخ بنای این مسجد را نیز می توان مانند بناهای یاد شده، میانه سده هشتم میلادی دانست^۱.

۵- ایستگاه های کاروانی میبد

۵-۱- ایستگاه پیر چراغ و کچلگ

در درونگاه باختری شهر میبد، مجموعه ای از نهادهای کاروانی باستانی، در دو محل نزدیک به هم و در کنار شاهراه باستانی ری-کرمان شکل گرفته است. این مجموعه با توجه به جایگاه مکانی و کارکردی، که داشته است، ایستگاهی ویژه به شمار می رود و می توان آن را ایستگاهی بین آبادی و بیابان دانست، که بیشتر برای باراندازی های کوتاه مدت مورد استفاده کاروانیان قرار می گرفته است.

در این مجموعه، کاروانسرای است، که از خشت و گل با ترکیبی از ستون ها و تویزه های آجری ساخته شده است و همچنین چشمه آب، آب انبار، آسیاب و زیارتگاهی نیز در این مجموعه قرار دارند.

در یک کیلومتری این ایستگاه، زیارتگاهی کهن قرار دارد، که نزد مردم میبد، به «پیر چراغ» سرشناس است. روزهای شنبه هر هفته زائران از دور و نزدیک، به ویژه زنان برای زیارت به این زیارتگاه می آیند. پیر چراغ، نخست به دلیل اهمیتی، که چراغ و نور و آتش در این نقطه از راه برای شبروان داشته است، خود از نشانه های کاربری ویژه این ایستگاه های



گنبد و سردر ورودی مسجد جامع یزد

کاروانی به شمار می‌رود.^۱

۵-۲. مجموعه کاروانی رباط

این مجموعه، در جنوب باختری باروی شهر پیشین میبد و در کنار راه کاروان‌رو پیشین قرار گرفته و یکی از کامل‌ترین مجموعه‌های باستانی راه، کاروان و حمل و نقل منطقه یزد به شمار می‌رود. این مجموعه، درست در سرچشمه کاریز کهنسال «کثنوا» و نزدیک دروازه باختری شهر میبد شکل گرفته است.

رباط، هسته اصلی مجموعه به شمار می‌رود. در این مجموعه راهداری و اقامتی، طی سده‌های درازی، که از پیدایش آن گذشته، بناهایی، مانند: کاروانسرا، چاپارخانه، آب‌انبار، یخچال، گورستان و... پدید آمده و تاکنون پابرجا مانده است.^۲

بیشتر گردشگرانی، که از میبد گذشته‌اند، از رباط و چاپارخانه آن، نام برده و حاج سیاح، از کار شترداری مردم میبد، که از کارهای مربوط به حمل و نقل پیشین بوده، یاد کرده است.^۳

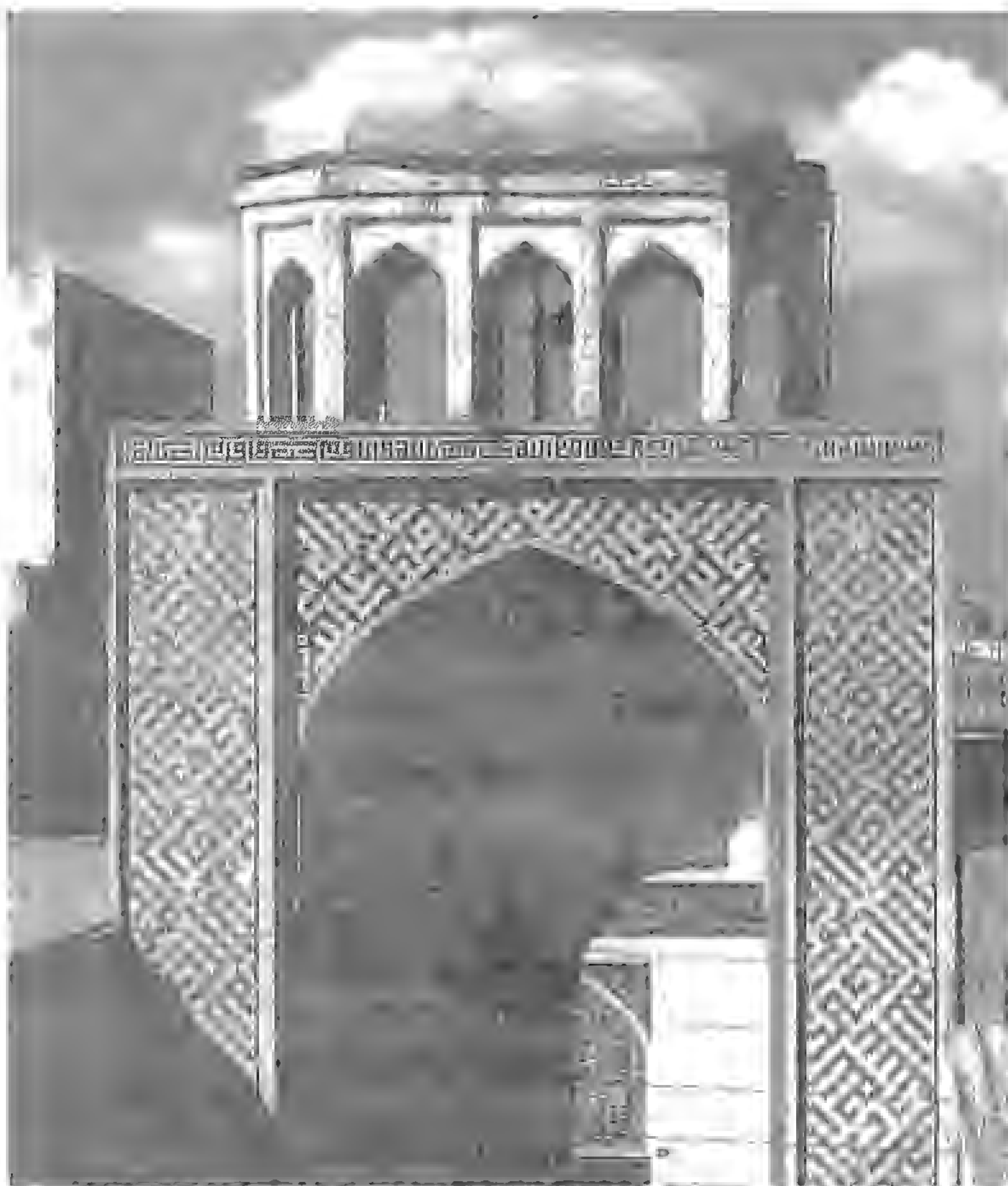
۶- مسجد جامع کبیر یزد

مسجد جامع کبیر یزد به لحاظ معماری از مسجدهای جامع ویژه و

۱. پویا، سید عبدالعظیم. معماری و کارکرد ایستگاه‌های کاروانی، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، جلد دوم، ص ۵۶۶-۵۶۹

۲. همان منبع، ص ۵۷۰

۳. حاج سیاح. سفرنامه حاج سیاح، ص ۱۸۲



سجده سیرچخماق (۱) قزو

معتبر در ایران است. سردر بلند، گنبد دوپوش و زیبا، جلوگاه ذوق، هنر و مهارت هنرمندان ایرانی است.

این مسجد دارای سه ورودی خاوری (اصلی)، باختری و شمالی، جلوخان، گنبدخانه، شبستان خاوری و باختری، صحن، ایوان، غرفه‌های بالایی، رواق، جماعت خانه نو، وضوخانه، کارگاه فرش‌بافی، حمام^۱، کتابخانه نوساز^۲ است.

گنبدخانه مسجد دارای پلان مربع است، که در بلندی مناسب با گوشه‌سازی‌های ویژه به هشت، شانزده و سی و دو گوشه‌ای تبدیل یافته و گنبدی دوپوش بر بالای آن قرار گرفته است. در بنای گنبد از شیوه خشخاشی استفاده شده، که یکی از مهمترین فن‌های مهندسی در ساخت و ساز سنتی است.

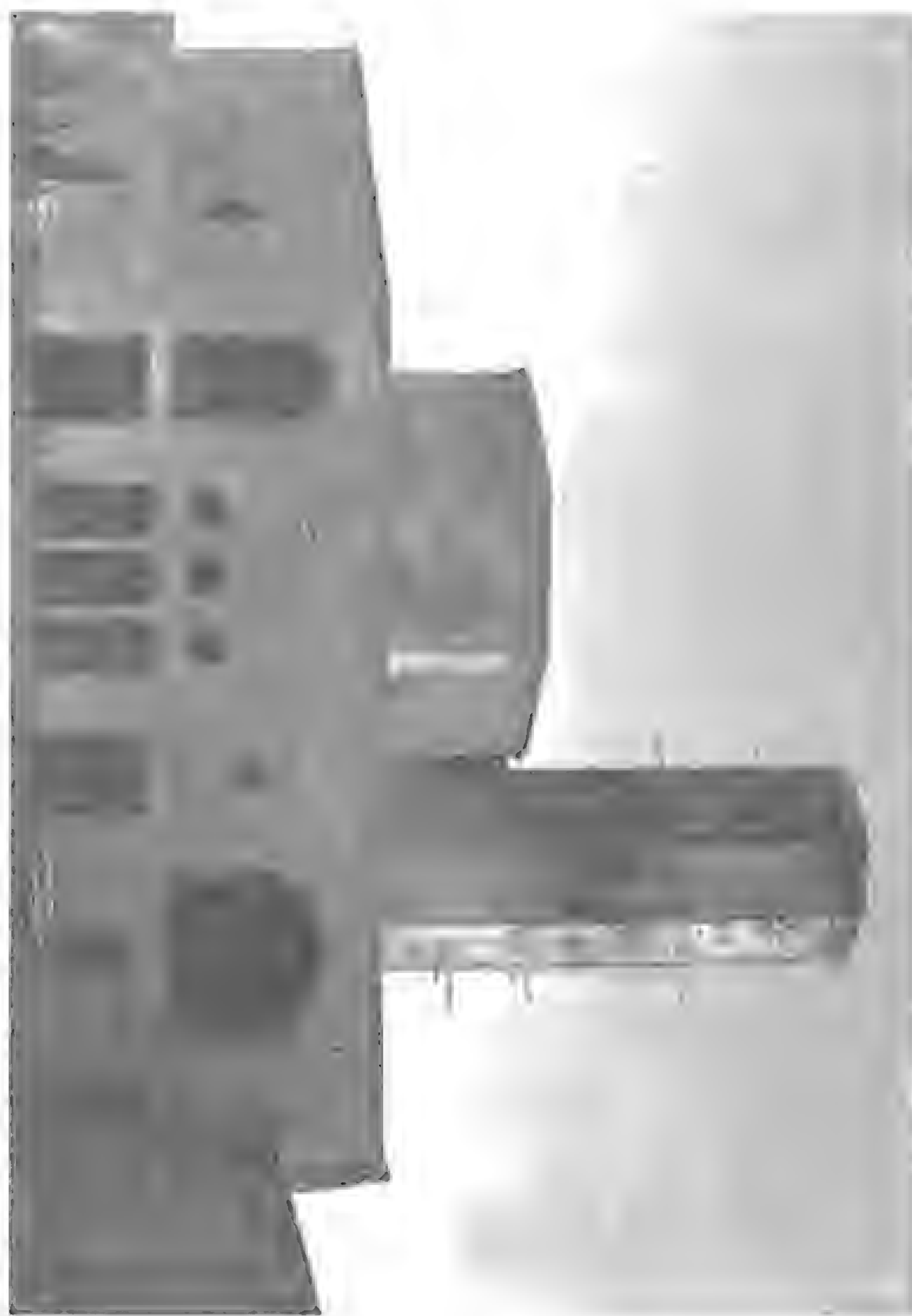
یکی از دو مناره سردر اصلی دارای دو مسیر حرکت جداگانه است. در زیر ایوان اصلی صد و ده گونه نام‌های مبارکه الهی به گونه‌ای هماهنگ و هنری با استفاده از خط کوفی بنایی نقش بسته است.

کاشی‌کاری معرق و معقلی، کتیبه‌های ثلث و کوفی، مقرنس‌های معرق و گچی، خط‌های بنایی، طاق و تویزه، کاربندی و گره‌کاری این مسجد دارای اهمیت بسیار هستند^۳.

۱. در اثر ایجاد خیابان خراب شده است.

۲. دارای گنجینه نفیسی از کتاب‌ها و آثار خطی است.

۳. اولیاء، محمد رضا. فهرست کل آثار تاریخی، یزد، نگین کویر، ص ۱۵۳ - ۱۵۴



بخشی از یادگیر هشتی باغ دولت آباد بیرجند

۷- باغ دولت آباد

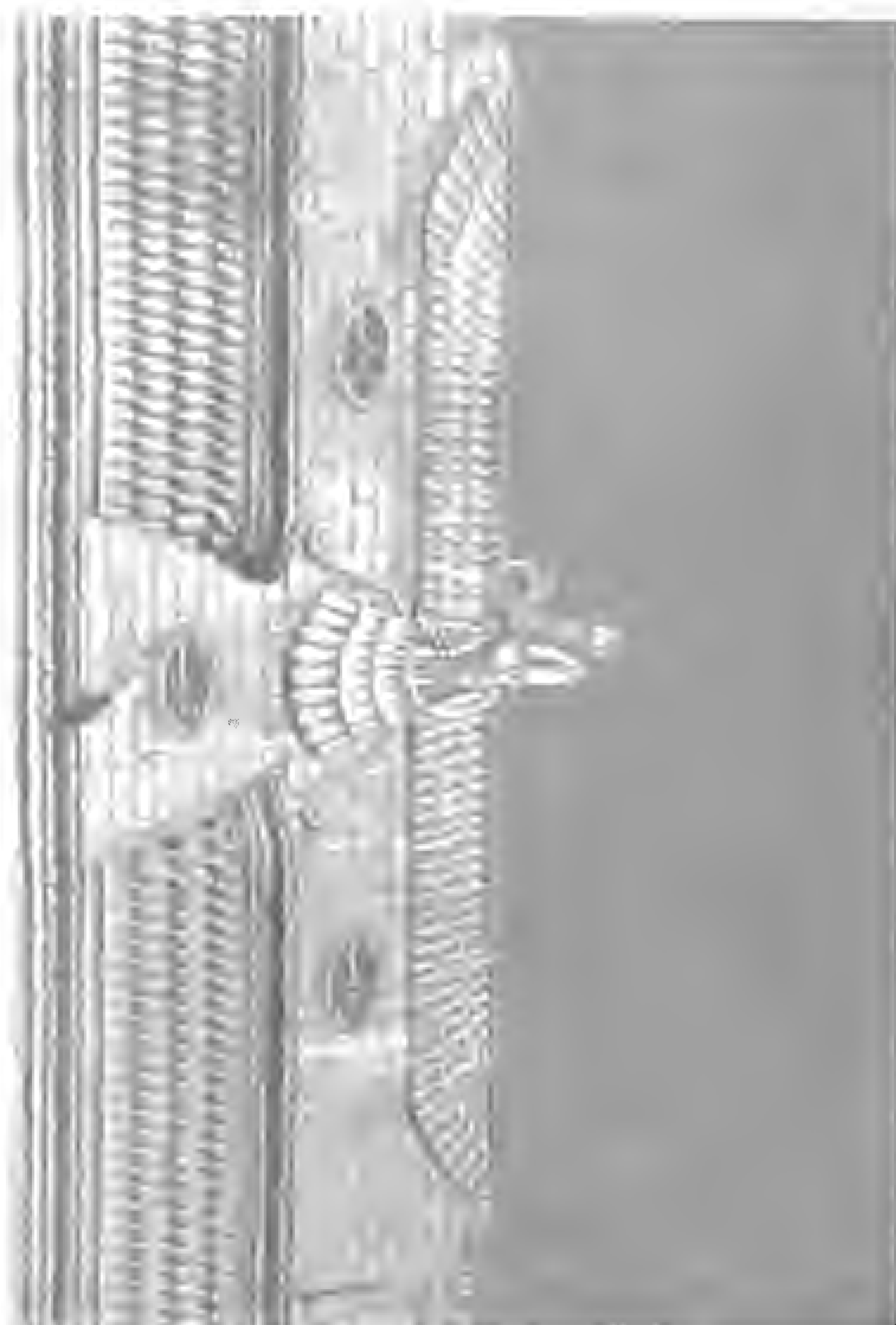
باغ دولت آباد در زمان حکومت محمد تقی خان (دوران زندیه) طراحی و ساخته شده است. جالبترین بنای این باغ را ساختمان هشتی و بادگیر تشکیل می دهد، که تلفیق جریان هوا و آب، به زیباترین شکل صورت گرفته است و توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، واسازی شده است.

کاربندی ظریف سقف هشتی، اثر استاد حاجی علی اکبر خرّمی، سرشناس به استاد حاجی علی اکبر آخوند، معمار سازمان میراث فرهنگی است، که با سیم گِل و دم گیری گچی، به گونه استادانه ای اجرا شده است. در اُرسی سوراخ دار با شیشه های رنگی نیز که توسط دفتر فنی حفاظت آثار باستانی بازسازی شده به زیبایی بنا افزوده است. معمار تلاش کرده تا بهترین دیدگاه را به درون بنا راهنمایی کند.

بادگیر این باغ با ۳۳ متر بلندی از زمین، شاهکار مهندسی و نشانه هوش و توانمندی اندیشه و دست معماران هنرمند و سخت کوش یزدی است.

باغ از ردیف کاری درختان، به ویژه کاج، سرو و گل محمدی (ص) برخوردار است. این باغ به لحاظ هنر بُستان پیرایی، فن پخش آب و طراحی معماری، از مجموعه های دیدنی ایران به شمار می آید.

باغ دولت آباد از کاریزی به همین نام، آبیاری می شده و جریان آب در باغ، اساس استخوان بندی طراحی آن را تشکیل می دهد.



سردر ساختمان آتشکده وراثت‌ها، یزد

این باغ، از بناها و بخش‌های زیر تشکیل شده است:
 ساختمان سردر جنوبی، شترخان و اصطبل، ساختمان حرمسرا،
 ساختمان هشتی و بادگیر، آشپزخانه، اتاق‌های خدمتکاران، ساختمان
 بهشت آیین، ساختمان تالار آینه، ساختمان تهرانی، ساختمان سردر
 اصلی، آب‌انبار دو دهانه^۱.

۸- آثار تاریخی زرتشتیان

۸-۱- آتشکده زرتشتیان

این آتشکده، در کوچه آتشکده، در خیابان آیت‌الله کاشانی یزد
 قرار دارد و در سال ۱۳۱۳ ه. ش، به کوشش زرتشتیان یزد و پارسیان
 هندوستان، به سرپرستی آقای ارباب جمشید امانت، ساخته شده است.
 ساختمان اصلی بر بلندی قرار گرفته و درختان سبز و زیبا آن را فرا گرفته‌اند
 و حوض گرد بزرگی، در پیرامون ورودی بنا، زیبایی ویژه‌ای به آن بخشیده
 است.

آتش آتشکده، در سطحی بلندتر از زمین، دور از تابش خورشید
 قرار گرفته و اتاق‌هایی برای نیایش، پیرامون آن وجود دارد.
 می‌گویند آتش این آتشکده حدود ۱۵۱۵ سال پیش، از آتشکده
 ناهید پارس به روستای هفتادُر، در نزدیکی عقدا منتقل شده و از آن جا
 به تُرک آباد، در اردکان برده‌اند و پس از سی سال نگاهداری در غار
 اشکفت یزدان، در سال ۱۳۲۵ ه. ش، به شهر یزد آورده شد و در خانه



پیرسبز، زیارتگاه زرتشتیان

دستور بزرگ شهر، در کوی دستوران، جای داده شده است. از آن جا به گهنبارخانه و محل کنونی انتقال یافته است. سرستون‌ها و ازاره‌های سنگی با نقش‌های برجسته زیبا، کار هنرمندان اصفهانی است، که در اصفهان تراشیده شده و به یزد فرستاده‌اند. سبک معماری بنا متأثر از سبک معماری آتشکده‌های پارسیان هندوستان است.^۱

۸-۲- پیرسبز

زیارتگاه پیرسبز یا چک چکو، در ۴۸ کیلومتری شمال خاوری شهر یزد قرار دارد. مسلمانان آن را چک چکو^۲ می‌خوانند. زرتشتیان، این مکان را مقدس دانسته و بر این باورند، که «حیات بانو» دختر یزدگرد سوم، در این محل غیب شده است.^۳

در زیارتگاه، زیارت نامه‌هایی به نظم وجود دارد، که هریک از رویدادی شگفت‌انگیز، حکایت می‌کند.

۸-۳- پیری خجی خدر

پیری خجی خدر، از زیارتگاه‌های تاریخی یزد است، که هم زرتشتیان و هم مسلمانان به آن معتقدند و به زیارت آن جا می‌روند.

۱. همان منبع، ص ۱۶۷

2 . Piri čak čak

۳. آذرگشسب، موبد اردشیر. پیرسبز، زیارتگاه زرتشتیان، ص ۳-۷



پیر نارستانه، نیایشگاه زرتشتیان استان یزد

۸-۴- پیروی چل چرو

این زیارتگاه در قاسم آباد یزد قرار دارد. در آن، چهلچراغی سفالین است و زائران روغن در آن می ریزند و روشن می کنند. چون این محل چسبیده به آتشکده است، آتش خیراتی «وشی خیروتی» نیز در این جا می پزند و به تنگدستان می دهند.

۸-۵- پیروی شو و وهرم

این زیارتگاه در خرمشاه یزد قرار گرفته و زائران زیادی برای زیارت به آن جا می روند.

۸-۶- پیروی کوشک

زیارتگاه پیروی کوشک، در پانصد متری شهر یزد، بین شهر و مریم آباد قرار دارد. آثار دژ و کاخ پیشین آن هنوز وجود دارد و گاهی اشیاء و ابزار تاریخی در این مکان یافت می شود. این محل را «کوشکی سوز» نیز می خوانند.

۸-۷- پیروی مهر یزد

زیارتگاه پیروی مهر یزد، مورد توجه زرتشتیان است و بین شهر یزد و آب شاهی قرار دارد.



پیرنارکی، نیایشگاه دروشیان

۸-۸- پیری هریشت

این زیارتگاه، در ۱۸ کیلومتری شمال خاوری شریف آباد اردکان یزد قرار دارد. شماری بر این باورند، که محل غایب شدن یکی از کنیزکان بانوی یزدگرد است. بعضی نیز گویند کنیز دختر یزدگرد بوده است، که هنگام یورش مسلمانان گریخته و در این محل گفته است: «ای کوه مرا فروگیر» و کوه دهان باز کرده و او را در خود جای داده است.

۸-۹- شوزدی فوطل

شاهزاده فوطل از زیارتگاه‌های یزد است. زرتشتیان، آن را گور یکی از شاهزادگان می‌دانند و بعضی بر این باورند، که پسر یزدگرد است. مسلمانان نیز به زیارت این محل می‌روند و رسم است، که هنگام زیارت، مرغی سر می‌برند.

۸-۱۰- نرستونه

زیارتگاه پیر نارستانه، در ۲۴ کیلومتری خاور شهر یزد قرار دارد. می‌گویند مردی در نزدیکی این زیارتگاه به شکار کردن مشغول بود، که به آهوپی برخورد کرد. آهو در محل کنونی نرستونه غیب شد.

شکارچی خسته بدین جا آمد و به خواب رفت. کسی به خوابش آمد و گفت: من اردشیر، پسر یزدگرد شاه هستم، اگر کسی در این مکان بنایی بسازد، که مردم بدین جا بیایند، من درد تنگدستان را درمان خواهم کرد. سرانجام شکارچی از خواب بیدار شد و خبر به شهر یزد برد و در این

جا بنایی ساختند که تا امروز برجای است.

۸-۱۱-ستی پیر

زیارتگاه ستی پیر، در پیرامون شهر یزد و نزدیک مریم آباد قرار دارد. مردی زرتشتی از یزد به مشهد به زیارت حضرت رضا(ع) رفت. در آن جا او را به دلیل زرتشتی بودن به زندان انداختند. شب در زندان به درگاه خداوند نالید و خواب رفت، پیری در خواب به او آشکار شد و گفت ترا از زندان آزاد خواهم ساخت، به شرطی که هنگام رسیدن به یزد، در محلی که چند شب پیش در آن جا خوابیده بودی، بنایی بسازی که مزار من است.

مرد از خواب برخاست دید در محل کنونی ستی پیر است. نشانی در آن جا نهاد و نزد عالمان دین اسلام رفت و از آنان اجازه گرفت و در این محل ساختمانی ساخت.

این بنا، دژی است بسیار کهن، که آثار چهار برج آن هنوز برجای است. در روز اشتاد و بهمن ماه، که روز حج این محل است، زرتشتیان به این پیر می روند.

۸-۱۲-نورکی

این زیارتگاه در کوه نارکی مهریز قرار دارد. می گویند زربانو، شاهزاده یزدی که عروس پادشاه پارس بود، پس از حمله مسلمانان از آن جا، رهسپار یزد می شود، در راه شنید که حاکم عرب یزد را کشته اند و شهر آشفته است. به کوهی که دره زنجیر و شاید هم دره انجیر بود، گفت تا

او را پناه دهد، ولی کوه سخن او را نشنید و روانه بیابان شد و خسته به کوه کیکون رسید، از آن سرازیر شد و در کوه نارکی غیب شد. از محل غیبت وی چشمه‌ای جاری گردید، مردی مسافر شب هنگام کنار چشمه به خواب رفت، در خواب زربانو را دید، که به او فرمان می‌دهد تا در این جا بنایی بسازد و زیارتگاهی برپا سازد. آن مرد چنین کرد و این محل تا امروز زیارتگاه است.^۱

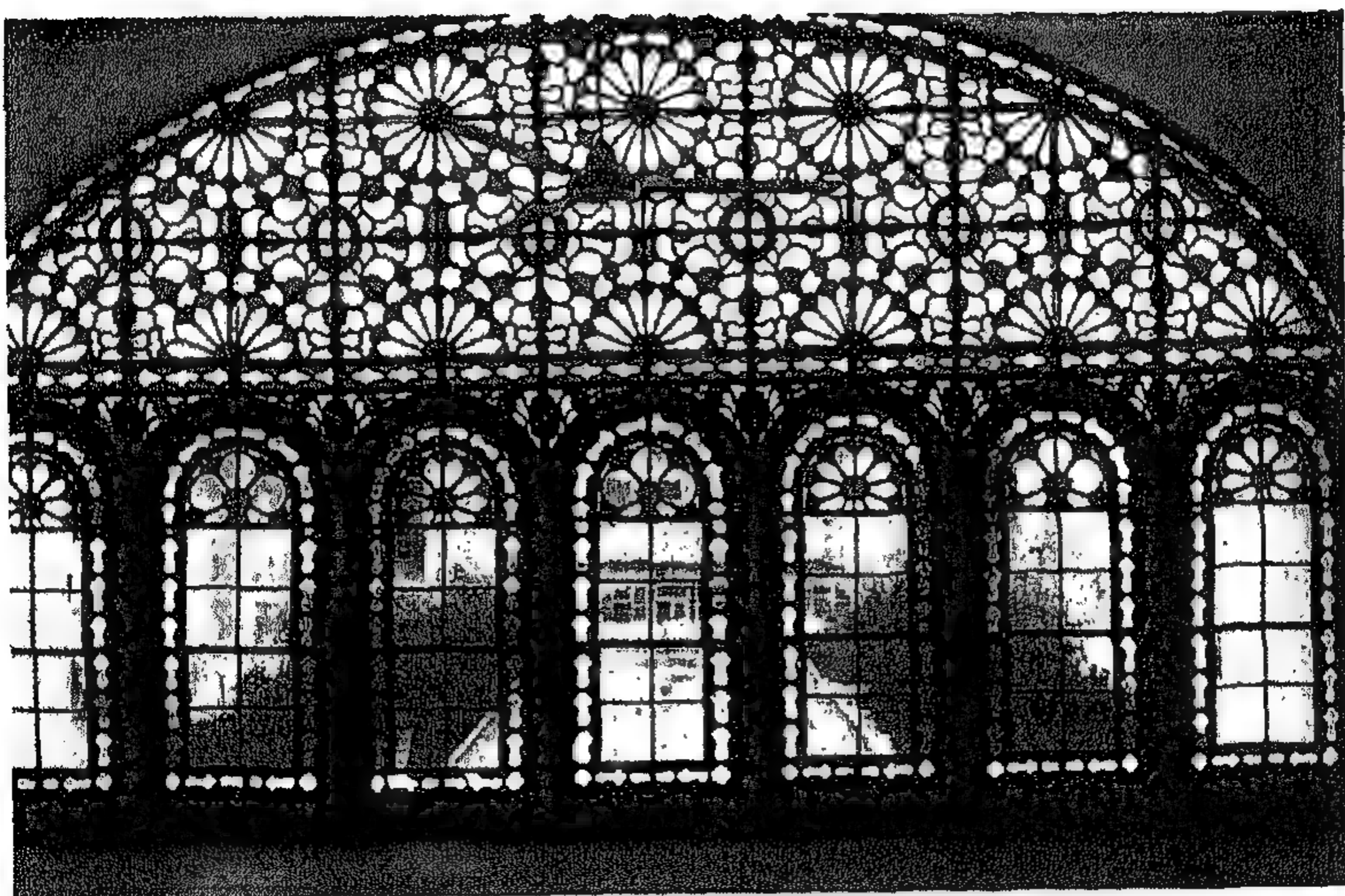
۹- خانه رسولیان

خانه حاج کاظم رسولیان، که بیش از یک سده از عمر آن می‌گذرد، در کوی سهل بن علی شهر یزد قرار دارد. این خانه، شامل دو بخش جدا از هم، به گونه بیرونی و اندرونی است. حیاط بیرونی محل پذیرایی از مهمانان و برگزاری مراسم روضه‌خوانی حضرت امام حسین (ع) بوده است.

اتاق بزرگ آژسی با شیشه‌های رنگین، حوض خانه، تالار، زیرزمین و بادگیر فضاهاى اصلی بخش بیرونی را تشکیل می‌دهد. حیاط اندرونی، که بخش خصوصی خانه است، دارای اتاق‌های سه دری، پنج دری، ارسی، تالار، کلاه‌فرنگی، بادگیر و حوضی بزرگ دارد.

در بخش پایینی اتاق‌ها، تالار، کلاه‌فرنگی، زیرزمینی و جوب قرار دارند، که هر یک برای نگاهداری ابزار زندگی، مواد خوراکی و آسایش در

۱. سروشیان، جمشید سروش. فرهنگ بهدینان، ص ۲۰۴-۲۱۲



خانه رسولیان

تابستان کاربرد دارند.

این خانه دارای حمام سُنتی است، که در میانه حیاط بیرونی و اندرونی قرار دارد.

خانه حاج کاظم از خانه‌های ارزشمند یزد است، که در سال ۱۳۶۸ ه. ش، به گونه وقف، در اختیار دانشگاه یزد قرار گرفته است. پس از بازسازی، به عنوان هسته نخستین دانشکده معماری و شهرسازی، زندگی نوینی را آغاز کرده است.^۱

۱۰- کاروانسرای زین الدین

کاروانسرا یا رباط زین الدین، در ۶۰ کیلومتری راه یزد - کرمان قرار دارد و از دوران صفوی و هم زمان با مجموعه گنجعلی خان کرمان ساخته شده است.

پلان این کاروانسرا به گونه گرد می باشد و تزئین‌های آن، آجرکاری است. مصالح به کار رفته در آن، سنگ و آجر است.^۲

پلان گرد کاروانسرا توسط پنج برج پیوسته نگاهداری می شود و در میان کاروانسراهای ایران، یکی از گونه‌های نادر است. کاروانسرا دارای اتاق، صفه، شاه نشین، شترخان و بادگیر است. در سال‌های اخیر تعمیراتی در آن انجام شده است.

در طراحی معماری رباط زین الدین، شماره‌های ۱، ۵ و ۱۲، که در

۱. اولیا، همان منبع، ص ۱۵۶

۲. کیانی، محمد یوسف و کلایس، ولفرام. کاروانسراهای ایران، ص ۱۷۷



مجموعه سلطان بُندرآباد

مذهب شیعه جعفری از احترام و تقدس بالایی برخوردارند، مورد لحاظ قرار گرفته است.

چاپارخانه، یک چشمه و فضایی پردرخت، کاروانسرا را فرا گرفته‌اند.

۱۱- خانقاه‌ها

در استان یزد خانقاه‌های بسیاری وجود داشته، که برخی از آنها پابرجا هستند، که عبارت‌اند از: خانقاه شیخ تقی‌الدین دادا، سرریک، خانقاه در کوی کوشک نو، قطریان، شیخ محمد، مجومرد، میبد، تفت، قهستان، ابرکوه، عقدا، شمسیه، بُندرآباد، پیداخوید. در زیر به دو نمونه از آنها، اشاره می‌شود.

۱۱-۱- خانقاه بُندرآباد

مجموعه سلطان بُندرآباد، که در ناحیه رستاق قرار دارد، از لحاظ طاق و تویزه‌ها بی‌نظیر می‌باشد و با خشت و گل ساخته شده است. مهمترین واحدهای آن را خانقاه، مسجد جامع، حسینیه، آب‌انبار، برج نگهبانی و آرامگاهی تشکیل می‌دهد، که گور شماری از مشایخ سلسله دادایی است.

سنگ‌هایی، که بر روی گورها قرار دارند، به لحاظ هنر طراحی، خوشنویسی و حجاری، دارای ارزش بسیارند. در تزئین بنا از کاشی‌های شش‌گوش فیروزه‌ای به‌گونه‌ی ازاره استفاده شده و در پاره‌ای موارد

نقش‌های اسلیمی به گونه معرق به زیبایی آن، افزوده است. در مسجد جامع این مجموعه، منبری ساخته شده از کاشی معرق با نقش‌های گره، اسلیمی و خط ثلث وجود دارد، که از نظر ارزش بالای هنری، نظیر آن را در تمامی استان یزد نمی‌توان یافت.

۱۱-۲- خانقاه پیداخوید

این خانقاه، در روستای پیداخوید، در پیرامون شهر تفت قرار دارد. مجموعه‌ای ارزشمند، شامل مسجد جامع، حمام، آرامگاه، چله‌خانه، حسینیه، خانه برای تنگدستان است. که شیخ علی بلیمان پیداخویدی (درگذشته ۷۸۱ ه. ق) در آن جا به خاک سپرده شده است. در مسجد و آرامگاه، آثار هنری باارزشی، از جمله آیه‌های قرآنی، کتیبه محراب مسجد به خط زیبای ثلث از کاشی معرق، محراب نفیس و چند سنگ گور با ازاره‌های مرمرین خوش تراش وجود دارد. گچ‌بری‌های چله‌خانه آن، از گونه‌های بی نظیر در منطقه به شمار می‌رود.^۱

۱۲- حسینیه

حسینیه از لحاظ معماری، فضایی است در دل کوی و شهر و به شکل مربع یا مستطیل، که صفت‌هایی در هم‌کف برای استقرار مردان و غرفه‌هایی در بالا برای بانوان دارد. در برخی از حسینیه‌ها، صفت‌ها در یک گوشه، تا سه و چهار طبقه به گونه تودرتو و پلکانی بر روی هم قرار

۱. اولیاء، همان کتاب، ص ۱۶۸ - ۱۶۹

می‌گیرند، که به آن تکیه می‌نامند. تکیه، محل استقرار بزرگان محل بوده است.

در بیشتر حسینیه‌ها «نقل» یا «نخل» وجود دارد. این سازه فضایی چوبین، عنصری نمادین است، که به نشانه محضه^۱ حضرت سیدالشهداء(ع) در روزهای عزاداری سیاه‌پوش و با آینه و شمشیر تزیین می‌شود و بر دوش مردم گرداگرد حسینیه به حرکت در می‌آید.

حسینیه‌ها از عناصر شاخص معماری - شهرسازی شهر یزد و آبادی‌های پیرامون به شمار می‌روند، که به لحاظ نقش فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی آنها دارای اهمیت هستند. حسینیه‌ها برای بزرگداشت یاد و خاطره شهادت حضرت امام حسین (ع) و یاران وفادارش طراحی و ساخته شده‌اند، که بیشتر در ماه‌های محرم و صفر، محل همایش مردم است. بیشتر روستاییانی که از شهر و دیار خود، برای همیشه کوچ کرده‌اند، در چنین روزهایی به زادگاه خویش باز می‌گردند و در مراسم عزاداری و خیرات، که در این محل‌ها برگزار می‌شود شرکت می‌کنند.^۲

۱۳- بادگیر

بادگیرها از شاخص‌ترین نشانه‌هایی است، که دورنمای شهر یزد را

۱. نمادی از تابوت، چند برابر بزرگتر از آن، برای تجدید خاطره و مراسم بزرگداشت وفات رهبران دینی، در اصطلاح محلی مُحَضّه گفته می‌شود.

۲. اولیاء، همان کتاب، ص ۱۷۰



بادگیر باغ دولت آباد، یزد

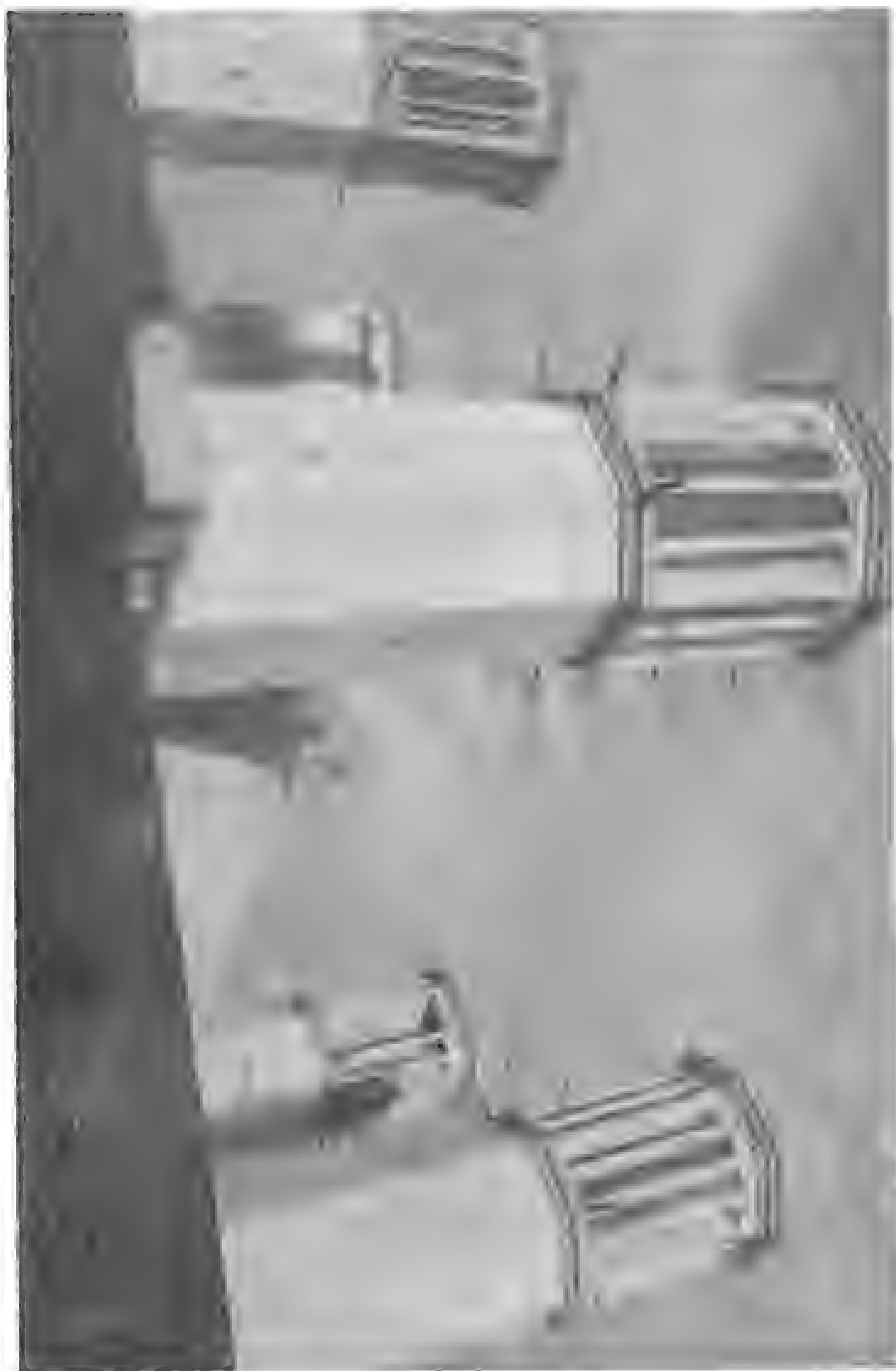
از دیگر شهرهای کشور جدا می‌سازد. بیشتر بادگیرها به فضاهای مسکونی پیشین تعلق دارند. بر فراز محراب برخی مسجدها نیز بادگیر به گونه زیبایی تعبیه شده است. برخی آب‌انبارهای درون شهری نیز دارای بادگیر هستند.

بادگیرها وسیله تهویه مناسبی برای خانه‌ها در دل کویر به شمار می‌روند، به طوری که جریان هوای مطبوع را در اتاق‌ها، تالار و زیرزمین ایجاد می‌کند. جهت آن را در سویی می‌سازند که مناسب‌ترین جریان هوایی را جذب کند. در سراسر ناحیه اردکان، بادگیرها را رو به شمال و پشت آن را در جهت باد قبله می‌سازند، که همراه باد و گرد و خاک است. در مسیر بعضی بادگیرها، که به سرداب راه می‌یابند، طاقچه یا گنج‌های با در چوبی در دل دیوار تعبیه می‌کنند. در زمستان، در گنج‌ها را می‌بندند تا بستگی فضای درون و بیرون اتاق را قطع کند.

این گنج‌ها در اتاق، کار یخچال امروزی را انجام می‌دهند، به طوری که گوشت، ماست، پنیر و خوراکی شب مانده را در آن می‌گذارند و در آن را می‌بندند تا مواد خوراکی از هوای گرم فضای درون و دسترسی حیوان‌های خانگی به دور باشد. در عقدا به این گنج‌های دیواری «گمبیچه»^۱ گویند.

وجود بادگیر در هر خانه، نمایانگر شخصیت و جایگاه اجتماعی کسان آن خانه است. بزرگی و کوچکی بادگیر با جایگاه اقتصادی صاحب خانه بستگی دارد.

مصالح بادگیر خانه‌های تنگدست نشین، خشت و گِل، یکطرفه و



نادرهای سنتی یزد

چشمه‌های آن، کم است، در صورتی که مصالح بادگیر توانمندان، بیشتر خشت و آجر، چند طرفه و با تزئین همراه است.

بیشتر بادگیرها یک طبقه‌اند، تنها چند بادگیر در سراسر یزد وجود دارد، که دو یا سه طبقه‌اند، برای مثال، در عقدا، یک بادگیر دو طبقه، در رباط حاجی ابوالقاسم رشتی وجود دارد. در شهر تفت، یک بادگیر سه طبقه، که از لحاظ معماری بسیار ارزنده است وجود دارد. بادگیر سه طبقه، در مطبوع ساختن هوای خانه بسیار مؤثر است.

بلندترین و زیباترین آن، بادگیر باغ دولت آباد یزد است، که بلندی‌اش ۳۳ متر و هشتاد سانتیمتر است و تاریخ بنای آن، به زمان کریم خان زند می‌رسد^۱.

۱. شریعت‌زاده، سید علی‌اصغر. نقش بادگیر در ناحیه جنوبی دشت کویر، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، ص ۲۲۰ - ۲۲۲

بخش سوم

تقسیمات کشوری، شهرستان ها و شهرها

استان یزد برپایه تقسیمات کشوری، که در سال ۱۳۷۵ ه. ش، توسط دفتر تقسیمات کشوری معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور انجام شده است، دارای ۷ شهرستان، شامل ۱۴ بخش، ۱۶ شهر، ۳۹ دهستان^۱ و بیش از ۴۵۶۰ روستا بوده است، که ۱۲۲۳ روستای آن دایر و بقیه به دلیل مهاجرت ساکنان آن، به نقاط دیگر، فراموش شده‌اند.^۲

۱. وزارت کشور. سازمان تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۵، ص ۵۴
۲. دفتر امور اجتماعی معاونت سیاسی و امنیتی استانداری یزد. مشخصات جغرافیای آبادی‌های استان یزد.

فصل اول

شهرستان ابرکوه

۱- نگاهی به شهرستان ابرکوه

شهرستان ابرکوه، با پهنه‌ای حدود ۵۳۴۰/۷ کیلومتر مربع^۱، در جنوب باختری استان یزد، در مسیر راه ده‌شیر - آباده قرار دارد. این شهرستان از سوی شمال به استان اصفهان و شهرستان یزد، از شمال خاوری به شهرستان تفت، از جنوب و باختر به شهرستان آباده استان فارس و از خاور به شهرستان مهریز محدود است. بلندی مرکز آن از سطح دریا ۱۵۰۵ متر است. ابرکوه، در کویر قرار دارد و به خال دلفریب چهره‌کویر، سرشناس شده است. در این شهرستان ۱۸۵ حلقه چاه ژرف، ۶۲۳ حلقه نیمه ژرف، ۳۴ رشته کاریز و ۳ چشمه وجود دارد^۲.

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵ استان یزد، ص ۲۴

۲. همان کتاب، ص ۳۴

شهرستان ابرکوه برپایه تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ ه. ش، وزارت کشور، شامل ۲ بخش: مرکزی و بهمن، شهر ابرکوه و ۴ دهستان: فراغه، تیرجرد، مهرآباد و اسفندار و ۴۱۰ آبادی بوده است.^۱

این ناحیه تا سال ۱۳۳۲ ه. ش، جزو شهرستان یزد بوده و از دیرباز پیوندهای اجتماعی و اقتصادی با یزد داشته و فرهنگ مردم این دو ناحیه مشترک است.

جمعیت شهرستان ابرکوه، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۴۰۶۱۷ نفر بوده است، که از این شمار ۲۰۴۷۵ نفر مرد و ۲۰۱۴۲ نفر زن بوده‌اند.

از ۴۰۶۱۷ نفر جمعیت ۱۳۷۵ ه. ش، این شهرستان، ۱۹۱۶۴ نفر در نقاط شهری و ۲۱۴۵۳ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کرده‌اند.^۲

۲- شهر ابرکوه

پیشگفتار

بر دامنه کوهی میان یزد و استخر، شهری ساخته شده، که آن را «ابرکوه» نام گذاشته‌اند. آثار این شهر در فاصله کوه و شهر جدید نمایان است. با گذشت زمان، ابرکوه جایش را در دشتی، که دامنه کوه به آن پایان می‌یابد، پیدا کرد. میان این دشت، توده‌ای سنگی یکپارچه وجود دارد، که

۱. وزارت کشور. سازمان تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴

۲. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هفتاد.

شهر بر روی آن ساخته شده است. معماران ابرکوه، این تکهٔ برزگ سنگ را برای پی ساختمان‌ها، دهشی خداداده گرفته و شهر را بر روی آن، بنا کرده‌اند، جوی‌ها در آن تراشیدند و آب باران از این جوی‌ها به بیرون شهر روانه کردند و دور آن، حدودی که قشر سنگ پی شهر تمام می‌شد، خندقی کشیدند، که نگاهدار شهر بود.

میدان‌ها ساختند، بناهای عمومی برپا کردند، دیوارها کشیدند، خانه‌ها بنا کردند، بادگیرها به آسمان برافراشتند، گنبدها و طاق‌ها زدند، تکیه‌ها ساختند، درخت‌ها نشاندند، و سرانجام خیابان‌ها و کوچه‌هایی کشیدند، که همه چیز را به هم می‌پیوست.

با خشت، آجر، کاهگل و گچ، شهر بپا شد. بر نماها، کاهگل سرخ‌فام کشیده شد و گچ با طرحی شیرین بر روی کاهگل نشست و خط‌های اصلی معماری ابرکوه را تزیین کرد. برگنبدها و طاق‌ها و بام‌ها کاهگلِ ماشی رنگ اندوده شد و تمامی شهر زیر این لایه، یکرنگ نمود. بادگیرها از آجر، چوب و کاهگل سر به آسمان کشید و شهر را تهویه کرد. دیوارهای کلفت، ساکنان را در برابر سرمای زمستان پوشانید، شدت نور روزهای تابستان در رنگ ماشی کاهگل نرم شد و گرمای خورشید از بام‌ها و دیوارها رد نشد.

نهال‌ها نشانده شد، سروها قد کشید، باغچه‌ها تزیین شد و حیاط‌ها به اطاق‌هایی که آنها را در برگرفته بود، نور داد.

به دور خانه‌ها دیوار کشیده شد، درها و زیر سردرها تزیین شد و با آجر و گچ استوار گشت، همه چیز کامل شد، دیوارها و نماها را پوشانید، گچ، کاهگل را تزیین کرد و رنگ، گچ را.

شهر با چنین مصالح ساده و زیبایی ساخته شد و زندگی در آن به راه افتاد تا این که انشعابی از راه بازرگانی، که چین و هندوستان را به باختریوست، ابرکوه را نیز مانند هرموز، کرمان، سیستان، یزد، کاشان، در برگرفت. بازارهای آن، رونق یافت و ابرکوه در سده ۱۰ تا ۱۴ م، به راه بازرگانی بستگی پیدا کرد.

در اواخر سده ۱۵ م، که راه دریایی هند توسط پرتغالی ها پیدا شد و ترک ها مستعمرات اروپایی دریای سیاه را گشودند، شمار کاروان هایی که از ابرکوه می گذشت، رو به کاهش نهاد. مهمانسراها بسته شد، بازارهایی که طی چند سده به دادوستد پارچه ها، بافته های ابریشم و کالای گران بها بود، از رونق افتاد. ابرکوه در دشت پایین کوه رها شد.

ابرکوی امروز، همان ابرکوهی است، که از سده ۱۵ م، تاکنون رها شده و ساختمان های آن، از طبیعت و انسان خسارت دیده است، گنبدها و طاق ها برجاست، بادگیرها با بزرگی سر به آسمان کشیده، اندود کاهگل همه جا را پوشانیده است، و گچ، زیر آسمان نورانی آن، می درخشد.^۱

۲-۱- جایگاه جغرافیایی

شهر ابرکوه، مرکز شهرستان ابرکوه، با پهنه ای حدود ۱۵ کیلومترمربع، در جنوب باختری شهر یزد، در ۳۱ درجه و ۷ دقیقه و ۴۵ ثانیه پهنای شمالی و ۵۳ درجه و ۱۷ دقیقه و ۱۵ ثانیه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار گرفته است.^۲

۱. مهندس مقتدر. ابرکوه، مجله کاوش، شماره ۱۲، مهر ۱۳۴۲

۲. جعفری، عباس. شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، ص ۴

این شهر از سوی شمال به رکن آباد، از خاور به شمس آباد، از باختر به مدوئیه و از جنوب به شهرآباد محدود است.

بلندی شهر ابرکوه از سطح دریا ۱۵۰۵ متر و فاصله هوایی آن تا تهران، ۵۴۲ کیلومتر است.^۱

فاصله زمینی آن تا تهران حدود ۶۳۷، تا شیراز ۲۹۹، تا آباده ۱۹، تا یزد ۱۴۰ و تا جاده عبوری (ترانزیتی) شیراز - اصفهان، ۴۷ کیلومتر است. کوه عظمت، در جنوب شهر ابرکوه قرار دارد، که از سوی خاور به کوهستان شیرکوه می پیوندد. در شمال کوه اعلی و در کنار شهر، کوه گنبد عالی یا علی، کوه صفه، کوه قنباره و تل دولت آباد وجود دارد.

حرکت آب های سطحی از جنوب باختری به سوی خاور شهر ابرکوه است. مسیر اصلی آن، جریان رودخانه و مسیل «جزوک» است، که آب های سطحی حاصل از بارندگی، از دشت های زیر کوه های اقلید، صغاد و کوه های جنوبی و شمالی دشت آباده را جمع کرده و با گذر از کم بلندترین نقطه ادامه بلندی های بادامستان، وارد ناحیه ابرکوه شده و از کنار فراغه از کنار شهر به سوی کویر نمک، در خاور جریان می یابد.

ابرکوه، دارای تابستان های گرم و خشک و زمستان های سرد و خشک است. اختلاف درجه حرارت شب و روز زیاد است. در تابستان، گاهی گرما به ۴۳ درجه سانتیگراد بالای صفر می رسد و در زمستان ها، سردی هوا از ۳ درجه زیر صفر پایین تر نمی رود.

این ناحیه کم باران است. بزرگان ابرکوه، می گویند:

«هرگاه دنیا را آب گرفت بجل الاغ ابرقویی تر می شود»

ریزش‌های جوی بیشتر به گونه باران است و خیلی کم برف می‌بارد و در سال بیش از یک روز برف نمی‌بارد. در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۳ ه. ش اندازه بارش باران به طور میانگین ۵۱/۸ میلی‌متر بوده است. کمترین بارندگی در سال ۱۳۵۷ ه. ش، برابر ۲۷ میلی‌متر و بیشترین آن، در ۱۳۵۶ ه. ش، برابر با ۹۸/۲ میلیمتر بوده است.^۱ میانگین بارندگی ابرکوه در سال ۱۳۷۴ ه. ش، ۱۱۲/۲ میلیمتر گزارش شده است. (آب منطقه‌ای یزد)

رودهای جزوک و کاسه رود، فصلی بوده و مردم بیشتر از آب کاریز استفاده می‌کنند.

۲-۲- نام و پیشینه تاریخی

محمد بن خلف تبریزی، در برهان قاطع، از این شهر به نام ابرکوه یاد کرده و نگاشته است:

«ابرکوه به ضم کاف، نام شهری است از عراق عجم، و چون آن شهر بر زمینی که در ته آن کوه است واقع شده به این نام موسوم ساختند و معرب آن، ابرقو است.»^۲

شادروان علی اکبر دهخدا از این شهر به نام‌های ابرقو، برکوه و درکوه یاد کرده، می‌گوید:

«ابرقو معرب برکوه و ابرکوه است، یعنی ناحیه کوه یا بالای کوه و اهل فارس این ناحیه را درکوه خوانند.»^۳

۱. مدرس‌زاده، سید محمد حسین. ابرکوه و راه ابریشم، ص ۶، ۸، ۱۲، ۱۴

۲. تبریزی، محمد بن خلف. برهان قاطع، جلد اول، ص ۸۰

۳. دهخدا، علی اکبر. لغت‌نامه دهخدا، جلد دوم، ص ۲۶۹

نویسنده کتاب حدودالعالم، نام این شهر را برقوه نگاشته است:
 «برقوه - شهر است با نعمت سخت بسیار و در حوالی وی
 تل هاست بزرگ از خاکستر»^۱
 حمدالله مستوفی، نگارنده کتاب نزهةالقلوب (۷۴۰ هـ. ق)،
 می نگارد:

«ابرقوه - از اقلیم سیم است در اول در پایان کوهی ساخته
 بوده اند و برکوه می گفتندی و بعد از آن در صحرایی که اکنون
 است این شهر کردند»^۲
 نام اصلی ابرقو «ابرکوه» است، که به مناسبت جایگاه شهر پیشین بر
 بالای صخره های کوتاه، در دوران ساسانیان، آن را بدین نام خوانده اند و
 در دوران اسلامی، مانند نام های بسیار دیگر، به جای کاف، حرف «ق»
 بیان کرده و آن را «ابرقو» نامیدند^۳. ابرقو پس از اسلام تا چند سده اهمیت
 داشته و «دارالسعاده» خوانده می شده است.

ابرقو از شهرهای پیشین و کهن ایران زمین است و پیش از روی کار
 آمدن هخامنشیان وجود داشته و دارای مزارع و آبادی بوده و در روزگار
 ساسانیان گسترش یافته و بر آبادی آن افزوده شده است.
 ابرقو پس از برآمدن اسلام، دچار ناتوانی و پس افتادگی شده و
 ایجاد کشتزارها و کاریزهای تازه باز ایستاده است.
 ابرقو، در اثر یورش مغولان، تیموریان و افغانان، خراب گردید و

۱. حدودالعالم، ص ۱۳۶

۲. مستوفی، حمدالله. نزهةالقلوب، ص ۱۴۵

۳. مصطفوی، سید محمد تقی. اقلیم پارس، ص ۳



قبر علی ابرکو

مردمش یا کشته شدند و یا پراکنده و به نقاط دیگر کوچ کردند. اما در روزگار صفوی به آن توجه شد و برخی از بناهای آن تعمیر و بازسازی گردید.

ابرکوه، در دوران زندیه و قاجاریه آباد و دارای اهمیت بوده و از شهرهای سرشناس فارس شمرده می شده است. اعتمادالسلطنه از این شهر یاد کرده و آن را از شهرهای آباد و بااهمیت دانسته است.^۱

۲-۳- آثار تاریخی

مهمترین آثار تاریخی ابرکوه، عبارت‌اند از:

۲-۳-۱- مسجد جامع

مردم محل بنای مسجد جامع را به سده‌های اوّل و دوم هجری قمری نسبت می دهند. دیرین‌ترین بخش‌های آن، شبستانی است، که بین ایوان جنوبی و خاوری آن قرار دارد و گویا از دوران سلجوقی است. در ایوان خاوری، محراب گچ‌بری نوشته شده سال ۷۳۸ ه. ق، وجود دارد.

۲-۳-۲- گنبد عالی

گنبد عالی یا گنبد علی، برج هشت گوشه‌ای است، که در بالای تپه و روبه روی محل شهر پیشین افتاده است. بالای بخش هشت گوشه بنا، کتیبه کوفی با خط درشت دیده می شود، که می‌رساند این گنبد، آرامگاه امیر عمیدالدین شمس‌الدوله ابی علی هزارسب بوده، به فرمان فرزندش فیروزان به سال ۴۴۸ ه. ق، ساخته شده است. این گنبد، در نهم مرداد

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. مرآة البلدان، جلد اوّل، ص ۲۳ - ۲۵

۱۳۱۲ هـ. ش، در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است.

۲-۳-۳- آرامگاه طاوس

آرامگاه طاوس، در محلی که اکنون مدرسه خواجه نظام الملک است، قرار داشته است. در گذشته بنای تاریخی دیگری وجود داشته، که آرامگاه حسن بن کیخسرو و دخترش بی بی عایشه ملکه خاتون بوده است، که به نام آرامگاه طاوس خوانده می شد و نبایستی آن را با آرامگاه طاوس الحرمین، که حمدالله مستوفی، در نزهة القلوب از آن یاد کرده، یکی دانست.

۲-۳-۴- گنبد سبلان و سیدون

ویرانه های گنبد های سبلان و سیدون گل سرخی، در کوی نبادان، در شمال شهر ابرکوه قرار دارد. این آثار نشانه روزگار آبادانی و مرکزیت بازرگانی و شکوفایی ابرکوه، در سده های ۵ و ۶ هـ. ق، است.

۲-۳-۵- دروازه نظامیه

این دروازه از مسجد نظامیه بازمانده است. گویا از آثار سده هشتم هجری قمری است.

۲-۳-۶- مسجد بیرون

این مسجد، در سوی جنوب شهر افتاده و چون در گذشته، در بیرون دیوار شهر ساخته شده بود، به نام مسجد بیرون، سرشناس شده است.^۱

۲-۴- ویژگی های انسانی

مردم ابرکوه دارای حس نوع پروری و همکاری در امور زندگی و یکپارچگی هستند. اینان مردمی سخت‌کوش، مذهبی و میهمان نوازند. به گفته نگارنده کتاب زینة المجالس، مردم این شهر ارباب حرفه و سلیم الطبع اند.

ساکنان ابرکوه به زبان فارسی سخن می‌گویند و لهجه آنها نزدیک به لهجه یزدی است. همه مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری هستند. حمدالله مستوفی مردم این شهر را، چنین ستوده است:

«مردمش اکثر پیشه‌ور باشند و به طاعت و عبادت مشغول...»

گویند که در ابرقو جهودی چهل روز، اگر بماند نماند و بدین سبب جهود در آن جا نیست ... حقوق دیوانی ابرقو و ولایتش صد و چهل هزار و چهارصد دینارست.^۱

ابرکوه در گذشته دارای مدرسه دینی و علمی بوده و فقه، اصول، حکمت، ادبیات عرب، طب و نجوم، در آن درس داده می‌شده است و عارفان، دانشمندان و ادیبان بسیاری، از جمله طاوس الحرمین، پیر حمزه سبزی‌پوش، عزالدین نسفی، خواجه نظام الملک ابرقویی، میرهادی ابرقویی، میر غیاثای ابرقویی، امیر برهان، مولانا عنبری، عطاء ابرقویی، علی کوهیار ابرقویی و لطف‌الله منشی ابرقویی را در دامن خود پرورانده است.

شیخ عزالدین نسفی، از بزرگان علم و ادب ایران است و هم دوره



سرو پنج هزار ساله ابرکوه

سلطان جلال‌الدین خوارزم شاه بوده و خواجه نظام الملک ابرقویی، در روزگار اتابک ابوبکر سعد زنگی می‌زیسته است.

جمعیت شهر ابرقو، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۱۹۱۶۴ نفر بوده، که از این شمار ۹۷۱۷ نفر مرد و ۹۴۴۷ نفر زن بوده‌اند.^۱

۲-۵- توانایی‌های اقتصادی

کشاورزی ابرکوه و پیرامون آن، به دلیل باران کم^۲ و خشک شدن اندک اندک چشمه‌ها و کاریزهای آن، رونق ندارد. فرآورده‌های کشاورزی این شهر، عبارت‌اند از: گندم، چغندر قند، صیفی، سبزی، جالیز، انار،... پرورش گاو، گوسفند و بز رایج است. دامپروری از دیرباز به گونه سنتی وجود داشته است. مرغ‌داری و پرورش مرغ، به دو شیوه سنتی و علمی رایج بوده و یکی از منابع درآمد مردم است. ابرکوه، یک ناحیه صنعتی نیست و تاکنون گامی برای استقرار صنایع، جز ایجاد چندین سالن برای پرورش و تولید مرغ و تخم مرغ به عمل نیامده است.

صنایع پیشین این ناحیه، کرباس بافی، گلیم بافی، صابون‌پزی،... بوده است. لحاف و تشک‌دوزی رونق بسیار دارد. بعضی از بانوان و دختران ابرکوه، به قالی بافی اشتغال دارند.

۱. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هفتاد و شش.

۲. اندازه بارندگی سالیانه ابرکوه به طور میانگین ۵۰ میلیمتر بوده، تبخیر سالیانه بسیار شدید و هفت برابر بارندگی است.

معدن نمک، گِل رس، گِل سرخ، معدن شن و ماسه، معدن گچ و
معدن سنگ مرمریت، در ابرکوه وجود دارد^۱.

فصل دوم

شهرستان اردکان

۱- نگاهی به شهرستان اردکان

شهرستان اردکان، با پهنه‌ای حدود $21334/2$ کیلومتر مربع^۱، در شمال استان یزد، در دل کویر مرکزی ایران، در مسیر راه تهران - یزد قرار دارد و پهناورترین شهرستان منطقه است.

این شهرستان از سوی شمال خاوری و خاور به استان خراسان، از شمال باختری به استان اصفهان، از باختر به استان‌های اصفهان و فارس، از جنوب به شهرستان‌های بافق، یزد و میبد محدود است.

بخش بزرگ شهرستان اردکان را دشت‌های رسوبی کویری پوشانده است. حدود ۵ درصد این ناحیه کوهستانی می‌باشد و میانگین بلندی آن از سطح دریا، ۱۲۳۴ متر است. این شهرستان از نظر طبیعی،

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵ استان یزد، ص ۲۴

به دو بخش زیر تقسیم می شود:

(۱) بخش دشت رسوبی: که بین کوه‌های ندوشن در باختر (دنباله شیرکوه) و خراتق در خاور و همچنین در فاصله کوه‌های خراتق تا رباط پشت بادام قرار گرفته و دارای آب و هوای بیابانی با زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم و خشک است. اختلاف درجه حرارت در این ناحیه زیاد بوده و فرسایش مکانیکی سبب خرد شدن سنگ‌ها و ایجاد ماسه‌زارها شده است و آب مصرفی مردم از چاه‌ها و کاریزها تأمین می شود.

(۲) بخش کوهستانی: دارای ییلاق‌های زیاد و آب و هوای نیمه بیابانی با زمستان‌های بسیار سرد و تابستان‌های ملایم است. این ناحیه شامل کوه‌های باختری (ندوشن)، خراتق و رباط پشت بادام نیز می شود. آب آشامیدنی و کشاورزی مردم از چشمه و کاریز تأمین می شود، مهمترین کوه‌های این بخش، کوه چک چک، کوه هریش، کوه دختر، ... است.

مشکل اساسی این شهرستان، کم آبی است. باران سالیانه به مرور کاهش یافته است و از طرفی با استفاده بی رویه از آب‌های زیرزمینی موجب کاهش سطح آب، در ناحیه و خشک شدن شمار زیادی از کاریزها شده است، به طوری که بیشتر کاریزهای این شهرستان، که شمار آنها به ۱۵۳ حلقه می رسیده است، خشک و یا در حال خشک شدن هستند و سالانه حدود ۹۰ سانتیمتر از سطح آب‌های زیرزمینی کاهش یافته است. در حال حاضر این شهرستان ۱۰۰ رشته کاریز با آبدهی ۹/۳ میلیون مترمکعب دارد و ۱۷۶ حلقه چاه ژرف و ۲۱۷ حلقه چاه نیمه ژرف و ۳ چشمه دارد.

پوشش گیاهی این ناحیه، بیشتر از گیاهانی است، که با ویژگی‌های

آب و هوای کویری سازش دارند و گیاهانی، مانند: زیره سیاه، اسفرزه، انگوزه، بادام کوهی، اشنان، ... می‌رویند، که برخی از آنها کاربرد طبّی دارند.^۱

شهرستان اردکان، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه.ش، ۶۱۸۰۲ نفر در ۱۳۱۷۷ خانوار بوده، که از این شمار ۳۲۳۹۱ نفر مرد و ۲۹۴۱۱ نفر زن بوده‌اند.

از ۶۱۸۰۲ نفر جمعیت ۱۳۷۵ این شهرستان، ۴۴۳۹۸ نفر در نقاط شهری و ۱۷۴۰۴ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کرده‌اند.^۲

شماری زرتشتی در این شهرستان زندگی می‌کنند، که بیشتر آنان در شریف‌آباد ساکن هستند.

شهرستان اردکان برپایه تقسیمات کشوری، که در ۱۳۷۵ ه.ش، از سوی دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور انجام یافته است، شامل ۲ بخش: مرکزی و خرانق، ۲ شهر: اردکان و احمدآباد و ۵ دهستان: عقدا، محمدیه، نارستان، ریاطات و زرّین و ۵۹۱ آبادی بوده است.^۳

اردکان دارای حوزه علمیه و دانشگاه پیام نور است و چند دانشکده دیگر نیز در دست راه‌اندازی است.

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم،

ص ۱۳۵۶ - ۱۳۵۸

۲. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هفتاد.

۳. وزارت کشور. سازمان تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴



تهران

۲- شهر اردکان

۲-۱- جایگاه جغرافیایی

شهر اردکان، مرکز شهرستان اردکان، با حدود ۲۲۵۰ هکتار پهنه^۱، در شمال باختری استان یزد، در ۳۲ درجه و ۱۹ دقیقه و ۳۰ ثانیه پهنای شمالی و ۵۴ درجه و ۱ دقیقه و ۱۵ ثانیه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد^۲.

این شهر از سوی شمال، خاور و باختر به آبادی‌های دهستان عقدا و از جنوب به دهستان میبد محدود است.

بلندی شهر اردکان از سطح دریا ۱۰۳۵ متر و فاصله هوایی آن تا تهران، ۴۴۶ کیلومتر^۳ است. فاصله زمینی اردکان تا یزد ۶۰، تا میبد ۱۰ کیلومتر است.

کوه‌های پیرامون اردکان از لحاظ بلندی اهمیت چندانی ندارند، ولی از نظر معادن، غنی هستند. برخی از این کوه‌ها، عبارت‌اند از:

کوه هریشت به بلندی حدود ۱۹۳۹ متر^۴، در ۱۲ کیلومتری شمال خاوری اردکان، قرار دارد و پیرسبز هریشت، زیارتگاه زرتشتیان، در دل این کوه افتاده است^۵. کوه تپه ریگ به بلندی حدود ۱۶۰۵ متر در ۲۵

۱. مرکز آمار ایران، شناسنامه آماری شهرهای استان یزد، ص ۱

۲. جعفری، عباس. شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، ص ۵

۳. همان کتاب، ص ۱۸

۴. جعفری، عباس. گیتاشناسی ایران، جلد اول، کوه‌ها و کوهنامه ایران، ص ۵۵۱

۵. سپهری اردکانی، علی. تاریخ اردکان، جلد اول، ص ۲

کیلومتری شمال خاوری شهر اردکان، در کناره باختری کوهستان هامانه قرار گرفته است.

کوه چک چک به بلندی ۲۷۴۵ متر، در ۳۸ کیلومتری خاور اردکان افتاده و از بلندترین کوه‌های کوهستان هامانه است. در دامنه باختری آن، زیارتگاه زرتشتیان، در دل این کوه قرار دارد.^۱ چون آب قطره قطره از بالای کوه می‌چکد و در منبع بزرگی جمع شده، به وسیله لوله به زیارتگاه می‌رسد، این زیارتگاه را «پرسبز چک چکو» نامیده‌اند.

رودهایی که در این ناحیه جریان دارند، به دلیل بارندگی کم و شرایط آب و هوا، آبدهی قابل توجهی نداشته و بیشتر رودهایی سیلابی، خشک و یا مسیل‌هایی هستند، که تنها در هنگام بارندگی دارای آب می‌باشند. مهمترین رود این ناحیه رودخانه اردکان است، که از دامنه‌های جنوبی کوهستان هامانه، در خاور شهر اردکان سرچشمه می‌گیرد. پس از گذر از دشت جنوب خاوری اردکان، به شمال باختری تغییر مسیر داده از روستاهای حاجی آباد و شریف‌آباد گذشته وارد شهر اردکان می‌شود. سپس در جهت شمال وارد کویر سیاه کوه (عقدا) می‌شود.^۲

منابع آب شهر اردکان و پیرامون آن، به آب‌های زیرزمینی محدود می‌شود، که بیشتر از طریق کاریز، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف تأمین می‌شود. شهر اردکان و آبادی‌های پیرامون آن، در ناحیه دشت رسوبی قرار گرفته و دارای آب و هوای بیابانی با زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم و خشک است. اختلاف درجه حرارت در این ناحیه زیاد بوده و فرسایش

۱. جعفری، همان کتاب، ص ۱۵۱ - ۱۹۴

۲. افشین، یدالله. رودخانه‌های ایران، جلد دوم، ص ۵۲۵

مکانیکی موجب خرد شدن سنگ‌ها و ایجاد ماسه‌زارها گردیده است. رسوب‌های زیاد آهکی و نمکی این ناحیه سبب شوری آب‌های زیرزمینی شده است.

میانگین اندازه بارندگی سالانه در شهر اردکان ۵۶ میلیمتر است. بیشترین بارندگی در پاییز و زمستان و اندکی در بهار است و بیشترین درجه حرارت سالانه ۴۲ و گاهی به ۴۵ درجه سانتیگراد می‌رسد.^۱

۲-۲- نام و پیشینه تاریخی

اردکان از دو پاره «آرد» به معنی مقدس و «کان» به معنی معدن و مکان تشکیل شده است، که معنی مکان مقدس را می‌دهد. شاید این محل از زمان پیدایی، زادگاه و محل سکونت عالمان و دانشمندان بوده، اردکان نامیده شده است.^۲

در زبان پهلوی «آرد» به معنی خشم و دلاوری است. چون در گذشته دور، مردمی دلاور و جنگجو، در این ناحیه زندگی می‌کرده‌اند، به نام اردکان، به معنی مرکز دلاوری و خشم سرشناس شده و چون در روزگار آمدن مسلمانان به این ناحیه، جنگجویان زرتشتی، در بلندی‌های آن سنگ‌گرفته و با عرب‌ها می‌جنگیدند، از آن روزگار، این ناحیه را «اردکان» نامیدند.

محمد مفید مستوفی بافق، نویسنده کتاب جامع مفیدی (نگارش بین سال‌های ۱۰۸۲ - ۱۰۹۰ ه. ق) درباره نام اردکان، نگاشته است:

۱. دبیران گروه‌های آموزشی استان‌ها، همان کتاب، ص ۱۳۵۷

۲. همان کتاب، ص ۱۳۶۱

«ارد به لفظ فرس دور را گویند و چون در اطراف و جوانب آن محل، کوه بسیار است و در ازمنه سابقه، در آن جبال معادن مس و سرب و فیروزه و غیره بوده لهذا، در افواه عوام اسم آن قصبه به اردکان موسوم گشته است. و این قصبه شریفه، از قدیم الایام محل توطن فضلا و علما و حکما و منجمین و دانشمندان بوده و هست و در میان اصحاب هوش به یونان کوچک اشتها دارد.»^۱

به هر حال آن طور که از منابع و مآخذ موجود برمی آید، در گذشته آبادی اردکان در محلی که اکنون «زردک» خوانده می شود، بنا نهاده شده و آثار خرابه های آن به چشم می خورد.

در سده های باستانی، نامی از اردکان، در آثار تاریخی برده نشده و نخستین باری، که در تاریخ از آن یاد شده، در سده ۷ ه. ق، است، که نامی از اردکان و خاتقاه ساختن شیخ تقی الدین دادا محمد از بزرگان و سالکان راه دین به میان آمده است. پس از شیخ محمد و پسرانش، اردکان به گونه کانون علم، حکمت و ادب درآمد و از آن پس، درستی واژه یونان کوچک به اردکان تحقق یافت و نام اردکان را بیش از پیش روشنائی بخشید.

در دوران افشاریه، علی قلی خان، برادرزاده نادرشاه در ۱۱۶۳ ه. ق، علیه شاههرخ شاه افشار شورش کرد و عازم خراسان شد و پس از این که مراحل مسافرت را تا نزدیکی اردکان پیمود، از سوی سپاهیان شاههرخ شاه سرکوب و دستگیر و به مشهد فرستاده و در آن جا کشته شد.^۲

۱. مستوفی بافقی، محمد مفید. جامع مفیدی، جلد سوم، بخش دوم، ص ۷۲۶

۲. افشار سیستانی، ایرج. سیستان نامه، جلد اول، ص ۴۱۴ و نایینی، جعفر بن محمد

حسین. جامع جعفری، ص ۸

در ۱۲۰۷ ه. ق، لطفعلی خان زند، در جریان جنگ‌های خود با آغامحمد خان قاجار، در سر راه خود به خراسان، در اثر کمک‌های امیرحسین خان طبسی، سپاه کوچکی تدارک دید و به سوی شیراز رهسپار گردید. در نزدیکی یزد، محمد تقی خان یزدی، حکمران یزد به مخالفت برخاست و علی نقی خان، پسر محمد تقی خان یزدی، راه را بر لطفعلی خان بست.^۱ لطفعلی خان با دلاوران زند و سپاهیان طبسی، در ناحیه اردکان، برخان یزدی تاخت و آنان را شکست داد و رهسپار ابرکوه شد.^۲ در تمامی دوران قاجار، شهر اردکان و پیرامون آن، جزو حکومت یزد بوده است. در ۱۲۳۶ ه. ق، شاهزاده محمد ولی میرزا، حکمران یزد شد و حاجی میرزا محمد خان قزوینی را به حکومت اردکان و میبد فرستاد. پس از قزوینی، میرزا مهدی قلی وزیر و پس از او، محمد کریم خان، حاکم اردکان شدند.^۳

۲-۳- آثار تاریخی

مهمترین آثار تاریخی اردکان یزد، عبارت‌اند از: مسجد جامع، مسجد زبرده، مسجد کچیب، میل ترک آباد، حسینیه بازار نو، مسجد زردک، چهارسوق، مدرسه علمیه، آب انبار دوراه، آب انبار قلعه، خانقاه اردکان، زیارتگاه پیر بفروئیه، پیران زرتشتی، شریف آباد، آتشکده شریف آباد، آتشکده احمد آباد، پیرهریشت، پیرسوز، چک چکو، دخمه ترک آباد، دخمه شریف آباد، زیارتگاه پارس بانو، ...

۱. موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق. تاریخ گیتی گشا، ص ۳۷۸

۲. افراسیابی، بهرام. قلعه پری، ص ۶۶۴

۳. سپهری اردکانی، همان کتاب، ص ۲۵



خراتق، شهرستان اردکان

۲-۴- ویژگی های انسانی

مردم شهر اردکان و پیرامون آن سخت کوش، باایمان، بردبار و پاک اندیش هستند. در امور دینی بسیار متعصب و همه ساله چند ماه به عزاداری می پردازند.

بیشتر مردم این شهر مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری می باشند، شماری زرتشتی نیز در این ناحیه زندگی می کنند. مردم آن آریایی نژاد و ایرانی الاصل هستند و به زبان فارسی و لهجه شیرین یزدی سخن می گویند.

جمعیت شهر اردکان، در ۱۳۳۵ ه. ش، ۸۴۹۰ نفر، در ۱۳۴۵ ه. ش، ۱۴۳۳۲ نفر، در ۱۳۵۵ ه. ش، ۲۰۹۱۴ نفر، در ۱۳۶۵ ه. ش، ۳۴۸۳۸ نفر بوده است.^۱

جمعیت این شهر، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۴۴۳۹۸ نفر بوده است، که از این شمار ۲۲۹۷۶ نفر مرد و ۲۱۴۲۲ نفر زن بوده اند.^۲

اردکان، بزرگان علم و ادبی، چون شیخ تقی الدین دادا محمد، شیخ یحیی عشیره اردکانی، مولانا محمد طاهر منجم اردکانی، استاد سید احمد اردکانی، قاضی الدین اردکانی، گلشن اردکانی، محمدالعلما، فرساد اردکانی، نسیم اردکانی، حضرت آیت الله العظمی فاضل اردکانی، حضرت آیت الله العظمی داماد، دکتر حسین محبوبی اردکانی، سلطان العلماء، حاج ابوالقاسم خوشنویس، دکتر سید احمد فاطمی،

۱. زنجانی، حبیب الله، ... راهنمای جمعیت شهرهای ایران، ص ۲۹، ۴۳، ۷۱، ۱۰۱

۲. مرکز آمار ایران. همان کتاب، ص هفتاد و شش.

حجت الاسلام حاج سید محمد رضا خاتمی، حضرت آیت الله خاتمی،
دکتر سید محمد خاتمی، دکتر رضا داوری اردکانی، حجت الاسلام شیخ
علی بهجتی اردکانی، و ده ها نفر دیگر.

۲-۵- توانایی های اقتصادی

شهر اردکان و پیرامون آن به دلیل نداشتن آب کافی از لحاظ
کشاورزی با مشکلاتی روبه رو بوده و پسته، فرآورده مهم آن است. پسته
اردکان از گونه پسته مرغوب ایران به حساب می آید. انار، رونس، گندم،
میوه و یونجه در این شهر تولید می شود. محصول پنبه اردکان به دلیل
کمبود آب رو به کاهش نهاده است.

دامداری به گونه پراکنده و کم، نگاهداری می شود و با توجه به آب
و هوای اردکان، دام اصلی آن، بز است. با این حال گوسفند، گاو، و شتر نیز
وجود دارد. مرغداری در این شهر رایج است.

کارگاه های صنعتی اردکان، موزائیک سازی، آجرپزی، سنگبری و
برخی صنایع کوچک است. مهمترین فرآورده اردکان، ارده و حلوا ارده
است، که عصاره ها و کارگاه های حلوا ارده سازی، از روغن کنجد تولید و
صادر می شود.

صنایع دستی اردکان، عبارت اند از: فرش بافی، موتابی،
کریاس بافی، حصیر بافی، سبد بافی، ...

مهمترین معادن اردکان و پیرامون آن، اورانیوم، باریم، آهن، سرب،
روی، گچ، نمک، ... است.^۱

۱. دبیران گروه های آموزشی جغرافیای استان ها، همان کتاب، ص ۱۳۵۸-۱۳۶۰

فصل سوم

شهرستان بافق

۱- نگاهی به شهرستان بافق

شهرستان بافق، با پهنه‌ای حدود $۱۷۶۳۳/۸$ کیلومتر مربع^۱، در جنوب خاوری استان یزد، در کنار راه آهن تهران - کرمان قرار دارد. این شهرستان از سوی شمال به شهرستان اردکان، از باختر به شهرستان‌های یزد و مهریز، از جنوب به استان کرمان و کویر لوت و از خاور به کویر لوت محدود است.

در بخش باختر و جنوب خاوری بافق تپه‌های ریگ روان وجود دارد، که بلندی آنها از چند متر تجاوز نمی‌کند. بزرگترین نمک‌زار استان یزد، یعنی کویر درانجیر، در شمال باختری این شهرستان، در اثر شوراب‌های رود شور به وجود آمده است.

در خاور شهرستان بافق، رشته کوه‌های موازی با جهت شمال

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵ استان یزد، ص ۲۴

باختری - جنوب خاوری کشیده شده‌اند، که بلندترین آنها کوه بن‌لخت، در جنوب بهاباد و کوه باجگان است و روستاهای آباد و پرنفوسی، در دامنه این کوه‌ها و در میان درّه‌ها، در خاور این ناحیه به وجود آمده‌اند.

شهرستان بافق، در سال ۱۳۷۵ ه. ش، ۱۷۲ چاه ژرف، ۲۳۴ چاه نیمه ژرف، ۲۸۵ کاریز و ۱۵۶ چشمه داشته است.^۱

شوره‌زارهای این ناحیه نه تنها با خاک‌های شورقلیایی عامل پس افتادن کار کشاورزی است، بلکه کاهش بازدهی فرآورده‌های کشاورزی را به دنبال دارد. علاوه بر آن، آب‌های زیرزمینی و رودهای فصلی نیز زیر تأثیر املاح موجود در خاک، دارای آب شور می‌باشند. با وجود این مردم سخت‌کوش این سرزمین، از روزگاران کهن با این سختی‌های طبیعی دست و پنجه نرم کرده‌اند. وجود ۲۸۵ کاریز، یادگاری از تلاش‌های گذشتگان در این شهرستان است.

مراعات شهرستان بافق از گونه فقیر است و بالابودن تبخیر و نامناسب بودن رژیم بارندگی سبب شده است، که مراعات خوب نیز دوام چندان‌ی نداشته باشند. مراعات لردشیطور جزو بهترین مراعات استان یزد است. چون شهرستان از شرایط کویری، دشتی و کوهستانی برخوردار است، از نظر پوشش گیاهی متنوع است. بوته‌های منطقه کویری، ارزش علوفه‌ای برای دام ندارد و بیشتر مورد چرای گله‌های شتر است.

درختان گز علاوه بر پوشاندن بخش زیادی از پیرامون رود شور و زمین‌های نمکی و کویری، به دلیل پایداری در برابر شرایط سخت کویری، به عنوان پوشش مناسب برای تثبیت شن‌های روان، هکتارها زمین، در

مسیر جاده و راه آهن بافق - یزد به گونه مصنوعی زیر پوشش این گیاه رفته است. این جنگل ها نقش مهمی نیز در کاهش توفان های شنی و بهبود آب و هوای بافق ایفا می کنند.

مهمترین گیاهان این ناحیه، عبارت اند از: گز، قیچ، درمنه، جاز، پدن، اورس (سبل)، بنه، بادام کوهی، کسیدون، انجیر، ...

جمعیت شهرستان بافق، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۴۱۸۳۵ نفر در ۹۰۲۷ خانوار بوده است، که از این شمار ۲۰۷۳۸ نفر مرد و ۲۱۰۹۷ نفر زن بوده اند.

از ۴۱۸۳۵ نفر جمعیت سال ۱۳۷۵ شهرستان، ۲۹۸۹۴ نفر در نقاط شهری و ۱۱۹۴۱ نفر در نقاط روستایی زندگی می کرده اند.^۱

برپایه تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ ه. ش، که توسط دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور انجام یافته است، شهرستان بافق دارای ۲ بخش: مرکزی و بهاباد، ۲ شهر: بافق و بهاباد، و ۶ دهستان: سبزدشت، مبارکه، کوشک، اسفیج، نبستان و جلگه و ۵۹۲ آبادی بوده است.^۲

۲- شهر بافق

۲-۱- جایگاه جغرافیایی

شهر بافق، مرکز شهرستان بافق استان یزد، با پهنه ای حدود ۱۵۱۰

۱. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هفتاد.

۲. وزارت کشور. سازمان تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴

هکتار^۱، در جنوب باختری شهرستان بافق، در ۳۱ درجه و ۳۶ دقیقه پهنای شمالی و ۵۵ درجه و ۲۳ دقیقه و ۴۵ ثانیه درازای باختری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد^۲.

این شهر از سوی شمال و شمال باختری به کویر درانجیر، از باختر به آبادی‌های دهستان سبزدشت، از خاور به کویر لوت و از جنوب به راه آهن محدود است. بلندی این شهر از سطح دریا، ۹۹۵ متر و فاصله هوایی آن تا تهران، ۵۹۹ کیلومتر است^۳. و فاصله زمینی آن تا یزد ۱۱۷، تا چغارت ۱۷، تا زرنند ۱۵۷، تا تهران ۷۹۴، تا اردکان، ۱۷۷ کیلومتر است. رود شور، که از بلندی‌های شهرستان کرمان سرچشمه می‌گیرد، به کویر بافق، که در مرکز شهر بافق قرار گرفته می‌ریزد.

آب و هوای شهر بافق، در تابستان‌ها گرم، ولی در زمستان‌ها ملایم‌تر از دیگر نواحی استان یزد است. ریزش باران بیشتر در زمستان و بهار روی می‌دهد.

۲-۲- نام و پیشینه تاریخی

لسترنج، نگارنده کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، درباره نام و جایگاه بافق، نگاشته است:

«... در پنجاه میلی باختر کوه بنان و در حاشیه کویر بزرگ

نیمه راه این شهر تا یزد، امروز دهکده بافق است. در ایالت

۱. مرکز آمار ایران، شناسنامه آماری شهرهای استان یزد، ص ۱

۲. جعفری، عباس. شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، ص ۶

۳. همان کتاب، ص ۱۹

کرمان دو محل است که نام آنها با هم شباهت کامل دارد: بافق و بافت یا بافد. بافت در هشتاد میلی جنوب شهر کرمان و دویت میلی بافق شمالی است، و چون امروز غالباً بافق (شمالی) به صورت بافد تلفظ می‌شود، بر این اشتباه و ابهام افزوده می‌گردد. در صورتی که بافد آن است، که در جنوب ماشیز واقع شده و چون در زبان فارسی حرف تاء به حرف دال و برعکس حرف دال به حرف تاء تبدیل می‌شود، بافت را بافد هم می‌گویند.^۱

بافق، از شهرهای پیشین و تاریخی استان یزد است، که به دلیل جایگاه طبیعی، جغرافیایی، ارتباطی و استراتژیک خود، در دوران‌های گوناگون مورد توجه بوده و بارها مورد چپاول سرکشان و کشورگشایان قرار گرفته است.

بافق، در پیش از اسلام وجود داشته و جزو قلمرو هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان بوده است. در روزگار ساسانیان، منطقه یزد، از جمله شهر بافق رو به آبادی نهاد و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردید.

بافق، در روزگار عثمان بن عفان به دست مسلمانان گشوده شد. در نیمه دوم سده سوم هجری قمری، یعقوب لیث صفاری بر این منطقه دست یافت و در روزگار دیلمیان، فخرالدوله دیلمی نیز روزگاری بر این ناحیه حکومت کرد.

از سال ۵۳۶ تا ۷۱۸ ه. ق، اتابکان یزد بر این ناحیه حکومت کردند و نماینده‌ای به بافق می‌فرستادند. در روزگار آل مظفر، حاکمان دوره

۱. لسترنج، گی. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۳۲



مسجد جامع بافق

تیموری و صفویان، شهر بافق گسترش یافت و آباد شد.
در حمله افغان‌ها به ایران، به مردم منطقه یزد، از جمله شهر بافق خسارت وارد شد و این شهر، در قلمرو محمود و اشرف افغان بود.
در دوره نادرشاه افشار و جانشینانش، شهر بافق تابع ایالت یزد بود و محمد تقی خان و بازماندگانش بر این ناحیه نیز حکمرانی داشتند.

۲-۳- آثار تاریخی

مهمترین آثار تاریخی بافق، عبارت‌اند از:
آرامگاه عبدالله، مسجد جامع، مدرسه علمیه، پیرمراد، قاضی میرجعفر، قلعه کافر، محله لرد، خانه‌های پیشین، باغ تیتو و چشمه پیروزی.
از خانه وحشی بافقی، شاعر نامی بافق، خرابه‌هایی برجای مانده است، که از آن به عنوان یک اثر تاریخی نگاهداری می‌شود^۱.

۲-۴- ویژگی‌های انسانی

مردم بافق سخت‌کوش، متدین، میهمان نواز، پاک اندیش، آزاده و وطن دوست هستند. به بزرگان احترام می‌گذارند و آداب و رسوم نیاکان خود را گرامی می‌دارند.
بافقی‌ها به زبان فارسی و لهجه شیرین محلی سخن می‌گویند. ایرانی‌الاصل و آریایی نژادند. همه مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری هستند.

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم،

شهر بافق بزرگان علم و ادبی، چون وحشی بافقی، جلالی یزدی (بافقی) (شاعر میانه سده ۳ ه. ق)، محرم بافقی عارف، موالی یزدی (بافقی) شاعر (درگذشته ۱۲۳۵ ه. ق)، نجاتی بافقی طبیب و نگارنده کتابی در علم طب، را در دامن خود پرورانده است.

جمعیت شهر بافت، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۲۵۰۶۸ نفر بوده، که از این شمار ۱۲۵۸۸ نفر مرد و ۱۲۴۸۰ نفر زن بوده‌اند.^۱

۲-۵- توانایی‌های اقتصادی

جایگاه جغرافیایی این ناحیه سبب گردیده که همیشه دستخوش کم‌آبی باشد. شوره‌زارها نه تنها با خاک‌های شور و قلیایی خود، عامل رکود کار کشاورزی است، بلکه کاهش بازدهی فرآورده‌های کشاورزی را به دنبال دارد. با این حال شغل مهم مردم بافق کشاورزی است و ساکنان این دیار از گذشته‌های دور با این سختی‌های طبیعی ساخته‌اند.

مهمترین فرآورده‌های کشاورزی، گندم، جو، پنبه، روناس، نارنج، پسته، خرما، ... است. هر ساله مقداری روناس، ارزن، انار، پسته، انگورو خشکبار از این ناحیه به نقاط دیگر صادر می‌شود.

نخلستان‌های بافق بیش از ۴۰۰ هزار اصله درخت خرما دارند، که در شکوفایی اقتصاد آن تأثیر زیادی دارد و مردم بافق علاوه بر استفاده از خرما، از الیاف و شاخه‌های این درخت، پادری، بادبزن، کلاه حصیری،

۱. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هشتاد و شش.

ریسمان، ... می سازند.

مهمترین هنرهای دستی مردم بافق، قالی بافی، صابون‌پزی، کرباس بافی، جارو، بادبزن، حصیر و پادری است، که به شهرهای دیگر نیز صادر می شود.

معادن بافق، عبارت‌اند از: معدن آهن چغارت، در ۱۴ کیلومتری شمال خاوری شهر بافق، معدن آهن چادرملو، معدن آهن سه چاهون، معدن ناریگان و معدن سرب وردی کوشک، در شمال خاوری شهر بافق^۱. با گشایش راه آهن بافق - بندرعباس و انجام طرح راه آهن بافق - مشهد، این شهر از جایگاه استراتژیک و اقتصادی ویژه‌ای برخوردار شده و زندگی و رونق تازه‌ای یافته است.

۳- آهن شهر

به منظور اسکان و رفاه کارکنان حوزه سنگ آهن، شهرکی به نام آهن شهر، در دو کیلومتری بافق ایجاد شده است. این شهرک همه امکانات رفاهی و زیستی را دارد و در کنار آن، نخلستان بزرگی قرار دارد که به گونه پارکی زیبا درآمده است.

۴- شهر بهاباد

شهر بهاباد، مرکز بخش بهاباد شهرستان بافق، با پهنه‌ای حدود ۱۰

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. همان کتاب، ص ۱۳۷۰

کیلومتر مربع، در شمال خاوری شهرستان بافق، بر روی تپه ماهورهای بین دو رشته کوه، در ۳۱ درجه و ۵۲ دقیقه پهنای شمالی و ۵۵ درجه و ۵۸ دقیقه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد.^۱

این شهر دارای آب و هوای بیابانی می‌باشد و از لحاظ سفره آب‌های زیرزمینی غنی است، که این امر موجب رونق کشاورزی آن شده است.

جمعیت شهر بهاباد، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۴۸۲۶ نفر بوده است، که از این شمار ۲۳۵۲ نفر مرد و ۲۴۷۴ نفر زن بوده‌اند.^۲

واژه بهاباد، از دو پاره «به» یعنی بهتر و «آباد» یعنی پررونق و برنعمت تشکیل شده است، و بهاباد، به معنی بهترین آبادی است. بهاباد از نقاط آباد و تاریخی شهرستان بافق است و به دلیل جایگاه جغرافیایی، طبیعی و اقتصادی ویژه خود، در گذر زمان بارها مورد تجاوز و چپاول قرار گرفته است. اسماعیلیان، در پیرامون آن، دژهای تسخیر ناپذیری بنا نهاده بودند. این دژها به دست هلاکو خان مغول از میان رفت و ویرانه‌های آنها به نام شهرک، در نزدیکی شهر بهاباد وجود دارد. آثار تاریخی آن، عبارت‌اند از: مسجد جامع، آب‌انبار حاج مهدی، آرامگاه ملاعبدالله، آرامگاه شیخ ضیاءالدین و شماری دژ و برج. بهاباد، عالمان و ادیبانی، چون ملاعبدالله، شیخ ضیاءالدین و شیخ محمد، ... را در دامن خود پرورانده است.

۱. مرکز آمار ایران، مساحت و مختصات جغرافیایی شهرهای کشور، ص ۳۲

۲. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی... همان کتاب، ص هشتاد و شش.

مهمترین فرآورده‌های کشاورزی بهاباد، عبارت‌اند از: انگور، انار، پسته، زیره، گندم و زعفران.
معادن زیرزمینی آن، مس، سرب، روی، زغال سنگ، ... است.
مهمترین هنرهای دستی مردم بهاباد، فرش بافی و گیوه‌چینی است.^۱

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها، همان کتاب، ص ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱

فصل چهارم

شهرستان تفت

۱- نگاهی به شهرستان تفت

شهرستان تفت، با پهنه‌ای حدود ۵۹۴۹/۱ کیلومتر مربع^۱، در کنار راه یزد - شیراز، در باختر استان قرار دارد. این شهرستان از سوی شمال به شهرستان یزد، از باختر به شهرستان‌های یزد و ابرکوه، از جنوب به شهرستان‌های ابرکوه و مهریز و از خاور به شهرستان مهریز محدود است. بلندی مرکز شهرستان تفت از سطح دریا، ۱۵۶۰ متر است. این شهرستان ناحیه‌ای کوهستانی است و بیش از ۶۰ درصد روستاهای آن، در دامنه کوه‌ها قرار دارند. مهمترین آنها، کوهستان شیرکوه با جهت شمال باختری - جنوب خاوری است.

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵ استان یزد، ص ۲۴

آب و هوای تفت نیمه‌بیابانی است، که به دلیل قرار گرفتن در دامنه شیرکوه، نسبت به یزد، دارای تابستان‌های ملایم‌تر و بارندگی بیشتری است.

به سبب بارش اندک و تبخیر شدید، در این ناحیه رودخانه دائمی وجود ندارد و تنها شماری مسیل یا خشک‌رود، از جمله مسیل تفت دیده می‌شود. خشک‌رود تفت، شهر را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده است.

آب آشامیدنی و کشاورزی این شهرستان، از کاریز، شماری چشمه، از جمله چشمه تامهر، که آب آن از اوایل فروردین تا مهرماه جاری است و چشمه کوهی، چاه‌های ژرف و نیمه ژرف تأمین می‌گردد.

پوشش گیاهی شهرستان تفت از گونه دشتی، کوهپایه‌ای و کوهی است. از گیاهان سودمند، که جنبه اقتصادی و صادراتی دارد و در نواحی کوهستانی تفت می‌رویند، گون و انگوزه است. در دشت، گز، تاغ، قیچ و گونه‌ای خارشتر، گونه‌های شوره، نی، جفجغه و اسپید وجود دارد. در بخش کوهپایه‌ای، گونه‌های درمنه، گون، اسپند و در کوهستان گونه‌های بادام کوهی، بنه و ارژن یافت می‌شود.

جانوران وحشی این ناحیه بزکوهی، قوچ و میش، آهو، شغال، روباه و شماری پلنگ است.

شهرستان تفت برپایه تقسیمات کشوری سال ۱۳۷۵ ه. ش، که توسط دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور انجام یافته است، شامل دو بخش مرکزی و نیر، ۲ شهر تفت و نیر، ۷ دهستان: پیشکوه، شیرکوه،

علی آباد، نصرآباد، دهشیر، گاریزات، بنادکوک و سخوید^۱، و حدود ۱۴۲۳ روستا بوده است، که ۵۱۰ روستا دارای سکنه بوده‌اند^۲. روستاهای نصرآباد، ساینج و علی آباد، دارای جمعیت بیشتری هستند. نواحی هم‌جوار آنها، از نقاط خوش آب و هوا می‌باشد و در تابستان، ییلاق و گردشگاه مردم استان یزد است^۳.

جمعیت شهرستان تفت، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۵۶۶۰۳ نفر بوده، که از این شمار ۲۸۰۷۷ نفر مرد و ۲۸۵۲۶ نفر زن بوده‌اند.

از ۵۶۶۰۳ نفر جمعیت ۱۳۷۵ این شهرستان، ۱۷۰۷۵ نفر در نقاط شهری و ۳۹۵۲۸ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کرده‌اند^۴.

۲- شهر تفت

۲-۱- جایگاه جغرافیایی

شهر تفت، مرکز شهرستان تفت استان یزد، با پهنه‌ای حدود ۲۵ کیلومتر مربع در مرکز استان یزد، در ۳۱ درجه و ۴۴ دقیقه و ۳۰ ثانیه پهنای شمالی و ۵۴ درجه و ۱۱ دقیقه و ۳۰ ثانیه درازای خاوری نسبت به نیمروز

۱. وزارت کشور. سازمان تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴

۲. سازمان برنامه و بودجه... همان کتاب، ص ۲۴

۳. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم، ص ۱۳۶۶

۴. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هشتاد و شش.

گرینویچ قرار دارد.^۱

این شهر از سوی شمال به کوه آقااعلا، از باختر به مزرعه سید محمد، از خاور به روستای حسینی، و از جنوب به آبادی بادگز پایین محدود است.

بلندی شهر تفت از سطح دریا، ۱۵۶۰ متر و فاصله هوایی آن تا تهران، ۵۲۰ کیلومتر است.^۲ فاصله زمینی تفت تا یزد ۲۰، تا ابرکوه ۱۵۰، تا ترزجان ۲۴، تا منشاد، ۴۷ کیلومتر است.

شهر تفت، در درّه قرار دارد. کوه گلوبادام، در جنوب باختری، تفت کوه، در جنوب، کوه بُرک^۳، در جنوب خاوری، کوه بن چادر، در شمال باختری، و کوه آقااعلا، در شمال شهر تفت قرار دارند. همه این کوه‌ها، جزو کوهستان شیرکوه به شمار می‌روند.

رود تفت، که از شیرکوه سرچشمه می‌گیرد و در اوایل بهار پرآب است، از میان شهر می‌گذرد. باغ‌ها و محله‌های تفت در دو سوی آن قرار دارند. سیلاب‌های بهاری شیرکوه، در بستر رود تفت روان می‌شوند و به سوی شهر یزد می‌روند.

هوای شهر تفت از یک سو به سبب قرار گرفتن در درّه و کوهستانی بودن ناحیه و از سوی دیگر به سبب نزدیکی با کویر، دگرگون می‌باشد، ولی به طور کلی هوای شهر تفت معتدل است. بیشترین درجه حرارت، در تابستان ۳۴ و کمترین آن در زمستان ۱۲ درجه سانتیگراد است. رطوبت در

۱. جعفری، عباس. شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، ص ۷

۲. همان کتاب، ص ۲۰

تابستان، ۱۵ درصد و در زمستان، ۳۰ درصد است. میانگین بارندگی سالیانه برف ۷۰ سانتیمتر و باران تا ۶۰ سانتیمتر می‌رسد.^۱

۲-۲- نام و پیشینه تاریخی

شهر تفت را، که زادگاه علامه تفتازانی است، تفت نصیری نیز نامیده‌اند. واژه تفت، در فرهنگ‌ها، به معنی گرم، گرمی، سوخته، سوختن، سوزش، قهر و غضب و گرمی از خشم و قهر، گیاه دارویی، که خوردن بیخ آن، مانند تاتوله جنون آورد، خرام و خرامان، سبیدی، که برای نهادن گل و میوه ساخته می‌شود، است.^۲

واژه تفت، در اوستا «تَفْتَه»^۳، به معنی گرم شده، آمده است.^۴

مردم شهر تفت نیز درباره نام‌گذاری آن، که متأثر از معنی‌های یاد شده است، بر این باورند، که واژه تفت دو معنی دارد: یکی به معنی گداخته و سوزان، و دیگری به معنی سبد و طَبَق میوه است. از نظر طبیعی نیز هر دو معنی، درباره آن، درست و کاربرد دارد، زیرا وجود «تفته‌کوه» در جنوب شهر، که هنگام تابش خورشید، بسیار داغ و سوزان شده و به اصطلاح محل تفتیده می‌شود، سبب شده است، که این شهر را «تفت» بنامند. دو دیگر، وجود باغستان‌های میوه بسیار در این محل است و در گذشته مردم تفت میوه‌ها را در سبد و طَبَق (در گویش محلی تفت) ریخته

۱. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، یزد، جلد

۸۳، ص ۲۶-۲۷

۲. لغت‌نامه دهخدا، در واژه تفت.

3. tafta

۴. برهان قاطع، در واژه تفت.



بیداخوید، تفت

و به بازار شهرهای همسایه برای فروش می بردند، به تفت سرشناس گردیده است.^۱

به دلیل وجود چشمه‌ای در «پای چنار سرده» به نام نصیری، به این شهر «تفت نصیری» نیز گفته‌اند.

احمد بن حسین بن علی کاتب، نویسنده کتاب تاریخ جدید یزد (۸۶۲ هـ ق)، درباره تفت نصیری، می‌نویسد:

«و از محله سردسیر از اول باغستان از موضع پای چنار سرده دو چشمه وسیع جاری است، یکی را سعدآباد و دیگری را نصیری خوانند. و گویند که این دو چشمه یک کس جاری گردانیده است و اسم جاری کننده نصیرالدین بوده است. قولی دیگر آن است، که جاری کننده چون این دو چشمه جاری گردانید، خواست که به حکم لاتثنی الا و قد تثلت، چشمه سوم جاری کند. چون به کار مشغول شد، از غیب آوازی شنید، که نه سیری، از این صدا و همی بر او غالب شد و دست از کار برداشت. آن چشمه را چشمه نسیری خوانند و در کتابت نصیری نوشتند.»^۲

تفت، همانند یزد، شهر باستانی است و پیشینه درازی دارد و از هر لحاظ با یزد پیوند تاریخی دارد و نامش همیشه با آن، همراه بوده است.

۱. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، همان کتاب، ص ۲۶

۲. کاتب، احمد بن حسین بن علی. تاریخ جدید یزد، ص ۲۱۵

۲-۳- آثار تاریخی

مهمترین آثار تاریخی شهر تفت، عبارت‌اند از:

۲-۳-۱- حسینیه شاه ولی

این حسینیه از آثار تاریخی تفت به شمار می‌رود، که تنها بخشی از آن برجای مانده است.

۲-۳-۲- خانقاه

آرامگاه شاه خلیل دوم، از اولاد شاه نعمت‌الله ولی، در این شهر قرار دارد. تاریخ ۸۴۸ ه. ق، بر سنگی درون آن دیده می‌شود.

۲-۳-۳- مسجد شاه ولی

بر سنگ مرمر زیبایی، در محراب آن، تاریخ ۸۷۳ ه. ق، نگاشته شده است، که دیربگی آن را به دوره تیموری می‌رساند.

۲-۳-۴- آثار کوی گرمسیر

در کوی گرمسیر، در گذشته آب‌انبار، مسجد و دژ گرمسیر وجود داشته و در حال حاضر ویرانه‌های آنها برجای است.

۲-۳-۵- درختان کهنسال

در شهر تفت دو درخت کهنسال، در کوی‌های ده نو و پاچنار وجود دارند.

۲-۳-۶- آتشکده

در دو کوی زرتشتی نشین باغ خندان و سرده، آتشکده وجود دارد.

۲-۳-۷- آسیاب و دژ پهلوان

در درّه گاوان، در جنوب باختری شهر تفت، دو اثر باستانی وجود دارد: بر ستیغ کوهی، در این درّه یک بنای آجری به نام آسیاب پهلوان بادی قرار دارد. در همین دره برفراز کوه لاکونو، آثار دژی به نام دژ پهلوان بادی وجود دارد. پیرامون این دژ، پرتگاه بوده و راه آن، سخت است و از جایگاه نظامی ویژه‌ای برخوردار است.^۱

۲-۴- ویژگی‌های انسانی

تفتی‌ها، مردمی پاک‌اندیش، سخت‌کوش، درستکار، متدین و میهمان‌نوازند. تبار آریایی دارند و به فارسی و لهجه شیرین محلی و یزدی سخن می‌گویند. مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری هستند. شماری زرتشتی، در این شهر زندگی می‌کنند، که با گویش ویژه خودشان سخن می‌گویند.

جمعیت شهر تفت، در ۱۳۳۵ ه. ش، ۶۴۵۱ نفر، در ۱۳۴۵ ه. ش، ۶۶۵۶ نفر، در ۱۳۵۵ ه. ش، ۶۸۶۴ نفر، و در ۱۳۶۵ ه. ش، ۱۱۳۷۳ نفر بوده است.^۲

جمعیت این شهر، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۱۵۱۱۵ نفر بوده است، که از این شمار ۷۶۵۷ نفر مرد و ۷۴۵۸ نفر زن بوده‌اند.^۳

۱. سازمان جغرافیایی... همان کتاب، ص ۲۷

۲. زنجانی، حبیب‌الله و رحمانی، فریدون. راهنمای جمعیت شهرهای ایران، ص ۲۹،

۱۰۱، ۷۲، ۴۴

۳. مرکز آمار ایران، همان کتاب، ص هشتاد و شش.

۲-۵- توانایی‌های اقتصادی

اقتصاد شهر تفت و پیرامون آن برپایه کشاورزی، دامداری، پیشه‌وری و صنایع دستی استوار است. بیشتر مردم شهر باتوجه به استعداد ناحیه، کشاورز می‌باشند. همراه کشت، به دامداری نیز می‌پردازند و شمار کمی هم پیشه‌ورند. آبیاری در این شهر به وسیله پنج رشته کاریز و چهار حلقه چاه نیمه ژرف انجام می‌شود.

فرآورده‌های کشاورزی تفت، عبارت‌اند از: گندم، جو، بنشن، تره‌بار، انار، هلو، بادام، زردالو، گوجه، گردو، که به ویژه انار تفت ممتاز و فراوان است و به نقاط دیگر صادر می‌شود.

هنرهای دستی مردم تفت، گیوه‌چینی و فرش‌بافی است. نزدیک به ۲۰۰ دستگاه قالی‌بافی، در این شهر وجود دارد و گیوه‌چینی در خانه‌ها رواج دارد.

راهی به درازای ۲۰ کیلومتر از تفت به سوی شمال خاوری رفته و به شهر یزد می‌پیوندد. دو دیگر راهی که از تفت به سوی باختر رفته و به ده نو می‌رسد، سپس به سوی جنوب و به ده شیر و از آن جا به ابرکوه می‌رسد. سه دیگر راه‌های خاکی است، که شهر تفت و آبادی‌های پیرامون آن را با یکدیگر پیوند می‌دهد، مانند راه تفت - ترزجان و راه تفت - منشاد - ده بالا^۱.

فصل پنجم

شهرستان مهریز

۱- نگاهی به شهرستان مهریز

شهرستان مهریز، با پهنه‌ای حدود ۱۵۸۴۵ کیلومتر مربع^۱، در جنوب استان یزد، در ۱۰ کیلومتر باختر جاده یزد- کرمان قرار دارد. این شهرستان از سوی شمال به شهرستان یزد، از شمال خاوری به شهرستان بافق، از خاور به شهرستان‌های رفسنجان و شهر بابک استان کرمان، از باختر به شهرستان‌های تفت، ابرکوه و استان فارس و از جنوب به شهرستان شهر بابک استان کرمان و شهرستان نی‌ریز استان فارس محدود است.

بلندی مرکز شهرستان مهریز از سطح دریا، ۱۳۶۶ متر است^۲. این

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵ استان یزد، ص ۲۴

۲. اتحادیه شهرداری‌های ایران. سالنامه شهرداری‌ها، ص ۳۳۹

شهرستان از سوی باختر توسط کوه‌های بلند لاخسه و بوانات کوهستان شیرکوه محدود می‌شود. این کوه‌ها سرچشمه جویبارهای فصلی است. خاور شهرستان مهریز به زمین‌های پست محدود می‌گردد. در جنوب آن، تنگ چنار از رشته کوه‌های شیرکوه قرار دارد. در شمال، زمین‌های پست و سپس تپه‌های شنی وجود دارد.

منابع آب این شهرستان از چشمه، کاریز و چاه تأمین می‌شود. تنها رود مهم آن، رود بوانات است، که در دشت هرات، در ۱۵۰ کیلومتری جنوب باختری شهرستان مهریز جریان دارد.

شهرستان مهریز در سال ۱۳۷۵ ه. ش، ۳۰۳ حلقه چاه ژرف، ۵۹۴ حلقه چاه نیمه ژرف، ۶۹۴ رشته کاریز و ۲۳ چشمه داشته است.^۱ یکی از چشمه‌های پرآب، که بخش بزرگ آب کشاورزی بهاره روستایان مهریز و یزد را تأمین می‌سازد، چشمه غربال بیز، در نزدیکی آبادی مذوار است. آب و هوای این شهرستان نیمه بیابانی است و هرچه به سوی باختر حرکت کنیم، بارندگی زیاد شده و درجه حرارت نیز کاهش می‌یابد. پوشش گیاهی شهرستان مهریز بیشتر از گونه‌های استپی بیابانی، از جمله گز، انجیر کوهی، زیره، زرشک، ... است.

جانوران وحشی این ناحیه، عبارت‌اند از: یوزپلنگ، گرگ، آهو، بزکوهی، ...

معدن‌های شهرستان مهریز، تراورتن، مرمر، گِل سفید، سنگ چینی، سنگ‌های ساختمانی، ... است.

شهرستان مهریز برپایه تقسیمات کشوری سال ۱۳۷۵ ه. ش، که

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد، همان کتاب، ص ۳۴

توسط دفتر تقسیمات وزارت کشور انجام شده است، شامل ۲ بخش مرکزی و هرات و مروست، ۳ شهر: مهریز، هرات، مروست، و ۷ دهستان: تنگ چنار، خورمیز، میانکوه، ارنان، بهادران، فتح آباد و هرابرجان بوده است.^۱

جمعیت شهرستان مهریز، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۷۴۲۰۲ نفر بوده است، که از این شمار ۳۷۲۸۴ نفر مرد و ۳۶۹۱۸ نفر زن بوده‌اند.

از ۷۴۲۰۲ نفر جمعیت سال ۱۳۷۵ شهرستان، ۴۰۸۶۰ نفر در نقاط شهری و ۳۳۳۴۲ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کرده‌اند.^۲

۲- شهر مهریز

۲-۱- جایگاه جغرافیایی

شهر مهریز، مرکز شهرستان مهریز استان یزد، با پهنه‌ای حدود ۲۹ کیلومتر مربع، در جنوب استان یزد، در ۳۱ درجه و ۳۴ دقیقه پهنای شمالی و ۵۴ درجه و ۲۹ دقیقه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد.^۳

این شهر از سوی شمال به دهستان فجر بخش مرکزی شهرستان یزد، از باختر به کوه لاخسه، از خاور به آبادی‌های دهستان تنگ چنار و از

۱. وزارت کشور. سازمان تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴
 ۲. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هفتاد.

۳. مرکز آمار ایران. شناسنامه شهرهای کشور، استان یزد، جلد ۲۳، ص ۱۹



قلعه‌ای در مهریز

جنوب به روستای کوهپایی محدود است. بلندی شهر مهریز از سطح دریا، ۱۴۷۰ متر و فاصله زمینی آن تا یزد ۳۵، تا رفسنجان ۲۱۳، تا تفت، ۵۰ کیلومتر است. شهر مهریز در دشت قرار گرفته و در باختر آن، رشته کوه‌های شیرکوه است. در خاور، دشت مهریز تا کوه‌های بافق گسترده می‌شود. هوای مهریز معتدل خشک بوده و باران سالیانه آن اندک است.

۲-۲- نام و پیشینه تاریخی

شهر مهریز، در گذشته مهرگرد، مهری‌گرد، مهرجرد، مهری‌جرد، میگرد و میجرد^۱ نامیده شده است و بنای آن را به «مهرنگار» دختر انوشیروان ساسانی نسبت داده‌اند و یکی از آبادی‌های آن، به نام «خورمیز» را از بناهای هرمز، پادشاه ساسانی دانسته‌اند. این شهر از پیوستن چند آبادی نزدیک به هم تشکیل گردیده و اندک اندک گسترش یافته است. نام آن، در کتاب جامع مفیدی و تاریخ یزد به گونه مهرگرد، مهرجرد، مهری‌جرد، ...نگاشته شده است. در جامع مفیدی آمده است:

«آن پادشاه را (انوشیروان) از دختر خاقان چین، دو فرزند کرامت شد: یک پسر و یک دختر. پسر را هرمز شاه و دختر را مهرنگار نام کرد... انوشیروان، یزد را به اقطاع مهرنگار داد... چون مهرنگار مالک رقاب یزد گردید، عاملان نصب فرمود و عمال را مأمور ساخت که بنایان و مقنیان، که از ممالک به یزد

آورده‌اند به عمارت و احداث قنوات مأمور گردانند. از آن جمله در هشت فرسخی شهر دیهی وسیع ساختند و آن را به نام خود منسوب کرده مهرگرد نام کرد و اکنون آن قصبه را مهری جرد می‌خوانند و قناتی جاری ساخته مهرپادین نام گذاشت و نیز در آن محل محله عالی ساخته به مهرآباد موسوم گردانید.^۱

روستای خورمیز دهستان خورمیز بخش مرکزی شهرستان مهریز، بر سر راهی قرار دارد، که مهریز را به پشت‌کوه پیوند می‌دهد. جعفری در تاریخ یزد، بنای آن را به هرمز، پسر انوشیروان نسبت داده، می‌گوید، که برادر مهرنگار، در کنار مهری جرد یا مهری گرد، دهی بساخت و آن را هرمیز نام کرد و اکنون آن را خورمیز می‌خوانند.

از آن جا که شهر مهریز، در نزدیکی شهر یزد قرار گرفته، می‌توان گفت که این شهر از لحاظ تاریخی، سیاسی و تا اندازه‌ای اجتماعی و اقتصادی بستگی زیادی با شهر یزد دارد.

۲-۳- آثار تاریخی

مهمترین آثار تاریخی مهریز و آبادی‌های پیرامون آن، عبارت‌اند از:

۲-۳-۱- کشته‌خانه

در سده ۷ ه. ق، در روزگار یورش مغولان، گروهی از مردم به این مکان پناهنده شدند، که همه آنان یکجا کشته شدند، از این رو این محل به کشته‌خانه سرشناس شده است.

۱. مستوفی بافقی، محمد مفید. جامع مفیدی، جلد اول، ص ۲۵

۲-۳-۲- مسجد جامع مهریادین

این مسجد از بناهای سده ۸ ه. ق، است. دارای گنبد، ایوان، شبستان و منار است. در سال‌های اخیر تعمیر و بازسازی شده است. منار آن بر سر در مسجد ساخته شده و با کتیبه‌ای از کاشی معرق تزیین شده است. نوشته کتیبه می‌رساند که مسجد در اوایل سده ۸ ه. ق، توسط محفوظ بن محمد ساخته شده است.

۲-۳-۳- مسجد جامع بغداد آباد

مسجد جامع بغداد آباد از بناهای تاریخی و بااهمیت است و دیرینگی آن را به سده ۱۰ ه. ق، یعنی در دوران صفوی دانسته‌اند.

۲-۳-۴- دژ خورمیز

دژ تاریخی خورمیز روی تپه سنگی و مانند نارین قلعه / کهندژ میبد، بر بلندی نزدیک خورمیز ساخته شده است و بنای آن را به هرمز، فرزند انوشیروان، پادشاه ساسانی نسبت داده‌اند.

۲-۳-۵- پیرنورکی

پیرنورکی / پیرنارکی، در سوی راست جاده فخرآباد قرار دارد و زیارتگاه زرتشتیان است.

۲-۳-۶- سایر آثار تاریخی مهریز، عبارت‌اند از:

مسجد جامع خونزا / هنزا، کاروانسرای زین‌الدین، چشمه باستانی غربال بیز، کاروانسرای شمس، آسیاب‌های مزوار و مهریز، قلعه و رباط سریزد.



مسجد جامع شهر یزد

۲-۴- ویژگی‌های انسانی

مردم مهریز سخت‌کوش، متدین، پاک‌اندیش و مقاوم‌اند. به زبان فارسی و لهجه شیرین یزدی سخن می‌گویند. ایرانی‌الاصل و آریایی نژاد هستند.

مردم این ناحیه مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری می‌باشند. شماری زرتشتی نیز در کنار شهروندان مسلمان خود، برادرانه زندگی می‌کنند.

جمعیت شهر مهریز، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۲۵۲۳۹ نفر بوده، که از این شمار ۱۲۷۹۰ نفر مرد و ۱۲۴۴۹ نفر زن بوده‌اند.^۱

شهر مهریز، زادگاه حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) بنیان‌گذار حوزه علمیه قم است.

۲-۵- توانایی‌های اقتصادی

مهریز از نواحی حاصلخیز استان یزد است و کشاورزی آن رونق دارد. فرآورده‌های کشاورزی مهریز و آبادی‌های پیرامون آن، انار، انجیر، پسته، گندم، جو، ذرت، خربزه، هندوانه، گوجه، بادمجان، ... است.

دامپروری به روش سنتی و علمی رواج دارد. در سال‌های اخیر مردم این ناحیه به ایجاد گاوداری صنعتی دست زده‌اند.

صنایع دستی مردم مهریز، فرش بافی، چاقوسازی، سبده بافی،

۱. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۷۵، ص هشتاد و شش.



قلعه مروست، مهریز

سنگتراشی، ... است. صادرات مهم آن، انار، پسته، انجیر و گندم است.^۱

۳- شهر مروست

شهر مروست، با پهنه‌ای حدود ۳ کیلومتر مربع، در جنوب شهرستان مهریز، در ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه پهنای شمالی و ۵۴ درجه و ۱۵ دقیقه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد.^۲

این شهر از سوی شمال به صاحب‌آباد، از خاور به کویر مروست، از باختر به آبادی‌های دهستان هرابرجان و از جنوب به رحمت‌آباد محدود است.

بلندی شهر مروست از سطح دریا، ۱۵۳۸ متر است.^۳ این شهر از نواحی خوش آب و هوای شهرستان مهریز بوده و از نواحی حاصلخیز استان یزد به شمار می‌رود.

شهر مروست از نقاط تاریخی است، که در گذشته با بوانات فارس، یک حاکم نشین به شمار می‌رفته است.

مروست مرکز بلوکی به همین نام بوده، که در زمان سلطان جهان‌شاه قراقویونلو (۸۴۱ - ۸۷۲ ه. ق) از آن به نام «معظمت بلوکات دارالسلطنه شیراز» نام برده شده است.

راه تاریخی کاروانی اصفهان - ابرکو / ابرقو، که به بندرعباس پایان

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم، ص ۱۳۷۳

۲. مرکز آمار ایران. مساحت و مختصات جغرافیایی شهرهای کشور، ص ۳۲.

۳. پاپلی یزدی، محمدحسین. فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، ص ۵۲۷

می‌یافته، از مروست می‌گذشته و کاروانسرای بردشیراز، در این راه قرار دارد.

مهمترین آثار تاریخی مروست، عبارت‌اند از:

مسجد جامع، قلعهٔ مروست بر فراز تپه و خاکریز مصنوعی به بلندی ۷ متر با خشت و گِل ساخته شده است، آرامگاه شیخ عبدالله از دورهٔ صفوی، گنبد مروست که آرامگاه یکی از امیران یا بزرگان مروست بوده است و آرامگاه بهاءالدین که سنگ گوری به نام نجم‌الدین محمود شاه در آن قرار دارد.

۴- شهر هرات

شهر هرات، با پهنه‌ای حدود ۸ کیلومترمربع، در جنوب شهرستان مهریز، در ۳۰ درجه و ۳ دقیقه پهنای شمالی و ۵۴ درجه و ۲۲ دقیقه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد^۱.

این شهر از سوی شمال و خاور به کویر مروست، از باختر به تاج‌آباد و از جنوب به اراضی چهکویه محدود است.

بلندی هرات از سطح دریا، حدود ۱۵۰۰ متر تخمین زده می‌شود. رودخانهٔ بوانات، در دشت هرات جریان دارد.

هرات ناحیه‌ای حاصلخیز و پرآب است و به دلیل جایگاه ویژه‌ای، که بین فارس، کرمان و یزد دارد، همیشه مورد توجه حاکمان، امیران، به ویژه در دوران ساسانی بوده و در روزگار جهان‌شاه قراقویونلو جزو

۱ - مرکز آمار ایران، همان کتاب، ص ۳۲

قلمرو فارس بوده است.

در آثار اسلامی، از جمله مسالک و ممالک استخری، صورة الارض ابن حوقل و معجم البلدان یا قوت حموی از این محل به نیکی یاد شده است. وجود آثار تاریخی، چون قلعه محمد کریم خان، قلعه محمد باقری، قلعه ملکی، برج و آسیاب، قدمگاه حضرت علی (ع) قلعه گبری کوه سرچشمه، غار آهکی کوه بیروئیه، امامزاده پیرغیب با سنگ‌های تاریخی، مسجد فتح‌آباد از سده ۸ ه. ق، مزار سید نورالدین، ... بیانگر پیشینه تاریخی دراز این شهر است.

فصل ششم

شهرستان میبد

۱- نگاهی به شهرستان میبد

شهرستان میبد، با پهنه‌ای حدود ۱۱۲۰ کیلومتر مربع^۱، در شمال شهرستان یزد قرار دارد و از سوی شمال و خاور به شهرستان اردکان، از جنوب و باختر به شهرستان یزد محدود است. بلندی مرکز این شهرستان از سطح دریا، ۱۲۳۴ متر است. بلندی‌هایی در باختر و جنوب باختری شهرستان میبد وجود دارد، که دنباله کوه‌های مرکزی ایران است. این بلندی‌ها، در جذب رطوبت و تغذیه منابع آب‌های زیرزمینی ناحیه مؤثرند. بخش بزرگ این کوه‌ها، در زمستان پوشیده از برف است و در دامنه آن، دره‌های سبز و خرم وجود دارد. این کوه‌ها، در پراکندگی روستاها نقش مهمی داشته و بهترین

۱. سازمان برنامه بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵ استان یزد، ص ۲۴

آبادی‌های منطقه را در دامنه خود جای داده‌اند.

خاک‌های ناحیه میبد بیشتر دارای ویژگی‌های خاک‌های رسوبی و کویری است. آب و هوای میبد گرم و خشک است، ولی در دامنه کوه‌های باختری گرما کاهش یافته و بر بارندگی افزوده می‌شود. میانگین باران سالیانه در حدود ۶۲ میلیمتر است.

میبد به دلیل جایگاه ویژه جغرافیایی خود، ناحیه‌ای است بادخیز، که عواملی چون فقر پوشش گیاهی و تغییر درجه حرارت و اختلاف فشار بین کوه‌های باختری و دشت‌های همجوار در ایجاد وزش آن مؤثر است. در این ناحیه، همانند سایر نواحی استان یزد، استفاده از آب‌های زیرزمینی (کاریز) رایج بوده، که مهمترین آن، کاریز بفروئیه است. جهت آب‌های زیرزمینی بیشتر از جنوب و باختر به سوی شمال و خاور است.

در شهرستان میبد، در سال ۱۳۷۵ ه. ش، ۶۷ چاه ژرف، ۵۵ چاه نیمه ژرف، ۱۱ کاریز و ۸ چشمه وجود داشته است.^۱

پوشش گیاهی این شهرستان بیشتر از گیاهان کویری، مانند گز و گون است. گیاهان دیگری، مانند گاوزبان، خشخاش، ... نیز در ناحیه میبد دیده می‌شود و در کوهپایه‌های پیرامون، بادام کوهی، شاتره و مامیران دیده می‌شود.^۲

شهرستان میبد برپایه تقسیمات کشوری، که در سال ۱۳۷۵ ه. ش، توسط دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور انجام یافته، شامل یک بخش

۱. همان کتاب، ص ۳۴

۲. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم،

مرکزی، شهر میبد و دو دهستان: بفروئیه و شهیدیه و ۹۷ آبادی بوده است.^۱

همه ساله شمار زیادی از مردم شهرستان میبد برای کار و درآمد بیشتر به شیخ نشین‌های خلیج فارس، به ویژه کویت مهاجرت می‌کنند. پول برگشتی از آن جا، در توسعه و پیشرفت اقتصاد این ناحیه مؤثر است.^۲ جمعیت شهرستان میبد، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۵۹۱۴۱ نفر بوده است، که از این شمار ۳۱۱۲۱ نفر مرد و ۲۸۰۲۰ نفر زن بوده‌اند.

از ۵۹۱۴۱ نفر جمعیت شهرستان میبد در سال ۱۳۷۵ ه. ش، ۳۸۰۶۱ نفر در نقاط شهری و ۲۱۰۸۰ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کرده‌اند.^۳

۲- شهر میبد

۲-۱- جایگاه جغرافیایی

شهر میبد، مرکز شهرستان میبد استان یزد، با پهنه‌ای حدود ۱۸۱۰ هکتار^۴، در شمال باختری شهر یزد، در کناره کویر مرکزی ایران، در ۳۲ درجه و ۱۳ دقیقه پهنای شمالی و ۵۳ درجه و ۲۹ دقیقه درازای خاوری

۱. وزارت کشور، سازمان تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴

۲. حیدریه‌زاده، محمود. بلوک میبد، ص ۳۳

۳. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هفتاد و یک.

۴. مرکز آمار ایران، شناسنامه آماری شهرهای استان یزد، ص ۱

نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد.^۱

این شهر از سوی شمال به شهر اردکان، از باختر به حسن آباد، از خاور به جاده سنتو و آبادی بارجین و از جنوب به روستای رکن آباد محدود است.

بلندی شهر میبد از سطح دریا، ۱۰۹۰ متر و فاصله زمینی آن تا یزد ۵۰، تا اردکان، ۸ کیلومتر است.

آب را به وسیله کاریز، آنهم از فاصله‌ای دور از زیرزمین بیرون می‌کشند. درازای بعضی کاریزهای میبد تا ۲۰۰ کیلومتر می‌رسد. تا چندی پیش ۹۶ رشته کاریز، در میبد وجود داشته است.

گودی‌های شمالی دشت یزد، که شهر میبد، در بخش میانی آن قرار دارد، بستر خشک یکی از دریاچه‌های باستانی است، که در روند دگرگونی‌های آب و هوای این ناحیه اقلیمی، در هزاره‌های اخیر از میان رفته است. نویسندگان آثار تاریخی و جغرافیایی پیشین، این دریاچه را «دریای ساوه» نامیده و گفته‌اند که میبد، در کنار آن قرار داشته است.^۲

۲-۲- نام و پیشینه تاریخی

در منابع تاریخی یزد، آمده است که یزدگرد، فرزند بهرام، چون به دستور پدر از مداین به پارس آمد و به یزد رسید، به آبادانی شهر یزد پرداخت و سرهنگانی به نام‌های بیدار، عقدا و میبدار، که همراه او بودند، به ساختن بیدار، عقدا و میبد همت گماشتند.

۱. مرکز آمار ایران. شناسنامه شهرهای کشور، استان یزد، جلد ۲۳، ص ۱۹

۲. جعفری، جعفر بن محمد. تاریخ یزد، ص ۱۳

در جای دیگر نگاشته شده است، که بعضی از تاریخ نگاران برآنند، که شهر میبد را، میبدار، سرهنگ یزدگرد کوچک ساخته است.^۱

اما بیشتر نویسندگان براین باورند که شهر میبد، در روزگار پادشاهی قباد، پادشاه ساسانی ساخته شده و دلیل آن را چنین توجیه کرده‌اند: یکی از فرزندان شاه به نام موبد بیمار شد و پزشکان هوای میبد را برایش بهبودی بخش دانستند، از این رو میبد را ایجاد و قلعه‌ای بر کنارش بنا کرد و پس از پایان عملیات ساختمانی شهر، آن را «موبدگرد» نامید و به مرور زمان «گرد» را برداشتند و موبد را میبد گفتند.^۲

با این حال بایستی گفت، که این میبد، که در آثار تاریخی و جغرافیایی، او را از سرهنگان یزدگرد دانسته‌اند، همان «مهبود» از سپهبدان نامدار زمان قباد و انوشیروان است، و نام آبادی‌های دیگری در فارس به گونه‌های میبد، میبدی، مهبودی، مهبدین، درگذر زمان دگرگونی یافته است.^۳

در سفرنامه تلگرافچی فرنگی، که در ۱۷۸۹ م، به نصب سیم تلگراف مشغول بوده و میبد را نیز دیده، آمده است:

«از اردکان الی میبد دو فرسخ است... میبد قصبه قدیم است و در اوایل سلطنت مغول شهری بوده است و در سنه ۷۱۳ ه. ق، امیر مظفر که اول مظفریان بوده است، در آن جا مدرسه‌ای بنا کرد، که حال مدفن اوست.»^۴

۱. کاتب، احمد بن حسین بن علی. تاریخ جدید یزد، ص ۳۳

۲. همان کتاب، ص ۴۰

۳. پویا سید عبدالعظیم. سیمای باستانی شهر میبد، ص ۱۷-۱۸

۴. حیدریه زاده، همان کتاب، ص ۷



چاپارخانه، میل

بر پایه گواهان موجود، بنیاد نخستین شهر میبد از دوران‌های کهن تاریخ ایران است، اما در زمان ساسانیان، که یکی از دوره‌های بنیان‌گذاری و گسترش شهرها در ایران به شمار می‌رود، محدوده کهن شهر میبد نیز گسترش یافت.

نام میبد نیز خود، مهر و نشانی از دوران ساسانی دارد و نام میبد/میبد، که از واژگان فارسی میانه است، در دوران ساسانی به این شهر اطلاق شده است. در آثار تاریخی و جغرافیایی سده‌های نخستین اسلامی بارها از این نام یاد شده است، اما با توجه به پیشینه دراز شهر میبد، گمان می‌رود این نام دگرگون شده نام پیشین بوده و یا نام تازه‌ای بوده، که در دوران ساسانی به این شهر داده‌اند.^۱

بعضی از منابع تاریخی و جغرافیایی که به معرفی شهر پیشین میبد پرداخته‌اند، بارزترین مشخصه شهرسازی پیشین میبد را «کهنسالی شهر»، «دژ استوار» نارین قلعه و تأسیسات دفاعی آن دانسته و این شهر را ناگشودنی معرفی کرده‌اند.^۲ سگه‌های بازمانده از روزگار پوراندخت ساسانی، که در میبد ضرب می‌شده است، بیانگر اهمیت سیاسی و جایگاه ویژه این شهر باستانی است.

میبد، در روزگار مغول شهری آباد و پرجمعیت بود و اهمیت شهر میبد و قلعه آن به شاهان آل مظفر بستگی دارد. در سال ۷۱۳ ه. ق، امیر مظفر، در آن مدرسه‌ای بنا کرد، که اکنون آرامگاه اوست. محمدبن مظفر، در سال ۷۳۷ ه. ق، گنجی که در یزد بود، به دست آورد و به میبد آمد و

۱. پویا، همان کتاب، ص ۱۹

۲. همان کتاب، ص ۲۱

قلعه دالان / نارین قلعه را باز سازی کرد و دور آن را خندق ایجا کرد^۱.

۲-۳- آثار تاریخی

مهمترین آثار تاریخی میبد، عبارت‌اند از:

نارین قلعه / کهندژ، مسجد جامع از سده نخست هجری قمری مسجد جامع فیروزآباد از سده ۸ ه. ق، مسجد جامع بفروئیه (سده ۸ ه. ق) مسجد زیرگبیده، کاروانسرا، چاپارخانه، یخچال، راه باستانی، امامزاده خدیجه خاتون، آرامگاه میر شمس‌الحق، آرامگاه میر صدرالدین قنبر، پیرچراغ، حسینیه‌های تاریخی، آب‌انبارهای تاریخی، برج کبوترخان، برج محمودآباد، برج عبدالوهاب، برج کاظم‌آباد، مراکز مذهبی زرتشتیان (آتشکده‌های حسن‌آباد، مزرعه کلانتر، پیرخرمن، دخمه شورک)، خانقاه (سده ۸ ه. ق) در آبادی خانقاه.

۲-۴- ویژگی‌های انسانی

مردم میبد سخت‌کوش، سخن‌سنج، متدین و مقاوم‌اند. برای بزرگان و سالخوردگان احترام ویژه‌ای قایل‌اند. به آداب و رسوم باستانی خود، پای‌بند بوده و در نگاهداری آنها کوشا هستند. به فارسی و لهجه شیرین یزدی سخن می‌گویند. زرتشتی‌ها به زبان ویژه خود سخن می‌گویند. مردم میبد مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری هستند. شماری زرتشتی نیز در آن به سر می‌برند.

بیشتر مردم میبد با همدیگر خویشاوند هستند و تا امروز سعی

شده که ازدواج‌ها درون گروهی باشد.

مردم این دیار به آب، آرد و برنج اهمیت می‌دهند. اعتقاد به شفابخشی بیشتر گیاهان دارویی نیز وجود دارد.

شهر میبد به گواهی اسناد روشن تاریخی از دیرباز یکی از مراکز رشد اندیشه و دانش و هنر بوده و عالمان و دانشمندان پرآوازه‌ای از این سرزمین برخاسته‌اند، که عبارت‌اند از:

حضرت آیت‌الله شیخ محمد ابراهیم اعرافی، امام حافظ فخرالاسلام رشیدالدین میبدی (نویسنده تفسیر کشف‌الاسرار و عدة الاسرار) ملا میرحسین میبدی (سرشناس به قاضی میرحسین) و ده‌ها شاعر، هنرمند و اندیشمند، که پروردگاران همین خاک‌اند.

جمعیت شهر میبد، در سرشماری عمومی و نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۳۸۰۶۱ نفر بوده، که از این شمار ۱۹۸۳۴ نفر مرد و ۱۸۲۲۷ نفر زن بوده‌اند.^۱

۲-۵- توانایی‌های اقتصادی

کشاورزی میبد رونق دارد و از دیرباز کشاورزی از کارهای مهم آن بوده است و هنوز بخش بزرگی از زمین‌های پیرامون شهر در محله‌ها به کشت یا به باغ انار اختصاص دارند. در زمین‌های خارج از محدوده شهری نیز کشت گندم، صیفی، یونجه، پسته، پنبه و دیگر فراآورده‌های کشاورزی رواج دارد. در گذشته کشت‌زارهای پنبه در این ناحیه زیاد بوده

۱. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هشتاد و شش.

است، ولی امروزه به دلیل کمی درآمد اقتصادی آن، و کم شدن آب میبد، جای خود را به باغ‌های انار و... داده است.

مهمترین نقاط دامپروری میبد، آبادی‌های کوهپایه‌ای باخترو و روستای حسن‌آباد است. همچنین شماری مرغداری نیز در میبد وجود دارد، که علاوه بر تأمین نیاز ناحیه، به دیگر نقاط نیز، مرغ صادر می‌شود. صنایع دستی مردم این دیار زیلوبافی، سرامیک‌سازی، سفال‌سازی، کرباس‌بافی، فرش‌بافی و موتابی است، که از گذشته دور در این ناحیه رواج داشته است.

همه ساله زیلوهای بافت میبد و فرآورده‌های سرامیک‌سازی آن به دیگر شهرهای استان یزد و سایر نقاط ایران صادر می‌شود. وجود خاک رُس فراوان و نیروی کارآمد در این ناحیه، موجب رشد و رونق هنر سرامیک‌سازی شده است. وجود کشتزارهای پهناور پنبه در گذشته و نیروی انسانی بسیار نیز، عاملی در جهت رشد هنر زیلوبافی در این ناحیه بوده است، به طوری که هنوز زیلوهایی با دیرینگی بیش از پانصد سال، در میبد دیده می‌شود.

زیلو، فرشی است که تاروپود آن از نخ پنبه است و در اندازه‌های 4×3 و 2×3 بافته می‌شود. زیلوهایی که با رنگ سفید و آبی بافته می‌شود، تنها مورد استفاده مسجدها، تکیه‌ها، امام‌زاده‌هاست، و زیلوهای آبی و قرمز رنگ که به زیلوی جوهری سرشناس است، از گونه نامرغوب و ارزان‌ترین زیلوهاست. بهترین گونه آن، «نفتال» است، که به رنگ سبز و نارنجی بافته می‌شود.

مواد خام زیلو، نخ و پنبه است. تاروپود زیلو یا به اصطلاح محل

«تونه» و «پوکار» هر دو از نخ هندی شماره ۵ است.

دستگاه زیلوبافی همانند دستگاه فرش بافی است و فضایی به درازای ۴ و بهنای ۲ متر است. برای بافتن زیلو دو نفر لازم است، که یک نفر استاد و نفر دیگر شاگرد یا پنجه زن است.

نقشه های زیلو ۷ مجی^۱، عبارت اند از: پرت توره، زلفگ، بندگان، بافتگ، رکنه دونی (رکن الدینی) هشت پر کوچک.

نقشه های زیلوی ۱۳ مجی، عبارت اند از: بند رومی، گره، کلید، هشت پر بزرگ.

در هر زیلو سه گونه نقش وجود دارد: یکی مربوط به کناره است و دیگری بین کناره و متن است، که به آن بند و گل می گویند، سه دیگر نقش زمینه یا متن است که در محل به آن «نقش کار» می گویند و این بخش است، که در نقشه های گوناگون دگرگون است.

نقش مایه پرت توره شاید متأثر از فرهنگ محلی است. توره در گویش میبد، به معنی شغال است و پرت توره، گمان می رود که پنجه توره بوده، زیرا این نقش همانندی زیادی با رد پای شغال دارد.

نقش تا لگ نیز یادآور، حوض های مستطیلی شکلی است، که از ویژگی های معماری یزد و میبد است و شاید هم این نقش گرفته شده از برگ انار باشد، که در میبد زیاد بوده و از شهرت ویژه ای برخوردار است. نقش گره، یادآور گره کاری های ضریح یا در و پنجره مکان های زیارتی است. نقش محرابی نیز ترکیبی از نقش های گره و محراب مسجد است.

۱. مج maj، رشته هایی از شیلت می باشد، که مربوط به نقش زمینه زیلو است و شیلت، مجموعه چند رشته نخ های کلفت، که گرت مربوط به نقش، به آن بسته می شود.

نقش کناره زیلو، که بخشی از آن، کنگره نامیده می‌شود، یادآور کنگره‌های دیوار قلعه‌هاست، که در میبد زیاد است.

نقش بعضی گل‌های زیلو، با دیواره‌های سوراخ‌دار لبه بام‌ها یکسان است، که هم کاربرد بادگیر را دارد و هم دیوار نگاهدارنده است. آجرچینی بخش بیرونی آب‌انبار و هزاره‌های خانه‌ها نیز همانندی زیادی با نقش گره دارد.

کسانی که به طور مستقیم با زیلوبافی بستگی دارند، عبارت‌اند از: (۱) پنجه‌زن: پنجه به شانه‌ای گفته می‌شود، که برای کوبیدن پود به کار می‌رود و پنجه‌زن، کسی است که با استفاده از آن، به کوبیدن می‌پردازد.

(۲) پوکش: پوکش یا استاد زیلوباف، که کار پود کشیدن و نقش انداختن را بر عهده دارد. وی به کمک کمانه و گلی، بخش‌های گوناگون شیلت را به تناسب نقش مورد نظر می‌گیرد و با بالا زدن گلی، آنها را جدا نگاه می‌دارد، سپس پود می‌کشد.

(۳) کلاف لاکن: به کسی گفته می‌شود، که کلاف‌ها را برای ماسوره کردن «لا» می‌کند گفته می‌شود، یعنی چند کلاف یک‌لا را به یک کلاف سه‌لا یا شش‌لا، تبدیل می‌کند.

(۴) تونه‌تاب: برای تهیه تونه، که از نخ هندی شماره پنج است، بایستی هفت‌لا تاییده شود. کسانی در گذشته به اینکار مشغول بودند و با چرخ‌های دستی کار می‌کردند، ولی پس از ایجاد کارخانه نخ‌تابی، این شغل از میان رفته است.

(۵) فرش فروش: دلال یا واسطه خرید و فروش زیلو است.

برای زیلوبافی زمان مشخصی وجود ندارد. به طور معمول یک زیلوباف، در شبانه روز، ۱۲ ساعت کار می‌کند.^۱

صنایع ماشینی میبد، عبارت‌اند از: ملامین سازی، ریسندگی، نخ‌تابی، پنبه پاک‌کنی، ...

معدن‌های میبد، سنگ گچ، سرب، روی، ماسه سنگ، و ... است.

۱. جانب الهی، محمد سعید. زیلوبافی در میبد، مجله میراث فرهنگی، سال ۲، شماره ۳ و ۴، پاییز ۱۳۷۰، ص ۸۰ - ۸۶

فصل هفتم

شهرستان یزد

۱- نگاهی به شهرستان یزد

شهرستان یزد، با پهنه‌ای حدود $۶۳۳۶/۴$ کیلومتر مربع، در مرکز استان یزد، در درّه‌ای خشک و پهناور، بین کوه‌های شیرکوه و خَراتق، در ۴۶ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۱۵ درجه و ۳۲ دقیقه پهنای شمالی و ۱۵ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۴۰ درجه و ۵۴ دقیقه درازای خاوری قرار دارد^۱.

این شهرستان از سوی شمال به شهرستان‌های میبد و اردکان، از خاور به شهرستان‌های اردکان و بافق، از باختر به استان اصفهان و از جنوب به شهرستان‌های تفت، ابرکوه و مهریز محدود است.

میانگین بلندی شهرستان یزد از سطح دریا، ۱۲۰۰ متر است.

آب و هوای این شهرستان بیابانی و نیمه‌بیابانی با تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های سرد و خشک است، و باران سالیانه آن اندک

است، ولی هر چه از نقاط دشتی به کوه‌های پیرامون آن نزدیک می‌شویم، زمستان‌ها سردتر و بارندگی بیشتر و تابستان‌ها معتدل‌تر می‌شود.

بخش خضرآباد این شهرستان از نظر آب و هوا و پوشش گیاهی به دلیل وجود شیرکوه، جایگاه مساعدتری دارد، به طوری که مراتع آن، به ویژه ندوشن، از بهترین مراتع استان است و از نظر دامپروری دارای اهمیت است. در بعضی نقاط پوشش گیاهی به اندازه‌ای فشرده است، که بیشه‌زار کویری نام گرفته است. بیشه‌زارهای قیچ و تاغ در این ناحیه وجود دارد و آثار کوره‌های زغال چوب، که بیانگر وجود پوشش گیاهی انبوه گذشته‌ای نه چندان دور است، در آن دیده می‌شود.

در بخش اشک‌زر، کوهستان وجود ندارد و در نتیجه دارای آب و هوای بیابانی همراه باتوفانهای همراه باشن و ماسه است. تپه‌های هلالی شکل (برخان) که یکی از پدیده‌های فرسایش بادی است، در تمامی ناحیه دیده می‌شود، به همین دلیل از روزگاران کهن، برای مصون بودن آبادی‌ها از توفان‌های کویری، خانه‌ها و مکان‌های اصلی روستا به گونه متمرکز و کشت‌زارها و باغ‌ها دور خانه‌ها را فرا می‌گرفته‌اند.

بایسته است گفته شود که سرچشمه شن‌های روان این ناحیه، ندوشن و باتلاق گاوخونی، در جنوب باختری است.

به دلیل وجود عوامل طبیعی نامساعد، مانند فرسایش بادی، کمبود باران، نداشتن رودخانه و پایان رفتن دایمی سفره آب‌های زیرزمینی پیرامون این ناحیه، بدون پوشش گیاهی است. ولی در جنوب باختری آن، دشت پهناور ندوشن، جایگاه بهتری دارد.

شهرستان یزد، در سال آبی ۱۳۷۵ ه.ش، ۵۵۱ حلقه چاه ژرف،

۱۰۴ حلقه چاه نیمه ژرف، ۳۶۲ کاریز و ۳۳ چشمه بوده، که آبدهی سالانه آنها، به ترتیب ۱۶۳/۷، ۵/۸، ۳۳/۵ و ۱/۲ میلیون متر مکعب بوده است.^۱

شهرستان یزد برپایه تقسیمات کشوری، که در سال ۱۳۷۵ ه.ش، توسط دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور انجام یافته است، شامل ۳ بخش: مرکزی، اشک زر و خضرآباد، ۵ شهر: یزد، شاهدهیه، حمیدیا، اشک زر و زارچ، و ۵ دهستان: فجر، فهرج، رستاق، کذاب و ندوشن^۲ و ۴۸۵ آبادی بوده است، که بیش از ۲۸۷ آبادی آن، خالی از سکنه بوده اند.^۳

جمعیت شهرستان یزد، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه.ش، ۴۱۶۵۶۹ نفر بوده، که از این شمار ۲۱۵۸۵۰ نفر مرد و ۲۰۰۷۱۹ نفر زن بوده اند.

از ۴۱۶۵۶۹ نفر جمعیت سال ۱۳۷۵ شهرستان یزد، ۳۷۴۷۸۱ نفر در نقاط شهری و ۴۱۷۸۸ نفر در نقاط روستایی زندگی می کرده اند.^۴

۲- شهر یزد

آباد بادساحت گردون بقای یزد

و آزاد باد ز آفت گردون بنای یزد

«شهاب ترشیزی»

۱. همان کتاب، ص ۳۴

۲. وزارت کشور. سازمان تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴

۳. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. همان کتاب، ص ۲۱

۴. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هفتاد و یک.

۲-۱- جایگاه جغرافیایی

شهر یزد، مرکز شهرستان یزد، با پهنه‌ای حدود ۸۷۰۰ هکتار، در مرکز استان یزد، در مسیر راه اصفهان - کرمان، در ۳۱ درجه و ۵۴ دقیقه پهنای شمالی و ۵۴ درجه و ۲۳ دقیقه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد.^۱

شهر یزد از سوی شمال به روستای محمودآباد، از باختر به آبادی‌های گردفرامر و ابرندآباد، از خاور به روستای دهنو و آبادی‌های دهستان فجر و از جنوب به رحمت‌آباد محدود است.

بلندی این شهر از سطح دریا، ۱۲۱۵ متر و فاصله هوایی آن تا تهران، ۵۰۸ کیلومتر است و فاصله زمینی آن تا تهران ۶۲۷، تا اصفهان ۳۱۶، تا اهواز ۱۰۰۸، تا بندر عباس ۸۲۴، تا بوشهر ۷۶۰، تا خرم‌آباد ۶۹۱، تا خرمشهر ۱۱۰۳، تا زاهدان ۹۲۸، تا سمنان ۹۰۵، تا شهرکرد ۴۲۲، تا شیراز ۴۴۰، تا کرمان ۳۸۷، تا مشهد ۱۳۰۶، تا اردکان ۶۰، تا اشکذر ۲۴، تا بافق ۱۰۵، تا بهاباد ۱۹۵، تا تفت ۲۰، تا نیر ۸۷، تا زارچ ۱۸، تا مروست ۱۸۵، تا مهریز ۳۶، تا میبد ۵۰، تا هرات، ۲۳۹ کیلومتر است.^۲

کوهستان شیرکوه، که در جهت شمال باختری و جنوب خاوری کشیده شده، در ۲۰ کیلومتری شهر یزد قرار دارد و به‌گونه دیواره کوهستانی، در جنوب باختری استان، بخش‌های مرکزی را از چاله ابرکوه

۱. مرکز آمار ایران. شناسنامه آماری شهرهای استان یزد، ص ۱

۲. جعفری، عباس. شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، ص ۲۷، و استانداری یزد. یزد نگین کویر، ص ۲۹

مرکز آمار ایران. شناسنامه شهرهای کشور، ۱۳۶۴، جلد ۲۳، استان یزد، ص ۱۹

جدا می‌سازد و در کاهش گرمای هوا و جذب رطوبت برای پیرامون خود، نقش ویژه‌ای دارد.

ستیغ‌های سرشناس شیرکوه، لورگ با ۲۵۲۵ متر بلندی و سعیدی با ۳۳۲۰ متر بلندی است، که در کناره آنها گونه‌های درختان بادام، گردو، توت و مراتع بسیار وجود دارد.

کوهستان خراتق، در شمال یزد قرار دارد. کوهستانی است بلند، اما خشک، با شکل‌های نامنظم حاصل از فرسایش بادی و آبی بلندترین ستیغ آن، خونزا به بلندی ۳۱۵۸ متر است.

در سال ۱۳۷۵ ه. ش، بیشترین درجه حرارت در تابستان ۴۱/۶ و کمترین آن در زمستان ۸/۸- درجه سانتیگراد بوده و بارندگی سالانه یزد ۲۸/۶ میلیمتر، بیشترین رطوبت نسبی ۵۱ و کمترین آن ۱۷ درصد و شمار روزهای یخبندان شهر یزد در همان سال، ۴۸ روز بوده است.^۱

۲-۲- نام و پیشینه تاریخی

یزد از شهرهای کهن ایران زمین است و در دوران هخامنشی و شاید پیش از آن وجود داشته و «ایستاتیس» نامیده می‌شده است، هرفته (فَرافَر) و سریزد کنونی، بازمانده آن هستند، که در ۳۰ کیلومتری خاور شهر یزد قرار دارند.^۲

در دوران ساسانیان، استخر بزرگترین کوره فارس بود و ناحیه یزد،

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد، همان کتاب، ص ۲۸

۲. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم،



آرامگاه قاضی کمال‌الدین، یزد

بزرگترین ناحیه استخر به شمار می‌رفت و شهرهای مهم آن، عبارت‌اند از: کِثَه، میبد، نایین و فهرج بود. در آغاز یزد، نام ناحیه‌ای از استخر بود و شهر کنونی یزد «کِثَه» نام داشت، اما پس از آن که شهر، یزد نامیده شد، ناحیه بالا را «کِثَه» خواندند.^۱

نامگذاری یزد وابسته به واژه «یزش» به معنای ستایش و نیایش در زبان پارسی میانه است و همچنین گرفته شده از واژه یزدان یا یزتان نیز می‌باشد، که معنی واژگانی آن، پاک، مقدس، فرخنده و درخور آفرین است و به معنی ذات خدا هم آمده است. یزد، یعنی آفریننده خوبی‌ها، پاکی‌ها و شهر خداست.

کِثَه، به معنی زندان یا شهر کوچک می‌باشد و منسوب به زندان ذوالقرنین سکندر است. گفته‌اند هنگامی که شماری از بزرگان ایران در ری علیه اسکندر مقدونی برخاستند، وی آنان را دستگیر کرد و همراه خود، به فارس برد، چون به یزد رسید، زندانیان را در چاهی زندان کرد و آن محل را کِثَه نامید، که به یونانی زندان است. پس از این که اسکندر یزد را ترک گفت، نگاهبانان به کمک زندانیان به آبادانی و عمران یزد همت گماشتند.^۲

پس از برآمدن اسلام و گرایش مردم یزد به دین اسلام، عنوان «دارالعباد» یا «دارالعباده» به این شهر داده شد، زیرا علاءالدوله کالنجار، از ملک‌شاه سلجوقی تقاضای حکومت یزد را کرده بود، تا در آن جا به عبادت پردازد.

۱. سلطان‌زاده، حسین. نایین شهرهای ایران، جلد دوم، ص ۲۳۳

۲. دبیران گروه‌های... همان کتاب، ص ۱۳۴۵

احمد کاتب، تاریخ‌نگار یزدی سده ۹ ه. ق، در کتاب تاریخ جدید یزد، می‌نویسد:

«... در سال ۵۰۴ ه. ق، ملک‌شاه سلجوقی حکومت یزد را به علاءالدوله کالنجار واگذار کرد و آن را دارالعباده نامید.»^۱

یزد به شهر بادگیرها و نگین کویر نیز سرشناس است.

یزد، در دوران هخامنشی از جایگاه استراتژیک و ارتباطی ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای راه‌های مهم مراکز راهداری، پستی و چاپاری بوده است. چندین سده پیش از آمدن اسکندر مقدونی به ایران، یزد ناحیه‌ای آباد و دارای اهمیت نظامی، راهداری و بازرگانی بوده است.^۲

در روزگار ساسانیان یزد رو به توسعه نهاد و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردید.

یزد، در زمان خلافت عثمان به دست مسلمانان افتاد. با روی کار آمدن صفاریان سیستان، یزد جزو قلمرو یعقوب لیث شد و در دوره آل بویه به دست فخرالدوله دیلمی افتاد.

از سال ۵۳۶ تا ۷۱۸ ه. ق، اتابکان یزد بر این ناحیه حکومت می‌کردند. اتابکان یزد یا آل وردان، خاندانی از امرای دیلمی از فرزندان وردان زور نام، که خویشاوندان امرای اخیر بنی کاکویه بوده‌اند، که حکومت ولایت یزد، ابرقو / ابرکوه و گاه نواحی دیگر همجوار را سده‌ها در دست داشته‌اند.

۱. کاتب، احمد بن حسین بن علی. تاریخ جدید یزد، ص ۵۹

۲. پوپا، عبدالعظیم. زندان سکندر از نگاهی دیگر، مجموعه مقالات انجمن‌واره بررسی مسایل ایران‌شناسی، ص ۷۴

در زمان آل مظفر، حاکمان دوره تیموری و حکومت صفوی شهر یزد گسترش یافت و رو به آبادانی نهاد. سده‌های ۷ تا ۱۱ ه. ق، را دوران شکوفایی، آبادی و پُر از جمعیت یزد خوانده‌اند. دورانی که در آن، آثار زیبا، مسجدهای باشکوه، مدرسه‌های بزرگ و معماری اصیل شهری پدید آمد.

در دوره زندیه، کریم خان زند به شهر یزد توجه داشت و مدت‌ها در این شهر در باغ دولت آباد، که از بناهای محمد تقی خان یزدی، هم‌زمان شاهرخ میرزای افشار بود، به سر برد^۱.

در یورش افغان‌ها به ایران، مردم دلاور و آزاده یزد به رهبری میرزا عنایت سلطان، با آنان جنگیدند. محمود افغان در گشودن یزد ناکام ماند و سرانجام یزد را رها کرد و اصفهان را گشود. اشرف افغان پس از محمود، حدود ۴ سال با عنایت سلطان و جنگجویان رشید یزد جنگید و با نیرنگ، بر او و یارانش پیروز شد و جز مؤمن خان و محمد تقی خان، خواهرزادگان عنایت سلطان، همه را کشت.

مؤمن خان، از سوی نادرشاه افشار به حکومت کرمان گمارده شد و محمد تقی خان و بازماندگانش تا اواخر دوران قاجار، گاه در سمت حاکم و گاه مستوفی یزد خدمت کردند^۲.

۲-۳- آثار تاریخی

مهمترین آثار تاریخی یزد، عبارت‌اند از:

۱. بیات، عزیزالله. کلیات جغرافیای تاریخی و طبیعی ایران، ص ۴۳۷ - ۴۴۰

۲. میرحسینی، محمدحسن. تاریخ یزد، یزد نگین کویر، ص ۷۶ - ۷۷

آرامگاه دوازده امام (دوره سلجوقی)، گنبد شیخ جنید (۵۴۳ ه. ق)، مسجد جامع کبیر (سده ۶ ه. ق)، مسجد جامع کنونی (دوره آل مظفر)، مدرسه خانقاه یا آرامگاه سید شمس‌الدین (۷۶۷ ه. ق)، آرامگاه سید رکن‌الدین یا مدرسه رکنیه (سده ۸ ه. ق)، مسجد میر چقماق (سده ۹ ه. ق)، گنبد مصلی عتیق (سده ۸ ه. ق). بنای مصلی دیگر یزد همانند آتشکده فیروزآباد فارس است و بر روی چهارطاقی استوار گردیده و تاریخ آن، سال ۹۵۸ ه. ق، است.

مدرسه ضیائییه (زندان اسکندر از ۶۳۱ ه. ق)، مدرسه کمالیه (۷۲۰ ه. ق)، مدرسه و خانه حسینیان، باغ دولت‌آباد، از بناهای محمد تقی خان یزدی، حکمران یزد، در روزگار قاجاریه، آرامگاه شاه‌محمود و مسجد بُندرآباد (از آثار اواخر سده ۸ ه. ق) است، که به نام خانقاه شیخ تقی‌الدین دادا، سرشناس است.^۱

مهمترین آثار تاریخی زرتشتیان یزد، عبارت‌اند از:

آتشکده یزد، زیارتگاه درب مهرها، پیرانگاهها، مانند پیرنارکی در جنوب یزد، گاهنبارخانه موبدان، در کوچه دبستان دینیاری، ... دخمه زرتشتیان کوی صفائییه.

۲-۲- ویژگی‌های انسانی

مردم شهر یزد آریایی نژاد و از ایرانیان باستان هستند، که از آمیختن با سایر نژادها مصون مانده‌اند.

زبان مردم یزد فارسی است، که به لهجه شیرین محلی سخن

۱. بیات، همان کتاب، ص ۴۳۹ - ۴۴۰

می‌گویند. زرتشتیان شهر یزد نیز به زبان فارسی دری تکلم می‌کنند. مردم شهر یزد مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری هستند. اقلیت‌های مذهبی زرتشتی کلیمی و مسیحی نیز در این شهر زندگی می‌کنند.

یزدی‌ها مردمانی پاک‌اندیش و سخت‌کوش هستند. همه آداب و رسوم باستانی را نگاهداشته‌اند و در بیشتر مراسم، جنبه‌های ملی و مذهبی دیده می‌شود. عیدهای فطر، قربان و عیدهای ملی، چون جشن سده، نوروز، زادروز زرتشت و مهرگان برگزار می‌شود.^۱

شهر تاریخی و زیبای یزد، شمار زیادی دانشمند، قاضی، شاعر، فقیه، ریاضی‌دان، روزنامه‌نگار، تاریخ‌نگار، ... را در دامن خود پرورانده است، که در زیر به نام بعضی از این بزرگان اشاره می‌شود:

(۱) شرف‌الدین علی یزدی، تاریخ‌نگار، شاعر، ریاضی‌دان سده ۹ ه. ق
(۲) معین‌الدین بن جلال‌الدین محمد یزدی، سرشناس به معلم، هم‌زمان آل مظفر، عالم، تاریخ‌نگار، ...

(۳) امیر رکن‌الدین محمد بن نظام حسینی، قاضی سده ۷ - ۸ ه. ق.

(۴) میرزا سید محمد علی مدرس بزرگ، از عالمان و ادیبان.

(۵) آیت‌الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عالم و فقیه سده ۱۳ و ۱۴

(۶) آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، شخصیت بلندآوازه جهان شیعه، در سده اخیر، بنیان‌گذار حوزه علمیه قم.

(۷) آیت‌الله حاج شیخ محمود فرساد، از عالمان و شاعران سده ۱۴ ه. ق.

(۸) میرزا محمد فرخی یزدی، شاعر، روزنامه‌نگار، سیاستمدار آزاده سده اخیر.

(۹) آیت‌الله میرزا علی‌اکبر مدرس حکمی یزدی، استاد فلسفه در حوزه علمیه قم.

(۱۰) آیت‌الله صدوقی (ره)، شهید محراب یزد

(۱۱) آیت‌الله خاتمی (ره)، عالم و فقیه

(۱۲) حاج سید علی محمد وزیری، حجت‌الاسلام شیخ محمد تقی مصباح، آیت‌الله حاج سید عباس خاتم^۱

جمعیت شهر یزد، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۳۲۶۷۷۶ نفر بوده است، که از این شمار ۱۶۸۸۳۴ نفر مرد و ۱۵۷۹۴۲ نفر زن بوده‌اند.^۲

۲-۵- توانایی‌های اقتصادی

کشاورزی یزد به دلیل بارش اندک به گونه کشت آبی است و رونق چندانی ندارد، تنها تلاش کشاورزان سخت‌کوش و پرکار این ناحیه است، که با بهره‌گیری از کمترین آب و خاک حاصلخیز، توانسته‌اند کشاورزی را در محدوده‌ای اندک به دیگر بخش‌های اقتصادی پیوند دهند.

مهمترین فرآورده‌های کشاورزی یزد، عبارت‌اند از:

گندم، جو، آفتاب‌گردان، نباتات علوفه‌ای، جالیز، زیره،

۱. استانداری استان یزد. یزد نگین کویر، ص ۹۶ - ۱۰۰

۲. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هشتاد و شش.

گوجه‌فرنگی، بادمجان و سردرختی، به ویژه انار، انجیر، پسته، ...
دامپروری نیز به روش سنتی و علمی رواج دارد، ولی به دلیل کمبود
علوفه، رونق زیادی ندارد. مردم آبادی‌های پیرامون شهر یزد، به پرورش
گوسفند، بز، گاو، شتر، ... می‌پردازند.

برای تأمین گوشت سفید (مرغ) در سال‌های اخیر ایجاد
مرغداری‌ها رو به گسترش بوده است. پرورش زنبور عسل یکی از منابع
درآمد مردم نواحی کوهپایه‌ای ناحیه است، که در حال حاضر از رونق
زیادی برخوردار است.

مهمترین صنایع دستی مردم یزد، عبارت‌اند از:
فرش‌بافی، چاقوسازی، سبده‌بافی، سنگ‌تراشی، پارچه‌بافی،
زیلوبافی، سرامیک و سفال‌سازی، کرباس‌بافی، طلا و نقره‌کاری^۱.
شهر یزد دارای کارخانه‌های تولیدی بزرگ و کوچک است و علاوه
بر کارگاه‌های کوچک نساجی و شیرینی‌سازی، ده‌ها واحد تولیدی دیگر
وجود دارد، که در رشته‌های گوناگون فعالیت می‌کنند و عبارت‌اند از:
پشم‌ریسی، پشم‌بافی، نخ‌بافی، فرآورده‌های نایلونی، ابریشم‌بافی،
پتوبافی، تولید فرش ماشینی و موکت، میخ‌سازی، قند، بیسکویت، ملامین
و پلاستیک، صنایع فلزی، تولید آرد، یخ‌سازی، نان‌ماشینی، دستمال
کاغذی، ...

مهمترین راه‌های آسفالت‌ه اصلی یزد، عبارت‌اند از:

- (۱) راه یزد - اردکان - نوگنبد، به درازای ۱۳۰ کیلومتر.
- (۲) راه یزد - مهریز - شمس، به درازای ۱۱۰ کیلومتر.



مسجد شرف اباد بمشراق جده اشكدر

- (۳) راه یزد - تفت، به درازای ۱۸ کیلومتر.
- (۴) راه دهشیر - ابرکوه، به درازای ۳۳ کیلومتر.^۱

۳- شهر اشک‌زر

شهر اشک‌زر، مرکز بخش اشک‌زر شهرستان یزد، با پهنه‌ای حدود ۱۸/۱ کیلومتر مربع^۲، در شمال باختری یزد، در ۳۱ درجه و ۵۶ دقیقه پهنای شمالی و ۵۴ درجه و ۱۶ دقیقه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد.^۳

این شهر از سوی شمال و باختر به آبادی‌های دهستان رستاق، از جنوب خاوری به شهر زارچ، از جنوب به دهستان فجر بخش مرکزی شهرستان یزد محدود است. بلندی اشک‌زر از سطح دریا، ۱۱۷۰ متر^۴ و فاصله زمینی آن تا یزد، ۲۰ کیلومتر است.

در این ناحیه کوهستان وجود ندارد و دارای آب و هوای بیابانی همراه با توفان‌های توأم با شن و ماسه است. آب آشامیدنی و کشاورزی آن، در گذشته از کاریز تأمین می‌شده است، که امروزه خشک شده جای آن را چاه‌های ژرف گرفته است.

می‌گویند اشک‌زر در دوران اشکانی توسط «اشکین زال» که از امرای محلی بوده، ساخته شده است و فیروزآباد و مجومرد، که جزء شهر

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها، همان کتاب، ص ۱۳۸۱

۲. سازمان برنامه و بودجه استان یزد، ص ۲۷

۳. مرکز آمار ایران. مساحت و مختصات جغرافیایی شهرهای کشور، ص ۳۲

۴. پاپلی یزدی، محمد حسین. فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، ص ۶۰

اشک‌زر است، به فرمان فیروز شاه‌بن یزدگرد بن بهرام گور بنا شده است. در سده ۸ ه. ق، توسط پسران شیخ تقی‌الدین دادا محمد، هفت خانقاه، در یزد و پیرامون آن ساخته شده، که خانقاه اشک‌زر یکی از آنها بوده است و بنایی بلند داشته، املاک و رقباتی بر آن وقف بوده است. مهمترین آثار تاریخی اشک‌زر، عبارت‌اند از:

سروکهن فیروزآباد، آسیاب اشک‌زر که از ساخته‌های علینقی خان نامی بوده است، خانقاه میمونه، دژ غرآباد، مسجد جامع غرآباد، مسجد رجبعلی اشک‌زر، رباط، چاپارخانه و دژ نیمه ساخت همت‌آباد، امام‌زاده سید تاج‌الدین در ابراهیم‌آباد، امام‌زاده سید حسن حاجی‌آباد، ساختمان و عمارت باغ وزیر حجت‌آباد، دژ رضوانشهر، آب‌انبارهای پشت باغ کاج و حجت‌آباد، آتشکده جعفرآباد، دژ فیروزآباد، دژ اشک‌زر، شهرکهنه پشت مسجد ریگ رضوانشهر، دارالشفاء رضوانشهر، امام‌زاده سلطان بُندرآباد، دخمه زرتشتیان در کنار الله‌آباد.

مردم ناحیه شهری اشک‌زر، که از اشک‌زر، فیروزآباد و مجومرد تشکیل یافته است، بیشتر به کارهای کشاورزی و کار در مراکز صنعتی، ساختمانی و نساجی می‌پردازند.

مهمترین فرآورده‌های کشاورزی اشک‌زر گندم، خیار، هندوانه، خربزه، گوجه‌فرنگی، بادمجان، ... است، که به‌گونه نایلونی و معمولی کشت می‌شود و علاوه بر نیاز استان یزد، به دیگر نقاط کشور صادر می‌گردد. در سال‌های اخیر به دلیل کمبود آب شیرین و مساعد نبودن زمین، کشت پسته به‌طور چشمگیر در حال جایگزین شدن فرآورده‌های دیگر است^۱.

۴- شهر زارچ

شهر زارچ دهستان رستاق بخش اشک‌زر شهرستان یزد، با پهنه‌ای حدود ۲۲/۲ کیلومتر مربع^۱، در شمال باختری شهر یزد، در کنار راه اردکان - یزد، در ۳۱ درجه و ۵۶ دقیقه پهنای شمالی و ۵۴ درجه و ۲۰ دقیقه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد^۲.

این شهر از سوی شمال به اراضی دهستان رستاق، از جنوب به آبرندآباد، از خاور به محمودآباد و شمال باختری به اشک‌زر محدود است.

بلندی شهر زارچ از سطح دریا، ۱۱۸۵ متر^۳ و فاصله آن تا شهر یزد، ۱۲ کیلومتر است.

زارچ پس از میبد، کهن‌ترین آبادی یزد بوده و پرجمعیت‌ترین محل، در بخش اشک‌زر است. می‌گویند از بناهای زال‌زر، پسر سام نریمان است. کاریز زارچ یکی از کاریزهای تاریخی منطقه است، که آب آن هنوز جریان دارد.

در آثار تاریخی آمده است، که زارچ، یکی از چند پاره آبادی است، که به دست امیر مبارزالدین محمد و نزدیکان او در یزد ساخته شده است^۴. جوی زارچ در یزد سرشناس است و با کانال‌های زیرزمینی از آن

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد، همان کتاب، ص ۲۷

۲. مرکز آمار ایران، همان کتاب، ص ۳۲

۳. پاپلی یزدی، همان کتاب، ص ۲۸۷

۴. لغت‌نامه دهخدا، در واژه زارچ.

بهره می‌بردند. این جوی از آثار ارسالان خاتون، همسر سلطان علاءالدوله کالنجار است.

مردم شهر زارچ با فرهنگ، متدین، پاک‌اندیش و خونگرم هستند. این شهر بزرگانی چون لسان‌الحق عبدالوهاب متخلص به محرم را که دیوانی هم در مدح شهیدان کربلا دارد، در دامن خود پرورانده است. آثار تاریخی زارچ، عبارت‌اند از:

خواجه خضر الله آباد، دخمه الله آباد، قلعه تاریخی و بزرگ زارچ، مسجد امیرالمؤمنین (ع)، سرده زارچ، آسیاب آبی، آب‌انبار الله آباد، آب‌انبار شیر سرچشمه.

بخش چهارم

ویژگی های اجتماعی

فصل اوّل

نژاد، زبان، دین، جمعیت و ویژگی های اجتماعی

۱- نژاد

مردم استان یزد آریایی نژاد و ایرانی هستند، که تا اندازه ای از آمیختن با نژادهای غیر ایرانی مصون مانده اند. از روزگار باستان و آغاز مدنیت و آبادی این منطقه، مردمانی دیگر نیز در این منطقه می زیسته اند و با نژادهای اصلی آن در آمیخته اند.

از حدود هزاره ۵ پ. م، مردمی غیر آریایی، در استان یزد زندگی می کرده اند و بی گمان بعدها در سرگذشت اجتماعی، فرهنگی و حتی ترکیب نژادی مهاجران تازه رسیده آریایی تأثیر بسیاری داشته اند. گسترش آریایی ها بر فلات مرکزی ایران، از جمله منطقه یزد، که در دل این فلات قرار دارد، در حدود نیمه هزاره ۲ پ. م، آغاز شده است.

در دوره‌های بعد نیز گروهی عرب، ترک، مسیحی، کلیمی، ... در این استان می‌زیسته‌اند.

بنابراین می‌توان گفت که مردم استان یزد را، مردمی از گوهر ایرانی پی‌افکنده بوده‌اند، سپس دسته‌های عرب، ترک، مسیحی، کلیمی... بدان‌ها پیوسته‌اند.

۲- زبان

مردم استان یزد به فارسی و لهجه شیرین یزدی و با پاره‌ای ویژگی‌های گویشی سخن می‌گویند و بسیاری از واژگان و ترکیب‌های زیبای فارسی را در گویش خود نگاهداشته‌اند.

زبان‌شناسان، نیم زبان‌های (لهجه‌ها) جدید ایرانی را به دو دسته باختری و خاوری بخش کرده‌اند^۱، که لهجه یزدی، جزو نیم زبان‌های مرکزی دسته باختری است، که در بخش باختری فلات ایران، تا حدود مرزهای عراق رواج دارد.

در بیشتر نیم زبان‌های مرکزی، از جمله لهجه شیرین یزدی، آثار دیرینگی و آمیختگی کمتر با زبان عربی دیده می‌شود^۲.

زرتشتیان استان یزد، در میان خود، به زبان نیاکان خویش و به زبان فارسی دری سخن می‌گویند. زبان زرتشتیان یزد به سبب آمیزش گسترده

۱. منظور از لهجه‌های خاوری، نیم‌زبان‌هایی است، که در بخش خاوری فلات ایران و در فلات پامیر رایج است، و مراد از لهجه‌های باختری، آنهایی است که در بخش باختری فلات ایران تا حدود مرزهای عراق کاربرد دارد.

۲. صفاء، ذبیح‌الله، سیری در تاریخ زبان‌ها و ادب ایرانی، ص ۳۹ و ۴۲

گویش‌وران آن، با فارسی‌زبانان و نیز بهره‌وری از رسانه‌های گروهی و همچنین به دلیل پاره‌ای عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، آمیختگی بسیار با فارسی پیدا کرده، به طوری که آهنگ ناتوان شدن و حتی فراموش شدن آن، روز به روز تندتر می‌شود، ولی گونهٔ زبان دری بعضی از زرتشتیان ساکن روستاهای یزد، از جمله زین‌آباد، که کمتر زیر رخنهٔ عوامل بالا بوده است، پاک‌تر و دست نخورده‌تر از گونهٔ دری یزد بازمانده است. جدایی این دو گونه با یکدیگر بیشتر در سطح آوایی یا فونتیک، واجی یا فونولوژی، واژگان و تا اندازه‌ای دستوری است.^۱

۳- دین

پیش از ورود مسلمانان به ایران، مردم استان یزد همانند دیگر نقاط ایران زرتشتی بودند و برپایهٔ آن، خدای یگانه را پرستش می‌کردند. آتشکده‌هایی داشتند و آداب اجتماعی آنها زیر تأثیر آیین زرتشت بود. شاهنشاهی ساسانی، در ۳۱ ه. ق / ۶۵۱ م، از میان رفت و مردم بیشتر نقاط ایران، از جمله استان یزد، در نیمهٔ نخست سدهٔ اول هجری قمری، به دین اسلام گرویدند، ولی برخی از مردم با پرداخت جزیه، آیین پدران خود را نگاهداشتند و زرتشتی ماندند. مردم استان یزد مسلمان و پیرو مذهب شیعهٔ جعفری هستند. از اقلیت‌های مذهبی، که در این استان زندگی می‌کنند، می‌توان از زرتشتیان،

۱. ثمره، یدالله. پاره‌ای ویژگی‌های دستوری گویش دری، گونهٔ زین‌آبادی، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تهران، سال ۲۳، شمارهٔ ۴، زمستان ۱۳۵۵، ص ۵۱



بانوان صحت کوش بر دی

یهودیان، مسیحیان، ... نام برد.

در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، در استان یزد ۳۸۷۹ نفر زرتشتی، ۷۸ نفر مسیحی، ۱۰۰ نفر کلیمی، ۷۰۴ نفر سایر ادیان وجود داشته‌اند.^۱

۴- جمعیت

جمعیت استان یزد، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش، ۷۵۰۷۶۹ نفر، در ۱۶۷۰۴۹ خانوار بوده است، که از این شمار ۳۸۵۹۳۶ نفر مرد و ۳۶۴۸۳۳ نفر زن بوده است. از ۷۵۰۷۶۹ نفر جمعیت سال ۱۳۷۵ استان یزد، ۵۶۴۲۳۳ نفر در نقاط شهری و ۱۸۶۵۳۶ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کرده‌اند.^۲

۵- ویژگی‌های اجتماعی

۵-۱- آموزش و پرورش

با توجه به جوان بودن جمعیت استان یزد، روند افزایش دانش‌آموزان، در هر سال تحصیلی چشمگیر است. در سال تحصیلی ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ ه. ش، ۸۲۹۰۱ نفر دانش‌آموز دختر و پسر دبستان‌ها،

۱. مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵، تهران، ۱۳۷۶، ص ۵۰

۲. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، ص هفتاد.



مردان سخت کوش یزدی

۵۶۷۰۷ نفر دانش‌آموز دختر و پسر در مدارس راهنمایی و ۴۶۴۴۳ نفر دانش‌آموز دختر و پسر در دبیرستان‌های استان یزد به تحصیل اشتغال داشته‌اند.

در همین سال تحصیلی (۱۳۷۵ - ۱۳۷۶) ۴۰۸ دبستان، ۲۵۲ مدرسه راهنمایی، ۱۵۰ دبیرستان در شهرها و ۴۷۲ دبستان، ۱۵۶ مدرسه راهنمایی و ۴۱ دبیرستان در روستاهای استان یزد وجود داشته است.

در سال تحصیلی ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ ه. ش، در استان یزد ۱۹۱ آموزشگاه فنی و حرفه‌ای وجود داشته است، که ۴۷۵۵ نفر دانش‌آموز، در آنها به تحصیل اشتغال داشته‌اند.^۱

دانش‌آموزان باهوش یزدی، درصد بالایی از قبولی در مقاطع گوناگون تحصیلی داشته‌اند. همچنین بالاترین درصد پذیرش در آزمون دانشگاه‌ها را نیز به نسبت استان‌های دیگر دارند.

۵-۲- نهضت سوادآموزی

برپایه سرشماری ۱۳۷۰ ه. ش، جمعیت باسواد استان یزد، در نقاط شهری ۸۳/۳ درصد و در نقاط روستایی ۷۴/۱ درصد بوده است. از آن جا که تمامی افراد واجب‌التعلیم، جذب دوره آموزش ابتدایی می‌شوند، روند مبارزه با بیسوادی، در این استان، در جهت نابود کردن آثار بیسوادی به پیش می‌رود.

۱. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه استان یزد ۱۳۷۵، ص ۲۸۷ - ۲۸۹

۵-۳- آموزش عالی

از سال ۱۳۵۴ ه. ش، شاخه‌ای از دانشگاه تربیت معلم در یزد شروع به کار نموده و در مقطع کارشناسی مبادرت به تربیت دبیر کرده است. ولی حرکت اصلی و محوری آموزش عالی در یزد، هم‌زمان با آغاز کار «دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی» در سال ۱۳۶۲ ه. ش، و دانشگاه یزد از سال ۱۳۶۷ ه. ش، بوده است.

۵-۳-۱- دانشگاه یزد

در دانشگاه یزد، ۵۷۰۰ دانشجوی، در رشته‌های فیزیک کاربردی، زبان و ادبیات فارسی، مدیریت، جغرافیا، تاریخ، ریاضی کاربردی، ریاضی، دبیری ریاضی، دبیری فیزیک، دبیری شیمی، دبیری جغرافیا، دبیری زبان و ادبیات فارسی، دبیری تاریخ، علوم تربیتی، اکتشاف معدن، مهندسی عمران، مهندسی نساجی، مهندسی کشاورزی (آبخیزداری) و الهیات مشغول به تحصیل هستند.

۵-۳-۲- دانشگاه علوم پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی دارای چهار دانشکده است، که در سال ۱۳۷۵ ه. ش، ۲۰۰۰ دانشجو در آنها، در رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، پرستاری، مامایی، رادیولوژی، علوم آزمایشگاهی، هوش‌بری، بهداشت عمومی، بهداشت محیط، بهداشت حرفه‌ای و بهداشت خانواده تشکیل می‌دهند.

این دانشگاه تاکنون دوبار، از جمله در سال تحصیلی ۱۳۷۴ ه. ش، بین تمامی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به مقام نخست امتحانات

پره‌انترنی دست یافته است. همچنین تاکنون یک‌بار دانشکده پزشکی و یک‌بار دانشکده دندانپزشکی این دانشگاه، در امتحانات علوم پایه دانشگاه‌های علوم پزشکی سطح کشور، مقام نخست را به دست آورده است.

نخستین مرکز تحقیقات ناباروری ایران، از سال ۱۳۶۸ ه. ش، در این دانشگاه ایجاد شده است.

۵-۳-۳- دانشگاه آزاد اسلامی یزد

دانشگاه آزاد اسلامی یزد دارای دانشکده‌های پزشکی، مهندسی، فنی، علوم و علوم انسانی است، که حدود پنج‌هزار دانشجو، در رشته‌های گوناگون در آنها به تحصیل اشتغال دارند.

۵-۳-۴- دانشگاه آزاد اسلامی میبد

این دانشگاه با ۳۵۰۰ دانشجو، در رشته‌های کارشناسی سرامیک، عمران، حقوق، مترجمی زبان انگلیسی، زراعت، مرتع و آبخیزداری، کامپیوتر، و... فعالیت دارد.

۵-۳-۵- سایر مؤسسات آموزش عالی

دیگر مراکز آموزش عالی استان یزد، عبارت‌اند از:

(۱) دانشکده علوم قرآنی میبد.

(۲) دانشگاه پیام نور اردکان.

(۳) مرکز تربیت معلم شهید پاک‌نژاد.

(۴) دانشکده معدن بافق.

(۵) تربیت معلم دختران و فاطمه زهرا (س) یزد.

(۶) مرکز آموزش مدیریت دولتی.

(۷) دانشگاه تربیت معلم شهید بهشتی اردکان

(۸) دانشگاه پیام نور تفت.

(۹) دانشگاه پیام نور مهریز

ایجاد مراکز آموزش عالی، در شهرهای اردکان، تفت، مهریز،
میبد، یزد، و... هم‌چنان ادامه دارد.^۱

۱. حاجی شعبانی، محمد. یزد در مسیر توسعه، یزد نگین کویر، ص ۱۹۷ - ۲۰۰

فصل دوم

آداب و رسوم مردم مسلمان

۱- اخلاق و عاداتها

بیشتر مردم استان یزد مهربان، پاک‌اندیش و سخت‌کوش هستند. تمامی آداب باستانی را نگاهداشته‌اند و در بیشتر مراسم، جنبه‌های ملی و مذهبی دیده می‌شود. عیدهای فطر و قربان و عیدهای ملی، چون جشن سده، نوروز، تولد زرتشت و مهرگان را جشن می‌گیرند.^۱

یزدی‌ها درستکار، راستگو و امانت‌دارند. با خیانت، نادرستی و گناه کردن میانه‌ای ندارند. دزدی و جنایت در یزد دیده نمی‌شود. داد و ستد کالا، به سبب اعتمادی که مردم این منطقه به همدیگر دارند به آسانی انجام می‌شود. شهروند یزدی گدایی نمی‌کند، ولی عرق می‌ریزد و کار می‌کند.

۱. افشار سیستانی، ایرج. سیمای ایران، ص ۴۸۲

بانوی یزدی قانع، زیبا، گندمگون، سخت‌کوش، باایمان و دوستدار همسر و خانواده است.

مرد آزاده و سخت‌کوش یزدی جز به همسر، فرزند و خانواده خود، نمی‌اندیشد و از رفتار ناپسند به دور است. او دوست دارد پس از پایان کار روزانه، در خانه و در کنار زن و فرزند خویش باشد.

زرتشتیان استان یزد مردمی وطن‌دوست هستند. مهر میهن و علاقه به آب و خاک ایران را مقدس‌ترین وظیفه دینی و اجتماعی قرار داده‌اند. بیشتر آنان پاک‌اندیش، مهربان، درستکار و سخت‌کوش می‌باشند.

۲- عیدها و جشن‌ها

۲-۱- عید نوروز

برای هر ایرانی، از جمله یزدی، انسانی که سده‌ها نسل به نسل، در آغاز هر بهار به گرمی داشت زایش خاک برخاسته و به پیشواز زایش دوباره طبیعت رفته و این تکرار و تداوم ذره، ذره وجودش را می‌سازند، برپایی جشن نوروز عادت‌ی از سر تفتن نیست، بلکه سنتی است که ریشه در تاریخ چند هزار ساله‌اش دارد.

یزدی‌ها دست افشان و پاکوبان و لبخندزنان در هر نوروز، جوشش چشمه‌ها و کاریزها را جشن می‌گیرند. برکت را که از زمین می‌روید گرمی داشته و زندگی را که شیرین است جشن می‌گیرند.

نوروز در این استان هنوز جلوه و جلایش را نگاهداشته است. کوچکترها به دیدار بزرگترهای می‌روند و دست آنان را می‌بوسند. هنوز

سفره‌ای وجود دارد، که بتوان برای پذیرایی از میهمانان نوروزی بر آن قطاب، پشمک، باقلوا، ... نهاد.

در بیشتر شهرها و آبادی‌های استان یزد، نخستین روز فروردین جشن آبریزان یا آب ریزکان برگزار می‌شود. در این روز صبح زود کنار کاریزها و نهرهای آب می‌روند و به یکدیگر آب می‌پاشند.

آرتور کریستن سن، نویسنده کتاب ایران در زمان ساسانیان، که روزهای شکوه این جشن را از نزدیک دیده است، ریشه آن را تمایل روستاییان به بارندگی می‌داند و آب پاشیدن آنان به یکدیگر را تظاهر به خیس شدن در زیر باران دانسته است.^۱

۲-۲- سیزده بدر

مردم استان یزد صبح روز سیزدهم عید به سوی باغ‌ها، مراتع و سبزه‌زارها رهسپار می‌شوند. در کشت‌زارها و باغ‌ها فرش پهن می‌کنند، دور هم نشسته و چای دم کرده مشغول بگو و بخند و شادی می‌شوند. زنان و دختران درون سبزه‌زارها می‌گردند و علف و سبزه‌گره می‌زنند. در این روز ناهار را بایستی در باغ بخورند.

روز سیزده بدر برای عروس‌ها و دختران طلبیده (شیرینی خورده) روز خوشی است، برای این که صبح زود مادرشوهر و خواهرشوهران و چند تن دیگر از کسان داماد با اربونه یا دایره زنگی به خانه عروس رفته و او را برای گردش و در کردن نحسی سیزده به باغ یا سبزه‌زار می‌برند که هر چه نحوست دارد، با نحسی سیزده از بین برود.

۱. کریستن سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان، ص ۲۵۱

۲-۳- عیدهای مذهبی

مردم متدین و شریف استان یزد عیدها و جشن‌های مذهبی، مانند: عید فطر، عید قربان، عید غدیرخم، مولود حضرت محمد (ص)، نیمه شعبان، ... را گرامی داشته و به خوبی برگزار می‌کنند. در عید فطر و قربان، پس از خواندن نماز به دید و بازدید می‌پردازند و بعضی‌ها به گورستان رفته و برای درگذشتگان فاتحه می‌خوانند. به خانه کسانی می‌روند که عزیزی را از دست داده‌اند و با آنان همدردی کرده و از صاحبان عزا دلجویی می‌کنند.

۳- باورها

- ۳-۱- اگر سبو عرق کند، میهمان می‌رسد.
- ۳-۲- اگر جارو به کسی بزنند، عمرش کوتاه می‌شود.
- ۳-۳- اگر تا چهل روز، صبح زود، در مسجد را جارو کنند، خواجه خضر حاجتشان را برآورده می‌سازد.
- ۳-۴- اگر تکه نان بر زمین افتاده باشد، بایستی بردارند و در شکاف دیوار بگذارند.
- ۳-۵- اگر به قرآن مجید سوگند بخورند، بایستی هم وزن آن، نمک درون آب انبار بریزند.
- ۳-۶- اگر شب در آینه نگاه کنند، دیوانه می‌شوند.

۴- ضرب المثل

۴-۱- «بد است بدتر نیاید»

این مثل را هنگامی به کار می‌برند، که کسی، گرفتاری برایش پیش آمده و از آن آزرده است، که دیگر تحمل ناراحتی ندارد، اما به خود امید می‌دهد که «الهی، بد بدتر نشه»

۴-۲- «بزن بزن که آمد»

می‌گویند روزی می‌رسد همان که مقدر شده و روزی، که معین شده کم و زیاد نمی‌شود.

۴-۳- «قوز بالا قوز»

هنگامی که کسی گرفتار مشکلی شده و در اثر ندانم‌کاری مشکل تازه‌ای برای خودش فراهم می‌کند، این مثل گفته می‌شود.

۴-۴- «میهمان چه خوش است، همچون نفوس است، خفه می‌سازد، اگر آید و بیرون نرود»

این مثل هنگامی گفته می‌شود، که میهمان خانه صاحب‌خانه را ترک نکند.

۴-۵- «پالون خر، اسمش مبر روم انداز»

این مثل، دربارهٔ کسانی گفته می‌شود، که نازپرورده هستند و در حال عادی، کمتر چیزی را به دماغ می‌آورند و می‌پذیرند و در هر کاری ایرادگیر و نازکن هستند، اما در روزگار سختی و آن گاه که نازکشی ندارند، به هر خوردنی و پوشیدنی و هر وضعی راضی می‌شوند.

۴-۶- «جدمان قصاب بود، ما را به نعلبندی چه سروکار»

هنگامی که کسی داوطلب انجام کاری می‌شود، که نه از عهده‌اش برآید و نه سر رشته‌اش را داشته باشد و سرانجام هم آن کار را خراب کند و زیان هم ببیند، آنان که درباره‌اش گپ می‌زنند و گفتگو می‌کنند، از سر تمسخر این مثل را می‌زنند.

۴-۷- «بابا خرم از کُرسی دُم نداشت»

اگر کسی در گفتگو و قضاوتی طرف خود را خیلی بی‌منطق و زورگو ببیند و احتمال زیان تازه‌ای بدهد، این مثل را می‌گوید.

۴-۸- «شتر دیدی؟ ندیدی»

اگر کسی از رازی آگاه باشد و بروز دادن آن سبب زحمت و گرفتاری‌اش یا دیگری بشود، به او گویند شتر دیدی ندیدی. این مثل همانند آن یکی است، که می‌گوید:

«هر چی دیدی هیچ چی نگو، من هم دیدم هیچ چی نمی‌گویم.»^۱

۵- بازی محلی

۵-۱- ماچش کن پشت سرکن

در این بازی، چندین نفر دایره‌وار می‌نشینند و دستان خود را مشت کرده، مانند سنگ آسیاب روی هم می‌گذارند و استاد یا آسا، می‌گوید:

«حوضگ، حوضگ، ابیزه

باباش رفته به بیزه

برای مرغ ریزه

ماچش کن پشت سرکن»

و هر کس که دستش را دیرتر از دیگران ببوسد و به پشت سر ببرد، بازنده است و از بازی کنار می‌رود و این کار تا آخرین نفر تکرار می‌شود و دور بعد، نفر آخر استاد می‌شود.

۵-۲- پرپر

چند نفر دایره‌وار می‌نشینند و انگشتان اشاره دستان خود را کنار هم در میانه بازی می‌نهند و استاد بازی شروع به نام بردن پرندگان کرده، به دنبال نام هر پرنده واژه «پرپر» را تکرار می‌کند، بازی‌کنان دستان خود را به آسمان بلند می‌کنند و در ضمن نام پرندگان، استاد نام‌های دیگری را هم

۱. انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. تمثیل و مثل، جلد اول، ص ۱۴، ۴۷، ۱۲۷، ۱۵۹،

می برد تا بازی کنان به اشتباه دست خود را بلند کنند، مانند:

کلاغ..... پرپر پرپر

چغور..... پرپر پرپر

کفتر..... پرپر پرپر

دیک سنگ..... پرپر پرپر

و هر بازی کن که به اشتباه دست خود را بلند کند، بازنده است و سر خود را در دامن استاد می گذارد و دیگران با مشت روی پشت او می کوبند و می خوانند:

برنجی می کوبم اندر مصلی

برای دختر میرزا اسدالله

قیچه یا سوزن؟^۱

۶- داستان

۶-۱- خر و گرگ

می گویند خر پیر و از کار افتاده ای را که دیگر هیچ کاری از او ساخته نبود، در بیابان رها کرده بودند. گرگی او را دید و در کمینش نشست تا بمیرد و او را بخورد. خر که گوشه ای افتاده بود، گرگ را دید و دانست که چه منظوری دارد. نقشه ای کشید و بلند شد و گرگ را صدا زد. گرگ نزدش آمد، خر گفت:

«می دونم که می خوای همین که جونم دراومد مرا بخوری، منم

۱. حیدریدزاده، محمود. بلوک میبد، ص ۸۱-۸۴

حرفی ندارم، چون در دنیا خیلی زحمت کشیدم و دیگر نمی‌خوام زجر بکشم و صبر کنم تا از گرسنگی جونم دربیاد، حالا برای این که زودتر از گوشت من بخوری و سیر بشی، و من هم زودتر از رنج پیری و گرسنگی خلاص بشم، فکری به خاطرم رسیده و آن این که نعلی را که صاحبم در شتم دستم کوبیده تا توانایی پیدا کنم و براش بارکشی کنم تو با دندان‌های تیزت دربیار، چون من بسته به همین نعل و میخی است که صاحبم کوبیده و تا آن را از دستم دریاری چون منم درمی‌آد و زود می‌میرم.»

گرگ باورش شد. خر دستش را بالا گرفت زیر دست خر خوابید و با دندان‌های تیزش میخی را که به نعل او زده بودند گرفت و همین که خواست میخ را با یک ضرب از دست خر بیرون بکشد، خر دستش را محکم به دهان گرگ زد و تمامی دندان‌های گرگ شکست و دهانش پر خون شد. گرگ که خیلی پشیمان شده بود، به خودش گفت:

«جدمان قصاب بود، ما را به نعلبندی چکارا!»^۱

۷- مثل

۷-۱- ماما پیروک

یه روزی بود و یه روزگاری، یکی مامای پیروک بود، یکی خونه داشت قد قوطی کبریت، یکی درخت سنجتوک (سنجد) توش بود شاخ

۱. انجوی شیرازی، همان کتاب، ص ۱۲۷

کبریت، یکی شغالوک هم همسایهٔ ماماپیروک بود، که هر شو میرفت و سنجتوک‌ها را موخورد.

یه روز ماماپیروک تنک اومد رفت پیش که خدای ده و سرگذشتش را به او گفت، کدخدا هم گفت:

«میری تو خونه و صابون برمی‌داری و تنهٔ درخت را صابون مالی
موکنی یک دیگ هم پر آب داغ موکنی و می‌گذاری زیر درخت و
دالون خونه‌ات را هم لیز موکنی و برتجهٔ در خونه‌ات هم یه
مشت سوزن می‌بندی خودت هم می‌ری پشت در خونه قایم
میشی تا شغالوک بیاد.»

ماماپیروک همهٔ این کارها را کرد و رفت پشت در خونه و اسید،
هنگامی که شغالوک اومد بره تو، دستش رفت تو سوزن‌های تبهٔ در خونه
و گفت:

«اوف، اوف دستک من جیز شد.»

همین که پا را گذاشت تو دالون خونه، پایش لیز خورد و افتاد وسط
خونه و گفت:

«آخ، آخ پاوک من زخم شد.»

اومد بره بالا درخت، پایش لیزید و از بالای درخت پرت شد پایین
و افتید تو دیگ آب داغ و گفت:

«اوف، اوف دمبک من سوخته شده.»

ماماپیروک هم گفت:

«های های سنجتوک من پخته شده»^۱

۱. شهابی، فاطمه. متل یزدی، مجلهٔ فردوسی، شمارهٔ ۹۱۱، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۸، ص ۳۰

۸- ترانه‌های محلی

۸-۱- دختر ترگلک

دختر ترگلک پرگلک خوش قد و بالا
 عقدت مکنم عقد مدارا
 تو که عقد مکنی عقد مدارا
 منم چادر مکنم مژم به صحرا
 تو که چادر مکنی می‌ری به صحرا
 منم ابرک می‌شم بارون می‌بارم
 تو که ابرک می‌شی بارون می‌باری
 منم گرتک می‌شم علف می‌ارم
 تو که گرتک می‌شی علف می‌یاری
 منم بزک می‌شم علف می‌خورم
 تو که بزک می‌شی علف می‌خوری
 منم قصاب می‌شم ملتا^۱ می‌برم

تو که قصاب می‌شی ملما (مل مرا) می‌بری
 منم شیشه می‌شم خوند (خونت) می‌گیرم

۱. مل تو را، مل به معنی گردن و به طور مجاز به معنی گریبان به کار برده می‌شود.

تو که شیشه می شی خونم می گیری
 منم گرتک (گرد) می شم رویت می شینم
 تو که گرتک می شی رویم می شینی
 منم دستمال می شم پاکد (پاکت) می کنم
 تو که دستمال می شی پاکم مکنی
 منم موشک می شم دستمالا می چینم
 تو که موشک می شی دستمال می چینی
 منم گربه می شم موشکا (موشک را) می گیرم
 تو که گربه می شی موشکا می گیری
 منم عروس می شم حجله می شینم
 تو که عروس می شی حجله می شینی
 منم داماد می شم کشد (کش تو - بغل تو) می شینم^۱

۹- ازدواج

ازدواج و جشن عروسی در شهرها و روستاهای استان یزد با اندک تغییری انجام می شود. نخست خواهر و مادر پسر برای دیدن دختر به خانه پدرش می روند، اگر دختر را پسندیدند، هفته بعد با یک حلقه انگشتری، یک جفت کفش و یک جعبه شیرینی می روند و دختر را می طلبند. چند روز پس از طلبیدن، کسان داماد همراه با روحانی عقد کننده به خانه عروس رفته و سفره عقد را می اندازند و عروس نیز آرایش کرده^۲

۱. کوهی کرمانی، حسین. هفتصد ترانه از ترانه های روستایی ایران، ص ۲۱۴ - ۲۱۶

۲. حقه کرده، کردن موهای صورت با نخ، بند انداختن.

رو به روی سفره^۱ می نشینند. آن گاه روحانی از عروس بله می گیرد. سپس سفره سفیدی به نشانه سپیدبختی روی سر عروس می گیرند و دو کله یا تکه قند را به هم می ساینند و می خوانند و جواب دسته جمعی می گیرند:

مِسائِم مِسائِم!
چی چی مِسابی؟
مهر و محبت مِسابم
برا، کی مِسابی؟
برای عروس و دومادا!

سپس با سوزن و نخ، پارچه سفیدی را می دوزند و می خوانند:

چی چی مِدوزی!
مهر و محبت مِدوزم!
برا، کی مِدوزی؟
برا، عروس و دومادا!

و سپس در همان شب یا شب پیش آن، سینی می برند. بدین ترتیب که سینی برنج، روغن، قند، پارچه و دیگر لوازم زندگی را بر روی سر به خانه عروس می برند و مردم با سلام و صلوات در کوچه و پشت بام به تماشا می ایستند.

رقصیدن، خواندن، شادی و اربونه (دایره) زدن ساعت ها ادامه می یابد، آن گاه داماد را توسط نزدیکانش آورده و روبه روی آینه، کنار

۱. سفره عقد، عبارت است از پسته، بادام، گردو، تخم مرغ، نان، پنیر، سبزی، شیرینی، آینه شمعدان، جانماز، قرآن، کاسه آب با ماهی.

عروس می‌نشانند و داماد برای دیدن عروس رونما می‌دهد و خویشاوندان عروس و داماد به آن دو رونما می‌دهند و مادرزن به دست داماد حلقه انگشتری می‌کند و داماد هم به دست عروس حلقه می‌گذارد. به این مراسم پیش از آمدن داماد پهلوی عروس، «روس کردن» می‌گویند. سپس یکی از کسان عروس یک قوری آب آورده و انگشت شست پای عروس و داماد را درون طشت با آن آب می‌شویند و داماد مشتی پول درون آب می‌ریزد. آب را درون راهرو ریخته و پول را به عنوان شگون برمی‌دارند. در این جا، اگر داماد خانه مادرزن باشد به حجله می‌رود و اگر بخواهد عروس را به خانه ببرد، با ساز و آواز به راه می‌افتند و سر هر کوچه، داماد و کسانش پاانداز می‌دهند، که بیشتر طلا و سفر به مشهد مقدس است و در گذشته به کربلا بود. در این هنگام می‌خوانند:

عَاروس قشنگه بله

این کوچه تنگه بله

دست به زلفش نکنید، مرواری بنده بله

سر عَاروس گل بریزید سر دوماد اشرفی

هنگام رفتن عروس به خانه داماد، پدر عروس سفره نان و پنیری به کمر عروس می‌بندد که داماد در حجله آن را باز می‌کند، و روبه‌روی خانه داماد نیز گوسفند قربانی می‌کنند، در حجله، داماد چادر عروس را برمی‌دارد و دو رکعت نماز می‌خواند.

دو روز بعد کسان عروس و کسان داماد که به او خیلی نزدیک هستند «جاخالی» یا «در حجله گی» که بیشتر لوازم خانه است، به خانه داماد می‌برند. روز بعد عروس و داماد به خانه پدر عروس می‌روند که

به آن خون و خوندون یا «پاگشا» می‌نامند. در شب زفاف، یکی از کسان عروس پشت دَرِ حجله می‌خوابد.

۱۰- نقش زن یزدی

بانوان سخت‌کوش استان یزد، در اقتصاد خانواده نقش زیادی دارند. قانع، صبور، سخت‌کوش و علاقه‌مند به خانواده هستند. علاوه بر پرورش و نگاهداری فرزندان و ادارهٔ خانه، در بیشتر کارگاه‌های صنایع و بافندگی دستی، کار می‌کنند. در تهیهٔ پارچه‌های دست‌باف و دستمال و روسری‌های زیبا مهارتی ویژه دارند.

۱۱- مرگ و عزا

پس از به خاک سپردن مرده و خواندن نماز، به خانهٔ صاحب عزا می‌روند و آتش یا شُله می‌خورند. این آتش که از ماش، برنج و روغن درست می‌شود و به رنگ زرد می‌باشد، به نام «آتش پشت تابوت» سرشناس است. روز سوم، پرسه می‌گذارند، که در مسجد برگزار می‌شود و قاریان به خواندن قرآن می‌نشینند و قهوه می‌دهند و ظهر، هنگام پرسه پایان می‌یابد و بعد از ظهر به گورستان می‌روند.

روز هفتم، باردیگر به گورستان رفته و کُندُر و نبات بر گور دود می‌کنند و روضه می‌خوانند. سپس به خانه بازگشته و در اتاق مرده، در خانهٔ صاحب عزا شمع روشن کرده و پارچهٔ سیاهی پهن می‌نمایند و

روضه خوانی می کنند.

روز چهارم، با آرد و روغن ارده، از صبح تا عصر لثیر یا سوروک، که گونه ای نان روغنی است، بر روی ساج می پزند و بر سر مزار با نقل و شیرینی به مردم می دهند و روضه خوانی می کنند. هر شب جمعه نیز بر گور جمع شده و به روضه خوانی و خیرات می پردازند.

۱۲ - سوگواری

مردم مسلمان استان یزد، در ماه محرم به سوگواری می پردازند و حسینه ها و مسجدها را آذین بسته و بین ۱۰ تا ۱۲ شب، هر کوی و برزن جداگانه به روضه خوانی و تعزیه خوانی می پردازند.

تعزیه و شبیه خوانی در استان یزد بسیار رواج دارد و گروه های تعزیه خوان، در شهرها و روستاهای استان شهرت بسیار دارند. هر حسینه نیز برای شبیه خوانی، موقوفاتی دارد و شبیه گردان ها نیز نقش مهمی در انجام مراسم سوگواری دارند.

دسته های سینه زنی و زنجیرزنی نیز در هر کوی وجود دارد، که در روز عاشورا با علم و کتل و شده به راه می افتند و به مجلس های روضه خوانی می روند و ظهر عاشورا نیز با شبیه خوانی و دسته های بزرگ زنجیرزنی از همه محله ها به حسینه ها می آیند و شب عاشورا را نیز تا صبح در حسینه ها به عزا می نشینند و شبیه یا تعزیه شهادت حضرت امام حسین (ع) را اجرا می کنند.

مراسم تعزیه خوانی یا شبیه خوانی در استان یزد با دیگر نقاط

ایران تفاوت دارد و با شکوه بیشتری برگزار می شود.

قمه زنی، زنجیرهای آتشی و جفجغه نیز تا چند سال پیش رایج بوده است و اکنون نیز در پاره‌ای نقاط، جفجغه می زنند.^۱

خانم مریت هاکس، نگارنده کتاب ایران، افسانه و واقعیت، که از اواخر زمستان ۱۳۱۱ ه. ش / ۱۹۳۳ م، به ایران آمده و از یزد دیدن کرده است، می نگارد:

«مردم مسلمان یزد بسیار متعصب‌اند. محرم امسال وقتی از سوی دولت دستور رسید که دسته‌های عزادار مجاز نیستند نخل‌های بزرگ و آئینه کاری شده حامل پیکر امام حسین (ع) را همراه خود حرکت دهند، آشوب‌ها برخاست. بعد که مردم اطلاع یافتند دسته‌های عزاداری به هیچ وجه نباید تشکیل شود و به هیچ کس اجازه زنجیر زدن یا قمه زدن داده نمی شود، آشوب‌ها شدت یافت. زنان در میدان شهر جمع شدند و به شهربانی حمله کردند و پاسبان‌ها فقط پس از رسیدن پنجاه سرباز مسلح، توانستند از پرتاب سنگ توسط آنها جلوگیری کنند...»^۲

۱. حیدریه زاده، همان کتاب، ص ۸۸ - ۹۲

۲. هاکس، مریت. ایران افسانه و واقعیت، ترجمه محمد حسین نظری نژاد و دیگران، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، ص ۶۴

۱۳- درمان‌های سنتی

۱۳-۱- اسهال

برای درمان اسهال، به ویژه اسهال کودکان، پنج گرم پونه یا گل پونه را مانند چای دم کرده می‌خورند.

۱۳-۲- وبا

در گذشته برای درمان بیماری وبا، علف مخلصه را در گلاب دم می‌کردند و با ده مثقال روغن بیدانجیر به بیمار می‌خوراندند. این دم کرده برای حقنه کردن بیمار و بایی و همچنین هیضه، تجویز می‌شده است.

۱۳-۳- تب

برای رفع تب، گل بارد، سه پستان و ترانگین را تجویز می‌کنند.

۱۳-۴- تقویت بدن

فندق، پسته، بادام، بلوط، نارگیل، گردو، توت هرات هر کدام ۱۰۰ گرم و عسل به مقدار کافی، هل ۲ گرم، پوست دارچین ۱۰ گرم، زنجبیل ۵ گرم جدا جدا کوبیده، سپس با عسل معجون ساخته هر صبح و شب به اندازه سه فندق می‌خورند. البته پس از هر ورزش بهتر است.

۱۳-۵- چشم درد

طرطیر را می‌سایند و روزی یک بار در چشم می‌ریزند تا درد برطرف شود. همچنین خوردن ده مثقال گُل قند، برای درمان چشم درد مفید است.

۱۳-۶- خارش پوست

برای درمان خارش پوست بدن، انگور توره تجویز می‌شود.

۱۳-۷- درد مفاصل

حنا را می‌جوشانند، سپس صاف کرده و با روغن کنجد یا روغن هسته شفتالو جوشانده تا روغن بماند. این روغن را روزی یک بار روی محل درد مفاصل، جرب و کچلی می‌مالند تا درمان یابد.

۱۳-۸- سردرد

برای درمان سردرد، بنفشه با گلاب دم کرده، تخم گشنیز در آن می‌ریزند، سپس با شکر می‌خورند. همچنین خوردن و مالیدن آب برگ بید، درد سر را برطرف می‌کند.

۱۳-۹- شوره سر

برای درمان شوره سر، ده گرم جوش شیرین و چهل گرم سرکه را در ۲۰۰ گرم آب ریخته، هر صبح و شب، سر را با آن می‌شویند.

۱۳-۱۰- کرم معده

برای دفع کرم معده، شربت گل بومادران را می‌خورند و همچنین یک مثقال گل بومادران را ساییده با عسل آمیخته و نیم‌ساعت پس از شام به بیمار می‌خورانند.

۱۴- خوراک

خوراک مردم شهرها و روستاهای استان یزد با اندک تغییری با خوراک‌های مردم دیگر نقاط ایران همانند است. با این حال مردم این منطقه دارای خوراک‌ها و شیرینی‌های سنتی ویژه خود هستند.

شیرینی پزان یزد را درگوش محلی خلیفه و یا حاج خلیفه می‌نامند. از هفتاد سال پیش که کار شیرینی پزی با دست انجام می‌شد، تاکنون که بخش بیشتر آن را دستگاه‌های ماشینی انجام می‌دهد، خلیفه‌ها هنوز هم با دقت، مهارت و حوصله، این سوغات سرشناس یزد را به ایران و حتی خارج از کشور عرضه می‌دارند.

شیرینی‌های یزد که با مواد مرغوب و ویژه و با حوصله و نظافت کامل تهیه و عرضه می‌شوند، عبارت‌اند از:

باقلاوا، لوز بیدمشک، لوز پسته، لوز نارگیل، قطاب، پشمک، نان برنجی، حاجی بادام، زولبیا، گوش فیل، ...

سوهان یزد و عرقیات سنتی آن نیز بسیار مطلوب بوده و دارای

طرفداران بسیاری است^۱.

۱۵- پوشاک

پوشاک مردم استان یزد در حال حاضر بیشتر همانند لباس‌های مردم شهرها و روستاهای دیگر ایران است، ولی هنوز مردم بعضی از آبادی‌ها، پوشاک سنتی خود را می‌پوشند. بانوان با شلواری بلند و با پیراهنی که تا قوزک پا را می‌پوشاند، خود را می‌پوشانند. چارقدی نیز به سر می‌اندازند. مردان نیز لباس معمولی می‌پوشند.

۱. استانداری استان یزد، یزد نگین کویر، ص ۱۹۳

فصل سوم

آداب و رسوم زرتشتیان

۱- اخلاق و عاداتها

زرتشتیان یزد، مردمی پاک‌اندیش، سخت‌کوش و میهن‌دوست هستند، مهر وطن و علاقه به آب و خاک کشور ایران را مقدس‌ترین وظیفه دینی و اجتماعی خویش قرار داده‌اند.

خانم ایندیرا گاندی، نخست وزیر فقید هندوستان، در جشن نوروز سال ۱۳۶۳ ه. ش، که به افتخارش در انجمن پارسیان دهلی برگزار شده بود، گفته است:

«بهترین احترامات قلبی من خاص پارسیان (زرتشتیان) است
و اگر چنین نبود تا حد ازدواج با یکی از آنان پیش نمی‌رفتم...
زرتشتیان همیشه متکی به خود بودند و با تلاش و پاک‌ترین
روش، مقام‌های بسیاری را به دست آوردند...»^۱

۱. ماهنامه فروهر، شماره ۱، دی ماه ۱۳۶۳، ص ۶-۸



سردار زشتی با پوشاک شالی

۲- عیدها و جشن‌ها

۲-۱- نوروز

نوروز بزرگترین جشن ملی ایران، که در نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی، هنگامی که به برج حمل انتقال می‌یابد و روز و شب برابر شود، آغاز می‌گردد و به نام جشن فروردین / جشن بهار / بهار جشن و بیشتر به نام نوروز سرشناس است.^۱

نوروز، در اوستا به نام «گاهان بارهمس پت می‌دهی» آمده است.^۲ جشن‌های زمانی (ماهانه و سالانه) به وجود آمده‌اند، که تقویم و تاریخ را یادآور شوند. واژه جشن، از ریشه «یز» به معنی نیایش و پرستش است و جشن نوروز، نیایش در روز نو است.

در آیین زرتشت اعتقاد بر این است، که اهورا مزدا، جهان مادی را در شش بار آفرید، که «شش گاهان بار» گویند و بایستی که مردم آن را جشن بگیرند و خدا را ستایش کنند.

نوروز جشنی است، که به مناسبت آفرینش نژادها برپا می‌شود، از این رو در کشورهای دیگر، از جمله در یوگسلاوی، این جشن نوروزی با مراسم ویژه‌ای، در ۲۲ آوریل هر سال گرفته می‌شود. مراسم جشن نوروزی در ایران بزرگترین نشانه ملیت و یکپارچگی فرهنگی ایران زمین

۱. بزرگ‌زاد، حبیب‌الله. جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی در ایران پیش از اسلام، ص ۱۲
 ۲. آذرگشسب، موبد اردشیر. جشن‌های ایران باستان، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، سال ۶، شماره ۲، شهریور ۱۳۴۷، ص ۲۶



سار* پوشی زرتشتیان

است. از آغاز پیدایش در برابر توفان‌های تاریخ نلرزیده و کاستی نیافته است و مراسم مذهبی را نیز به مقتضای زمان، به دنبال خود کشیده است. اما آن را ویژه خود ندانسته است. چنان که سال و ماه سغدیان و خوارزمیان در خاور و کاپادوکیان و ارمنیان در باختر ایران، همان سال و ماه ایرانی است، که نوروز در آغاز آن قرار دارد. امروز هم در عراق و ترکیه در میان گُردان و همچنین کشورهایی، چون تاجیکستان، آذربایجان، ترکمنستان و ازبکستان، افغانستان، ... هنوز جشن نوروز برقرار است، که هر سال با همان آداب و سنن ویژه خود، در خانواده‌ها گرفته می‌شود.^۱

نوروز، در آیین زرتشت، جشن مذهبی هم هست، زیرا بر این باورند، که خرداد روز از فروردین ماه، روز تولد و برگزیده شدن زرتشت پیامبر ایران باستان است.

فرا رسیدن نوروز و آغاز سال، یادآور جشنی است، که سال‌های درازی را پشت سر نهاده و یکی از کهنسال‌ترین و شگفت‌انگیزترین جشن‌های جهان به شمار می‌آید.

۲-۲- جشن زایش زرتشت

جشن زایش اشو زرتشت اسپنتمان، پیامبر ایران باستان، در روز خرداد و فروردین ماه، یعنی روز ششم فروردین هر سال بود. چون روز ششم فروردین جزو روزهای نوروز به شمار می‌رود، این جشن در دوران اسلامی نیز به نام نوروز خاصه یا نوروز سلطانی سرشناس و جزو عیدهای بزرگ شمرده می‌شد.

۱. هنری، مرتضی. آیین‌های نوروزی، ص ۷-۹

۲-۳- جشن مهرگان

از آن جا که روزگار فرمانروایی هزار ساله ضحاک برای ایرانیان، دوران ستم و نکبت بود و سرانجام فریدون بر او شورید و از فرمانروایی برکنارش ساخت و به کوه دماوند به بندش کشید. ایرانیان به شکرانه این آزادی، که در روز مهر از ماه مهر، روی داده بود، جشنی بزرگ پدید آوردند و هر ساله به سبب چنین رویداد بزرگی، مهرگان جشن را برپا کردند.^۱

۲-۴- جشن سده

جشن سده از بزرگترین جشن‌های آتش در ایران باستان است، که تداوم داشته و تا امروز به یادگار پیدایی آتش ادامه دارد و برگزار می‌شود. این جشن را از آن جهت «سده» نامند، که در یکصدمین روز زمستان بزرگ برگزار می‌شود، زیرا ایرانیان باستان، سال را به دو فصل تابستان بزرگ هفت ماهه، و زمستان بزرگ پنج ماهه، بخش می‌کردند، و چون از اول آبان ماه، که زمستان بزرگ آغاز می‌شود تا دهم بهمن که روز برگزاری این جشن است، صد روز می‌گذرد، از این رو آن را سده نام‌گذاری کرده‌اند.

۱. رضی، هاشم. جشن مهرگان، یلدا، ص ۳۰۸

۳- باورها

۳-۱- خورشید در نزد آنان مقدس است و سوگند به خورشید، جزو عادت‌ها و کارهای روزانه آنان است.

۳-۲- تنور نان، در نزد زرتشتیان مقدس است و به تنور سوگند یاد می‌کنند.

۳-۳- زرتشتیان یک روز پس از دامادی، شوهر را بر سر آب روان یا چاه می‌برند و نیایش می‌کنند، زیرا بر این باورند که این کار از آثار گرامی داشت آناهیتا، ایزد آب است.

۳-۴- به چراغ و آتش سوگند یاد می‌کنند، زیرا بر این باورند که گرفتاری آنان برطرف می‌شود.

۳-۵- پس از غروب آفتاب، انتقال آتش از اجاق خانه‌ای به خانه دیگر را نامیمون می‌دانند.^۱

۳-۶- هواشناسی: از روی تجربه و شناخت ستارگان، به پیش بینی وضع هوا می‌پردازند و از چندین ماه پیش، وضع بارندگی و هوا را تشخیص می‌دهند.

۱. شهزادای، موبد رستم. سده یا جشن پیدایش آتش، نشریه انجمن ایران باستان، سال ۶

۴- ضرب المثل

۴-۱- «اُرد اُریم»

ord o rim

این مثال در مورد کسانی گفته می‌شود، که گفته‌هایش بی‌پایه و مایه دو برهم زنی و نفاق است.

۴-۲- «اِشَنوم اُش مه جُل آ»

ešnum oš ma Jol a

چوبکش توی لباسم است.
به کنایه گفته می‌شود صابونش به تنم خورده.

۴-۳- «بَر ری یَه پوشنه نه گِرته»

bar ri ya púšna nagerta

در، روی یک پاشنه نگردد.
هرکاری با همکاری و اتحاد عملی است.

۴-۴- «اِحوال بوز یوزگ از کِرْمگه لَو جو و پَرس»

avále búziurog az kermoge lave ju ve pars

احوال دم جنبانک، از کرم لب جوی پَرس
منظور این مثل این است، که گول ظاهر زیبای دم جنبانک را

نبایستی خورد، بلکه از کرم لب جوی بایستی پرسید، که از دست او، چه می‌کشد.

۴-۵- «بیخ ای گُش زرد بُد و ون»

bix i goš zard bodvun.

بیخ گوش زرد بودن.
به کنایه به آدم شیطان و موذی گویند.

۴-۶- «پُشتش ا شیرکاه»

poštoš a širká ha

پشتش به شیرکوه است.
به کسی گفته می‌شود، که توانمند است و پشتیبان دارد^۱.

۵- ترانه محلی

«راستش و واجه نتونیمه وینه
خیرو و خورن مه اونیکه وینه»

rástoš ve váje natunime veyne

xeyro ve xoren me urige veyne

برگردان:

راستش را گویم نمی‌توانم دید

۱. کشاورز، کیخسرو. فرهنگ زرتشتیان یزد، ص ۱۰-۱۸

باده بخورند من بنشینم، بنگرم

* * *

«اموات که اتایه سر کسی ره ده پنا ره

«اشوات که سبه، سر کی چه پر مروش نپارته»

om vat ke etáye sar ki ra depnáre

ošvat ke saba sar kiča por mero ši pnárta

برگردان:

گفتم که می آیم سرکوچه راه ترا می گیرم

گفت که سگ سرکوچه بسیار مرا گرفته است.

* * *

«اموات که دُتوگ بوسی آته بوسی آته بوسی

اشوات که وشو پرو وشو آخشو پشیمون و پته تو»

om vát ke dotug busi áte busi áte, busi

ošvát ke vešo poro,vešo axšo pešimuno, petetto

برگردان:

گفتم که دخترک بوسی بده بوسی بده، بوسی

گفت که برو پسرک برو متأسف و پشیمان و توبه کار باش^۱.

۶- زن زرتشتی

زن زرتشتی پاک اندیش، باعفت و سخت کوش است. پابه پای مرد

۱. سروشیان، جمشید سروش. فرهنگ بهدنیان، ص ۲۰۳

کوشش می‌کند و علاوه بر ترتیب فرزندان و انجام امور خانه و خانواده، به مسایل اجتماعی نیز توجه دارد. برای توانایی اقتصاد خانواده به کار در کارخانه‌ها، سازمان‌ها، ... نیز می‌پردازند.

بانوی زرتشتی به همسر، فرزندان، خانه و خانواده خود بسیار علاقه‌مند و وفادار است. به مسایل آیینی توجه دارد و در انجام آنها کوشاست.

۷- خوراک

خوراک زرتشتیان، همانند خوراک سایر مردم است، ولی خوراک‌های سنتی، که از دیرباز در بین آنان، به ویژه زرتشتیان کرمان و یزد معمول بوده، امروزه نیز رایج است.

در مراسم مذهبی، آتش ویژه‌ای که با حبوبات و مواد دیگر پخته می‌شود، به کار می‌رود. سیر و سُداب نیز برای مراسم مذهبی تهیه می‌شود. پس از اوستا خوانی، کمی از آن را می‌خورند.

شیربرنج و شله‌زرد می‌پزند و در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌دهند.

زرتشتیان شریف‌آباد و کرمان، بره را درسته درون تنور نان‌پزی که آتش در آن است، آویزان می‌کنند. بامداد روز بعد، بره پخته شده را از تنور بیرون آورده و گوشت‌ها را تکه‌تکه می‌کنند و بر سر سفره مذهبی گاهانبار می‌گذارند.



زن لادشاهی با پوشاک سنتی

۸- پوشاک

۸-۱- پوشاک زنان

پوشاک بانوان زرتشتی در پیش از اسلام، شامل یک پیراهن دراز و تنک روی شلوار بوده است. دستمال و روسری ساده‌ای نیز داشته‌اند، که با چین‌های ریز، در زیر خط شانه‌ها می‌افتاده و گاه کوتاه‌تر بوده و مانند یخه در دورگردن مرتب می‌شده است.

گیسوان در دسته‌های جدا از هم بافته می‌شده و گاهی با یک روبان، در پشت سر می‌بستند.^۱

زرتشتیان که بیشتر آنان در شهر یزد زندگی می‌کنند، چون دیگر شهرنشینان، امروزه تابع پوشاک معمول روز هستند. در حال حاضر پوشاک مشخصی ندارند، مگر بعضی از زنان سالخورده شهری، که چون بانوان ساکن روستاها، تابع پوشاک سنتی خود هستند.

این پوشاک، که زنان زرتشتی از آن استفاده می‌کنند، همانندی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر ایران دارد. چنان‌که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، همانند روسری بانوان بختیاری و طرز استفاده آنان است و پیراهن، همانند پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و برش، همان کلاهک بانوان بندری است. و با این تذکر، پوشاکی که بانوان زرتشتی با اندکی ساده کردن و با گرایش تدریجی به سوی مُد روز، از آن استفاده می‌کنند، عبارت‌اند از:

۱. مشیرپور، میرمحمد. تاریخ تحوّل لباس در ایران، از آغاز تا اسلام، ص ۶۰

۸-۱-۱- کلاهک

کلاهک بانوان زرتشتی از پارچه‌های رنگی و زری تهیه می‌شود و از لحاظ ساختمان و ترکیب تزئین، همان است که بانوان بندری دارند.

۸-۱-۲- پیراهن رویی

پیراهنی است فراخ با آستین‌های راسته و با سرآستین کناره‌دار و یخه‌گرد، که بیشتر چاک‌ی کوتاه از جلو و پشت دارد. دامن پیراهن، فراخ است و گاه در پایین و گرداگرد دامن را چون سرآستین کناره می‌دهند، و قد آن به طور عمودی از زیر سینه تا پایین با تکه‌های گوناگون ترکیب می‌شود.

۸-۱-۳- پیراهن زیر

این پیراهن، از پارچه سفید کتانی و با آستین و قد کوتاه تهیه می‌شود. یخه آن در جلو نیم‌گرد است و چاک‌ی دارد و به سدره سرشناس است.

۸-۱-۴- روسری

روسری پارچه‌ای است رنگین و با نقش و نگار به درازای حدود سه متر و نیم و پهنای یک متر که به طرز بانوان بختیاری روی کلاهک می‌گذارند و برای استوار ماندن بر سر، با دستمالی کلاغی روی آن را می‌بندند.

۸-۱-۵- شلوار

شلوار بانوان، از لحاظ بُرش با شلوار بانوان گُرد آذربایجان باختری یکسان است، جز این که ساق‌های شلوار را، از تکه‌های باریک، الوان و نقش و نگار ترکیب کرده، پهلوی هم می‌دوزند و سپس به شکل ساقه

درمی آورند. به این طریق جلوۀ ویژه و مشخص به آن می دهند.
 دم پای شلوار را نیز به وسیلۀ بندی به دور ساق و میچ پا جمع
 می کنند و کمر آن نیز لیفی است^۱

۸-۲- پوشاک مردان

پوشاک مردان زرتشتی شهرها، مانند پوشاک سایر مردان ایرانی
 است، ولی در روستاهای یزد، شال سر، پیراهن، شلوار و کت است.

۹- هنرهای دستی

بافندگی دستی از دوران های گوناگون تاریخ، مهمترین هنر
 زرتشتیان ایران، به ویژه یزد بوده و می باشد. در حال حاضر نیز شماری
 به این هنر دستی می پردازند.

زنان زرتشتی، دستمال ابریشمی سبز می بافند... در گذشته علاوه
 بر دستمال ابریشمی، پارچه های ابریشمی از گونه تافته و پوشاک زنانه نیز
 تهیه می کردند.

دستمال ابریشمی دورو، که بافندگی آن، جنبۀ هنری داشته و ویژه
 شمار کمی هنرمند زرتشتی است، در حال حاضر بافته می شود.

مواد اولیه دستگاه های ابریشم بافی، ابریشم مصنوعی است، ولی
 بیشتر برای ترمه های بسیار گران بها، ابریشم طبیعی نیز به کار می برند.
 بانوان زرتشتی علاوه بر دستمال و پارچه ابریشمی، دستکش،

۱. ضیاءپور، جلیل. پوشاک ایل ها، چادرنشینان و روستاییان ایران، ص ۲۶۲ - ۲۶۶

جوراب، شال، پیراهن پشمی، چادرشب سرشناس به خورد و نباتی، چادرشب زبری دوزی یا وزیری و جابند نیز تهیه می‌کنند.

بخش پنجم

اقتصاد

فصل اوّل

کشاورزی، دامداری، صنایع

۱- کشاورزی

۱-۱- کشاورزی دیروز

کشاورزی و آغاز فرهنگ و نیز بنیاد شهرهای کهن یزد، به ویژه میبد، مهریز، یزد، رستاق، اردکان، تفت، ... سپاسگزار خشک رودی است، که از دیرباز بخش بزرگی از دشت یزد را سیراب می کرده است. آب آن رود، که از پیوستن جویبارها و چشمه های شمال شیرکوه (پیشکوه) فراهم می آمده، از میان درّه تفت به شهر یزد سرازیر می شده است؛ از این رو مردم یزد در دوره های اخیر تاریخی، بازمانده آن را به نام «آب تفت» می شناخته اند. در روند کاهش بارندگی و افزایش گرمای منطقه و تبخیر، آب آن رود، اندک اندک کاهش یافت و امروز تنها چشمه زنده و بادوام آن،

چشمه «تامهر» است.

خاک‌های رسوبی و پهنه هموار حوضه پایین این رود، یعنی جایگاه کنونی شهر یزد را بایستی طبیعی‌ترین مکان برای آغاز سکونت و زراعت در این منطقه دانست. با وجود کاهشی که آب‌های روی زمین این منطقه تاکنون داشته‌اند، شاید مردمانی که در پیرامون این رود به کشاورزی می‌پرداخته‌اند، تا چند هزاره به آب‌های زیرزمینی و کاریز نیازمند نبوده‌اند، کاریزهای یزد، بیشتر در هزاره‌های اخیر و زمان توان یافتن شاهان، امیران، حاکمان و سرمایه‌داران ایجاد شده است. زراعت و مدنیت استان یزد، در چهارکانون بزرگ پاگرفته است، که عبارت‌اند از:

کانون‌های «مهریز و فهرج»، «یزد»، «رستاق» و «مبید و اردکان» زراعت پیشگان مهریز، فهرج و یزد بیشتر وابسته به آب‌های روی زمین (چشمه و رود) بوده‌اند؛ در حالی که کشاورزان رستاق، مبید و اردکان از آب‌های زیرزمینی (کاریز) بهره‌مند شده‌اند^۱

۱-۲- کشاورزی امروز

کشاورزی در استان یزد با دارا بودن آب و هوای بیابانی، کمی باران، پایین بودن رطوبت نسبی و خاک فقیر، روتق چندانی ندارد و تنها تلاش و کوشش کشاورزان سخت‌کوش و پرکار این استان است، که با بهره‌گیری از کمترین آب و خاک حاصلخیز توانسته‌اند کشاورزی را در

۱. پویا، سید عبدالعظیم. زندان سکندر از نگاهی دیگر، مجموعه مقالات انجمن واره

بررسی مسایل ایران شناسی، ص ۷۰-۷۳

محدوده اندکی به دیگر بخش‌های اقتصادی منطقه پیوند دهند.

کشاورزی استان یزد به دلیل کمی بارش به گونه کشت آبی است و کشت دیم جز بعضی از دوره‌های پرآبی انجام نمی‌شود. در گذشته آب لازم برای کشت با کندن و نگاهداری کاریزها به دست می‌آمد. در حال حاضر با پیدایش چاه‌های ژرف بر پهنه زمین‌های زیرکشت، به ویژه در پیرامون شهر یزد، افزوده شده است و در بیشتر روستاها چاه‌ها جایگزین کاریزها شده‌اند. از این رو کشت صیفی و سبزی رونق گرفته، به طوری که یزد کم آب، علاوه بر انار و خشکبار، صادرکننده کدو، کلم، خیار سبز، کاهو و فراورده‌های دیگر کشاورزی به سایر نقاط ایران است.^۱

سطح کاشت در استان، در سال ۱۳۷۵ ه. ش، حدود ۷۸۰۸۰/۷ هکتار، به شرح زیر بوده است:^۲

غلات، صیفی جات، سبزیجات، حبوبات، دانه‌های روغنی، ...	۳۲۴۰۰ هکتار
باغ‌ها، درختان کاشت مجتمع و پراکنده کاشت بارور	۳۰۱۷۷/۴ هکتار
باغ‌ها، درختان کاشت مجتمع و پراکنده کاشت نهال	۱۵۵۰۳/۳ هکتار

واحد اندازه‌گیری محلی آب، «قفیز» است، که برابر ۹ درصد لیتر در ثانیه است و دوره آبیاری نیز برپایه روش‌های سنتی از ۱۲ تا ۱۵ روز یا بیشتر است. شمار شاغلان در این بخش نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی کمتر است، که سبب اصلی آن، کمبود آب است.

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم،

ص ۱۳۷۴

۲. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه استان یزد، ۱۳۷۵، ص ۱۰۹، ۱۱۸

۲- کرم ابریشم و زنبور عسل

پرورش کرم ابریشم، در استان یزد از دیرباز تاکنون رایج بوده است. در مهریز، عقدا، تفت، ... توستان‌های موجود، بیانگر رونق و شکوفایی این رشته در گذشته است.

خانم مریت هاکس، که در سال ۱۳۱۱ ه. ش، در استان یزد بوده است، دربارهٔ پرورش کرم ابریشم، نگاشته است:

«... بر سر راهمان درختان توت و چند بوته گل دیدیم. این درختان را برای تغذیهٔ کرم ابریشم، که منبع درآمد عمدهٔ اهالی این شهر است، هرس کرده بودند. فقط معدودی خانه، باغ بزرگ داشت.

در یزد کارخانه‌های کوچک نخ و پشم‌بافی بی‌شمار است، ولی بافت ابریشم فقط در خانهٔ شخصی یهودیان رواج دارد. در حال حاضر (۱۳۱۱ ه. ش) ابریشم یزد شهرت دارد، در حالی که بافت و رنگ پارچهٔ ابریشمی یزد از مرغوبیت چندانی برخوردار نیست. در عین حال شهر یزد ابریشم مرغوب هم تولید نمی‌کند، که به هند صادر می‌شود و از آن دستار می‌بافند.^۱ پرورش زنبور عسل یکی از منابع درآمد روستاییان نواحی کوهپایه‌ای استان است، که در حال حاضر از رونق بسیاری برخوردار است.

۱. هاکس، مریت. ایران افسانه و واقعیت، ص ۶۳ - ۶۴

۳- دامپروری

مراتع استان یزد به دلیل بارندگی اندک و چرای بی‌رویه دام‌ها، بیشتر از گونه متوسط و فقیر است. مراتع بسیار خوب، در بلندی‌های شیرکوه، هرات و مروست، مراتع متوسط، در بلندی‌های لرد شیطان، گزستان، بافق، ندوشن و خضرآباد و مراتع فقیر و بسیار فقیر، در اردکان و پیرامون بافق قرار دارند.

در سال‌های اخیر برای نگاهداری و احیای مراتع، گام‌هایی برداشته شده، که تا اندازه‌ای نیز موفق بوده است، از جمله برای تأمین علوفه زمستان دام‌ها، همچنین در هنگام خشکسالی، مقداری جو و علوفه از سوی جهاد سازندگی و سازمان کشاورزی استان یزد، به دامداران تحویل می‌شود.^۱

برای تأمین گوشت سفید (مرغ) مصرفی استان یزد، در سال‌های اخیر ایجاد مرغداری‌ها رو به گسترش بوده که در سال ۱۳۷۲ ه. ش، استان یزد دارای ۸۱۳ مرغداری گوشتی و ۱۰ مرغداری تخمی بوده است، که بیشتر آنها در اردکان، تفت، یزد، میبد، مهریز، بافق و ابرکوه پراکنده شده‌اند.^۲

۱. دبیران گروه‌های آموزشی...، همان کتاب، ص ۱۳۷۵

۲. سازمان برنامه و بودجه، همان کتاب، ص ۱۲۹



کارگاه دستی پارچه بافی، یزد

۴- هنرهای دستی

استان یزد با پیشینه دیرین فرهنگی دارای هنرهای دستی اصیل چندین هزار ساله است، که بیانگر تلاش و سخت‌کوشی مردمانی باذوق و هنرمند است.

ویژگی‌های آب و هوایی این منطقه، الهام‌بخش هنرمندان و صنعت‌گران بوده است، که در گذر سده‌ها به‌پیدایی آثاری گرانبها پرداخته‌اند. از شمار هنرهای دستی این استان می‌توان گونه‌های منسوجات یا بافته‌های سُتّی، فرش، فرآورده‌های حصیری، گونه‌های سرامیک، سفال و کاشی، فرآورده‌های چوبی خراطی، نقره‌سازی، چرم‌سازی و شیشه‌گری را نام برد.

۴-۱- فرش بافی

مهمترین هنر دستی استان یزد، فرش بافی است. هنرمندان فرش باف یزد در گذشته تنها نقش هراتی و خانه خانه ویژه‌ای می‌بافتند، ولی در زمان جنگ جهانی، شرکت فرش ایران، کارگاهی در آن جا دایر کرد و بدین منظور کارگر، طراح و نقاش از کرمان آوردند. در فرش یزد گره جفتی دیده نمی‌شود، ولی از این گذشته سایر ویژگی‌های آن، با فرش کرمان یکی است و ویژگی گذشته یزدی‌اش تا اندازه‌ای از میان رفته است.^۱

۱. به‌آذین، م. قالی ایران، ص ۱۲۵ - ۱۲۶

اخيراً طرح‌های پیشین و اصیل آن زنده شده‌اند، از این‌رو از رونق روزافزون و خوبی برخوردار شده و ارزش صادراتی پیدا کرده است. در حال حاضر حدود ۶۵ هزار دار فرش بافی برپاست و حدود ۱۳۰ هزار بافنده به این صنعت اشتغال دارند. میانگین تولید ۵ مترمربع در سال به ازای هر بافنده، حاصل آن است.^۱

۴-۲- بافندگی دستی

بافندگی دستی از دوره‌های گوناگون تاریخ، مهمترین پیشه ساکنان استان یزد، به ویژه شهر یزد بوده است و شمار زیادی از مردم استان، به این هنر دستی اشتغال دارند. سبک پیشین بافندگی دستی ویژه افراد معین بوده، که در اثر نیاموختن این هنر به دیگران، اندک‌اندک از بین رفته و بافت به شیوه جدید جای آن را گرفته است. در حال حاضر طراحانی وجود دارند که با توجه به نیاز بازار، طرح‌هایی تهیه می‌کنند، ولی در اثر تشویق نکردن بافندگان دستی و ماشینی شدن بافندگی، هنر بافندگی دستی اندک‌اندک از بین می‌رود.

برای بافت پارچه مرسریزه، از نخ مرسریزه استفاده می‌کنند، که بازرگانان آن را از اصفهان و تهران وارد کرده و به خرده‌فروشان می‌فروشند و نساجان از فروشندگان دست دوم می‌خرند.

پارچه مرسریزه که به مصرف پیراهن مردانه و زنانه و آستری لحاف می‌رسد، به رنگ‌های ساده و الوان تهیه می‌شود، بسته به گونه جنس و پهنای بافته شده به بهای گوناگون فروخته می‌شود.

۱. مبینی، محمد علی. یزد نگین کویر، ص ۱۷۷

پارچه‌های ابریشمی با تار ابریشم مصنوعی و پود از نخ به شماره‌های گوناگون تهیه می‌شود و به مصرف رویه رختخواب، آستری، لباس زنانه و پرده رسیده و به رنگ‌های الوان و محرمات به پهنای ۷۵ سانتیمتر تهیه می‌کنند.

بیشتر پارچه‌های نخی از گونه تاب‌دار و جیم است. نخ مصرفی از کارخانه ریسندگی یزد تهیه می‌شود و بازار فروش فرآورده‌های بالا، در خود یزد است، که به سراسر کشور حمل می‌شود.

از رنگ‌هایی که در رنگ آمیزی نخ‌های مورد مصرف اعم از ابریشم مصنوعی، نخ پنبه و نخ مرسریزه به کار می‌رود، رنگ‌های ارزان قیمت و مستقیم، که پایداری آنها در برابر نور و مالش اندک است، به مصرف می‌رسد و رنگ‌های ثابت نفتل و خمی، که قیمت آنها بیشتر است، کمتر مصرف می‌شود تا بدین وسیله قیمت تمام شده پارچه، ارزان باشد.

۴-۳- دستمال ابریشمی

دستمال ابریشمی، در شهر یزد و در کوی خلف‌خانه علی تولید می‌شود. در گذشته به جای دستمال ابریشمی، پارچه‌های ابریشمی از گونه تافته، چوچونچه و پوشاک زنانه تهیه می‌کردند، ولی به دلیل وارد کردن پارچه‌های ظریف خارجی، دستگاه‌های دستمال‌بافی تنها به بافتن دستمال روسری برای بانوان عشایر و روستایی و بخش کمی هم به تهیه دستمال‌های جیبی می‌پردازند.

مصرف ابریشم مصنوعی مورد نیاز ماهانه نساجی‌ها در حدود یازده تن تخمین زده شده است، که از بازرگانان وارد کننده آن، می‌خرند.

چند سال پیش شرکتی با سرمایه ابریشم بافان یزد تأسیس شد، که بتوانند ابریشم مصنوعی مورد نیاز خود را از خارج وارد کنند تا در بهای خرید مواد اولیه، صرفه جویی شود.^۱

۴-۴- ترمه بافی

ترمه بافی، در یزد پیشینه درازی دارد و بیش از ۲۵۰ سال است، که در این استان رواج دارد، ولی در سال‌های اخیر به آن توجه نمی‌شود. شمار دستگاه‌ها، در گذشته ۵۰۰ تا ۷۰۰ دستگاه بوده است، ولی امروزه کاهش یافته، به طوری که به چند دستگاه رسیده است.

اندازه بافت این دستگاه‌ها بستگی به گونه فرآورده و جنس آن دارد. بعضی از ترمه‌ها که مرغوب‌اند، روزانه هر سه نفر کارگر، تا ۲۰ سانتیمتر آن را می‌بافند و بعضی دیگر که از گونه ارزان است، روزانه ۶۵ تا ۷۵ سانتیمتر بافته می‌شود. مواد اولیه این دستگاه‌ها ابریشم مصنوعی است، ولی بیشتر برای ترمه‌های بسیار گران‌بها، ابریشم طبیعی به کار می‌رود. محل فروش این هنر دستی، تهران و دیگر نقاط مهم ایران است.^۲

۴-۵- زیلوبافی

زیلوبافی از دیگر هنرهای دستی استان یزد است و مرکز زیلوبافی منطقه، شهرستان میبد است. دیرینگی زیلوبافی در این شهر به دوران پیش از اسلام می‌رسد. زیلو از مناسب‌ترین و بادوام‌ترین کف‌پوش‌ها، به ویژه

۱. کمیسیون ملی یونسکو در ایران. ایران‌شهر، جلد دوم، ص ۱۸۰۹

۲. همان کتاب، ص ۱۸۱۰

برای نواحی کویری است.

روزگاری شمار بافندگان زیلو حدود ۱۵۰۰ نفر بود و بر سر هر کوی و برزنی کارگاه زیلوبافی وجود داشت، که بیانگر رونق و شکوفایی این هنر دستی بود.

زیلو از نخ پنبه‌ای بافته می‌شود، در بافت آن، طرح‌ها و نقش‌های زیبایی به کار می‌رود و رنگ‌ها بیشتر سفید و آبی است. گاهی از سرخ، نارنجی و سبز هم استفاده می‌شود.

در حال حاضر زیلوهای مرغوب به نام زیلوی نفتال سرشناس‌اند. بیشتر تولید زیلو به مصرف کفپوش مسجدها و تکیه‌ها می‌رسد. دیرین‌ترین زیلو با سده‌ها پیشینه بافت، اکنون در مسجد جامع میبد است. نقش‌های زیلو به نام‌های پرت‌توره، زلفک، رکنه‌دونی (رکن‌الدین) هشت پر کوچک و هشت پر بزرگ، بند رومی و کلید سرشناس‌اند.^۱

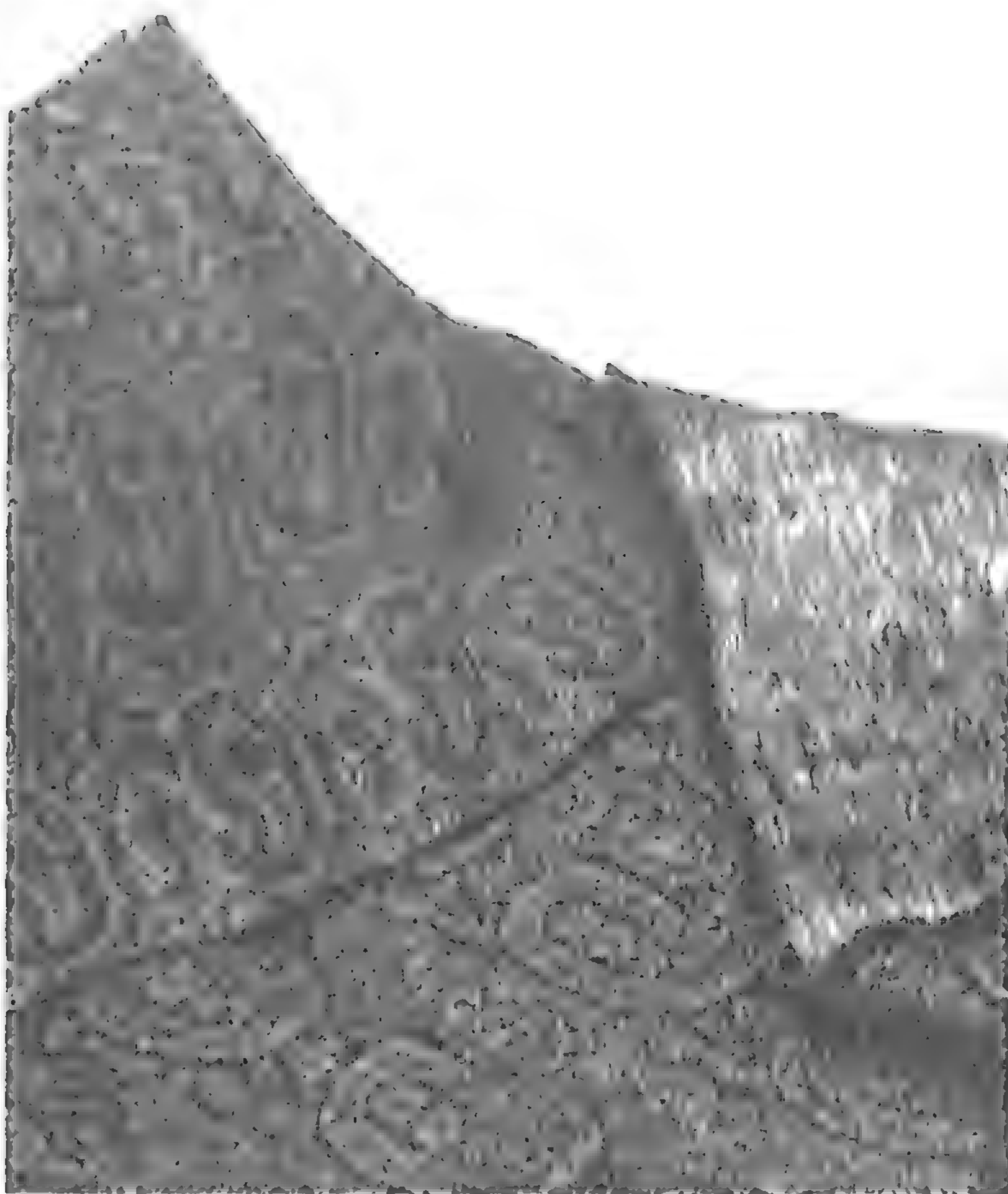
صنعت زیلوبافی نسبت به دیگر هنرهای دستی سنتی از رونق بیشتری برخوردار است، به طوری که اکنون نیز از مهمترین و پرازش‌ترین فرآورده‌های تولیدی صادراتی استان به شمار می‌رود.

بیشتر زیلوها به دلیل خنکی و مناسب بودن، به نواحی گرم جنوب ایران و شیخ‌نشین‌های کرانه‌های جنوبی دریای پارس صادر می‌شود.

در هر کارگاه زیلوبافی، یک نفر استاد به نام «پوکش» و یک یا چند تن پنجه‌زن کار می‌کنند. این هنرمندان گمنام و صنعت‌گر نیز در اثر فضای تاریک، کار زیاد و عدم تغذیه مناسب، زردرنگ و گاه نیز مسلول هستند.^۲

۱. مبینی، همان کتاب، ص ۱۷۸

۲. حیدریه‌زاده، محمود. بلوک میبد، ص ۵۷



پارچه ترمه یزد

یک بخش تار و پود زیلو از نخ کارخانجات یزد به نمره‌های ۵ و ۱۰ و بخش دیگر از نخ‌هایی است، که توسط ساکنان محل، از پنبه به طوردستی تهیه می‌شود و پیشینه تاریخی آن، چندین سده است. بعضی زیلوهای ظریف، از سده دهم هجری قمری، با نوشته و تاریخ هنوز در برخی اماکن مقدس موجود است.

رنگی که در زیلو به کار می‌رود، یک دهم آن گیاهی و نه دهم دیگر، رنگ‌های شیمیایی است. با روی کار آمدن ماشین‌های بافندگی، اندک‌اندک از اهمیت این هنر دستی کاسته می‌شود^۱.

۴-۶- زری

زری از بافته‌های پیشین است و دیرینگی آن، به دوران ساسانی می‌رسد. مراکز بزرگ تولید این هنر باارزش در گذشته اصفهان، ایبانه، یزد و کاشان بوده است.

۴-۷- مخمل

تولید مخمل که به طور دستباف در یزد انجام می‌شود، بافته نفیسی را به دست می‌دهد که هر بیننده‌ای را به تحسین وامی‌دارد. در بافت مخمل، از ابریشم طبیعی استفاده می‌شود.

۴-۸- شمد

شمد، گونه‌ای پارچه نازک است، که در بافت آن، نخ پنبه یا ابریشم

۱. کمیسیون ملی یونسکو در ایران، همان کتاب، ص ۱۸۱۰

مصنوعی ویسکوز به کار رفته و در تابستان به عنوان روانداز از آن استفاده می‌کنند. شمد بیشتر دارای نقش‌های ساده به گونه چهارخانه است.

۴-۹- چادرشب

دو گونه چادرشب، در شهرستان‌های یزد، اردکان بافته می‌شود. گونه نخست که نازک و نقش‌دار است و به نام «چادرشب رختخواب پیچ» سرشناس است. گونه دیگر که ضخیم‌تر است و «چادرشب بیابانی» نامیده می‌شود و برای حمل علوفه و فرآورده‌های کشاورزی کاربرد دارد و دارای نقش‌های راه راه است. تولید این بافته‌ها در اندازه ۹۰×۹۰ سانتیمتر است و به عنوان سفره هم از آن استفاده می‌کنند.

۴-۱۰- روتختی

روتختی در اندازه‌های ۲۴۰×۳۰۰ سانتیمتر در کارگاه‌های دستیابی تولید می‌شود. ماده اولیه آن از نخ ویسکوز و پشم است.

۴-۱۱- خورجین بافی

خورجین بافی یا لبافی، که وسیله‌ای است برای حمل بار، از دیرباز در شهرهای اشک‌زر و اردکان رواج داشته و دارد. خورجین بر روی دارهای عمودی و همانند زیلو با نقش کمتری بافته می‌شود. ماده اولیه خورجین نخ پنبه‌ای است.

۴-۱۲- سجاده

سجاده، در رنگ‌های سیاه و آبی بافته می‌شود و مادهٔ اولیهٔ آن، نخ پنبه است. سجاده بیشتر برای ادای فریضهٔ نماز استفاده می‌شود و طرح و رنگ ویژهٔ خود را دارد.

۴-۱۳- پتو

بافت پتو، در بخش‌های اشک‌زر و خرائق به طور خانگی توسط بانوان انجام می‌شود. اندازهٔ بافت، نواری است به پهنای ۵۰ و درازای ۲۲ متر، که پس از چهار تکه شدن به هم دوخته شده، پتو به دست می‌آید.

۴-۱۴- احرامی

پارچهٔ احرامی با تار و پود پنبه‌ای در اندازه‌های ۷۰×۱۰۰ سانتیمتر و ۹۰×۱۲۰ سانتیمتر بافته می‌شود. این پارچه بیشتر مورد مصرف حجاج قرار می‌گیرد.

۴-۱۵- قناویز

قناویز، گونه‌ای پارچه است، که در گذشته در یزد بافته می‌شده و نخ مورد مصرف این پارچه، ابریشم بوده است.

۴-۱۶- دندانی

دندانی یا گل خورد، که به جامهٔ زرتشتیان استان یزد شهرت دارد،

دارای شیوه بافتی ساده، اما پرزحمت است.

۴-۱۷- شال بافی

بافت پارچه‌ای به نام شال نیز در گذشته در شهر یزد معمول بوده، که به گونه کارگاهی تولید می‌شده و بخش بیشتر مواد اولیه آن، نخ پنبه است.

۴-۱۸- سفره

در بسیاری از نواحی روستایی که بافندگی در آنها رواج دارد، تهیه گونه‌ای سفره مربع شکل، در اندازه ۹۰×۹۰ سانتیمتر نیز رایج است. برای تهیه این گونه سفره از نخ پنبه‌ای کارخانه‌ای نمره ۱۰ توسط بانوان به گونه خانگی و یا دستگاه چاله‌ای (با شانه بیست) بافته و توسط خود بافنده، رنگرزی می‌شود.

۴-۱۹- روفرشی

روفرشی، گونه‌ای پارچه نخ پنبه‌ای ضخیم است که با پهنای ۹۵ سانتیمتر و به رنگ‌های سیاه و سفید یا آبی و سفید به گونه راه‌راه بافته می‌شود و به اندازه سطح فرش مورد نظر به عنوان روفرشی از آن استفاده می‌شود. در حال حاضر مصرف این پارچه کاهش یافته است.^۱

۴-۲۰- گیوه‌بافی

بانوان روستایی، در هنگام بیکاری با استفاده از ابزارهای ساده، رویه گیوه می‌بافند و یا به گفته خودشان می‌چینند. در نواحی تفت، مهریز، نیر، خونزا، بغداد آباد و بهاباد هنوز کار گیوه‌چینی ادامه دارد. ماده اولیه آن، نخ پنبه‌ای است. پس از مرحله بافت، رویه بایستی به تخت دوخته شود. کار تهیه تخت و دوخت به وسیله مردان انجام می‌شود، که به آن «تخت کشی» می‌گویند.

۴-۲۱- سرامیک

هنر سرامیک استان یزد، به ویژه میبد، با طرح ویژه خود، که نشأت گرفته از حال و هوای کویر است، از شمار صنایع دستی باارزش استان است.

خورشید سمبل آفتاب درخشان کویر و مرغ، تصویر یک گونه گنجشک، که زیستگاه آن، نواحی کویری است و ماهی کنایه از کم آبی است. این نقش‌ها دست به دست هم داده و جلوه‌ای وزین به تولیدات سرامیکی بسیار زیبا و همه پسند استان یزد، به ویژه میبد داده است. طرح سرامیک میبد با نقش خورشید، مرغ و ماهی، در نمایشگاه بین‌المللی مونیخ، در سال ۱۹۷۱ م / ۱۳۵۰ ه. ش، برنده مدال طلا شد و در سایر نمایشگاه‌های بین‌المللی، فرآورده‌های دست‌باف و سرامیک استان یزد با استقبال بازدیدکنندگان و تأیید صاحب‌نظران روبرو گردیده است.^۱



سرامیک یزد

۴-۲۲- سفال

سفالگری از نخستین نشانه‌های صنعت در دگرگونی‌های تاریخی است، که هنوز در پاره‌یی نقاط استان یزد، به ویژه میبد به همان گونه نخستین بازمانده است و دیرینگی آن به ۶ هزار پیش از میلاد، می‌رسد. صنعت کوزه‌گری و سفال‌سازی و چرخ کوزه‌گری، نخستین نشانه‌های تقسیم کار، در نخستین دوران دگرگونی تاریخ بوده است. ابزار تولید و ساختمان کارگاه، همچنان به همان گونه نخستین بازمانده و هیچ گونه تغییر و دگرگونی جز در زمینه نقش و نگاره‌ها دیده نمی‌شود، که روزگاری از رونق بسیار برخوردار بوده و از صادرات بسیار مهم میبد به کرمان، اصفهان و بندرعباس شمرده می‌شده است، ولی امروزه از رونق افتاده و تنها چند کارگاه کوزه‌سازی و سفالگری، برجای مانده است.

کوزه‌ها و کاسه‌های ساخت استان یزد، به ویژه میبد، از ظرافت و زیبایی ویژه‌ای برخوردارند، که در سفال‌سازی دیگر نقاط ایران دیده نمی‌شود. کباره نیز گونه دیگری از سفال است، که با آن، کاسه، گلدان، بشقاب و لیوان می‌سازند.^۱

۴-۲۳- کاشی

کاشی‌های زیبا و گوناگون سُستی، که در معماری بناها به کار می‌رود، از دیگر هنرهای دستی مردم شریف استان یزد است. این هنر در

۱. حیدریه‌زاده، همان کتاب، ص ۵۵ - ۵۶

این استان حدود ۷۰۰ سال دیرینگی دارد.

هنرمندان، نخست شکل‌های مورد نظر کاشی را تهیه و سپس بر روی آنها نقاشی و لعاب و پخت می‌کنند. گونه‌های کاشی، عبارت‌اند از: کاشی یزدی، کاشی کمک، کاشی شبکه، کاشی شش‌گوش، کاشی کناره، کاشی اکمند، جوک، کاشی هفت‌رنگ.

۴-۲۴- سریشم سازی

برای ساخت سریشم، که گونه‌ای چسب حیوانی است، نخست ضایعات پوست، استخوان و پیه را، در پاتیل ویژه می‌پزند و به‌گونه مایع غلیظی درآورده و پس از پهن و خشک کردن، بسته‌بندی شده آماده مصرف می‌شود و بیشتر به مصرف خاتم‌کاری می‌رسد. مهریز، از جمله مراکز تولید سریشم است.

۴-۲۵- حصیربافی

حصیربافی با بافت بوریا، از کهن‌ترین صنایع دستی در ایران است. در استان یزد، در نواحی بافق، بهاباد، مبارکه، روستای زدین اردکان، ... بافت حصیر با استفاده از الیاف درخت خرما رواج دارد. گونه‌های تولید آنها، حصیر زیرانداز، کلاه، بادبزن، جارو، سبد و پادری است.

۴-۲۶- سایر هنرهای دستی

سایر هنرهای دستی مردم استان یزد، عبارت‌اند از: شیشه‌گری، کف‌پوش، موتابی، نمد مالی، قلم‌زنی، چرم‌سازی، ...

مکان‌های عرضه هنرهای دستی استان یزد، عبارت‌اند از:

- (۱) مجموعه بازارخان.
- (۲) فروشگاه مرکز صنایع دستی، در میدان شهید باهنر.
- (۳) فروشگاه‌های بخش خصوصی و فروشگاه‌های محلی، در مراکز تولید.
- (۴) فروشگاه صنایع دستی، میبد، سهراب شریعتی^۱.

فصل دوم

صنایع، معادن، بازرگانی، راه‌ها و حمل و نقل و ارتباطات

۱- صنایع

۱-۱- صنایع ماشینی

استان یزد از دیرباز منطقه‌ای صنعتی بوده و اکنون نیز دارای کارخانه‌های تولیدی بزرگ و کوچک است. علاوه بر کارگاه‌های کوچک نساجی و شیرینی سازی، که شمار آنها بسیار است، ده‌ها واحد تولیدی دیگر وجود دارد، که در رشته‌های گوناگون فعالیت می‌کنند.

صنایع ماشینی ریسندگی و بافندگی از سال ۱۳۱۲ ه. ش، در استان یزد پدید آمد. اساس این دگرگونی وجود صدها کارگاه سنتی بافندگی و هزاران بافنده ماهر و هنرمند در این منطقه بوده، که هم‌زمان با نخستین حرکت‌های صنعتی شدن ریسندگی و بافندگی در کشور، به مراکز تولیدی کارخانه‌ای روی آوردند.

استان یزد با دارا بودن ۳۳۰ واحد تولیدی نساجی، نیمی از

منسوجات کشور را تولید و عرضه می‌کند و ۷۰ درصد زمینه‌های اشتغال صنعتی استان یزد، وابستگی به این صنایع است.^۱

پیدایش صنایع ماشینی در یزد سپاسگزار گام‌های بخش خصوصی است و امروزه نیز سهم بسیار بزرگی از سرمایه‌گذاری صنایع یزد وابسته به این بخش است، اما دولت نیز با ایجاد صنایع بزرگ و اساسی، به ویژه طی برنامه پنج‌ساله نخست، نقش ارزنده‌ای در رونق دادن به صنایع استان داشته است.

گذشته از صنایع نساجی، در حال حاضر ۱۲۰۰ واحد صنعتی در بخش‌های گوناگون صنایع کانی غیرفلزی، فلزی، برق، شیمیایی، خوراکی، دارویی، ماشین‌سازی، ریخته‌گری و سلولزی، ... فعالیت دارند. و حدود ۳۶ هزار نفر در آن واحدها به کار اشتغال دارند و بیش از ۳۰۰ گونه کالا را تولید و به بازار می‌فرستند، که تنها ۴۵۵ واحد از این واحدها در دوره برنامه پنج‌ساله نخست، به بهره‌برداری رسیده است.

آهنگ تند صنعتی شدن استان هم چنان ادامه داشته و تا سال ۱۳۷۵ ه. ش، ۱۵۳۵ پروانه داده شده با سرمایه‌گذاری ۲۷۶۸ میلیارد ریال امکان اشتغال تازه‌ای را برای ۵۶۰ هزار نفر از مردم این استان به وجود خواهد آورد.^۲

در حال حاضر علاوه بر صنایع نساجی، مهمترین شاخه‌های صنعت در استان یزد، عبارت‌اند از:

۱. حوزه معاونت برنامه‌ای استانداری یزد. فعالیت و اقدامات انجام شده طی برنامه پنج‌ساله اول در استان یزد، یزد ۱۳۷۴، ص ۴۶

۲. همان منبع، ص ۴۶

صنایع لاستیک سازی، ساخت ماشین آلات مدرن نساجی،
متالوژی، کابل‌های فیبری و نوری مخبراتی، چینی آلات بهداشتی، چینی
ظریف، کاشی سازی، ...

۱-۲- صنعت جهانگردی

۱-۲-۱- جاذبه‌های فرهنگی

پیام اصلی استان یزد برای گردشگران ایرانی و خارجی یک پیام فرهنگی است. یزد دربردارنده مجموعه‌ای بسیار باارزش از میراث فرهنگی ایران زمین، در سده‌های گوناگون تاریخی است. فرهنگی که سده‌ها پیش از میلاد، شکل گرفته و در بستر گسترده زمان همواره جریان یافته و بالندگی داشته است. عناصر مادی و معنوی فرهنگی موجود در استان یزد، مجموعه‌ای کامل را برای بررسی تاریخ فراهم کرده است. از این رهگذر می‌توان گذشته از تاریخ یزد، رد پای آن چه بر مردم این منطقه و به دنبال آن ایرانیان، از روزگار پیشدادیان تاکنون رفته است را دید. بیشتر نقاط استان یزد در ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر به وجود آمده و سرنوشتی یکسان داشته‌اند. بنابراین آوای تاریخ را می‌توان از یک قلعه یا آب‌انبار فراموش شده در گوشه‌ای دور افتاده از کویر یا یک ساختمان خشتی با دیوارهای گلی یا خشتی یک کوی پیشین شهر یزد یا دیگر شهرهای استان شنید، و این پیامی است که یزد برای همه جهانگردان و مسافرانی دارد، که با علاقه هویت انسان و فرهنگ را جست و جو می‌کنند.

صدها مسجد، آب‌انبار، بازار، کاروانسرا یا رباط، سایاط، قلعه،

کاخ، آرامگاه، خانه‌ها با بادگیرهای زیبا، سرداب‌ها، دیوارهای پهن خشتی و آجری و دیگر ویژگی‌های معماری سُنتی منطقه، خانقاه، حسینیه، کاربز و ده‌ها مکان مقدس تاریخی نزد زرتشتیان در گوشه و کنار این استان گنجینه بزرگی از گونه‌ای معماری پیشرفته به وجود آورده است، که در بسیاری از موارد، زبان تاریخ است. آثاری که هر کدام وابسته به دوره‌ای از تاریخ است و از سده‌ها پیش از اسلام و دوره‌های گوناگون اسلامی تاکنون را شامل می‌شود.

هریک از آثار به جا مانده به منزله شاخص‌هایی است، که استان یزد را به عنوان یکی از برجسته‌ترین مناطق تاریخی و فرهنگی ایران زمین مطرح می‌سازد، و همچنین وجود مجموعه‌های کامل در کوی‌های پیشین شهر یزد، بافت هم‌گونی را به وجود آورده است، که امکان بررسی یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران و جهان را به گونه زنده نیز فراهم ساخته است. استان یزد علی‌رغم گذراندن این پیشینه دراز، در بسیاری از موارد با تمامی نابسامانی‌ها توانسته است امانت‌دار این یادمان‌های فرهنگی و تاریخی باشد، از این رو آن را «شهر تاریخ جهان» نام نهاده‌اند.^۱

۱-۲-۲- جاذبه‌های طبیعی

ویژگی‌های گوناگون در طبیعت استان یزد می‌تواند برای بیشتر جهانگردان و ایرانگردانی که به این سرزمین سفر می‌کنند جالب و پرکشش باشد. از یک سو پهنه‌های بیابان و تپه‌های ریگ روان و از سوی دیگر به فاصله‌ای نزدیک کوهستان زیبای شیرکوه و ییلاق‌های سرسبز

۱. حاجی شعبانی، محمّد. یزد و صنعت توریسم، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۷۸۲،

دره‌ها و دامنه‌های آن و گوناگونی آب و هوا، از جلوه‌های جذاب برای گردش و بهره‌مندی از طبیعت است.

ناحیه کالمند و بهادران، در ۵۰ کیلومتری شهر یزد و در نزدیکی شهرستان مهریز به منزله زیستگاهی کم‌نظیر برای آهوان در کویر ایران است، که با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، می‌تواند با پشتیبانی سازمان‌های دست‌اندرکار جهانگردی، به یکی از نواحی مهم اکوتوریسم (گردشگری طبیعی/طبیعت گردی) تبدیل شود و سالانه با جذب گردشگران داخلی و خارجی، درآمد قابل توجهی داشته باشد.

کوه مسجد، که به بلندی بیش از ۳۴۰۰ متر، در ۵۵ کیلومتری جنوب یزد قرار دارد، یکی از پدیده‌های شگفت‌انگیز طبیعت به شمار می‌آید.

در دامنه این کوه سر به فلک کشیده، در بلندی ۳ هزار متری، یک غار آهکی زیبا با پهنه‌ای حدود ۱۲ مترمربع دیده می‌شود، که از آن به عنوان مسجد استفاده می‌شود. نام محلی کوه نیز در همین پیوند است. دهانه ورودی غار در اثر رفت و آمد انسان طی سالیان دراز، به گونه قابل توجهی صیقل شده است.

درون غار که گیرایی ویژه‌ای دارد، وسایل مورد نیاز زندگی، شامل چند تخته پتو و روفرشی و نیز چراغ‌های نفتی توسط مردم روستاهای نزدیک کوه گذاشته شده است.

در دامنه کوه مسجد چندین مزرعه زیبا و دیدنی وجود دارد و تغییر دمای هوا و یخ‌زدگی در این ناحیه دیده می‌شود. چند چشمه وجود دارد، که آب برخی از آنها بسیار گوارا است و در درمان بیماری کلیه اثر مطلوبی دارد.

ظاهر این کوه می‌رساند که این مکان در گذشته زیارتگاه بوده است. کوه مسجد و غار آن از جاذبه‌های طبیعی شگفت‌انگیز منطقه است و از لحاظ گردشگری نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد^۱.

بیابان‌ها و کویرهای بزرگ ایران، از جمله استان یزد نیز توانایی‌های بالقوه دارند، که مهمترین آنها، عبارت‌اند از: بهره‌برداری از معدن و املاح موجود در کویرها، کنترل و انتقال آب شیرین و به زیر کشت درآوردن زمین‌های کناره‌کویری و از همه مهمتر استفاده از محیط طبیعی نواحی کویری به عنوان یک جاذبه جهانگردی.

کویرهای استان یزد دارای ویژگی‌هایی است، که می‌تواند از جاذبه‌های پرتوان جهانگردی شمرده شود. آب و هوای کویر، برای نیمی از سال دلپذیر است. آسمان پرستاره‌کویر برای دوستداران مناظر زیبا، دیدنی و شگفت‌انگیز است.

سکوت محض و آرامش کامل، مناظر و چشم‌اندازهای زیبا، سراب‌های فریبنده، زمین‌های سیاه و سفید، خاک‌های برآمده، موزائیک‌ها و لایه‌های نمکی برخاسته از زمین و دیگر مناظر طبیعی و زیبا را می‌توان در کویرها دید.

کویر ساغند با حدود ۸ هزار و ۸۲۵ هکتار پهنه، در شمال خاوری استان یزد، با برخورداری از پدیده‌های گوناگون کویری، یکی از نادرترین نواحی کویری جهان به شمار می‌رود.

بنابراین بی‌مناسبت نخواهد بود، که دولت امکان‌ها و سرمایه‌گذاری بایسته برای ایجاد شهرک‌های جهانگردی کویری، در

استان یزد فراهم آورد تا دریچه‌ای از طبیعت پرشگفت کویرها و مناظر زیبا به روی جویندگان آرامش، جهانگردان و پژوهندگان گشوده شود.^۱

جایگاه عالی گذری (ترانزیتی) و مرکزیت هندسی جغرافیایی و ارتباطی یزد نیز از دیگر فرصت‌هایی است، که به شدت مطرح بوده و در برنامه‌ریزی‌های می‌تواند از جایگاهی ویژه برخوردار باشد، چه مسیرهای دراز راه‌های استان‌های جنوب خاوری به مرکز سیاسی و دیگر نقاط کشور، مانند شاهراه تهران - بندرعباس و تهران - زاهدان، از طریق استان یزد است.

افزون بر آن، جنوب باختری و نواحی باختری نیز با خاور و شمال خاوری کشور می‌توانند از طریق استان یزد فاصله‌های کوتاه‌تر بیابند و وجود راه‌آهن و مرکزیت پراکندگی آن، در طرح‌های کنونی و آینده، مانند راه‌آهن بافق - کرمان، بافق - بندرعباس، بافق - مشهد و بافق - سیستان و بلوچستان نیز از ویژگی‌های بسیار مهمی است، که نایستی از آن به دور بود. همچنین فرودگاه یزد نیز می‌تواند تکمیل‌کننده امکان‌های مسافرتی در استان یزد به شمار آید.

۲- معادن

علی‌رغم شرایط آب و هوایی و زیستی نامناسب منطقه، خوشبختانه تشکیلات زمین‌شناختی این استان، ذخیره‌های بزرگ معدنی

۱. مهدوی، مسعود. پهنه‌شناسی کویر، مجله ایران زمین، سال ۲، شماره ۴ و ۵،

را در دل خود، جای داده است، به طوری که می‌توان این استان را منطقه‌ای معدنی نامید.

بزرگترین قطب‌های معدنی آهن ایران در استان یزد قرار دارد. همچنین معدن‌های غنی سرب و روی مهدی‌آباد، کوشک، درّه انجیر و منصورآباد، بوکسیت صدرآباد، بزرگترین معدن اورانیوم خاورمیانه در ساغند اردکان و مس اردکان و تفت، از جمله بزرگترین معدن‌های فلزی، استان و کشور به شمار می‌رود.

افزون بر آن، معدن‌های فلزی، سنگ‌های تزئینی با کیفیت بسیار بالا، مانند: مرمر، مرمریت، گرانیت، چینی، ... و نیز موادی چون باریت، گچ، فسفات، نمک، ... به فراوانی در سطح استان یزد وجود دارد.

در حال حاضر بسیاری از معدن‌های استان یزد استخراج نمی‌شوند، ولی از میان معدن‌های موجود، اکنون پنجاه معدن مورد بهره‌برداری است، که میلیارد‌ها ریال بر روی آنها سرمایه‌گذاری شده و سالانه اقلام قابل توجهی هم از طریق صادرات و هم از طریق ورود به شبکه‌های تولیدی اساسی کشور، مانند ذوب آهن اصفهان و مبارکه، برای کشور سودآور است. همچنین امکان شغلی مناسبی را در سطح منطقه موجب شده است.

با راه‌اندازی، توسعه و تجهیز معادن غیرفعال و نیز شناسایی معادن شناخته نشده استان، می‌توان بعضی از مسایل اقتصادی-اجتماعی منطقه، چون کمبود اشتغال در روستاها که سبب مهاجرت روستاییان به نقاط شهری می‌شود، تا اندازه‌ای برطرف نمود و از سویی با این گام‌ها می‌توان صنایع دیگری، مانند سیمان‌سازی، شیشه‌سازی، ... را در استان یزد

ایجاد کرد^۱.

به دلیل ذخیره‌های معدنی بسیار استان، کارخانه‌های صنعتی وابسته به معدن و تأسیسات وابسته به سنگ شکن و استخراج معادن در منطقه، توسعه بسیاری یافته است، که مهمترین آنها، عبارت‌اند از:

(۱) کارخانه‌های بزرگ فولادی آلیاژی که با سرعت در حال ایجاد بوده و بیش از ۶۰ درصد امور کلی آن انجام یافته است.

(۲) مجتمع سنگ آهن چادرملو.

(۳) کارخانه ذوب روی، در حال ایجاد.

(۴) کارخانه لیتوپون.

(۵) طرح فسفات اسفوردی.

(۶) مجتمع سنگ آهن چغارت.

(۷) کارخانه فرآورده‌های نسوز پارس.

گام‌هایی برای ایجاد یک کارخانه ذوب آهن با گنجایش سالانه ۴۰۰ هزار تن، در میبد برداشته شده است. از ویژگی‌های این طرح، ملی بودن و داخلی بودن همه امور تکنولوژیک طرح و سرعت عمل بسیار در ایجاد آن است. به طوری که فاز نخست این طرح، بزودی و با اتکاء به نیروهای متخصص ایرانی به مرحله بهره‌برداری خواهد رسید^۲.

اداره کل معادن و فلزات استان یزد، معادن استان را در سال ۱۳۷۵ ه. ش، به شرح زیر اعلام نموده است^۳.

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم،

ص ۱۳۷۷

۲. حاجی شعبانی، محمد. یزد در مسیر توسعه، یزد نگین کویر، ص ۲۰۴ و ۲۱۳

۳. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵ استان یزد، ص ۱۳۸ - ۱۴۰

۳۲۸	شناخت استان یزد	
ردیف	نام معدن	اندازه اندوخته
		(به تن)
(۱)	معدن دولتی سنگ آهن چغارت	۱۴۲۹۰۰۰۰۰
(۲)	معدن دولتی سنگ آهن چادرملو	۳۰۰۰۰۰۰۰۰
(۳)	معدن تعاونی سنگ آهک اشنیز	۳۷۸۰۰۰۰
(۴)	معدن تعاونی سنگ مرمریت شمال سیاه کوه	۴۰۰۰۰۰۰۰
(۵)	معدن دولتی سرب و روی کوشک	۳۴۰۰۰۰۰۰
(۶)	معدن دولتی باریت اردکان	۷۲۲۵۴
(۷)	معدن دولتی باریت دشت ده	۷۲۰۰۰
(۸)	معدن دولتی باریت نیوک	۴۴۰۰۰
(۹)	معدن دولتی باریت هفتهر عقدا	۳۲۹۰۰۰
(۱۰)	معدن تعاونی فلدسپات گزدون	۵۰۰۰۰
(۱۱)	معدن تعاونی فلدسپات پیداخوید	۲۰۰۰۰۰۰
(۱۲)	معدن خصوصی فلدسپات خلیل آباد	۷۲۰۰۰
(۱۳)	معدن دولتی سیلیس متکستانه	۳۳۲۵۰۰۰
(۱۴)	معدن خصوصی چینی معلا	۱۰۱۰۰۰
(۱۵)	معدن تعاونی بشتونیت زرین	۶۰۰۰۰
(۱۶)	معدن تعاونی نمک کلوت اردکان	۳۷۳۰۰۰۰
(۱۷)	معدن خصوصی نمک آبی چاه بیگی و چاه شور	۰۰۰
(۱۸)	معدن خصوصی خاک صنعتی هامانه	۱۷۰۰۰۰
(۱۹)	معدن خصوصی خاک صنعتی ورامی	۱۹۰۰۰۰
(۲۰)	معدن خصوصی سنگ مرمریت سفیدکوه	۶۵۰۰۰۰

ردیف	نام معدن	اندازه اندوخته (به تن)
(۲۱)	معدن خصوصی سنگ مرمر بورق	۵۵۰۰۰
(۲۲)	معدن تعاونی سنگ مرمر باغبید سخوید	۳۴۰۰۰
(۲۳)	معدن خصوصی سنگ مرمریت کوه اعلا ابرقو	۲۷۵۰۰۰
(۲۴)	معدن تعاونی سنگ مرمریت قاسم ذغالی	۱۷۵۵۰۰۰
(۲۵)	معدن تعاونی سنگ مرمریت صورتی بافق	۴۲۵۰۰۰
(۲۶)	معدن خصوصی سنگ مرمر علی آباد	۱۶۲۰۰۰
(۲۷)	معدن خصوصی سنگ مرمریت سفیدکوه	۱۲۵۰۰۰
(۲۸)	معدن خصوصی سنگ مرمریت بیشه در بهاباد	۲۳۴۹۰۰۰۰
(۲۹)	معدن خصوصی سنگ لاشه آهکی طلاورزان	۵۵۰۰۰۰۰
(۳۰)	معدن خصوصی گرانیت	۱۱۰۰۰۰
(۳۱)	معدن خصوصی گرانیت	۱۰۱۰۰۰۰
(۳۲)	معدن خصوصی گرانیت دشتک سانج	۴۱۷۰۰۰
(۳۳)	معدن تعاونی گرانیت عقاب کوه	۲۳۰۰۰۰
(۳۴)	معدن تعاونی سنگ چینی ده بالا	۳۰۰۰۰۰
(۳۵)	معدن خصوصی سنگ تراورتن و مرمر شواز	۱۰۷۰۰۰
(۳۶)	معدن تعاونی تراورتن کمن کوه اعلا ابرکوه	۱۲۷۹۸۰
(۳۷)	معدن دولتی بوکسیت صدرآباد	۱۷۰۰۰۰۰۰
(۳۸)	معدن خصوصی سنگ چینی و کریستال باقی آباد	۲۰۶۵۰۰
(۳۹)	معدن خصوصی سنگ تراورتن شهر سفید ابرکوه	۶۵۰۰۰
(۴۰)	معدن خصوصی سنگ ریوردایست قلعه خرگوشی	۱۰۲۰۰۰

ردیف	نام معدن	اندازه اندوخته (به تن)
(۴۱)	معدن خصوصی سنگ لاشه آهکی طلاورزان	۵۵۰۰۰۰۰
(۴۲)	معدن تعاونی سنگ لاشه آهکی لای زیتی اشنیز	۲۷۰۰۰۰۰
(۴۳)	معدن دولتی فسفات اسفوردی	۱۶۵۰۰۰۰۰
(۴۴)	معدن تعاونی سنگ گچ عصرآباد	۱۶۰۰۰۰۰۰
(۴۵)	معدن تعاونی سنگ گچ نیوک	۳۰۰۰۰۰۰
(۴۶)	معدن خصوصی بالاست میرشمس اردکان	۰۰۰
(۴۷)	معدن خصوصی گل سفید رشکونیه	۳۵۰۰۰
(۴۸)	معدن خصوصی مرمریت چکاوک	۱۲۶۰۰۰
(۴۹)	معدن تعاونی سنگ چینی تادر مهریز	۱۲۷۰۰۰
(۵۰)	معدن تعاونی گل سفید چاه دالچین	۵۱۲۸۰
(۵۱)	معدن تعاونی فلدسپاپ نیباز	۲۰۰۰۰۰۰
(۵۲)	معدن خصوصی نمک آبی بافق	۰۰۰
(۵۳)	معدن خصوصی سنگ لاشه آهکی مزرعه آقا	۰۰۰
(۵۴)	معدن تعاونی تراورتن حجت آباد	۶۲۰۰۰
(۵۵)	معدن تعاونی سنگ چینی نصرآباد	۸۵۶۰۰
(۵۶)	معدن خصوصی باریت درید	۲۸۰۰۰
(۵۷)	معدن تعاونی مرمریت تپه های محمد غلامی	۱۳۶۰۰۰۰
(۵۸)	معدن تعاونی باریت چاه مس	۱۴۰۰۰
(۵۹)	معدن تعاونی گچ کلوت اردکان	۹۰۶۰۰۰

۳- بازرگانی

۳-۱- بازرگانی دیروز

منطقه یزد، در پیش از اسلام، به ویژه در دوران‌های هخامنشی، اشکانی، ساسانی، از جایگاه بازرگانی و فرهنگی ویژه‌ای برخوردار بوده و با داشتن راه‌های معتبر، به مراکز اقتصادی و فرهنگی ایران پیشین می‌پیوسته است. بازمانده کاروانسراها، رباط‌ها، میل‌ها و چاپارخانه‌ها در این استان، خود بهترین گواه آن هستند.

اهمیت راهداری، اگر در دوره‌های پیشین به لحاظ نظامی و سیاسی بود، در دوره‌های بعد، بیشتر برای سامان یافتن بازرگانی بوده است. استاد واسیلی بارتولد، نگارنده کتاب تذکره جغرافیای تاریخی ایران، نگاشته است، یزد به حاصلخیزی پیرامونش سرشناس بوده و یکی از مهمترین نقاط بازرگانی ترانزیتی (گذری) بوده است.^۱

در دوران ساسانی به دلیل توجه پادشاهان این خاندان به یزد، به ویژه قباد و انوشیروان، بازرگانی این ایالت شکوفا شده و رونق یافته است.

در دوره اسلامی، به ویژه در زمان حکومت دیلمیان و کاکویان، منطقه یزد از اقتصاد مطلوبی برخوردار بوده است و این شکوفایی، در گسترش شهر و رفاه مردم، تأثیر زیادی داشته است. در روزگار اتابکان یزد، به ویژه حکومت سلطان قطب‌الدین، چنگیز

۱. بارتولد، واسیلی. تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۱۸۵

مغول به ایران حمله کرد. وی چیرگی مغول را پذیرفت و جانشینانش به عنوان دست نشانندگان مغولان در یزد پایدار شدند و با کفایت و زیرکی، یزد را از سپاه مغول مصون داشتند.

در سایه امنیت و آرامش نسبی یزد، در این دوره بازرگانی و داد و ستد کالاهای گوناگون، رونق یافت. عوامل بسیاری در شکوفایی و گسترش بازرگانی مؤثر بود، از جمله این که ایالت‌های جنوبی ایران زیر حاکمیت مغولان قرار داشت، از این رو کالاهای یزدی تا آن سوی آب‌های جنوبی ایران، به ویژه هندوستان راه یافت و تنها مشکل، نگاهداری راه‌های منتهی به بازار فروش بود.^۱

با امنیت راه‌ها و گسترش آن، بازرگانان برای خرید مصنوعات یزد، به این شهر می‌آمدند. پارچه‌های یزد شهرت جهانی داشت، و در بازارهای داخلی و خارجی به فروش می‌رفت.^۲

مارکوپولو، می‌گوید:

«یزد شهری است از ایران، بزرگ و زیبا و با رونق بازرگانی، در این جا نوعی پارچه ابریشمی معروف به یزدی تولید می‌شود که در میان بازرگانان خریدار بسیار دارد و آن را برای فروش به تمام نقاط جهان می‌برند و با فروشش استفاده زیادی می‌برند.»^۳

در اواخر دوره مغول، بزرگترین مرکز فروش کالاهای بازرگانی،

۱. میرحسینی، محمد حسن. تاریخ یزد، یزد نگین کویر، ص ۵۹

۲. همان منبع، ص ۶۰

۳. ایل میلیون. سفرنامه مارکوپولو، ص ۴۳

آذربایجان بود. بازرگانان یزدی، به ویژه یهودیان یزد، اجناس را از منطقه یزد بدان سرزمین می‌بردند.^۱ پارچه‌های یزدی چنان مرغوبیت داشت، که پادشاهان آنها را به عنوان پیشکش به سفرا و میهمانان خود می‌دادند.^۲

در سده ۸ ه. ق، کمتر شهری به اندازه یزد کاروانسرا، بازار و فروشگاه بزرگ داشته است. وجود این همه مراکز بازرگانی نشانگر فعالیت بسیار بازرگانی بود. بعضی از بازارهای آن زمان، عبارت بودند از: بازار کاغذیان، بازار دلالان، بازار صرافان، بازار صحافان، بازار کفش دوزان، بازار کلاه دوزان، بازار حلاج‌ها،...^۳

در دوران صفوی بازرگانی ایران رواج و اهمیت زیادی یافت، به ویژه ابریشم و منسوجات ایران در بازارهای اروپایی به خوبی معرفی شد و بازرگانان بیگانه به ایران روی آوردند. از یک سو بازرگانان اروپایی و از سوی دیگر تجار هندی از طریق راه‌های زمینی بین اصفهان و دهلی در رفت و آمد بودند و یزد به دلیل داشتن ابریشم و منسوجات مرغوب و جایگاهی که در مسیر راه زمینی داشت، رونق و اهمیت زیادی یافت.^۴

برپایه آگاهی‌های سالخوردگان، تا اواخر دوران قاجار، علاوه بر داد و ستد کالاهای داخلی، محموله‌های شکر و نفت روسیه تزاری را با کاروان‌های شتر از راه‌های کاروان‌رو، از جمله راه یزد - میبد - طبس به منطقه یزد می‌آورده‌اند.^۵

۱. اشپولر، برتولد. تاریخ مغول در ایران، ص ۴۳۵

۲. کنتارینی، سفرنامه کنتارینی، ص ۳۵

۳. میرحسینی، همان کتاب، ص ۶۹

۴. همان منبع، ص ۷۶

۵. یویا، سید عبدالعظیم. سیمای باستانی شهر میبد، ص ۷۷

به هر حال استان یزد به دلیل جایگاه طبیعی و جغرافیایی خود، از روزگاران کهن، در مسیر بازرگانی باختر و خاور قرار داشته و این امر نیز به گسترش بازرگانی آن، کمک کرده است.

پس از اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ ه. ش، توسط نیروی متفقین، بازرگانی ایران، از جمله استان یزد نیز همانند دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی دچار نابسامانی شد.

در این اوضاع و احوال، بازرگانی بیشتر دستخوش گرایش‌های سودپرستان، سفته‌بازان و محتکران بود، که از اوضاع آشفته به سود خویش بهره می‌جستند.

به طور کلی تا سال ۱۳۲۵ ه. ش، تأثیر جنگ بر چهره اقتصاد استان یزد نیز نمایان بود. از این سال به بعد، با بهبود اوضاع و احوال کلی اقتصاد کشور و استان‌ها، بار دیگر داد و ستد در منطقه یزد رونق گرفت و از اوایل سال ۱۳۳۳ ه. ش، همراه با حل مسأله نفت و کمک‌های بلاعوض خارجی و نیز به دلیل احتیاج بسیاری که در بیشتر رشته‌ها به کالاهای وارداتی احساس می‌شد، انگیزه‌های تشویق واردات فراهم شد و این امر رونقی به کار بازرگانی داخلی، از جمله بازرگانی یزد نیز بخشید.^۱

۳-۲- بازرگانی امروز

برپایه بند ۲، اصل ۴۳، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیستم بازرگانی کشور بایستی انگیزه تمرکز دست به دست شدن ثروت، در دست کسان و گروه‌های ویژه نگردد.

۱. سعادت، فتح‌الله و امینی، امیر هوشنگ. جغرافیای اقتصادی ایران، ص ۴۴۷ - ۴۴۸

بنابراین می‌توان گفت که شبکه بازرگانی در جامعه اسلامی بایستی وسیله‌ای در خدمت رفاه همگان، به ویژه در جهت رفع تنگدستی و برطرف کردن محرومیت‌های ناشی از توزیع نادرست گذشته باشد.^۱

استان یزد، در شرایط کنونی از لحاظ فرآورده‌های کشاورزی، دامی، هنرهای دستی، خوراکی، پارچه، ... به عنوان یک منطقه تولیدی مطلوب به شمار می‌رود و بیشتر تولیدات آن، به سایر نقاط ایران، حتی خارج از کشور صادر می‌شود.

استان یزد مقام نخست صادرات پارچه و مقام چهارم صادرات کالاهای صنعتی کشور را به دست آورده است.

از مجموع پیش‌بینی شده ۵/۵ میلیارد دلاری صادرات کالاهای غیرنفتی در کشور، سهم استان یزد ۸۶/۶ میلیون دلار است. افزودن ۱۸ پست در گمرک استان یزد، مجوز صادرات پسته، فرش و روناس از این گمرک صادر می‌شود.

پسته پس از فرش، دومین کالای صادراتی استان به شمار می‌آید و از مجموع ۱۰۴ واحد پایانه بهداشتی در استان، ۳۳ واحد به نگاهداری پسته اختصاص یافته است، که از این راه تسهیلات و اعتبارات بانکی ایجاد می‌شود.

اندازه تولید پسته در این استان در سال ۱۳۷۷ ه. ش، ۱۵ هزار تن تخمین زده شده است، که با اتخاذ سیاست‌های مناسب، پس از رفع موانع صدور، این فرآورده به خارج صادر می‌شود.^۲

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۲ - ۳۳

۲. روزنامه کیهان، شماره ۱۶۲۸۳/۱۱ مرداد ۱۳۷۷، ص ۱۱

کالاهایی که وارد استان یزد می‌شوند، عبارت‌اند از: چای، برنج، سیگار، روغن نباتی، کره، ماشین‌آلات زراعی، واحدهای تولیدی، ... فعالیت‌های مهم بازرگانی دستگاه‌های دولتی، در زمینه قند، شکر، غله، ... است.

۴- راه‌ها و حمل و نقل

۴-۱- راه‌های دیروز

دشتی که شهر کهن یزد در آن تکوین یافته است، در فضای درّه ماندی میان دو رشته از کوه‌های مرکزی ایران، جای دارد. از دوران باستان تا امروز یک شاهراه بزرگ که سرزمین ماد بزرگ^۱ را به کرمان و ایران خاوری پیوند می‌داده است، از میان این دشت می‌گذرد. از سوی دیگر جاده باستانی پارس به خراسان، راه مزبور را می‌برد و یزد را بر سر یک چهارراه پیشین منطقه‌ای قرار می‌دهد^۲. در دوران اشکانیان و ساسانیان، علاوه بر شاهراه بزرگ جاده ابریشم، راه‌های دیگری نیز مراکز استان‌ها و سایر شهرهای کشور را به یکدیگر پیوند می‌داده است، در زیر به برخی از این راه‌ها، اشاره می‌شود:

۴-۱-۱- راه ری-اصفهان-یزد

این راه از ری به سوی جنوب رفته از قم و کاشان گذشته به شهر

۱. سرزمین ماد، شامل ایران مرکزی و باختری و آذربایجان بوده است.

۲. پویا، سید عبدالعظیم. زندان اسکندر از نگاهی دیگر، مجموعه مقالات انجمن واره

بررسی مسایل ایران شناسی، ص ۶۳

گبای (اصفهان کنونی) رسیده از آن جا شعبه‌ای از آن، از راه یزد به کرمان و از کرمان باز شعبه‌ای به سیستان، سند و کرانه‌های دریای مکران (دریای عمان) می‌پیوست.^۱

۴- ۱- ۲- راه یزد - سیستان

از سیستان تا یزد، راهی وجود داشته، که کویر را در دورافتاده‌ترین بخش‌هایش، یعنی بین «ده سلم» و گذار باروت، میان‌بُر می‌کرده است.^۲

۴- ۱- ۳- راه یزد به خراسان

این راه دارای ایستگاه‌های بسیاری است، از یزد به سوی آنجیره و خزانه رفته از تل سیاه و ساغند و پشت بادام گذشته به رباط محمد رسیده از آن جا به ریگ و مهلب و رباط حوران، ... رفته، سرانجام به ترشیز (کاشمر) و از آن جا به نیشابور می‌پیوسته است.^۳

۴- ۲- راه‌های امروز

در حال حاضر استان یزد دارای راه‌های زمینی و هوایی است. راه‌های زمینی آن، از گونه شوسه، آسفالته و راه آهن، به شرح زیر است:

۴- ۲- ۱- راه‌های اصلی، فرعی، روستایی

این راه‌ها، شامل راه‌های اصلی، فرعی، روستایی و مالرو است. راه‌های اصلی استان را با استان‌های اصفهان، فارس، کرمان و خراسان

۱. پیرنیا، محمدکریم و افسر، کرامت‌الله. راه و رباط، ص ۸۷ - ۸۸

۲. گابریل، آلفونس. تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ص ۳۴

۳. پیرنیا، همان کتاب، ص ۱۱۳

پیوند می‌دهد و از راه‌های مهم ارتباطی شمال به جنوب و باختر به خاور ایران است.

استان یزد، در سال ۱۳۷۵ ه. ش، دارای بیش از دو هزار کیلومتر راه اصلی آسفالته و راه‌های فرعی و روستایی بوده است. محور اصلی ارتباطی استان یزد، سرشناس به جادهٔ سنتو، یکی از پر رفت و آمدترین شبکه‌های ارتباطی ایران، به ویژه در حمل و نقل بار با وسایط نقلیهٔ سنگین به شمار می‌رود. بندرهای مهم هرمزگان و همچنین بندر استراتژیک چابهار در استان سیستان و بلوچستان نیز تأثیر زیادی در رونق این راه ارتباطی داشته‌اند.

راه‌های فرعی، شهرستان‌های استان را به یکدیگر می‌پیوندند و یا شهرستان‌ها را به شهر یزد، مرکز استان پیوند می‌دهند. راه‌های روستایی که توسط جهاد سازندگی ایجاد شده است، روستاها، دهستان‌ها و مراکز بخش‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهند و نقش ارزنده‌ای در زندگی اجتماعی روستاییان و کشاورزان منطقه از لحاظ اقتصادی، ارتباطی و حمل بار دارند.

۴-۲-۲- راه آهن

راه آهن نقش مهم و بزرگی در حمل کالا، مواد اولیه و مسافر دارد. راه آهن استان یزد سبب پیوند این استان با استان‌های اصفهان و کرمان و سبب ارتباط مراکز معدنی و صنعتی ایران است. راه آهن سراسری ایران، از تهران شروع شده و شاخهٔ جنوب خاوری آن، پس از گذر از شهر قم، به دوبخش شده، یکی از طریق کاشان و اصفهان به یزد رسیده و دیگری

پس از گذشتن از بافق به زرنده و شهر کرمان می‌پیوندد.^۱

استان یزد، در سال ۱۳۷۵ ه. ش، با داشتن ۳۳۳ کیلومتر خط راه آهن و حمل ۳/۹ میلیون تن بار در سال، بیشترین میزان حمل و نقل بار با راه آهن در سطح کشور را ویژه خود ساخته است.

گسترش شبکه راه آهن از طریق ایجاد راه آهن بافق به چادرملو و باد به میبد، ادامه دارد و در آینده با پیوستن شبکه راه آهن منطقه به استان‌های خراسان و سیستان و بلوچستان، یکی از مهمترین محورهای ترانزیت (گذری) بین‌المللی راه آهن در کشور شکل خواهد گرفت.^۲

۴ - ۲ - ۳ - راه‌های هوایی

استان یزد از طریق راه‌های هوایی به بیشتر نقاط و مراکز استان‌های دیگر، مانند: تهران، شیراز، اصفهان، کرمان، بندرعباس، زاهدان، مشهد، ... بستگی دارد.

فرودگاه شهید صدوقی یزد دارای امکان‌های کافی برای پذیرش هواپیماهای عادی و پهن پیکر بوده و می‌تواند خدمات فرودگاهی بایسته را برای پروازهای داخلی و خارجی تأمین کند. علاوه بر پروازهای هر روزه تهران - یزد و برعکس، پروازهای دیگری به اصفهان، مشهد، زاهدان، بندرعباس، شیراز، کرمان، ... در این فرودگاه انجام می‌شود. اخیراً پروازهای حج و زیارت سوریه نیز به طور مستقیم از فرودگاه شهید صدوقی یزد انجام می‌شود.

۱. دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها، همان کتاب، ص ۱۳۸۱

۲. حاجی شعبانی، همان منبع، ص ۲۱۴ - ۲۱۵

۵- مخابرات

در استان یزد با توجه به اهمیت نقش مخابرات و ارتباطات در دنیای امروز، روند گسترش مخابرات شایان توجه است. شمار تلفن‌های دایر در سطح استان تا سال ۱۳۵۷ ه. ش، برابر ۸۰۰۰ شماره بوده است، که این رقم در سال ۱۳۷۳ ه. ش، به ۸۴۶۵۸ شماره^۱ و در سال ۱۳۷۵ ه. ش، ۱۰۹۵۲۵ شماره رسیده است^۲ و تا پایان برنامه دوم، در سال ۱۳۷۸ ه. ش، به ۱۷۸۷۴۴ شماره خواهد رسید.

مراکز تلفن خودکار از ۳ واحد در سال ۱۳۵۷ ه. ش، به بیش از ۳۴ واحد افزایش یافته است. همچنین افزایش کانال‌های بین شهری، کانال‌های ماکروویو و تلفن‌های همگانی راه دور، که امروزه یکی از محورهای اساسی توسعه در استان یزد به شمار می‌رود.

۶- پست

اداره کل پست استان یزد در سال ۱۳۷۵ ه. ش، با هفت اداره پست شهرستانی، ۲۹ واحد دفتر شهری، ۱۳ باجه پست شهری، ۲۷ دفتر و باجه پست روستایی، ۵۲ نمایندگی پستی، ۵۳۳ صندوق شهری و ۶۴۴ صندوق روستایی^۳، شبکه بزرگی را برای خدمات پستی تدارک دیده است.

۱. همان منبع، ص ۲۱۵

۲. سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵ استان یزد، ص ۲۳۳

۳. همان کتاب، ص ۲۳۴

این ارقام، در مقایسه با سال‌های پیش از پیروزی انقلاب در هر مورد چندین برابر توسعه را نشان می‌دهد. علاوه بر این، امکان‌های جدید، چون فرستادن سریع بسته‌های پستی و پست تصویری نیز خدمات پستی افزوده شده است.^۱

بخش ششم

فهرست ها

نمایه

۱- کسان

اردشیر، ۱۳۳	آخوند، حاجی علی اکبر ۱۲۵
اردکانی، استاد سید احمد ۱۷۵	آذرگشسب، موبد اردشیر ۱۲۹، ۲۸۱
اردکانی، دکتر حسین محبوبی ۱۷۵	آقااعلا، ۱۹۲
اردکانی، دکتر رضا داوری ۱۷۶	آلب ارسلان، ۹۴
اردکانی، شیخ یحیی عشیره ۱۷۵	آناهیتا، ۹۲
اردکانی، فرساد ۱۷۵	آیتی، عبدالحسین ۸۳، ۸۶
اردکانی، قاضی الدین ۱۷۵	ابراهیم، ۹۰
اردکانی، گلشن ۱۷۵	ابرقویی، خواجه نظام الملک ۱۶۱، ۱۶۲
اردکانی، مولانا محمد طاهر منجم ۱۷۵	ابرقویی، عطاء ۱۶۱
اردکانی، نسیم ۱۷۵	ابرقویی، علی کوهیار ۱۶۱
ارسلان خاتون، ۹۴، ۲۴۴	ابرقویی، لطف الله منشی ۱۶۱
اسفہسالار ابومنصور (قطب الدین)، ۹۵	ابرقویی، میر غیاثای ۱۶۱
اسکندر، ۹۹	ابرقویی، میرهادی ۱۶۱
اشپولر، برتولد ۳۳۳	ابن خردادبه، ۸۵
اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، ۸۴	ابوجعفر، ۹۳
۱۵۹	ابومنصور فرامرز، ۹۳
اعراف، آیت الله شیخ محمد ابراهیم	اتابکان یزد، ۹۴
۲۲۱	ارباب جمشید، ۱۲۷

افراسیابی، بهرام ۱۷۳	ایل میلیونه ۳۲۲
افسر، کرامت الله ۳۳۷	بارتولد، واسیلی ۹۲، ۳۳۱
افشار سیستانی، ایرج ۲۲، ۹۷، ۱۰۱	باقی، وحشی ۱۰۱، ۱۸۲، ۱۸۴
۱۰۳، ۱۷۲، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۵۷	باقرزاده، حمید ۲۲
افشار، نادرشاه ۱۰۲، ۱۸۲، ۲۳۵	باقری، محمد ۲۱۱
افشین، یدالله ۱۷۰	باقی، نعمت الله ۱۰۱
افغان، اشرف ۱۰۲، ۲۳۵	بایندری، مرادبیک ۱۰۰
افغان، محمود ۱۰۲، ۲۳۵	بزرگ زاده، حبیب الله ۲۸۱
امام حسین (ع)، ۱۳۵، ۱۴۱، ۲۷۳	بطلمبوس، ۸۴
امام زاده پیرغیب، ۲۱۱	بنی احمد، احمد ۹۸
امیرالمؤمنین (ع)، ۲۴۴	بنی تمیم، ۹۳
امیر برهان، ۱۶۱	بنی عامر، ۹۳
امیر جلال الدین، ۹۹	به آذین، م ۳۰۳
امیر چقماق، ۹۹	بهادرخان، ابوسعید ۹۷
امیر علی، ۹۴	بهاء الدین، ۲۱۰
امیر عمیدالدین شمس الدوله ابن علی، ۱۵۹	بهجتی اردکانی، حجت الاسلام شیخ علی ۱۷۶
امیر فرامرز، ۹۴	بهرام، ۲۱۶
امیرلو، عنایت الله ۱۱۴	بهشتی، ۲۵۶
امیر مبارزالدین محمد، ۹۶، ۹۷	بیات، عزیزالله ۸۴، ۹۲، ۲۳۵، ۲۳۶
امیر مظفر، ۹۷	بی بی عایشه ملکه خاتون، ۱۶۰
امینی، امیر هوشنگ ۳۳۴	بیداخویدی، شیخ علی بلیمان ۱۴۰
انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم ۲۶۳	پاپلی یزدی، محمد حسین ۲۰۹، ۲۴۱، ۲۴۳
۲۶۵	پاک نژاد، ۲۵۵
انوشیروان، ۹۲، ۲۰۵، ۲۱۷، ۳۳۱	پتروف، م. پ. ۳۴
انوشیروان ساسانی، ۲۰۳	پوراندهخت، ۲۱۹
اولیاء، محمد رضا ۱۲۳، ۱۴۰، ۱۴۱	

- پسویا، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۲۱۹، ۲۹۸، ۳۳۳، ۳۳۶
- چقماق شامی، ۹۹
- چنگیز، ۹۵، ۳۳۱
- پسویا، سید عبدالمعظم ۸۴، ۹۲، ۱۱۳، ۲۱۷، ۱۲۱
- پهلوی، رضاشاه ۱۰۵
- پیر حمزه، ۱۶۱
- پیر محمد، ۹۹
- پیر مراد، ۱۸۲
- پیرنیا، محمد کریم ۳۳۷
- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن ۹۱
- تبریزی، محمد بن خلف ۱۵۶
- ترکان، مریم ۹۵
- تمیمی، ابی عبد الله بن احمد بن
- ابوالیسر بن عبد الله بن ۱۱۴
- تیمور، ۹۹
- تیمورلنگ، ۹۸، ۹۹
- ثمره، ید الله ۲۴۹
- جانب الهی، محمد سعید ۲۲۵
- جعفری، ۸۵، ۸۷، ۲۰۴
- جعفری، جعفر بن محمد ۲۱۶
- جعفری، عباس ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۷، ۱۵۴، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۹۲، ۲۳۰
- جکسن، ۸۵، ۹۰
- جکسن، ابراهم ولنتاین ویلیامز ۸۴
- جلالی یزدی، ۱۸۴
- جوزافا باربارو ونیزی، ۹۰
- جهانشاه قراقویونلو، ۲۰۹، ۲۱۰
- چقماق شامی، ۹۹
- چنگیز، ۹۵، ۳۳۱
- حائری، حاج شیخ عبدالکریم ۲۰۷
- حائری، ملا عبدالکریم ۱۰۳
- حاج سیاح ۱۲۱
- حاج مهدی، ۱۸۶
- حاجی شاه بن یوسف شاه، ۹۴، ۹۷
- حاجی شعبانی، محمد ۲۵۶، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۳۹، ۳۴۱
- حسن بن کیخسرو، ۱۶۰
- حسینی، ۱۹۲
- حسینی، حسام الدین ۷۹
- حضرت رضا (ع)، ۱۳۴
- حضرت علی (ع)، ۲۱۱
- حضرت محمد (ص)، ۲۶۰
- حیدریه زاده، محمود ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۶۴، ۲۷۳، ۳۰۷، ۳۱۵
- خاتم، آیت الله حاج سید عباس ۲۳۸
- خاتمی، حجت الاسلام حاج سید محمد
- رضا ۱۷۶
- خاتمی، حضرت آیت الله ۱۷۶
- خاتمی، دکتر سید محمد ۱۷۶
- خاتمی (ره)، آیت الله ۲۳۸
- خدیجه خاتون، ۲۲۰
- خراسانی، غیاث الدین ۹۷
- خرمّی، حاجی علی اکبر ۱۲۵
- خلف تبریزی، محمد بن ۱۵۶

- خلیل الله سوم، ۱۰۱
 خواجه خضر الله آباد، ۲۴۴
 خواجه نظام الملک، ۱۶۰
 خواجه خضر، ۲۶۰
 خوارزم شاه، سلطان جلال الدین ۱۶۲
 خوشنویس، حاج ابوالقاسم ۱۷۵
 داماد، حضرت آیت الله العظمی ۱۷۵
 دهخدا، علی اکبر ۱۵۶
 دیلمی، فخرالدوله ۱۸۱، ۲۳۴
 رحمانی، فریدون ۱۹۷
 رسولیان، حاج کاظم ۱۳۵
 رشتی، حاجی ابوالقاسم ۱۴۵
 رضی، هاشم ۲۸۴
 رکن الدین سام بن وردان روز، ۹۴
 رکن الدین یوسف شاه، ۹۴
 زال، اشکین ۲۴۱
 زربانو، ۱۳۴
 زرتشت اسپنتمان، ۲۸۳
 زنجانی، حبیب الله ۱۷۵، ۱۹۷
 زند، کریم خان ۱۴۵
 زنگی، ابوبکر سعد ۱۶۲
 زین الدین، ۱۳۷، ۲۰۵
 سام، رکن الدین ۹۵
 سپهری اردکانی، علی ۱۶۹، ۱۷۳
 سروشیان، جمشید سروش ۱۳۵، ۲۸۸
 سعادت، فتح الله ۳۳۴
 سکندر، ۸۵
 سلجوقی، جفری بیگ داود ۹۴
 سلجوقی، طغرل ۹۳
 سلجوقی، ملکشاه ۹۴، ۲۳۴
 سلطان احمد، ۹۷
 سلطان العلماء، ۱۷۵
 سلطان زاده، حسین ۸۹، ۲۳۳
 سلطان سنجر، ۹۴
 سلطان قطب الدین، ۳۳۱
 سلطان محمد، ۹۸
 سلطان، میرزا عنایت ۱۰۲، ۲۳۵
 سلیمان، ۱۱۱
 سهل بن علی، ۱۳۵
 سید الشهداء (ع)، ۱۴۱
 سید تاج الدین، ۲۴۲
 سید جعفر (ع)، ۹۳
 سید حسن حاجی آباد، ۲۴۲
 سید رکن الدین، ۲۳۶
 سید شمس الدین، ۲۳۶
 سید عبدالعظیم پویا، ۸۶
 سید محمد، ۱۹۲
 سید نورالدین، ۲۱۱
 سیده خاتون، ۹۳
 شاه ابوالوالی، ۱۰۲
 شاه اسماعیل، ۱۰۱
 شاه تهماسب، ۱۰۱
 شاهرخ، ۹۹
 شاهرخ شاه، ۱۷۲

- شاهرخ میرزای افشار، ۲۳۵
شاهزاده محمد ولی میرزا، ۱۷۳
شاه شجاع، ۹۸
شاه محمود، ۹۷، ۲۳۶
شاه ولی، ۱۹۶
شاه یحیی، ۹۸
شبانکاره‌ای، محمد ۱۱۱
شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد ۹۶
شبانکاره، ملوک ۹۷
شرف‌الدین مظفر، ۹۶
شریعت‌زاده، سید علی اصغر ۱۴۵
شکوهی، مهرداد ۱۱۷
شمس، ۲۰۵
شمس‌الملوک ظهیرالدین ابومنصور
فرامرز، ۹۳
شهابی، فاطمه ۲۶۶
شهزادای، موبدرستم ۲۸۵
شیخ تقی‌الدین دادا،
شیخ تقی‌الدین دادا محمد، ۱۳۹، ۱۷۲،
۱۷۵، ۲۴۲، ۲۳۶
شیخ جنید، ۲۳۶
شیخ حیدر، ۱۰۰
شیخ ضیاءالدین، ۱۸۶
شیخ عبدالکریم حائری یزدی، ۲۳۷
شیخ عبدالله، ۲۱۰
شیخ محمد، ۱۷۲، ۱۸۶
صدوقی، ۲۵۴، ۳۳۹
صدوقی، آیت‌الله ۲۳۸
صفا، ذبیح‌الله ۲۴۸
صفوی، شاه اسماعیل ۱۰۰
ضحاک، ۹۰
ضیایی، هوشنگ ۷۷
ضیاءپور، جلیل ۲۹۳
ضیغم‌الدوله، ۱۰۵
طاوس الحرمین، ۱۶۱
طبسی، ابوسعید ۹۸
طبسی، امیرحسین خان ۱۷۳
طغان شاه، علاءالدوله، ۹۴
عبدالباقی، میرزا ۱۰۱
عبدالله، ۱۸۲
عزالدين، ۹۴
علاءالدوله ابوجعفر، ۹۳
علاءالدوله کالنجار، ۹۴، ۲۳۴، ۲۴۴
علمداری، هوشنگ ۲۲
علویان، ۹۳
علی، ۳۰۵
علی اکبر دهخدا، ۱۵۶
علی بن ابی طالب، ۱۱۴
علی قلی خان، ۱۷۲
علی نقی خان، ۱۷۳
علینقی خان، ۲۴۲
عمر بن عاص، ۱۱۴
عمر شیخ، ۹۹
عنایت الله امیرلو، ۱۱۴

کاشانی، معظم السلطنة ۱۰۳	عنایت سلطان، ۱۰۲، ۲۳۵
کتبی، محمود. ۹۵	عنبری، مولانا ۱۶۱
کریستن سن، آرتور ۲۵۹	غازان خان، ۹۶
کشاوری، کیخسرو ۲۸۷	فاضل اردکانی، حضرت آیت الله العظمی
کلایس، ولفرام ۱۳۷	۱۷۵
کنتارینی، ۳۳۳	فاطمه زهرا(س)، ۲۵۵
کوهی کرمانی، حسین ۲۶۸	فاطمی، دکتر سید احمد ۱۷۵
کیانی، محمدیوسف ۱۳۷	فاموری، جلال ۴۳، ۴۵
گابریل، آلفونس ۹۱، ۳۳۷	فرخی یزدی، میرزا محمد ۲۳۸
گاندی، ایندیرا ۲۷۹	فرساد، حاج شیخ محمود ۲۳۷
گنجعلی خان، ۱۳۷	فیروز شاه بن یزدگرد بن بهرام گور،
لسان الحق عبدالوهاب، ۲۴۴	۲۴۲
لسترنج، گی ۸۴، ۱۸۰، ۱۸۱	فلسفی، نصرالله. ۱۰۰
لطفعلی خان زند، ۱۷۳	قاجار، محمد خان ۱۷۳
لطیفی، محمود ۷۸	قاجار، مظفرالدین شاه ۱۰۳
مارکوپولو، ۸۹، ۳۳۲	قاضی میرجعفر، ۱۸۲
مالک بن عمرو، ۱۱۳	قباد، ۹۲، ۲۱۷، ۳۳۱
مالک ذئب، ۱۱۳	قبادیان، ۳۴، ۳۶، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۷
مبارزالدین محمد، ۹۷	قبادیان، عطاءالله ۳۱
مبینی، محمدعلی ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۱۲،	قزوینی، حاجی میرزا محمد خان ۱۷۳
۳۱۷	قطب الدین محمود، رکن الدین
مجدالدوله دیلمی، ۹۳	علاءالدوله، ۹۴
محرم باقری عارف، ۱۸۴	کاتب، ۸۵
محفوظ بن محمد، ۲۰۵	کاتب، احمد ۸۷، ۱۱۱، ۲۳۴
محمدالعلماء، ۱۷۵	کاتب، احمد بن حسین بن علی ۱۹۵،
محمد بن مظفر، ۹۵، ۲۱۹	۲۱۷، ۲۲۰، ۲۳۴
محمد تقی خان، ۱۰۲، ۲۳۵	کاشانی، آیت الله ۱۲۷

نمایه	۳۵۱
محمد علی میرزا، ۱۰۳	موسوی نسامی اصفهانی، میرزا
محمد کره، ۱۰۱	محمد صادق ۱۷۳
محمد کریم خان، ۱۷۳، ۲۱۱	مهدوی، مسعود ۳۲۵
محمود شاه، ۹۵	مهرنگار، ۲۰۳
مدرس بزرگ، میرزا سید محمد علی	مهندس مقتدر ۱۵۴
۲۳۷	میبدی، امام حافظ فخرالاسلام
مدرس حکمی یزدی، میرزا علی اکبر	رشیدالدین ۲۲۱
۲۳۸	میبدی، قاضی میرحسین ۱۰۱
مدرس زاده، ۱۶۳	میبدی، ملا میرحسین ۲۲۱
مدرس زاده، سید محمد حسین ۱۵۶	میرحسینی، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۵
مرتضی قلی خان، ۱۰۵	میرحسینی، محمد حسن ۹۱، ۲۳۵،
مزاوی، میشل ۱۰۱	۳۳۲، ۳۳۳
مستوفی، ۱۶۱	میرزا مهدی قلی، ۱۷۳
مستوفی بافقی، محمد مفید ۱۷۲، ۲۰۴	میر شمس الحق، ۲۲۰
مستوفی، حمد الله ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱	میر صدرالدین قنبر، ۲۲۰
مشیرپور، میر محمد ۲۹۱	میر میران، ۱۰۱
مصباح، حجت الاسلام شیخ محمد تقی	مؤمن خان، ۲۳۵
۲۳۸	مؤیدالدوله ابو منصور علی بن فرامرز، ۹۴
مصطفوی، ۱۶۰	نادرشاه، ۱۷۲
مصطفوی، سید محمد تقی ۱۵۷	نجاتی بافقی، ۱۸۴
مظفری، شاه شجاع ۹۸	نجم الدین محمود، ۲۱۰
مفید مستوفی بافقی، محمد ۱۷۱	نسفی، شیخ عزالدین ۱۶۱
مقتدر، غلامحسین. ۹۷	نصیرالدین، ۱۹۵
مقدونی، اسکندر ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۰،	نظام حسینی، امیر رکن الدین محمد بن
۲۳۳، ۲۳۴	۲۳۷
ملا عبد الله، ۱۸۶	نونیانی، اودوریک پورد ۸۹
موید، ۲۱۷	وردانروز، ۹۵

وردانروز، اسفهلار ابو منصور	هیپروام، ۸۷
(قطب الدین)، ۹۴	یزدگرد، ۱۳۳، ۲۱۶
وزیری، حاج سید علی محمد ۲۳۸	یزدگرد اول، ۸۴، ۹۲
ولنتاین ویلیامز، جکسن ابراهم ۸۴	یزدگرد سوم، ۱۲۹
هاکس، ۳۰۰	یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی ۲۳۷
هاکس، مریت ۲۷۳، ۳۰۰	یزدی، شرف الدین علی ۱۰۰، ۲۳۷
هانس جین، ۵۸	یزدی، محمد تقی خان ۱۷۳، ۲۳۵،
هانی، حویطب بن ۱۱۴	۲۳۶
هرمز، ۲۰۵	یزدی، معین الدین بن جلال الدین محمد
	۲۳۷
هرمز شاه، ۲۰۳	یزدی، موالی ۱۸۴
هرن، پاول ۱۰۵	یعقوب لیث صفاری، ۱۸۱، ۲۳۴
همدانی، خواجه رشید الدین فضل الله ۹۶	یعقوبی، احمد بن اسحاق ۸۵
هنری، مرتضی ۲۸۳	

۲- مکان‌ها

آبادیه، ۱۵۱، ۱۵۵	۳۱۶، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۰
آذربایجان، ۱۰۳، ۲۸۳، ۳۳۳	ازبکستان، ۲۸۳
آلمان، ۱۰۵	اشک‌زر، ۵۵، ۵۶، ۲۳۰، ۲۴۱، ۲۴۲
آهن‌شهر، ۱۸۵	۲۴۳، ۳۱۰، ۳۱۱
ابرقو، ۹۶	اصفهان، ۴۹، ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱
ابرکو، ۲۰۹	۱۰۲، ۱۱۷، ۱۲۹، ۱۵۱، ۱۵۵
ابرکوه، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶	۱۶۵، ۲۰۹، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۵
۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲	۳۰۴، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۳
۱۶۳، ۱۷۳، ۱۸۹، ۱۹۸، ۱۹۹	۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸
۲۲۷، ۲۳۴، ۲۴۱، ۳۰۱، ۳۲۹	افغانستان، ۲۸۳
ابیانه، ۳۰۹	اقلید، ۱۵۵
اردستان، ۹۹	انگلستان، ۱۰۵
اردکان، ۳۲، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۶، ۵۵، ۵۶	اهواز، ۲۳۰
۵۸، ۶۳، ۶۵، ۶۸، ۹۱، ۱۲۷، ۱۳۳	ایران، ۲۱، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۴۹، ۵۴
۱۴۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰	۵۷، ۵۹، ۷۹، ۸۴، ۹۰، ۹۱، ۹۳
۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶	۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳
۱۷۷، ۱۸۰، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷	۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۳۷
۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۵۵	۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵، ۲۱۳
۲۵۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۱۰	۲۱۹، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۷

شناخت استان یزد	۳۵۴
۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۲۷، ۲۳۰،	۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹،
۲۴۱، ۲۵۶، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۱،	۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱،
۳۱۳، ۳۲۶،	۲۸۴، ۲۹۱، ۲۹۳، ۳۰۳، ۳۰۶،
تهران، ۵۱، ۵۹، ۱۰۳، ۱۵۵، ۱۶۵، ۱۷۷،	۳۱۵، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴،
۱۸۰، ۱۹۲، ۲۳۰، ۳۰۴، ۳۰۶،	۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴،
۳۲۵، ۳۳۸، ۳۳۹،	۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۸،
چابهار، ۳۳۸	باق، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۱۶۵،
چین، ۱۵۴	۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴،
خراسان، ۳۰، ۴۹، ۹۱، ۱۱۳، ۱۶۵،	۱۸۵، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۲۷، ۲۳۰،
۱۷۲، ۱۷۳، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۹،	۲۵۵، ۳۰۱، ۳۱۶، ۳۲۵، ۳۲۹،
خرائق، ۳۱۱	۳۳۰، ۳۳۹،
خرم آباد، ۲۳۰	بختیاری، ۲۹۱، ۲۹۲،
خرمشهر، ۲۳۰	بغداد آباد، ۳۱۳،
خوزستان، ۹۸	بلوچستان، ۳۲۵، ۳۳۸، ۳۳۹،
خونزا، ۳۱۳	بندرعباس، ۱۸۵، ۲۰۹، ۲۳۰، ۳۱۵،
دامغان، ۱۱۷	۳۲۵، ۳۳۹،
دهشیر، ۲۴۱	بندرعباس
دهلی، ۱۰۲، ۲۷۹، ۳۳۳،	بندری، ۲۹۱،
رستاق، ۲۹۷، ۲۹۸،	بو شهر، ۲۳۰،
رفسنجان، ۶۷، ۱۹۹، ۲۰۳،	بهباد، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۳۰، ۳۱۳، ۳۱۶،
روسیه، ۳۳۳،	۳۲۹،
ری، ۸۴، ۸۸، ۹۱، ۱۱۵، ۱۱۹، ۲۳۳،	بهادران، ۷۹،
۳۳۶،	تاجیکستان، ۲۸۳،
زارچ، ۲۳۰، ۲۴۳،	ترکمنستان، ۲۸۳،
زاهدان، ۲۳۰، ۳۲۵، ۳۳۹،	ترکیه، ۲۸۳،
زرند، ۶۷، ۳۳۹،	تفت، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۸۹، ۱۹۰،
ساغند، ۵۶، ۵۷، ۶۵،	۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶،

نمایه	۳۵۵
سمنان، ۲۳۰	۲۳۰، ۲۳۵، ۲۸۹، ۳۰۳، ۳۱۵
سوریه، ۳۳۹	۳۲۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۹
سیستان، ۹۹، ۱۵۴، ۳۲۵، ۳۳۷، ۳۳۸	کرمانشاه، ۱۰۳
۳۳۹	کویت، ۲۱۵
شاه ولی، ۱۰۲	گیلان، ۱۰۳
شمس، ۲۳۹	لُر، ۲۹۱
شهداد، ۸۶	مبارکه، ۳۱۶، ۳۲۶
شهر بابک، ۱۹۹	مروست، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۳۰
شهر کرد، ۲۳۰	مشهد، ۱۳۴، ۱۷۲، ۱۸۵، ۲۳۰، ۲۷۰
شیراز، ۹۷، ۱۵۵، ۱۷۳، ۲۳۰، ۳۳۹	۳۲۵، ۳۳۹
طیس، ۳۰، ۱۱۳، ۳۳۳	مهریز، ۵۵، ۷۸، ۹۱، ۱۱۳، ۱۳۴، ۱۵۱
عراق، ۹۳، ۱۵۶، ۲۴۸، ۲۸۳	۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱
عقدا، ۳۰۰	۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹
فارس، ۵۱، ۸۹، ۹۸، ۹۹، ۱۵۱، ۱۵۶	۲۱۰، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۵۶
۱۵۹، ۱۶۵، ۱۹۹، ۲۰۹، ۲۱۰	۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۱۳
۲۱۱، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۳۳۷	۳۱۶، ۳۲۳، ۳۳۰
فهرج، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۲۳۳	مبید، ۵۵، ۸۶، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۶
۲۹۸	۹۷، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۹
قم، ۲۳۸، ۳۳۶، ۳۳۸	۱۶۹، ۱۷۳، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵
کاشان، ۱۵۴، ۳۰۹، ۳۳۶، ۳۳۸	۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱
کاشمر، ۳۳۷	۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۰
کالمند، ۷۹	۲۳۳، ۲۴۳، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۹۷
کریلا، ۲۷۰	۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۳
گُرد آذربایجان، ۲۹۲	۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۳۳، ۳۳۹
کرمان، ۳۰، ۴۹، ۵۱، ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۹۱	نابین، ۵۵، ۸۹، ۹۹، ۱۱۷، ۲۳۳
۹۶، ۹۷، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۵۴	نصیری، ۱۹۵
۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۹، ۲۱۰	نوگنبد، ۲۳۹

۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹	نیر، ۲۳۰، ۳۱۳
۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱	نیریز، ۱۹۹
۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱	نیشابور، ۳۳۷
۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰	هرات، ۲۱۰، ۲۳۰
۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۹	هرمزگان، ۳۳۸
۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰	همدان، ۱۰۸
۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷	هندوستان، ۹۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۴
۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳	۲۷۹، ۳۳۲
۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۳	یران، ۲۱۵
۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹	یزد، ۲۱، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۶
۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۹	۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۹
۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹	۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹
۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵	۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۳
۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲	۷۷، ۷۸، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷
۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰	۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴
۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵	۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱
۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴	۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸
۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۳۹	۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۱
یوگسلاوی، ۲۸۱	۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴
یونان، ۱۰۹، ۱۷۲	۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۹
	۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۵

منابع

- ۱ - آذرگشسب، موبد اردشیر. پیرسبز، زیارتگاه زرتشتیان، تهران، انتشارات کانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز، تیر ۱۳۴۷
- ۲ - آذرگشسب، موبد اردشیر. جشن‌های ایران باستان، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، سال ۶، شماره ۲، شهریور ۱۳۴۷
- ۳ - اتحادیه شهرداری‌های ایران. سالنامه شهرداری‌ها، تهران، ۱۳۴۵
- ۴ - اشپولر، برتولد. تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶
- ۵ - اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶
- ۶ - اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. مرآة البلدان، جلد اول، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۶۷
- ۷ - افراسیابی، بهرام. قلعه پری، تهران، نشر علم و انتشارات سخن، بهار ۱۳۶۹
- ۸ - افشار سیستانی، ایرج. خوزستان و تمدن دیرینه آن، جلد اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهار ۱۳۷۳

- ۹ - افشار سیستانی، ایرج. سیستان‌نامه، جلد اوّل، تهران، نشر مرغ‌آمین، ۱۳۶۹
- ۱۰ - افشار سیستانی، ایرج. سیمای ایران، تهران، انتشارات آقایگ، زمستان، ۱۳۷۲
- ۱۱ - افشار سیستانی، ایرج. کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، جلد اوّل، تهران، انتشارات زرّین، پاییز ۱۳۷۱
- ۱۲ - افشین، یدالله. رودخانه‌های ایران، جلد دوم، تهران، شرکت مهندسین مشاور جاماب، ۱۳۷۳
- ۱۳ - امیرلو، عنایت‌الله. مجموعه شهدای فهرج، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ۷ - ۱۲ اسفند ۱۳۷۴، جلد دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵
- ۱۴ - انجوی شیرازی، سیّد ابوالقاسم. تمثیل و مثل، جلد اوّل، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲
- ۱۵ - اولیاء، محمّد رضا. فهرست کل آثار تاریخی، یزد نگین کویر، یزد، انجمن کتابخانه‌های عمومی یزد، زمستان ۱۳۷۵
- ۱۶ - ایل میلیونه. سفرنامه مارکوپولو، ترجمه سیّد منصور سیّد سجادی و آنجلادی جوانی رومانو، تهران، انتشارات بوعلی، پاییز ۱۳۶۹
- ۱۷ - بارتولد، واسیلی. تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۲
- ۱۸ - بزرگ‌زاد، حبیب‌الله. جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی در ایران پیش از اسلام، اصفهان، مهر ۱۳۵۰
- ۱۹ - بنی‌احمد، احمد. راهنمای تاریخ شاهنشاهی ایران، تهران، شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، تهران، ۱۳۴۵

- ۲۰ - به آذین، م. قالی ایران، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۴
- ۲۱ - بیات، عزیزالله. کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷
- ۲۲ - پاپلی یزدی، محمد حسین. فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، مشهد، آستان قدس رضوی، بهمن ۱۳۶۷
- ۲۳ - پتروف، م. پ. مشخصات جغرافیای طبیعی ایران، ترجمه حسین گل‌گلاب، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۰
- ۲۴ - پویا، سید عبدالعظیم. زندان سکندر از نگاهی دیگر، مجموعه مقالات انجمن‌واره بررسی مسایل ایران شناسی، به‌کوشش علی موسوی گرمارودی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۱
- ۲۵ - پویا، سید عبدالعظیم. سیمای باستانی شهر میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۱
- ۲۶ - پویا، سید عبدالعظیم. معماری و کارکرد ایستگاه‌های کاروانی، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۷-۱۲ اسفند ۱۳۷۴، جلد دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵
- ۲۷ - پیرنیا (مشیرالدوله) حسن. ایران باستان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۶
- ۲۸ - پیرنیا، محمد کریم و افسر، کرامت‌الله. راه و رباط، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور و انتشارات آرمین، ۱۳۷۰
- ۲۹ - تبریزی، محمد بن خلف. برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱
- ۳۰ - ثمره، یدالله. پاره‌ای ویژگی‌های دستوری گویش دری، گونه زین آبادی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، سال ۲۳، شماره ۴، زمستان، ۱۳۵۵

- ۳۱ - جانب الهی، محمد سعید. زیلویافی در میبد، مجله میراث فرهنگی، سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز ۱۳۷۰
- ۳۲ - جعفری، جعفر بن محمد. تاریخ یزد، به اهتمام ایرج افشار یزدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳
- ۳۳ - جعفری، عباس. شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، تهران، انتشارات گیتاشناسی، دی ماه ۱۳۶۳
- ۳۴ - جعفری، عباس. گیتاشناسی ایران، جلد اول، کوه‌ها و کوهنامه ایران، تهران، انتشارات گیتاشناسی، مهر ۱۳۶۸
- ۳۵ - جکسن، ابراهیم و لتاین ویلیامز. سفرنامه جکسن، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات خوارزمی، فروردین ۱۳۶۹
- ۳۶ - حاجی شعبانی، محمد. یزد و صنعت توریسم، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۷۸۲، ۱۹ خرداد ۱۳۷۵
- ۳۷ - حاجی شعبانی، محمد. یزد در مسیر توسعه، یزد نگین کویر، یزد، انجمن کتابخانه‌های عمومی یزد، زمستان ۱۳۷۵
- ۳۸ - حدودالعالم، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۲
- ۳۹ - حسینی، حسام‌الدین. کالمند و بهادران، زیستگاه امن آهوان در کویر یزد، روزنامه همشهری، سال ۶، شماره ۱۶۰۹، ۱۷ مرداد ۱۳۷۷
- ۴۰ - حیدریه‌زاده، محمود. بلوک میبد، تهران، انتشارات چکیده، تابستان ۱۳۵۷
- ۴۱ - دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها. جغرافیای کامل ایران، جلد دوم، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶
- ۴۲ - دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا، جلد دوم، تهران، انتشارات

- دانشگاه تهران، ۱۳۲۵
- ۴۳ - رضی، هاشم. جشن مهرگان، یلدا، تهران، سازمان چاپ و انتشارات
فروهر، اسفند ۱۳۵۸
- ۴۴ - روزنامه جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۶، شماره ۴۵۱۶، ۶ دی
۱۳۷۳
- ۴۵ - روزنامه کیهان، شماره ۱۴۰۵۳، ۲۹ آبان ۱۳۶۹
- ۴۶ - روزنامه کیهان، شماره ۱۶۲۸۳، ۱۱ مرداد ۱۳۷۷
- ۴۷ - روزنامه همشهری، سال ۶، شماره ۱۶۵، ۱۲ مرداد ۱۳۷۷
- ۴۸ - زنجانی، حبیب‌الله. راهنمای جمعیت شهرهای ایران، تهران، مرکز
مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۱۳۶۸
- ۴۹ - سازمان برنامه و بودجه استان یزد. آمارنامه ۱۳۷۵ استان یزد، اسفند
۱۳۷۶
- ۵۰ - سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های یزد،
جلد ۸۳، تهران، ۱۳۶۹
- ۵۱ - سازمان حفاظت محیط زیست. پرندگان ایران، تهران، تیر ۱۳۶۲
- ۵۲ - سپهری اردکانی، علی. تاریخ اردکان، جلد اول، اردکان، کانون کتاب
ولی عصر (عج)، ۱۳۶۴
- ۵۳ - سروشیان، جمشید سروش. فرهنگ بهدینان، به کوشش منوچهر
ستوده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶
- ۵۴ - سعادت، فتح‌الله و امینی، امیر هوشنگ. جغرافیای اقتصادی ایران،
تهران، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۵
- ۵۵ - سلطان‌زاده، حسین. نایین، شهرهای ایران، جلد دوم، به کوشش محمد
یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶

۵۶ - شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد. مجمع الانساب، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳

۵۷ - شریعت‌زاده، سید علی اصغر. نقش بادگیر در ناحیه جنوبی دشت کویر، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۷ - ۱۲ اسفند ۱۳۷۴

۵۸ - شکوهی، مهرداد. مسجد جامع فهرج، ترجمه احمد حب علی موجانی، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال سوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۶۷

۵۹ - شهابی، فاطمه. متل یزدی، مجله فردوسی، شماره ۹۱۱، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۸

۶۰ - شهزادی، موبد رستم. سده یا جشن پیدایش آتش، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، سال ۶، شماره ۱، اردیبهشت ۱۳۴۷

۶۱ - شهردان، رشید. تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان، تهران، فروردین ۱۳۶۰

۶۲ - صفا، ذبیح‌الله. سیری در تاریخ زبان‌ها و ادب ایرانی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی، ۱۳۵۵

۶۳ - ضیاءپور، جلیل. پوشاک ایل‌ها، چادر نشینان و روستاییان ایران، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، بنی‌تا

۶۴ - ضیایی، هوشنگ. راهنمای صحرایی پستانداران ایران، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۵

۶۵ - فاموری، جلال و دیوان، م. ل. خاک‌های ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات خاک و آب وزارت کشاورزی و عمران روستایی، شهرپور ۱۳۵۸

- ۶۶ - فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷
- ۶۷ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهار ۱۳۷۵
- ۶۸ - قبادیان، عطاءالله. سیمای طبیعی فلات ایران، کرمان، دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۶۹
- ۶۹ - قبادیان، عطاءالله. فلات مرکزی ایران، سیمای طبیعی استان یزد در ارتباط با مسایل کویری، اهواز، دانشگاه جندی شاپور، آذر ۱۳۶۱
- ۷۰ - کاتب، احمد بن حسین بن علی. تاریخ جدید یزد، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷
- ۷۱ - کتبی، محمود. تاریخ آل مظفر، به اهتمام و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران، کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۵
- ۷۲ - کریستن سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۵
- ۷۳ - کشاورز، کیخسرو. فرهنگ زرتشتیان یزد، آمریکا، ۱۹۹۳ م.
- ۷۴ - کمیسیون ملی یونسکو در ایران. ایران‌شهر، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲
- ۷۵ - کوهی کرمانی، حسین. هفتصد ترانه از ترانه‌های روستایی ایران، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵
- ۷۶ - کیانی، محمد یوسف و کلایس، ولفرام. کاروانسراهای ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، زمستان ۱۳۷۳
- ۷۷ - گابریل، آلفونس. تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۸

- ۷۸ - لسترنج، گی. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴
- ۷۹ - لطیفی، محمود. مارهای ایران، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، پاییز ۱۳۶۴
- ۸۰ - ماهنامه فروهر، شماره ۱، دی ۱۳۶۳
- ۸۱ - مبینی، محمد علی. صنایع دستی و شیرینی‌های یزد. یزد نگین کویر، یزد، انجمن کتابخانه‌های عمومی یزد، زمستان ۱۳۷۵
- ۸۲ - مجله فضیلت، شماره ۸۵، ۶ آذر ۱۳۷۰
- ۸۳ - مدرس زاده، سید محمد حسین. ابرکوه و راه ابریشم، اصفهان، شرکت فیروز، نشر سپاهان، ۱۳۷۰
- ۸۴ - مرکز آمار ایران. سالنامه آماری ۱۳۶۹ کشور، تهران، دی ۱۳۷۰
- ۸۵ - مرکز آمار ایران. شناسنامه آماری شهرهای استان یزد، تهران، ۱۳۷۲
- ۸۶ - مرکز آمار ایران. مساحت و مختصات جغرافیایی شهرهای کشور، تهران، دی ماه ۱۳۶۴
- ۸۷ - مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کل کشور، تهران، شهریور ۱۳۷۶
- ۸۸ - مزای، میشل. پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، تهران، ۱۳۶۳
- ۸۹ - مستوفی بافقی، محمد مفید. جامع مفیدی، جلد سوم، بخش دوم، تهران، کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۰، ص ۷۲۶
- ۹۰ - مستوفی، حمدالله. نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابخانه طهوری، اسفند ۱۳۳۶
- ۹۱ - مشیرپور، میر محمد. تاریخ تحول لباس در ایران، از آغاز تا اسلام،

- مشهد، کتابفروشی زوار و پسران، اسفند ۱۳۴۵
- ۹۲ - مصطفوی، سید محمد تقی. اقلیم پارس، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۳
- ۹۳ - موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق، تاریخ گیتی‌گشا، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۳
- ۹۴ - مهدوی، مسعود. پهنه ناشناخته کویر، مجله ایران زمین، سال ۲، شماره ۴ و ۵، تابستان ۱۳۷۲
- ۹۵ - میرحسینی، محمد حسن. تاریخ یزد، یزد نگین کویر، یزد، انجمن کتابخانه‌های عمومی یزد، زمستان ۱۳۷۵
- ۹۶ - نایینی، جعفر بن محمد حسین. جامع جعفری، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳
- ۹۷ - وزارت کشور. سازمان تقسیمات کشوری ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر تقسیمات کشور، ۱۳۷۶
- ۹۸ - هاکس، مریت، ایران افسانه و واقعیت، ترجمه محمد حسین نظری نژاد و دیگران، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱
- ۹۹ - هرن، پاول. تاریخ مختصر ایران، از آغاز اسلام تا آغاز سلطنت پهلوی، ترجمه رضا زاده شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹
- ۱۰۰ - هنری، مرتضی. مقدمه‌ای بر شناخت نوروز، مجله هنر و مردم، سال ۱۲، شماره ۱۳۸، فروردین ۱۳۵۳
- ۱۰۱ - یعقوبی، احمد بن اسحاق. البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷

آثار نگارنده

آثاری که تاکنون چاپ و نشر شده‌اند:

- ۱- نگاهی به سیستان و بلوچستان
- ۲- نگاهی به ایلام
- ۳- نگاهی به خوزستان
- ۴- واژه‌نامهٔ سیستانی
- ۵- سیستان‌نامه، جلد اوّل
- ۶- سیستان‌نامه، جلد دوم
- ۷- مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران،
جلد اوّل- کتاب سال ۱۳۶۷
- ۸- مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران،
جلد دوم- کتاب سال ۱۳۶۷
- ۹- مقدمه‌ای بر شناخت طوایف سرگلزایی و بارکزایی سیستان و بلوچستان
- ۱۰- بزرگان سیستان
- ۱۱- نگاهی به بوشهر، جلد اوّل
- ۱۲- نگاهی به بوشهر، جلد دوم
- ۱۳- نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد اوّل
- ۱۴- نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد دوم

- ۱۵ - نگاهی به آذربایجان غربی، جلد اول
- ۱۶ - نگاهی به آذربایجان غربی، جلد دوم
- ۱۷ - مقالات ایران‌شناسی
- ۱۸ - سفرنامه و خاطرات امیر عبدالرحمان خان و تاریخ افغانستان، جلد اول
- ۱۹ - سفرنامه و خاطرات امیر عبدالرحمان خان و تاریخ افغانستان، جلد دوم
- ۲۰ - عشایر و طوایف سیستان و بلوچستان
- ۲۱ - جزیره کیش و دریای پارس
- ۲۲ - پزشکی سنتی مردم ایران، جلد اول
- ۲۳ - پزشکی سنتی مردم ایران، جلد دوم
- ۲۴ - جزیره هندرابی و دریای پارس و جزایر فارور و فارورگان
- ۲۵ - جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک
- ۲۶ - کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، جلد اول
- ۲۷ - کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن، جلد دوم
- ۲۸ - ایلام و تمدن دیرینه آن
- ۲۹ - بلوچستان و تمدن دیرینه آن
- ۳۰ - چابهار و دریای پارس
- ۳۱ - خوزستان و تمدن دیرینه آن، جلد اول
- ۳۲ - خوزستان و تمدن دیرینه آن، جلد دوم
- ۳۳ - سیمای ایران
- ۳۴ - کولی‌ها - پژوهشی در زمینه کولی‌های ایران و جهان
- ۳۵ - نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی
- ۳۶ - کیش، مروارید خلیج فارس
- ۳۷ - جغرافیای تاریخی دریای پارس

آثار زیر چاپ

- ۳۸ - جهانگردی در ایران
- ۳۹ - نام شهرهای ایران
- ۴۰ - فرهنگ مردم ایران، استان‌های: آذربایجان باختری، خاوری، اردبیل
- ۴۱ - فرهنگ مردم ایران، استان‌های: اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران
- ۴۲ - فرهنگ مردم ایران، استان‌های: چهارمحال بختیاری، خراسان، خوزستان
- ۴۳ - فرهنگ مردم ایران، استان‌های: زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس
- ۴۴ - فرهنگ مردم ایران، استان‌های: قزوین، قم، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، لرستان
- ۴۵ - فرهنگ مردم ایران، استان‌های: گیلان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد
- ۴۶ - فرهنگ مردم ایران، اقلیت‌های مذهبی زرتشتی، کلیمی، مسیحی.
- ۴۷ - سرزمین و مردم قطر
- ۴۸ - شناخت استان خراسان
- ۴۹ - شناخت استان یزد
- ۵۰ - شناخت استان اصفهان
- ۵۱ - شناخت استان هرمزگان
- ۵۲ - شناخت استان سمنان



بدگیر یزد

برخی از عکس‌های این مجموعه از کتاب‌های
زیر انتخاب شده‌اند.

- ۱- یزد مگین کویر
- ۲- سیمای باستانی شهر میبد
- ۳- حورشید ایران
- ۴- مجموعه اختصاصی مؤلف



میدان شهدای بیرد



پیر سید، بازار گاه در شنبان در بیرد



مرد سحتکوش بیردی با پوشاک سنی



کمر بید



نادر دهر دولت آباد

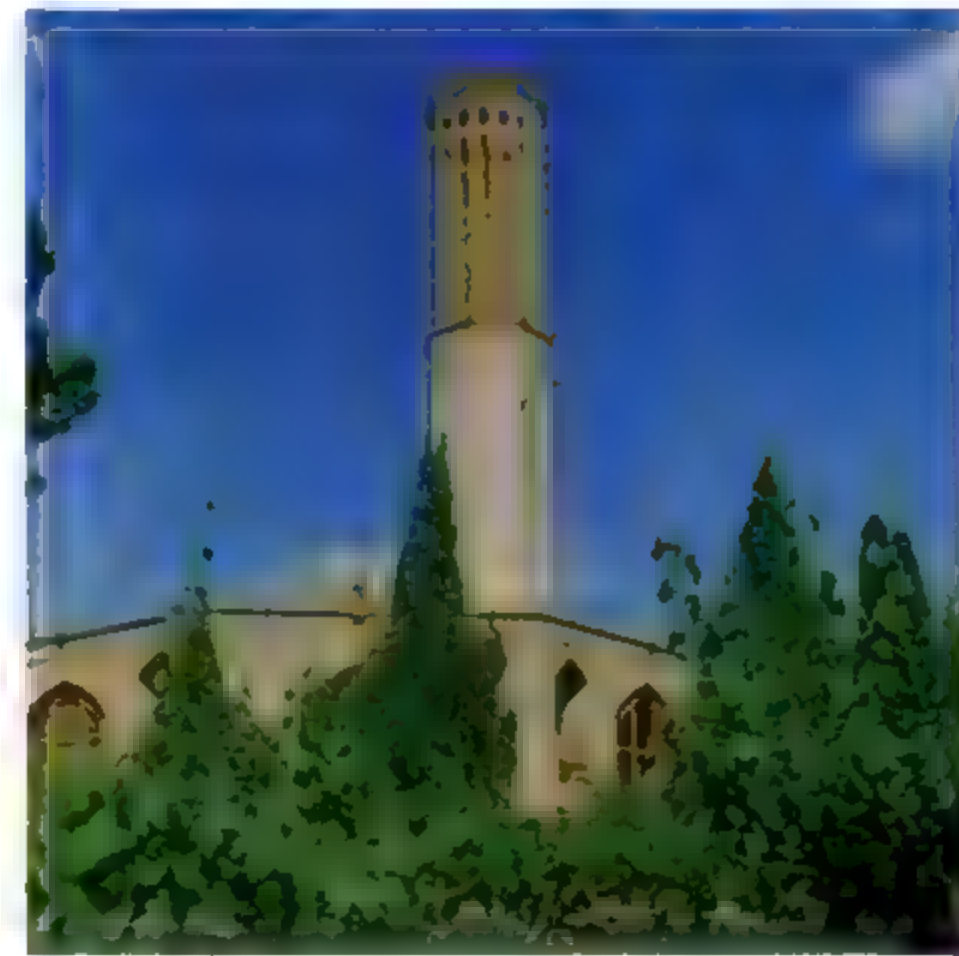


سیر و آبر کوه



ضیعت بید

نمادنی از بادگیرهای متنوع شهر یزد



گچ بری محراب مسجد جامع ابرکوه



بخشی از کتیبه گچ بری شده مسجد جامع ابرکوه



گنبد عی سرشناس به عالی، ابرکوه







کدام سد بزرگ



نمایی از شهر یزد

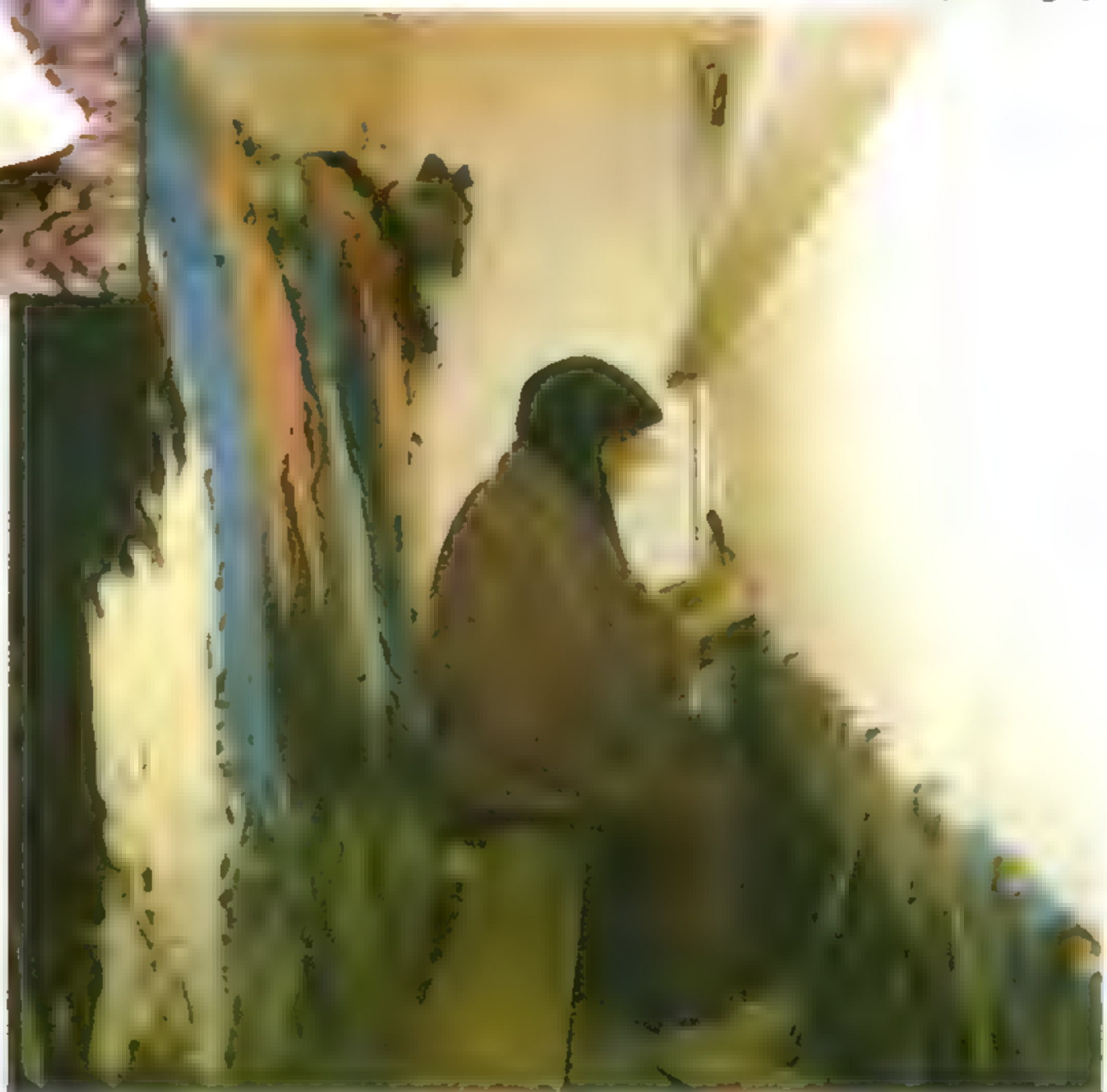
کارگاه شیرینی پزی یزد

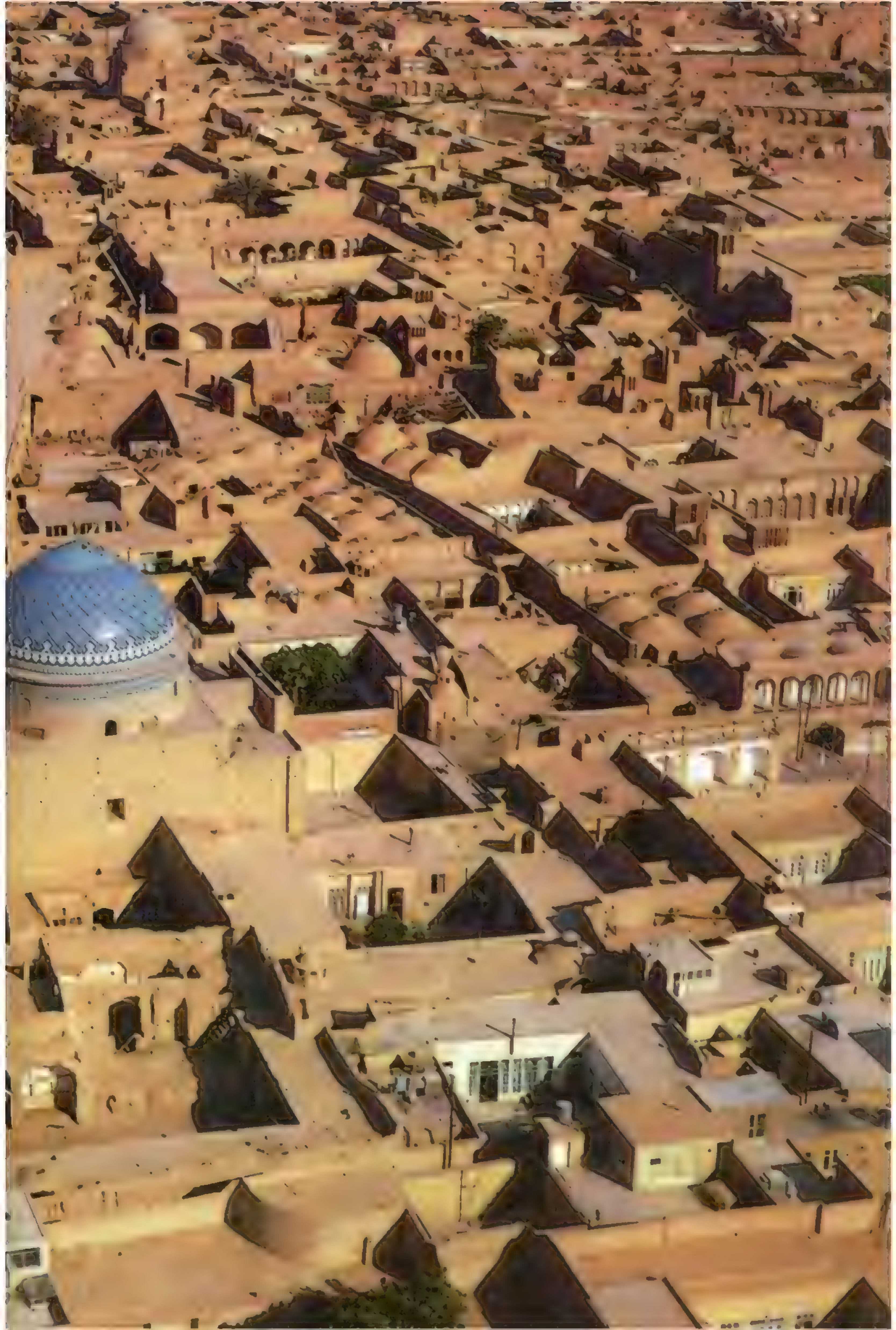


شیرینی یزد



فرش دوف بردی









نمایی از مسجد جامع اصفهان



کارخانه فیبر نوری



کارخانه فیبر نوری

تشکده رشتیان

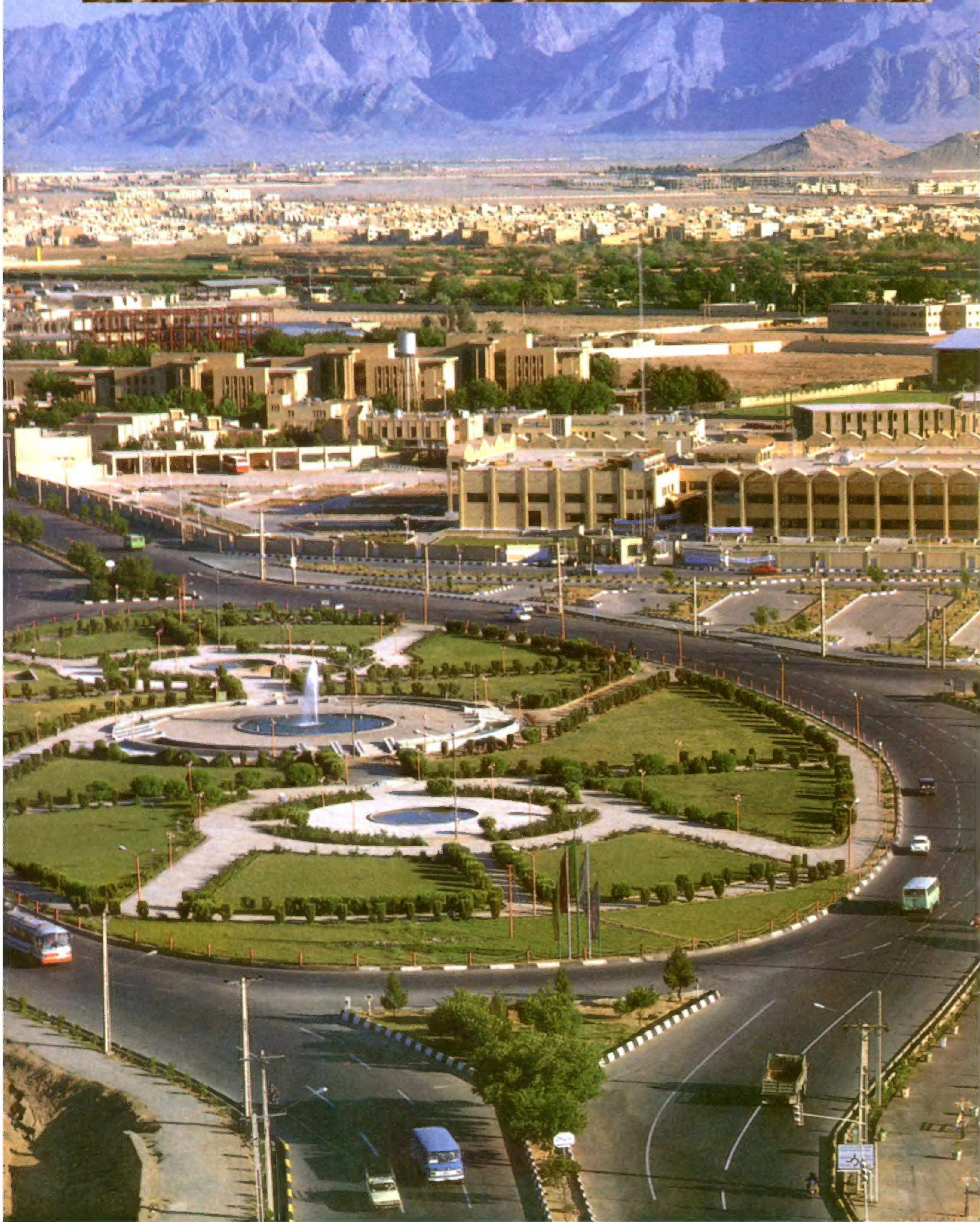


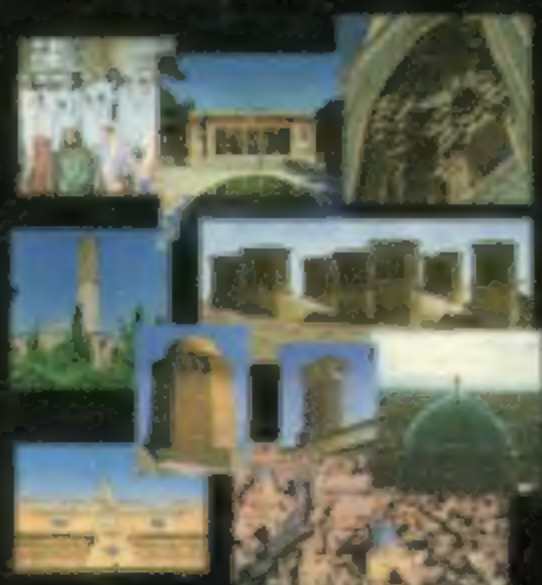
جشن فروردین گان زرتشتیان یزد



نقش فره وهر در سردر آتشکده زرتشتیان







مجموعه طرح جامع ایران‌شناسی و گردشگری که در بیست و هشت جلد برای بیست و هشت استان کشورمان تدوین یافته، کوشش می‌کند تا جدیدترین آگاهی‌های عمومی در حوزه‌های گوناگون ایران‌شناختی را به آگاهی خوانندگان علاقه‌مند برساند.

در این کتاب شما می‌خوانید:

جغرافیا: آگاهی‌های زمین‌شناختی، ناهمواری‌ها، کوه‌ها،

آب و هوا، رودها، پوشش گیاهی و زندگی جانوری.

تاریخ: نام و پیشینه تاریخی، آثار باستانی.

تقسیمات کشوری: تقسیمات کشوری استان و شهرستان‌ها و نگاهی به شهرستان‌ها و شهرها.

ویژگی‌های اجتماعی: نژاد، زبان، دین، جمعیت، ایل‌ها و چادرنشینان.

فرهنگ عامه: عیدها، جشن‌ها، باورها، ضرب‌المثل، داستان، موسیقی، ازدواج، سوگواری،

خوراک، پوشاک، درمان‌های سنتی و ...

اقتصاد: کشاورزی، دامداری، دامپروری، هنرهای دستی، صنایع ماشینی، صنعت

جهانگردی، بازرگانی، راه‌ها و حمل و نقل.

ایرج افشار (سیستانی) نویسنده و پژوهش‌گر ایران‌شناس که آثار ارزشمند و ماندنی در زمینه

پژوهش‌های ایران‌شناختی به یادگار نهاده‌اند، به پاس سالیان دراز خدمت، و پژوهش و نگارش کتاب

ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، در سال ۱۳۶۷ ه. ش. از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی به عنوان نویسنده و پژوهشگر برگزیده سال انتخاب شده است.

از وی تاکنون هشتاد جلد کتاب در زمینه ایران‌شناختی و بیش از یکصد و پنجاه مقاله پژوهشی،

تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و علمی در مجله‌ها، فصلنامه‌ها، سخنرانی در همایش‌های داخل و

خارج کشور چاپ و نشر شده است.

ISBN 964-5521-03-3



9 789645 521033

Hirmand
Publisher
P.O.Box: 13145-459
Tehran-Iran



انتشارات شیرمند ۱ ۹ ۹ ۹

قیمت: ۱۷۵۰ تومان